

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجتماعی  
روان‌شناختی  
**زنان**  
مطالعات

سال ۲۱، شماره ۲

تابستان ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۷۵

فصل‌نامه علمی - پژوهشی

صاحب امتیاز دانشگاه الزهراء (س)، پژوهشکده زنان

مدیر مسئول دکتر روشنک خدا بخش

سر دبیر دکتر خدیجه سفیری

هیأت تحریریه

دکتر زهرا افشاری

استاد دانشگاه الزهراء (س)

دکتر احمد جعفرنژاد

استاد دانشگاه تهران

دکتر زهره خسروی

استاد دانشگاه الزهراء (س)

دکتر هما زنجانی‌زاده

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر خدیجه سفیری

استاد دانشگاه الزهراء (س)

دکتر محمدمصدق مهدوی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سیده‌منوره یزدی

استاد دانشگاه الزهراء (س)

ویراستار فارسی

ویراستار انگلیسی

دبیر اجرایی

صفحه‌آرا

طراح جلد

ترتیب انتشار

شماره پروانه انتشار

شماره علمی-پژوهشی

شمارگان

وب‌گاه

نشانی

تلفن

فکس

تلفن عمومی

پست الکترونیک

علی مرادی

دکتر سعید کبیری

فرزانه شکری

علی مرادی

اشرف موسوی لر

فصلی

۱۲۴/۱۴۰۶

۱۶۸۹۳۴/۳

۱۵۰۰

<http://jwspz.alzahra.ac.ir>

تهران، خیابان ونک،

کدپستی ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

۸۸۰۵ ۸۹۲۶

۸۸۰۴ ۹۸۰۹

۸۸۰۴ ۴۰۵۱-۹

داخلی ۲۰۸۰

[jwspz@alzahra.ac.ir](mailto:jwspz@alzahra.ac.ir)

این فصل‌نامه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و نیز ایران

ژورنال (نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری)

نمایه می‌شود و دارای ضریب تأثیر در این نظام (ISC) است.

بخشی از هزینه این شماره از سوی «معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء(س)» تأمین شده‌است.

**مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان**

حق چاپ © ۱۳۹۷ پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)  
نشریه با انجمن جامعه‌شناسی ایران همکاری دارد.



انجمن جامعه‌شناسی ایران

همه حقوق از آن ناشر است. چاپ، بازنشر و کپی این فصل‌نامه یا بخش‌های آن، به هر شکل، نیازمند اجازه کتبی ناشر است.  
چاپ شده در جمهوری اسلامی ایران

درجه علمی - پژوهشی فصل‌نامه **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان**، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۹۰/۸/۳۰، با شماره ۱۶۸۹۳۴/۳ تمدید اعتبار و ابلاغ شد.

فصل‌نامه **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** در پایگاه‌های داده‌ای زیر نمایه می‌شود:

- مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری ([www.srlst.com](http://www.srlst.com))
- پایگاه اطلاعات علمی، جهاددانشگاهی ([www.sid.ir](http://www.sid.ir))
- پایگاه مجلات تخصصی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی ([www.noormags.com](http://www.noormags.com))
- پایگاه اطلاعات نشریات کشور ([www.magiran.com](http://www.magiran.com))

## راهنمای فرستادن مقاله

- مقاله نباید پیش‌تر، در مجله‌های فارسی زبان داخل یا خارج کشور چاپ شده باشد.
- مقاله باید در ساختار سازگار با Microsoft®Word2010 به نشانی <http://jwsp.s.alzahra.ac.ir> فرستاده شود و به ترتیب دارای این بخش‌ها باشد:
  ۱. شناسه‌های نویسنده(گان): نام؛ رتبه و وابستگی دانشگاهی یا سازمانی به فارسی و انگلیسی؛ نشانی ایمیل؛ و نوشته‌ای کوتاه دربارهٔ پیشینهٔ آموزشی و پژوهشی؛
  ۲. شمارهٔ تلفن و نشانی نویسندهٔ مسئول؛
  ۳. عنوان مقاله به فارسی و انگلیسی؛
  ۴. چکیدهٔ مقاله و واژگان کلیدی - به فارسی و انگلیسی؛
  ۵. متن مقاله؛
  ۶. فهرست منابع - نخست منابع فارسی / عربی و سپس زبان‌های دیگر.
- متن مقاله نباید از ۶۰۰۰ واژه و چکیده‌ها نباید از ۲۰۰ واژه بیش‌تر باشد.
- در متن مقاله، باید با آوردن نام نویسنده(گان) و سال به منابع ارجاع داده شود. برای نوشته‌های برداشت شده از منبع، باید شمارهٔ صفحه نیز آورده شود.
- فهرست منابع باید به ترتیب الفبایی نام خانوادگی و با نگارش زیر آورده شود.

**کتاب:** نام خانوادگی، نام نویسنده(گان). سال چاپ. نام کتاب، شمارهٔ جلد. نوبت چاپ. نام مترجم به فارسی. محل نشر: نام ناشر.

**مقاله** نام خانوادگی، نام نویسنده(گان). سال چاپ. «عنوان مقاله» نام مجله دوره یا سال(شماره): شمارهٔ صفحات.

**پایان نامه** نام خانوادگی، نام نویسنده. سال نگارش. «عنوان پایان‌نامه». دورهٔ آموزشی پایان‌نامه، گروه، دانشکده، دانشگاه، محل دانشگاه.
- برای همهٔ اصطلاح‌ها و نام‌های نافرسی، اصل آن در پانویس آورده شود.
- **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** ترجیح می‌دهد نوشتارهایی را چاپ کند که دست‌آورد پژوهش‌های ایرانی دربارهٔ مسائل زنان در ایران باشد.
- **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است.
- مسئولیت مطالب آمده در مقاله‌ها، با نویسنده(گان) است.
- مجله **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** فقط مقاله‌هایی را می‌پذیرد که در قالب موضوعات اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی زنان و جنسیت باشد.





## فهرست

۷-۳۳	<p>روایت زنان کارآفرین دانشگاهی از بازیابی نقش اجتماعی- اقتصادی خود در بستر کارآفرینی سطح خرد و متوسط</p> <p>زهرا میرحسینی صغری عاشوری</p>
۳۴-۶۱	<p>بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی از دیدگاه جامعه‌شناسی</p> <p>صدیقه رضایی پاشا فریده شریفی فر محمود شارع پور علی اصغر کیا</p>
۶۲-۸۸	<p>طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای در زنان متقاضی طلاق ناشی از همسرآزاری</p> <p>فاطمه نظام‌آبادی سعید موسوی‌پور نگار خوشنویس</p>
۸۹-۱۲۱	<p>واکاوای حمایت اجتماعی و وابسته‌های آن در تجربه زیسته مادران دارای کودک اتیسم</p> <p>سمیه سادات شفیعی مریم شفیعی</p>
۱۲۲-۱۵۰	<p>پیش‌بینی وابستگی به تلفن همراه بر اساس کمرویی با واسطه نیازهای اساسی روان‌شناختی در نوجوانان دختر</p> <p>سارا ابراهیمی</p>
۱۵۱-۱۷۸	<p>تبیین علی‌کمال‌گرایی دختران بر اساس صفات تاریک شخصیت، خود ارزشمندی مشروط و خودکارآمدی تحصیلی</p> <p>توحید اشرف زاده سیاوش شیخ‌علیزاده</p>
۱۷۹-۲۱۷	<p>مادری در قلمرو اجتماعی- فرهنگی یک مطالعه کیفی انتقادی</p> <p>فائزه جعفری سیریزی عباس عسکری ندوشن علی روحانی</p>







## روایت زنان کارآفرین دانشگاهی از بازیابی نقش اجتماعی- اقتصادی خود در بستر کارآفرینی سطح خرد و متوسط

زهرا میرحسینی<sup>۱</sup>

صغری عاشوری<sup>۲</sup>

### چکیده

تمایل زنان دانشگاهی به استخدام در سازمان‌های دولتی و خصوصی مسئله‌ای قابل انکار نیست. اما، علاقه و اشتیاق برخی زنان به کارآفرینی و داشتن کسب‌وکار مختص به خود پدیده‌ای تأمل‌برانگیز است که می‌تواند زمینه ارتقاء مشارکت اجتماعی و کاهش بیکاری زنان دانشگاهی را فراهم کند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف فهم علل گرایش زنان دانشگاهی به کارآفرینی در سطوح خرد و متوسط، با استفاده از روش کیفی و پدیدارشناسی تفسیری و انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ زن کارآفرین فارغ‌التحصیل دانشگاه به بررسی روایت آنان از بازیابی نقش اجتماعی- اقتصادی خود در بستر کارآفرینی در سطح خرد و متوسط پرداخته که نتایج نشان داد «شکوفایی خلاقیت زنانه»، «کارآفرینی پیوندزنده هویت چندگانه زنان»، «بلعبده‌شدن اعتماد و خلاقیت زنان» و «کارآفرینی بازی دو سر سود»، چهار مقوله اصلی به‌دست آمده از دل مصاحبه‌های انجام شده هستند و تجربه‌زیسته زنان کارآفرین در مواجهه با کارآفرینی را ترسیم می‌نماید. در مجموع یافته‌ها نشان داد فقدان ساختارهای اجتماعی در همراهی زنان و نرخ پایین اشتغال رسمی آنها، موجب روی آوردن آنان به ساختارهای خودساخته اجتماعی جدیدی همچون کارآفرینی می‌گردد. کارآفرینی این قابلیت را دارد که به‌عنوان زمینه‌ای جهت ابراز توانمندی‌ها و مهارت‌های زنانه و عرصه فعالیت و ایفای نقش اجتماعی و اقتصادی آنها تعریف شود. بر این اساس می‌تواند سیاست‌گذاران به‌طور جدی به مسئله کارآفرینی زنان توجه نمایند تا امکان تدوین سیاست‌گذاری کارآمد در حوزه زنان در جهت بازیابی نقش اجتماعی- اقتصادی آنها فراهم گردد.

<sup>۱</sup>. استادیار گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
Z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

<sup>۲</sup>. کارشناسی ارشد مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
sad.ashuri@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

## واژگان کلیدی

کارآفرینی، زنان کارآفرین، کنش کارآفرینانه، نقش اجتماعی-اقتصادی

## مقدمه و بیان مسئله

پدیده ملموس جهانی عصر حاضر در حوزه زنان، گرایش توأم با میل و رغبت آنان به سمت اشتغال است. اما، از آنجا که اشتغال در بازارهای رسمی و سنتی اغلب در سیطره مردان قرار دارد، کارآفرینی و اشتغال در مشاغل غیردولتی مهم‌ترین گزینه پیش روی زنان است. به طوری که طبق بررسی‌های انجام شده در یک دهه اخیر، اشتغال در منزل به‌عنوان نوعی از اشتغال غیررسمی و تاحد زیادی خلاقانه، درجه محبوبیت بیشتری نسبت به اشتغال در فضای اداری نزد زنان داشته است (سینگ و مانیشا، ۲۰۱۳ و دیزجی و زینی، ۱۳۹۷). ویژگی‌های این‌گونه مشاغل از جمله امکان تنظیم امور شغلی و نقش‌های مربوط به خود از علل محبوبیت این دست از کسب‌وکارها نزد زنان است (صادقی‌فسایی و همکاران، ۱۳۹۷). اگرچه آمار دقیقی از نرخ کارآفرینی زنان و زمینه‌های آن در منابع معتبر وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به افزایش تمایل زنان به مشارکت و انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، کسب‌وکارهای کوچک و سطح متوسط قابلیت رشد بالایی در میان جمعیت زنان دارند.

در سال‌های اخیر، نقش زنان در کنش کارآفرینانه<sup>۲</sup> و چرخه اقتصادی به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه اهمیت قابل توجهی پیدا کرده است. چرا که پیشرفت هر کشوری بیشتر از این‌که در گرو منابع زیرزمینی آن باشد، در گرو منابع انسانی آن است. زیرا، منابع انسانی با نبوغ و مهارت خود و همچنین، بهره‌گیری از منابع طبیعی موجبات رشد و تعالی را رقم می‌زنند. در سال‌های اخیر، علی‌رغم این‌که کارآفرینی و نقش زنان به‌عنوان یکی از مسیرهای منتهی به رشد و توسعه اقتصادی مورد توجه کشورها قرار گرفته، اما زنان کارآفرین چندان در این عرصه مورد توجه واقع نشده‌اند. این در صورتی است که کارآفرینی زنان علاوه‌بر کمک به رهایی از فقر و کسب درآمد آنها،

1. Singh & Manisha

2. Entrepreneurial Action

ساعات کاری منعطفی دارد و می‌تواند تعارضات بین مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی برای آنان را به حداقل برساند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷).

تجربه ملل مختلف همچون هند و ترکیه نشان داده که کشورهای قائل به تفکر تولیدی، در بلندمدت موفق‌تر خواهند بود. کارآفرینی نیز با به‌کارگیری دانش، خلاقیت، نوآوری و ابزار می‌تواند سبب تولید و اشتغال و کاهش بیکاری گردد. به همین علت می‌توان گفت کارآفرینی در همین منظومه ترسیم شده از توسعه اقتصادی می‌گنجد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). در ایران نیز در برنامه ششم توسعه که با هدف ارتقاء کشور در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تدوین شده و سیاست‌های ابلاغی آن بر مبنای ایدئولوژی اسلامی استوار است، بر حمایت و پیشبانی از مشاغل و کسب‌وکارهای خانگی و خرد زنانه در جهت بهبود معیشت خانوارها و رشد اقتصادی کشور تأکید شده است (مرندی و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به آنچه بیان شد، موضوع کارآفرینی زنان دانشگاهی و پرداختن به ابعاد آن به‌ویژه شنیدن تجربیات و روایت‌های آنها از چگونگی مواجهه با کارآفرینی و بازیابی نقش اجتماعی- اقتصادی خود در فعالیت‌های سطح خرد و متوسط در جامعه جهت ایجاد سیاست‌گذاری‌های کارآمد حوزه زنان امری حائز اهمیت است. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف شناسایی ابعاد پنهان و ناشناخته تجربه زنان کارآفرین دانشگاهی انجام شده تا از رهگذر کاربرد نتایج حاصله در جهت سیاست‌گذاری کارآمد، زمینه ارتقاء مشارکت اجتماعی و کاهش بیکاری و افزایش نشاط و شادی زنان دانشگاهی فراهم گردد و در نهایت موجب تحقق توسعه اجتماعی- اقتصادی در جامعه شود (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸). علاوه بر این، تغییر سبک زندگی در عصر مدرن، زنان را که غالباً فارغ‌التحصیل مراکز آموزش عالی کشور هستند برآن داشته تا برای خود نقش‌های اجتماعی و اقتصادی تعریف کنند. بررسی سیر تحولات نقش‌های اقتصادی زنان از انقلاب صنعتی تاکنون نشان‌دهنده تغییر سبک نقش‌آفرینی اجتماعی- اقتصادی آنان در جامعه است. به‌گونه‌ای که امروزه شاهد گرم شدن بازار کارآفرینی زنان در سطوح خرد و متوسط هستیم. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد آن است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که کارآفرینی سطح خرد و متوسط چگونه می‌تواند سبب بازیابی نقش اجتماعی- اقتصادی زنان دانشگاهی و ترغیب آنان به این کنش اقتصادی گردد؟ هدف از انجام این پژوهش فهم این مسئله است که زنان دانشگاهی به چه دلیل سبک نقش‌آفرینی اقتصادی‌شان به سوی کارآفرینی سطح خرد و متوسط

گرویده و این موضوع را چگونه توصیف و تفسیر می‌نمایند. نکته حائز اهمیت در این پژوهش، شنیدن روایت‌ها و تجربیات زنان کارآفرینی است که اغلب پس از فارغ‌التحصیلی یا در حین تحصیل به کارآفرینی ورود نموده و با وجود ویژگی‌های فردی و اجتماعی متمایز، همه به‌عنوان زنی با تحصیلات دانشگاهی، تجربه زیسته مشترک کارآفرینی دارند و چه بسا حیطه کارآفرینی آنان، در ارتباط با رشته تحصیلی شان نباشد. لذا، پژوهش پیش‌رو کاملاً متفاوت با مبحث زنان کارآفرین دانشگاهی است که در جهت تجاری‌سازی پژوهش‌های علمی مرتبط با رشته تحصیلی خود به حوزه کارآفرینی ورود می‌کنند.

### پیشینه تجربی

تحقیقات خارجی و داخلی متعددی به موضوع کارآفرینی زنان پرداخته‌اند، اما در این بخش پژوهش‌های نزدیک به موضوع تحقیق به شرح زیر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است: رحمان و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «درون‌آفرینی: نتیجه آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان بازرگانی» به بررسی نقش نگرش دانشجویان به کارآفرینی و تعیین اثر یادگیری در آموزش کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه دولتی مدن<sup>۲</sup> اندونزی پرداخته‌اند. برای این منظور از روش کمی استفاده شد و ۲۰۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که نتایج نشان داد مؤلفه‌های شناختی ابزار کلیدی در شکل‌گیری باور درون‌آفرینی و انگیزه نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در نگرش دانشجویان به کارآفرینی بوده است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد افراد کارآفرینی را در خود القاء می‌کنند، البته نه از طریق باورهای تجربی یا زمینه خانوادگی، بلکه از طریق مهارت‌هایی که به‌طور منطقی یاد گرفته و شرح داده‌اند. بنا-لونا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) با بررسی کارآفرینی دانشجویان دکتری با رویکرد جنسیتی که با روش کمی و در حجم نمونه‌ای به تعداد ۳۹۳ نفر انجام شده به این نتیجه دست یافتند که تفاوت‌های جنسیتی قابل توجهی در زمینه کارآفرینی این دانشجویان وجود دارد.

<sup>۱</sup>. Rahman et al

<sup>۲</sup>. Medan

<sup>۳</sup>. Baena-Luna et al

وامبویی و موآت<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «از توجه تا اقدام: شبکه‌های کارآفرینی و عملکرد شرکت‌های تحت مالکیت زنان: مرور نظری» به این نتیجه دست یافتند که زنان کارآفرین دارای شرکت به دلیل استفاده از شبکه‌های ارتباطی در کسب‌وکار خود پیشرفت‌های شگرفی به دست می‌آورند. نتیجه حاصل از این پژوهش بیانگر وجود رابطه مستقیم و همگرا بین شبکه‌های ارتباطی کارآفرینی و عملکرد کارآفرین خصوصاً زنان بود. از این رو پیشنهاد شد تا بر تفسیر و توضیح میانجی‌های بین شبکه‌های ارتباطی کارآفرینی و کارآفرینی زنان جهت ساخت یک رویکرد ساختارگرا تمرکز شود.

کریتنیدن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «توانمندسازی زنان کارآفرین سطح خرد در اقتصادهای نوظهور: نقش فناوری ارتباطات و اطلاعات» با استفاده از روش کمی به بررسی اثرگذاری فناوری ارتباطات و اطلاعات بر توانمندسازی زنان کارآفرین پرداخته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر عواملی چون «خودکارآمدی»، «سرمایه‌های اجتماعی» و «نادیده گرفته شدن توانمندسازی زنان کارآفرین سطح خرد» و تحلیل داده‌های به دست آمده از نظرسنجی میان ۱۹۹ زن کارآفرین آفریقای جنوبی انجام شده که نتایج نشان داد بهره‌گیری زنان کارآفرین از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، بسته به ادراکات آنها از سهولت استفاده از این ابزارها متفاوت است. به علاوه، به کارگیری فناوری‌های ارتباطی سبب ارتباط قوی‌تر زنان کارآفرین با سرمایه‌های اجتماعی‌شان و ایجاد حس خودکارآمدی در آنان می‌شود.

شهریار<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در گرایش کارآفرینی: شواهدی از جوامع مادرسالار و پدرسالار» به دنبال پاسخگویی به این سؤال برآمدند که آیا در جوامع پدرسالار و مادرسالار گرایش زنان و مردان به کارآفرینی متفاوت است؟. این مطالعه در دو مرحله انجام شد. مرحله اول میدانی بود و از مصاحبه جهت گردآوری اطلاعات از صاحبان کسب‌وکار جدید استفاده شد که نتایج نشان داد در جوامع پدرسالار، مردان بیشتر از زنان گرایش به کارآفرینی دارند و در جوامع مادرسالار زنان بیشتر از مردان گرایش به کارآفرینی دارند. مرحله دوم نیز به صورت آزمایش کنترل‌شده انجام شد و تمایل افراد به سرمایه‌گذاری مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج

<sup>۱</sup>. Wambui & Muathe

<sup>۲</sup>. Crittenden at al

<sup>۳</sup>. Shahriar at al

بیانگر نادرستی انگاره‌ای بود که علت فزونی نسبت مردان کارآفرین به زنان کارآفرین را در جنسیت‌شان می‌دید.

از مطالعات داخلی مرتبط با موضوع نیز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود.

کیخا و پورکریمی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «ترکیب پژوهی شاخص‌های اکوسیستم کارآفرینی دانشگاهی» انجام داده‌اند. داده‌های این تحقیق از طریق جستجوی کلیدواژه‌های تخصصی در پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی و در بازه زمانی (۱۳۸۷-۱۳۹۹) به دست آمده و در نهایت ۴۳ مقاله مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد در مجموع ۱۲ مقوله اصلی و ۳۳ مقوله فرعی وجود دارد که کارآفرینی دانشگاهی و نهادسازی آن، توسعه تعاملات و توسعه رویدادهای کارآفرینی، تعامل مستمر دانشگاه با صنعت، راهبردهای کارآفرینی، حکمرانی در آموزش عالی و نیروی انسانی کارآفرین از آن جمله‌اند.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین استان خوزستان با تکنیک تحلیل محتوای کیفی»، با استفاده از روش آمیخته و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۴۰ نفر از زنان کارآفرین، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج در مجموع از وجود ۱۳ ویژگی شخصیتی حکایت داشت که بر اساس نتایج آزمون فریدمن؛ مهربانی، مسئولیت‌پذیری، عمل‌گرایی و بهره‌مندی از کانون کنترل درونی بالاترین درجه اهمیت و ریسک‌پذیری پایین‌ترین درجه اهمیت را داشته است.

فروتن و همکاران (۱۴۰۰) با روش پدیدارشناسانه و رویکرد تفهیمی-تحلیلی به بررسی تعاریف کارآفرینی از منظر کارآفرینان زن دانش‌آموخته آموزش عالی؛ شاغل در تهران و سنخ‌بندی آنان پرداخته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش ۵۲ مصاحبه نیمه‌عمیق بود که یافته‌های حاصل از تحلیل آنها نشان داد در جوامع با رویکرد فرهنگی سنتی، زنان علی‌رغم درک چالش‌های ناشی از برعهده گرفتن نقش‌های اقتصادی همچون تعارض نقش‌ها، حضور اجتماعی و فعالیت اقتصادی و کلیشه‌های موجود باز به کارآفرینی روی می‌آورند و آنها بر حسب انگیزه و نوع کارآفرینی‌شان در سنخ‌های مختلفی تقسیم می‌شوند.

مشایخ و همکاران (۱۳۹۹) با روش کمی و استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی نقش واسطه‌ای اشتیاق کارآفرینانه در رابطه بین حمایت تحصیلی با کارآفرینی مجازی دانشجویان پرداخته‌اند.

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ بود که ۳۲۶ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد حمایت اساتید، خانواده و همسالان بر ابعاد اشتیاق و گرایش کارآفرینانه (اشتیاق به تأسیس، ابداع و توسعه کارآفرینی) اثر مثبت و معناداری دارد. از سویی، حمایت تحصیلی بر اشتیاق به کارآفرینی مجازی اثر مثبت و معناداری دارد.

دیزجی و زینی (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر آموزش‌های دانشگاهی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی زنان پرداخته‌اند. این پژوهش به روش کمی و به صورت توصیفی- پیمایشی با ابزار پرسشنامه انجام شد و جامعه آماری آن شامل دانشجویان زن مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد آموزش‌های دانشگاهی بر افزایش مهارت‌های فنی- مدیریتی و شخصی مؤثر است. در بین مهارت‌های شخصی بیشترین بار عاملی روی مهارت پافشاری و کمترین بار عاملی روی مهارت نوآوری است. در بین مهارت‌های مدیریتی نیز بیشترین بار روی عامل حفظ روابط انسانی و کمترین بار روی عامل مهارت مذاکره است. در مهارت فنی نیز بیشترین بار نظارت و ارزیابی محیط و کمترین بار مهارت مربیگری است.

ربیعی و نظریان (۱۳۹۲) با روش آمیخته به بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل کرده دانشگاهی ایران پرداخته و دریافته‌اند موانع فرهنگی و فردی نظیر ترس از شکست، تبعیض‌های جنسیتی در محیط کار، تلاقی امور شغلی با انتظارات نقشی و مسائل خانوادگی و وجود قوانین دست‌وپا گیر اداری از مهم‌ترین موانع پیش‌روی زنان کارآفرین است.

با بررسی تحقیقات گذشته می‌توان گفت تفاوت پژوهش حاضر با آنها در این است که تلاش نموده با استفاده از روش کیفی و انجام مطالعه‌ای پدیدارشناسانه و مصاحبه با زنان کارآفرین دارای تحصیلات دانشگاهی، تجربه زیسته آنها را در بازیابی نقش اجتماعی اقتصادی خود در فرآیند کارآفرینی و نحوه مواجهه با پدیده کارآفرینی را مورد مطالعه قرار دهد. این در حالی است که اغلب تحقیقات گذشته بیشتر تحت تأثیر رویکردهای اقتصادی و با انجام پژوهش‌های کمی به مطالعه ابعاد کارآفرینی زنان و نقش آموزش‌های دانشگاهی در فرآیند کارآفرینی پرداخته‌اند. اما این پژوهش با هدف شنیدن روایت‌ها و ابعاد پنهان تجربه زیسته زنان کارآفرین دانشگاهی انجام شده است.

## چارچوب نظری

از آنجا که تحقیق حاضر مبتنی بر پژوهشی کیفی است، مطابق با سنت این دسته پژوهش‌ها، نظریه یا نظریات خاصی را به‌عنوان چارچوب نظری اساس کار قرار نداده است. با این حال نظریات مرتبط با موضوع تحقیق در قالب ملاحظات نظری و به‌عنوان چارچوب‌های ارجاعی و استنادی در فرآیند پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند و از آنها در کنار ادبیات تجربی تحقیق به‌عنوان ابزار تفسیر و تحلیل یافته‌ها بهره گرفته شده است. در ادامه به نظریات سوئدبرگ و گرانووتر<sup>۱</sup> (۱۴۰۰)، برت<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) و رسکین و پاداوینس<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) به‌طور مختصر پرداخته شده است.

سوئدبرگ و گرانووتر (۱۴۰۰) معتقدند انگیزه هر کنشگر برای شروع هر فعالیت اقتصادی، در هر سطحی فارغ از جنسیت، منافی است که برای خود در نظر دارد. منفعت هم بعد مادی و هم بعد غیرمادی (اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و...) دارد. منفعت صرفاً مفهوم مادی‌گرایانه ندارد، بلکه مفاهیم دیگری را نیز در خود می‌پروراند. در حالی که اقتصاد به پشتوانه نظریه آدام اسمیت می‌گوید: منفعت صرفاً بعد اقتصادی دارد. می‌توان چنین گفت منافع تا حدودی از ذهن نشأت گرفته و با فرهنگ شکل و صورت بیرونی پیدا می‌کند. اما، منافع عینی نیز می‌باشند و بیشتر اوقات قسمت‌های ثابت از واقعیت‌های اجتماعی را می‌سازند. از این رو می‌توان این‌گونه تبیین نمود که زنان کارآفرین علاوه بر پیگیری اهداف اقتصادی، در کنش کارآفرینانه خود به دنبال تحقق اهداف غیراقتصادی نیز هستند که زمینه مشارکت فعال آنها در جامعه را فراهم می‌آورد.

برت (۲۰۱۰) معتقد است هر کنشگری در شبکه‌ای از روابط قرار دارد و خاصیت حضور در شبکه است که افراد در رقابت با یکدیگر قرار می‌گیرند. کنشگری نیز سه حالت دارد: نوع اول کنشگری سرمایه مالی، نوع دوم کنشگری سرمایه انسانی شامل؛ جاذبه، هوش، سلامتی، زیبایی، مهارت، دانش، قدرت و... است. نوع سوم نیز کنشگری با سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های ارتباطی با اقوام، دوستان و همکاران است. از طرفی، اغلب انسان‌ها با افرادی شبیه به خودشان

<sup>۱</sup>. Swedberg & Granovether

<sup>۲</sup>. Burt

<sup>۳</sup>. Reskin & Padavic



ارتباط برقرار می‌کنند. در شبکه‌های ارتباطی افراد اطلاعات زیادی مبادله می‌نمایند و این امر سبب می‌شود تا آنها امکان به‌روز نمودن اطلاعات خود را از شرایط موجود، جهت بهره‌برداری منافع خود، خصوصاً منافع اقتصادی‌شان داشته باشند و یا این‌که اموال و دارایی‌هایشان را از خطر احتمالی در بازارهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری مصون بدارند. این اتفاق از طریق دریافت اطلاعات در حال گردش در شبکه‌های ارتباطی انجام می‌شود. شبکه‌های ارتباطی بنابر کارآمدی بیشترشان اطلاعات دسته اول و بهتری مبادله می‌کنند که خروجی این اطلاعات سبب بهبود زندگی اقتصادی کنشگران مؤثر اقتصادی عضو در این شبکه‌ها می‌شود (برت، ۲۰۱۰). بر اساس این رویکرد، فعالیت زنان کارآفرین موجب ایجاد شبکه‌سازی اجتماعی و ارتباطی آنها از یک سو و بروز توانمندی‌ها، مهارت‌ها و بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها از سوی دیگر می‌شود. در نهایت رسکین و پاداویس (۱۹۹۴) در تبیین کنش‌های کارآفرینانه زنان بر این امر اشاره دارند که زمانی که زنان به موقعیت‌های شغلی مطلوب‌شان نرسند، گاهی به سمت ایجاد سازمان‌های مخصوص به خود با ساخت زبانه روی می‌آورند (رسکین و پاداویس، ۱۹۹۴).

### روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش کیفی و مطالعات پدیدارشناسانه تفسیری انجام شده است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. جامعه مورد پژوهش زنان دانشگاهی ۲۰ تا ۵۰ سال فارغ‌التحصیل در مقاطع کاردانی تا دکتری هستند. این زنان سنوات کارآفرینی‌شان زیر ۱۰ سال و نوع کارآفرینی‌شان سطح خرد و متوسط است. به‌گونه‌ای که برای خود و یا حداکثر ۲۰ نفر زمینه اشتغال‌زایی فراهم نموده‌اند. ملاک انتخاب زنان مصاحبه‌شونده نیز تجربه مشترک کارآفرینی آنها و داشتن تحصیلات دانشگاهی بود. از این‌رو افراد با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. به‌نحوی که نمونه اول از طریق شناسایی و آشنایی با فرد کارآفرین صورت گرفت و در مراحل بعد از هر مصاحبه‌شونده درخواست گردید در صورت شناخت خانم کارآفرین با تحصیلات دانشگاهی و مشخصات مدنظر، آن را به پژوهشگر معرفی نماید. پس از معرفی مصاحبه‌شوندگان، توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و سؤالات مصاحبه و رعایت اصول اخلاقی و حفظ محرمانگی اطلاعات به هر یک از مشارکت‌کنندگان ارائه شد. مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط و به آنها اطمینان داده شده پس از پیاده نمودن

پاک خواهند شد. پس از ایجاد اعتماد برای مصاحبه‌شوندگان و ارائه سؤالات مصاحبه، قرار تلفنی به مدت ۳۰ دقیقه تا یک ساعت جهت مصاحبه با آنها گذاشته شد. به علت محدودیت‌های دوران کرونا و با توجه به نظر مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها به صورت تلفنی انجام شد. با این حال تلاش شد تا گفتگویی همدلانه با هریک از مصاحبه‌شوندگان شکل بگیرد. سؤالات مصاحبه به صورت نیمه‌ساختاریافته (دارای انعطاف) و بر اساس سؤالات محوری پژوهش طرح گردید. در مجموع تعداد مصاحبه‌شوندگان ۱۴ نفر بود. البته، در مصاحبه دوازدهم اشباع داده حاصل شد. اما، جهت حصول اطمینان با دو کارآفرین دیگر مصاحبه گردید. تمامی مصاحبه‌شوندگان تجربه کارآفرینی زیر ۱۰ سال سابقه داشتند. اکثر آنان یک‌سال بود که کار خود را آغاز نموده‌اند و نوپا هستند. یک نفر از مصاحبه‌شوندگان هفت سال سابقه کارآفرینی دارد. تمام مشارکت‌کنندگان در فضای مجازی به کارآفرینی‌شان اشتغال دارند و از حمایت دولتی بی‌بهره بودند. آنها کسب‌وکار خود را با سرمایه شخصی و اتکا به مهارت‌های فراگرفته از تحقیقات، آموزش‌ها و آزمون و خطاها کسب‌وکارشان مدیریت و هدایت می‌کردند.

فرآیند تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه تلفنی طبق روش شش مرحله‌ای کرسول انجام شد (کرسول، ۲۰۰۹). در مرحله اول جهت سازماندهی داده‌ها، صوت ضبط‌شده مصاحبه‌ها و حاشیه‌نویسی‌های انجام شده حین مصاحبه که بیانگر حالت و وضعیت مصاحبه‌شونده بود به تفکیک نگارش شد. در مرحله دوم؛ داده‌ها به دقت مورد مطالعه قرار گرفت تا ایده کلی مصاحبه‌شوندگان درک شود. مرحله سوم؛ هر جمله، کلمه و یا پاراگراف به دقت خوانده شد و برای ایده کلی زیربنایی آن مطلب، یک رمزگونه باتوجه به مبحث مورد پژوهش و چارچوب مفهومی که در راستای آن مطلب جمع‌آوری شد، اتخاذ گردید. در مرحله چهارم برای هر رمزگونه اتخاذ شده توصیف دقیق جهت موقعیت آن رمزگونه ارائه گردید تا در جهت تحلیل مورد استفاده قرار بگیرد. از ملزومات تفسیر دقیق اطلاعات در مورد اشخاص، مکان‌ها، رویدادها و موقعیت‌ها است. پس از آن برای توصیفات مشابه به لحاظ محتوا و موقعیتی مقوله‌ای در نظر گرفته شد. مقوله؛ رمزگونه‌ای دربرگیرنده توصیفات است. در نهایت کدهای به‌دست آمده در سه سطح توصیفی، تفسیری و تبیینی (مقولات) دسته‌بندی شدند.

جهت افزایش اعتبار تحقیق و اطمینان از درک دقیق آنچه مصاحبه‌شوندگان روایت کردند، در میدان پژوهش و هنگام مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان به اجماع رسیده و از آنها سؤالاتی در خصوص اطمینان از آنچه معنای حرف و منظورشان بوده پرسیده شد<sup>۱</sup>. علاوه بر این با هدف افزایش اعتبار یافته‌ها و مفاهیم و مقولات به دست آمده، در فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نظر افراد متخصص و صاحب‌نظر جهت تأیید کدها استفاده شد. همچنین به منظور کاهش شائبه تفسیرهای فردی و افزایش اعتبار تحقیق در بخش گزارش یافته‌ها، نقل قول مصاحبه‌شوندگان در توضیح مقولات و مفاهیم ارائه شد.

### مشخصات مشارکت‌کنندگان

در جدول شماره یک ویژگی‌های جمعیتی مصاحبه‌شوندگان به طور خلاصه درج گردیده که نشان می‌دهد محدوده سنی آنها بین ۲۵ تا ۴۷ سال بود. محدوده تحصیلی آنها کارشناسی تا دکتری بود. همچنین، یک نفر مجرد، دو نفر مطلقه و ۱۱ نفر متأهل بودند. هر دو زن مطلقه سرپرست خانوار بودند و فرزندان‌شان پس از طلاق با آنها زندگی می‌کردند و تأمین مخارج زندگی با آنها بود. سه نفر از متأهلین فرزندی نداشتند و زیر پنج سال از ازدواج‌شان سپری می‌شد.

جدول ۱. سیمای مصاحبه‌شوندگان

کد	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	سابقه کارآفرینی	حوزه کارآفرینی
۱	محیا	۲۶	کارشناسی ارشد مطالعات زنان	مطلقه / ۲ فرزند	۱ سال	کارآفرینی اجتماعی
۲	شادی	۳۵	دکتری روابط بین‌الملل	متأهل / ۱ فرزند	۶ ماه	برند تخصصی لباس مشاغل زنان
۳	مهسا	۳۱	کارشناسی ارتباطات	متأهل	۶ ماه	تولیدی ماتو و چادر
۴	ویرا	۲۵	کارشناسی روانشناسی	متأهل	۱ سال	پیراهن بیرونی محجبه
۵	حورانا	۴۷	کارشناسی کتابداری	متأهل / ۱ فرزند	۳ سال	زبورآلات رزینی
۶	هدر	۳۸	کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات	مطلقه / ۱ فرزند	۲ سال	مکرومه بافی
۷	هایده	۳۶	کارشناسی گردشگری	متأهل / ۲ فرزند	۷ سال	محصولات حصیری

<sup>۱</sup>. Member Checking

کیسه و ماسک، رومیزی پارچه‌ای	۱ سال	مجرد	کارشناسی مردم‌شناسی	۴۱	مونا	۸
نقاشی دکوراتیو	۲ سال	متاهل / ۱ فرزند	کارشناسی ارشد روانشناسی	۲۷	مهنا	۹
کیک تولد و شیرینی	۱ سال	متاهل / ۱ فرزند	کارشناسی ارشد نرم‌افزار	۳۶	مهتاب	۱۰
عروسک سازی	۱/۵ سال	متاهل / ۱ فرزند	کارشناسی زمین‌شناسی	۳۱	مریم	۱۱
طراحی روسری	۶ ماه	متاهل / ۲ فرزند	کارشناسی نقشه‌برداری	۳۴	محبوبه	۱۲
عروسک بافی	۲ سال	متاهل	کارشناسی گرافیک	۳۱	مامان بافت	۱۳
کارآفرینی اجتماعی	۴ سال	متاهل / ۲ فرزند	دکتری مدیریت	۴۱	سپیده	۱۴

منبع: یافته‌های پژوهش

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت گزارشی از یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۱۴ زن کارآفرین دارای تحصیلات دانشگاهی با استفاده از روش کیفی و پدیدارشناسی تفسیری ارائه شده است. در این تحقیق تلاش شده تا روایت زنان کارآفرین دانشگاهی از تجربه حضور و اثرپذیری آنها در فعالیت‌های کارآفرینانه مورد مطالعه قرار گیرد و تجربه زیسته آنها از این فعالیت‌ها شنیده شود. در مجموع یافته‌های تحقیق شامل ۵۰ مفهوم اولیه (کدهای توصیفی) که در نهایت به هشت مقوله فرعی (کد تفسیری) تبدیل گردیدند و در آخر چهار مقوله اصلی؛ «شکوفایی خالقیت زنانه»، «کارآفرینی پیوندزننده هویت‌های چندگانه زنان»، «بلعیده شدن اعتماد و خلاقیت زنانه» و «کارآفرینی بازی دو سر سود» هستند. توضیحات تکمیلی پیرامون مقولات اصلی به دست آمده ذیل تیتراهای زیر ارائه گردیده‌اند که در جدول (۲) به آن پرداخته شده است.

### جدول ۲. توزیع کدهای توصیفی، تبیینی (مقوله‌های اصلی و فرعی)

کد تبیینی (مقوله‌های اصلی)	کد تفسیری (مقوله‌های فرعی)	کد توصیفی
	شعف حاصل از تولید	ذوق‌زدگی از خلق دست‌سازه، شوق دیدن نتیجه پایانی، شوق دیدن رضایت مشتری، کار منعطف، معبر بروز استعدادها، میل به



شکوفایی خالقیت زنانه		ظهور ایده‌های هنری، میل به زیبایی و زیباسازی، خوب شدن حال روحی، منفعت روحی
	کارآفرینی به مثابه زاینده‌گی مادرانه	کار را چون کودک نوپای در حال رشد دیدن، میل به بزرگ کردن کار، تحمل خستگی‌ها در مقابل گسترش کار، میل به پیشرفت، علاقه به رشد و شکوفایی کسب‌وکار
کارآفرینی پیوندزنده هویت چندگانه زنان	حفظ زنانگی و هویت مادرانه	علاقه‌مندی به فعالیت اجتماعی مفید در کنار همسرداری و فرزندداری، سختی فعالیت اجتماعی با وجود فرزند کوچک، عدم وجود تعادل بین نقش‌های همسری و مادری، فعالیت‌های اجتماعی (اشتغال و تحصیل)،
	بازیابی هویت اجتماعی-اقتصادی	رهایی از سردرگمی در اولویت‌بندی بین نقش‌ها، غلبه بر احساس عذاب وجدان، تلاش در جهت تعادل بازیابی هویت اجتماعی-اقتصادی زنانه، استفاده از ظرفیت مهارت‌پروری دانشگاه، رسیدن به امنیت شغلی و استقلال مالی، بهره‌گیری از توانمندی‌های آموزشی، تلاش در جهت رسیدن به زن موفق و تراز، تلاش در جهت کسب جایگاه واقعی اجتماعی و اقتصادی
بلعیده شدن اعتماد و خلاقیت زنانه	ساختار مردسالارانه بدنه‌ی سیاست گذاری	عدم حمایت دولتی در صادرات، ایده دزدی از زنان کارآفرین توسط مردان کارآفرین وابسته به ساختارهای قدرت و حذف زنان از میدان رقابت، عدم ایجاد رقابت عادلانه بین کارآفرینان هر حوزه، به مسلخ رفتن ایده‌های زنان، سلطه مردان کارآفرین
	بی‌اعتمادی به ساختارهای دولتی	بی‌رغبتی به صادرات، بی‌رغبتی به مشارکت با نهادهای دولتی، ناامیدی به همکاری نهادهای دولتی
کارآفرینی بازی دوسر سود	ارضاء حس نوع دوستی و شبکه‌سازی اجتماعی	میل کمک به هم‌نوعان خصوصاً زنان، میل به پر کردن خلاءهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میل به ایجاد شبکه‌های زنانه، نیاز به دریافت انرژی مثبت از هم‌نوعان، علاقه به ارتباط با افراد بیشتر، علاقه به دعای خیر دیگران، علاقه به اثرگذاری در زندگی دیگران
	رسیدن به توانمندی و استقلال	میل به کسب درآمد، میل به اشتغال‌زایی، میل به انجام فعالیت متناسب با علاقه و رشته تحصیلی، جاه‌طلبی در کسب ثروت و قدرت، پشتوانه امن و جایگزینی برای کارمندی

منبع: یافته‌های پژوهش

### ۱. شکوفایی خالقیت زنانه

بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق، شکوفایی خلاقیت زنانه را می‌توان در دو مقوله فرعی «شعف حاصل از تولید» و «کارآفرینی به مثابه زاینده‌گی مادرانه، مقوله‌بندی نمود.

#### الف. شعف حاصل از تولید

می‌توان اذعان نمود که در مصاحبه‌های انجام شده با زنان کارآفرین، همه آنها با توجه به تنوع کارآفرینی‌شان به وفور علاقمندی خود در خلق و ابداع سازه‌های جدید به‌طور واضح اشاره نمودند. با وجود تلفنی بودن مصاحبه‌ها، شور و شعف تمام زنان کارآفرین مصاحبه‌شونده هنگام صحبت در مورد خلق دست‌سازه‌هایشان چه در بعد طرح اولیه ذهنی یا پیاده شده روی کاغذ و چه طرحی که به موجودیت شی حقیقی قابل لمس درآمده قابل درک بود و دریافت می‌شد. کد ۵ چنین گفت:

«اولین بار که بعد از اتمام آموزش رزین می‌خواستم دست‌سازه رزینی بسازم، دو دل بودم تا این‌که یه بار دلمو زدم دریا و درست کردم. چون ۲۴ ساعت طول می‌کشه که رزین خشک بشه، بعضی شب‌ها نمی‌خوابیدم، این قدر ذوق داشتم که ببینم کارم چطور می‌شه (با خنده‌ای که گویی نمود ذوق بود می‌گفت)».

کد ۶ نیز در رابطه با بهبود حال روحی و شعف حاصل از کارآفرینی خود چنین گفت:

«رفتم دوره کسب‌وکار با ایسمینار و دوره مکرومه بافی شرکت کردم و تمام جزئیات تولید محتوا و کسب‌وکار و شبکه‌سازی و مدل‌سازی کسب‌وکار را کامل و خوب آشنا شدم. مسیر برایم بهتر شده بود چون هم با گروه‌های بیشتری به‌واسطه آموزش‌ها آشنا شدم و سفارش‌های بهتر و بیشتری گرفتم. این کار منفعت روحی برایم داره. به من نشان داد می‌تونم هنری داشته باشم که به فروش برسانم و این لذت بخش بود برام».

در این مورد کد ۴ چنین می‌گوید:



«من از کارم لذت می‌برم واقعاً ساعت‌ها دنبال ترکیب رنگ باشم، طراحی کنم در فروشگاه‌ها برم برای ترکیب رنگ. اما خسته نمی‌شم و لذت می‌برم».

### ب. کارآفرینی به مثابه زاینده‌گی مادرانه

نگاه زنان کارآفرین شرکت‌کننده در مصاحبه نه تنها به دست‌سازه‌هایشان با ذوق سرشار از خالقیت بود. بلکه به کارآفرینی‌شان نیز به‌عنوان کودکی نوپا می‌نگریستند و خود را همانند مادری موظف به پرورش کسب‌وکار خود می‌دانستند که در حال رشد است. به‌نظر می‌رسد فعال شدن حس مادری در زنان کارآفرین مصاحبه‌شونده در نسبت با کسب‌وکارشان بارقه امید در جهت پیشرانی کسب‌وکارشان است. با تمام وجود از کارآفرینی و تلاش خود برای رشد و گسترش آن می‌گفتند. کد ۸ گفت:

«من بعد از مدتی کار در این حوزه به آن علاقمند شدم و برام مثل بچه‌ام شده، حتی برای دوستم هم. من آدمی نبودم که گوشی به‌دست باشم، تولید محتوا کنم. حتی من فالوورهایم را به اسم آپامه‌ای‌ها (نام برند) صدا می‌زنم. شده خسته بشم، ولی ادامه می‌دم. چون دوستش دارم».

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد، حس خالقیت زنانه امری است که امکان تحقق آن در فعالیت‌های کارآفرینانه ممکن و دست‌یافتنی است. در این حال که ممکن است فضای فعالیت‌های غیرقابل انعطاف دانشگاهی و مشاغلی که اغلب فراخور رشته تحصیلی افراد بدان اشتغال دارند، این شکل از خالقیت و نوآوری و احساس زاینده‌گی و تولید در آن دیده نشود. کد ۳ چنین بیان کرد:

«در کاری که دارم، به لحاظ معنوی و روحی حالم بهتر می‌شه و باب میل و ایده خودم کار می‌کنم. اما در کار کارمندی شما ایده دیگران را پیاده می‌کنید. در کارمندی آدم تا یک‌جایی می‌تونه پیشرفت کنه، از یک‌جایی به بعد آدم روتین می‌شه. کارآفرینی؛ مدیریت استراتژیک، مدیریت فروش و مدیریت زمان می‌خواد و آدم را خلاق‌تر می‌کنه. مخصوصاً در کارآفرینی وقتی از نظر مالی کم می‌آری، برای جبران کسری مالی خلاقیت شکوفا می‌شه».

## ۲. کارآفرینی پیوندزننده هویت چندگانه زنان

کارآفرینی به مثابه تلاشی در جهت رسیدن به تعادل نقش‌ها است. به گونه‌ای که هویت چندگانه زنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برخی از زنان مصاحبه‌شونده از یک سو علاقمند به مادری و در تلاش برای ایفای نقش‌های جنسیتی‌شان هستند. از سوی دیگر، علاقمند ایفای نقش‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. در مجموع این مقوله اصلی دربردارنده دو مقوله فرعی «حفظ زنانگی هویت مادرانه» و «بازیابی هویت اجتماعی-اقتصادی» است.

### الف. حفظ زنانگی و هویت مادرانه

کارآفرینی فرصتی را فراهم می‌کند که زنان با حفظ هویت مادرانه خود به نقش‌های اجتماعی و اقتصادی مبادرت کنند. کد ۱ چنین عنوان نمود:

«همیشه دغدغه آدم‌های اطرافم رو می‌دیدم که مثل همین الان کلی رویداد و بازی درآوردن هست. در مورد تعادل نقش‌ها و زن تراز می‌گن، اما هیچ کدوم به نتیجه عملیاتی نمی‌رسه و همیشه اون زنی که در جامعه اسلامی داره تنفس می‌کنه حالت عذاب وجدان و چندگانه‌ای داشته باشه که نمی‌دونم بالاخره چه کار کنم؟ بچه‌داری؟ بیرون برم؟ کارکنم؟ به هرکدام چه اولویتی بده و این به دلیل ناملموس بودن فضاست که زن رو به حالت بی‌هویتی دچار می‌کنه».

در این راستا کد ۱۲ چنین گفت:

«دانشگاه نقشه‌برداری خواندم، وقتی لیسانس گرفتم، طراحی معماری داخلی خواندم، دو سال جهاد دانشگاهی بودم و بعد به تایم بارداریم خورد و بعد که دخترم سه ساله شد، پسرم به دنیا آمد. بعد دوره طراحی لباس رفتم. من معماری داخلی رو خیلی دوست داشتم، اما کاری بود که حتماً باید بیرون از منزل می‌بودم و من دوست نداشتم بچه‌هام را به مهد کودک و یا مادرم بسپارم. به همین دلیل طراحی لباس رفتم».

از طرفی تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان داد برخی زنان از یک سو علاقمند به فعالیت‌های اجتماعی هستند و از سوی دیگر تمایل دارند نقش‌های مادرانه خود را ایفا نمایند و در کنار فرزندان‌شان باشند. از نظر برخی مصاحبه‌شوندگان، کارآفرینی فرصتی برای حفظ هویت زنانه و مادرانگی آنها است. در این راستا کد ۹ چنین اظهار نمود:





«من به‌عنوان مادر و همسر، هم فعالیت اجتماعی و هم بعد مالی را دارم و هم رضایت خودم و هنرجوهایم را، خیلی منافع معنوی بالایی دارد... گاهی دچار تعارض بین نقش کارآفرینی و کار خانواده شدم، اما سعی می‌کنم تعادل ایجاد کنم، می‌نویسم و برنامه‌ریزی می‌کنم».

### ب. بازیابی هویت اجتماعی- اقتصادی

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان داد برخی زنان مصاحبه‌شونده اغلب در تلاشند که علی‌رغم نبود مناسبات لازم برای بازیابی هویتی اجتماعی- اقتصادی خود، با توجه به نقش‌های خانوادگی از کارآفرینی به‌عنوان دالانی برای خروج از بن‌بست سردرگمی هویتی و رسیدن به جایگاه واقعی‌شان در بستر جامعه پیش بروند. کد ۱۴ گفت:

«دیدم این پتانسیل خروجی زنان از دانشگاه‌ها نباید حیف بشه، این‌ها را می‌توان در کسب‌وکارهای خانگی پیاده‌سازی کرد. همه نمی‌تونند معدن بزنند، کارخانه بزنند و سرمایه هنگفت داشته باشند. ولی کسب‌وکار خانگی این‌گونه نیست که سرمایه زیادی بخواد».

کسب‌وکارهای خانگی ظرفیتی عظیم و امن در جهت بهره‌برداری از پتانسیل زنان تحصیل‌کرده است و به هزینه هنگفت نیاز ندارد. از این طریق زنان قابلیت هویت‌یابی در سایه فعالیت اجتماعی جهت‌دهنده در اقتصاد کشور را دارند. در این راستا کد ۲ چنین بیان نمود:

«هدف بعدی من ایجاد فضای امن برای بانوان سرپرست خانواری بود که در خیاطی متخصص بودند تا منبع درآمدی داشته باشند و با عزت و شرافت بتوانند کار کنند و به سرمایه‌ای دست یابند، به دور از گزند آنان که نیت سوءاستفاده از آنان دارند (به روسپیگری روی نیاورند). لذا من برای تولیدات البسه از خانم‌هایی که در خیاطی متخصص هستند، استفاده می‌کنم و آنها که به تازگی آموزش خیاطی دیدند را برای انجام کارهای سبک‌تر مثل دوخت کلاه که کمتر به تخصص وابسته است قرار دادم».

### ۳. بلعیده شدن اعتماد و خلاقیت زنانه

نکته دیگر حاصل از واکاوی مصاحبه‌های انجام‌شده، وجود ساختارهای مردانه‌ای است که مانع رشد کارآفرینی زنان در سطوح بالاتر همچون گسترش شبکه‌های تولید، صادرات محصولات،

مشارکت در جشنواره‌های ملی به دلیل سهمیه‌های محدود و بعضاً از قبل رزرو شده برای دیگران می‌شود که اغلب نشأت گرفته از تبعیض و عدم رعایت عدالت جنسیتی است. مقوله اصلی «بلعیده شدن اعتماد و خلاقیت زنانه توسط ساختار مردسالار» توصیفی از این یافته تحقیق است که خود ذیل دو مقوله فرعی «ساختار مردسالارانه بدنه سیاست‌گذاری» و «بی‌اعتمادی به ساختارهای دولتی» قابل دسته‌بندی است.

### الف. سیاست‌گذاری مردسالارانه

منظور از سیاست‌گذاری‌های مردسالارانه، فرایند سیاست‌گذاری در ساختارهایی است که زن در آن جایگاهی در تدوین یا اجرای سیاست‌های اتخاذ شده ندارد. کد ۷ چنین اظهار نمود:

«کار صادرات را خیلی دوست داشتم. چون کشورهایی از آفریقا و آسیا خیلی در حوزه حصیریافی کار کرده‌اند. کشورهایی از استرالیا، سوئد، کانادا و انگلیس کار می‌برند. در این کشورها افرادی را پیدا کردم که برای ارائه و فروش محصولات مان نماینده ما شوند. اما متأسفانه چون کمک دولتی نیست، انجام نشد. مثلاً سازمان میراث فرهنگی که بتواند راهنمایی و کمک کنند بعداً متوجه شدم به صورت مستقیم با بافنده‌های دیگر کار کردند و ایده من را گرفتند. حتی آقایی بود که از ما می‌خواستند کار خرما ببرند من پیشنهاد دادم در کار حصیری ببرند که سنتی و شکیل است و پلاستیکی ندارد. یکبار این کار رو انجام داد، دیدیم میراث فرهنگی با همکاران ما کار می‌کند. هر جا ایده دادم، ایده‌ام را به اسم خودشان برداشتند و مرا کنار گذاشتند».

در سطوح سیاست‌گذاری و ارائه الگوی زن کارآفرین اغلب توجهات به زنان کارآفرین سطح کلان معطوف می‌شود و در بسیاری مواقع نیز همان الگوهای مردانه را معیار و ملاک معرفی الگوی زن موفق کارآفرین قرار می‌دهند، کد ۱۴ چنین عنوان کرد:

«من وقتی دیدم انجمن‌هایی در حوزه کارآفرینی الگوی اشتباهی برای زنان شده‌اند. حتی در قشر مذهبی مثلاً انجمن زنان کارآفرین که خانم فلانی از اعضای اصلی‌اش است و کارخانه دارد و افتخار می‌کند راننده ترانزیت است. این درحالی است که سبک اسلامی



این را ارزش نمی‌داند. یا مثلاً سایر اعضای این انجمن هر کدام سرمایه‌دارانی هستند که کارخانه و معدن و .. دارند و اصلاً زنان سطح خرد کارآفرین بین‌شان جایی ندارند. دغدغه اصلاح این امر مرا به این سمت و سو کشاند».

#### ب. بی‌اعتمادی به ساختارهای دولتی

در مصاحبه‌های انجام شده با زنان کارآفرین برخی از آنان از سنگ‌اندازی‌های مالیاتی و گمرکی در راه رشد کسب‌وکارشان به سطح متوسط گفتند و به دلیل وجود چنین موانعی نسبت به ارتباط‌گیری با وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی همچون میراث فرهنگی بی‌رغبت بوده و حسن‌ظن نداشتند. در این خصوص کد ۷ چنین گفت:

«من با بافنده‌های سراوان کار می‌کردم. به من گفتند باید جریمه گمرکی بیای پست تهران و این قدر جریمه‌شان زیاد است که ترجیح دادم، نرم بار را بگیرم. این درحالی است که ما از ایران داریم می‌خریم. بابت این ضرر کردم و نحوه ارسال را تغییر دادم، یا چند باری در ایست بازرسی‌ها کامیون بارهایم را گشتند و بسته‌بندی‌های کارها را باز کردن».

او در ادامه در رابطه با حمایت از زنان کارآفرین در نهادها و سازمان‌های مربوطه چنین گفت: «به خیلی از مراکزی که تحت عنوان سازمان‌های زنانه نام‌گذاری شده و قرار هست از زنان حمایت کنند، مراجعه کردم و متأسفانه از من هیچ حمایتی نکردند... واقعاً ما زنان کارآفرین به حمایت‌های قانونی و دولتی نیاز داریم».

مصاحبه‌شونده کد ۲ نیز گفت:

«قوانین خیلی وقت‌ها مانع هستند، منتظریم حداقل قوانین برای خانم‌ها کمی راحت‌تر بشه. من نمی‌گم تشویق‌موند کنند یا جایزه بدنند.... بیشتر دلم می‌خواد شرایطی فراهم کنند که بتونیم کارمون رو انجام بدیم و برای یک کار ساده کلی وقتمون رو بگیرند و امضا و ضامن بخواند».

#### ۴. کارآفرینی بازی دو سر سود برای زنان کارآفرین

یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده گویای این نکته‌اند که انگیزه شروع کارآفرینی و ادامه آن تنها صرفه اقتصادی و سوددهی کارآفرینی نیست. بلکه آنچه انگیزه اصلی شروع و گسترش کارآفرینی است و به تعبیر مصاحبه‌شوندگان سبب رشد و سوددهی کارآفرینی می‌گردد، انگیزه‌های معنوی چون کمک و یاری به زنان دارای هنر و نیازمند به کار، دعای خیر مشتریان و همکاران، رفع خلأهای فرهنگی و اقتصادی جامعه است. از این رو می‌توان گفت کارآفرینی برای زنان بازی دوسر سود است. مقوله اصلی که خود شامل دو مقوله فرعی «ارضاء حس نوع‌دوستی و شبکه‌سازی اجتماعی» و «رسیدن به توانمندی و استقلال» است.

#### الف. ارضاء حس نوع‌دوستی و شبکه‌سازی اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان داد زنان مصاحبه‌شونده در توصیف و تفسیر فعالیت‌های کارآفرینانه خود بر دستاوردهای مادی و معنوی کارآفرینی در رابطه با رسیدن به رضایت خاطر فردی و ارضاء حس نوع‌دوستی با ایجاد بازار کار و فروش برای سایر افراد به‌ویژه زنان دیگر اشاره داشتند. دستاوردی که در اغلب موارد توانسته منجر به شبکه‌سازی اجتماعی و ایجاد گروه‌های اجتماعی-اقتصادی زنانه شود. کد ۱۰ چنین بازگو کرد:

«من به آشپزی و شیرینی‌پزی علاقه‌مند بودم و از بچگی و ابتدایی خیلی نقاشی کشیدم و برنده جایزه می‌شدم در دوران راهنمایی و دبیرستان چون بیشتر مشغول مطالعه و درس بودم از نقاشی دور شدم. اما همیشه نقاشی در پس ذهنم بود. بعد از تأهل سعی کردم با آشپزی به این هنر برسم. بعد یکی دو بار کیک پختم و دیگران خوردند مورد استقبالشان واقع شد و دیدم خیلی نزدیک به نقاشی هست و به نوعی با رنگ‌ها سروکار دارد و به سراغ این حرفه رفتم. اکثر اعضای پیج من دوستان ابتدایی‌ام هستند یا دانشگاه، همکاران یا اقوام مثلاً اگر عکس قشنگی از کیک بییند برایم می‌فرستند و خرید می‌نند و معرفی می‌کنند. من تبلیغ ندادم فعلاً پیج را چون وقتم کم است».

کد ۹ چنین گفت:



«کارآفرینی برای من لذت، شیرینی و رضایتی دارد که کارمندی ندارد. هنرجوی من کار یاد می‌گیرد، درآمد کسب می‌کند و برایم دعا می‌کند. این کار منافع مادی و معنوی تقریباً زیادی برای گروه زنانه ما داشته است...»

با وجود انگیزه‌ها و نفع مادی در کارآفرینی، اما انگیزه‌های معنوی و تلاش برای به ثمر نشاندن آنها در پیشبرد و ارتقاء کارآفرینی نقش مهمی دارند. از طرفی، به‌کارگیری زنان -به‌ویژه زنان نیازمند حمایت مالی و اقتصادی- موجب شکل‌گیری و ایجاد شبکه‌های زنانه در مشاغل مختلف و به‌طور تخصصی می‌شود.

#### ب. رسیدن به توانمندی و استقلال

بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، شانس توانمندسازی و رسیدن به استقلال برای زنان در مشاغلی که جنبه‌های کارآفرینانه دارند در بسیاری مواقع بیشتر از مشاغل رسمی و به اصطلاح کارمندی است و زمینه ابراز وجود و آشکارسازی توانمندی‌های زنان را فراهم می‌نماید. کد ۱۳ چنین گفت:

«من دوست داشتم خودم را نشان بدم، نه برای خودنمایی. با ورود به عروسک‌بافی چون به من می‌گفتند تو هیچ چی نمی‌شی، گرافیک آینده‌ای نداره، هنر به درد نمی‌خوره! برو دکتر یا مهندس شو! من دوست داشتم استعدادم رو نشان بدم تا اعتقادات اشتباه هنر به درد نمی‌خوره را از بین ببرم. حداقل در خانواده خودم چون خیلی مخالف بودند... من از کامپیوتر وارد گرافیک شدم».

در این راستا کد ۱۱ چنین اظهار نمود:

«من همیشه دوست داشتم دستم در جیب خودم باشه و از بچگی سخته بودم از پدرم پول بگیرم و بعد از ازدواج هم سخته بودم از همسرم پول بگیرم و استارت این کار رو هم با همین انگیزه زدم. هرچند بقیه می‌گفتند، نمی‌تونی و نمی‌شه و نکن. آموزش این عروسک‌دوزی نبود. من خیلی گشتم تا تونستم ابزار و مهارتش را به دست بیارم و بعد از کسب مهارت، تصمیم گرفتم به آنهایی که کیفیت کارشان پایین است یا نصفه رها می‌کنند عروسک‌دوزی یاد بدم. خدا رو شکر ۱۲۰ هنرجو داشته‌ام، که الان چند نفر از آنها تونستن به درآمد برسند».

### بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های این پژوهش کیفی که نتیجه مصاحبه‌های عمیق با ۱۴ زن کارآفرین دارای تحصیلات دانشگاهی است، در چهار مقوله اصلی «شکوفایی خلاقیت زنانه»، «کارآفرینی پیوندزننده هویت چندگانه زنان»، «بلعیده‌شدن اعتماد و خلاقیت زنان» و «کارآفرینی بازی دو سر سود» دسته‌بندی و ارائه شده که دربردارنده مقوله‌های فرعی «شعف حاصل از تولید»، «کارآفرینی به مثابه زاینده‌گی مادرانه»، «حفظ زنانگی و هویت مادرانه»، «بازیابی هویت اجتماعی-اقتصادی»، «ساختار مردسالارانه بدنه سیاست‌گذاری»، «بی‌اعتمادی به ساختارهای دولتی»، «ارضاء حس نوع دوستی و شبکه سازی اجتماعی» و «رسیدن به توانمندی و استقلال است».

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان دریافت که زنان دانشگاهی کارآفرین با انگیزه‌های مختلفی به کارآفرینی روی می‌آورند. انگیزه‌های آنان به‌طور کلی آمیخته‌ای از کسب منفعت‌های مادی و معنوی برای خود و گروه همکار، جامعه هدف و جامعه در سطح کلان است. سوئدبرگ و گرانووتر (۱۴۰۰) نیز در مباحث نظری خود بر انگیزه‌های مادی و غیرمادی در ایجاد انگیزه و شروع حرکت فعالیت‌های اقتصادی تأکید داشتند. نکته قابل تأمل این‌که زنان کارآفرین به دلیل نبود بسترهای لازم برای فعالیت‌های اجتماعی، اغلب در سردرگمی هویتی قرار دارند. چرا که از یک سو تمایل دارند در عرصه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی فعال باشند. از طرفی، نقش‌های سنتی، مبتنی بر تقسیم کار جنسیتی خود را که در جامعه برایشان تعریف شده و در آنها نهادینه شده، ایفا نمایند. از این‌رو، در بسیاری مواقع از فعالیت‌های کارآفرینانه به مثابه پیوندزننده هویت‌ها و نقش‌های چندگانه‌ای که دارند و همچنین کاهش تعارضات نقشی بهره می‌گیرند و در واقع دست به خلق ساختارها و زمینه‌های جدیدی جهت فعالیت خود می‌زنند. همان‌گونه که رویکرد نظری رسکین و پاداوین (۱۹۹۴) به این مطلب اشاره دارد که زنان مادامی که ساختارهای زنانه‌ای در جامعه جهت بازیابی هویت اجتماعی‌شان و به‌منظور انجام فعالیت اجتماعی و به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی نیابند، خود ساختارهای زنانه‌ای را ایجاد می‌کنند که در راستای بازیابی هویت‌شان عمل می‌نماید. کارآفرینی خصوصاً در سطح خرد که نیاز به سرمایه‌های هنگفت اولیه برای شروع ندارد،

این قابلیت را دارد که به‌عنوان زمینه‌ای جهت ابراز توانمندی‌ها و مهارت‌های زنانه و عرصه فعالیت اجتماعی و اقتصادی آنها تعریف شود.

یافته‌های پژوهش شهریار (۲۰۱۷) نشان داد که گرایش زنان به کارآفرینی در جوامعی با ساختارهای مردسالارانه کمتر از مردان ارزیابی است، این درحالی است که از نتایج این پژوهش چنین استنباط می‌شود که ساختارهای مردسالارانه در سیاست‌گذاری و نهادهای سیاسی علی‌رغم آن‌که در بسیاری مواقع موجب «بلعیده شدن اعتماد و خلاقیت زنان می‌شود» و زنان کارآفرین مصاحبه‌شونده نسبت به مردانه بودن این عرصه انتقاد دارند. اما با این‌حال خللی در انگیزه‌ها و تمایل زنان در ورود به کارآفرینی سطح خرد و متوسط ایجاد نمی‌کند. اگرچه سدی محکم در سر راه ترقی و رشد آنان محسوب می‌شود و محدودیت‌هایی زیادی برای آنان ایجاد می‌نماید. میل به خلاقیت و نوآوری در زنان به‌گونه‌ای است که آنان را به سوی کارآفرینی و آفرینش تولیدات جدید و میل به ارتباط‌گیری بی‌واسطه و شبکه‌سازی اجتماعی با افراد سوق می‌دهد. این خصوصیت از برجسته‌ترین محاسن کارآفرینی است. درحالی که کارمندی یک روال تکراری و فارغ از خلاقیت است. لذا برخی از زنان مصاحبه‌شونده حتی پس از کسب تجربه کارمندی نسبت به این شغل بی‌میل شده و به کارآفرینی روی آورده بودند. برت (۲۰۱۰) نیز در مباحث نظری خود، بر فرایند شبکه‌سازی ارتباطی و اجتماعی کنشگران و تأثیر آن در بهبود زندگی اقتصادی آنها تأکید داشته است. امری که بر اساس یافته‌های این پژوهش در افزایش موفقیت زنان کارآفرین مؤثر بوده است. در پژوهش حاضر مشخص گردید که با وجود آن‌که منفعت‌های مادی و معنوی موتور محرکه شروع کارآفرینی در مصاحبه‌شوندگان بوده است. اما شور و اشتیاق آنان در شکوفا شدن استعدادها و خلاقیت آنها در پافشاری و طی مسیر توسط آنها تأثیرگذار بوده است که این با مباحث نظری سوئدبرگ و گرانوتر (۱۴۰۰) هم راستا است.

پژوهش حاضر بیانگر این مسئله است که علی‌رغم تأکید برنامه‌های دولت‌ها بر حمایت از کسب‌وکارهای خرد و متوسط زنان، ساختارهای مردانه در نهادهای دولتی و اجرایی عاملی برای کاهش سرعت رشد این کسب‌وکارها هستند و اغلب در این مسیر سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی می‌کنند. یافته‌های این تحقیق در برخی از مفاهیم همچون ساختن موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنانه در جوامعی با فرهنگ سنتی و وقوع خلاقیت زنانه در ایجاد هماهنگی و تعادل میان نقش‌هایی که در زندگی زنان جاری است با نتایج پژوهش فروتن و همکاران (۱۴۰۰) هم راستا است.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد کارآفرینی به‌مثابه شغلی که در پی شکوفایی خلاقیت زنانه، امکان مدیریت و ادغام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و امورات فردی و خانوادگی را برای آنان فراهم می‌نماید، مورد توجه و اقبال زنان قرار گرفته است. در این بین تحصیلات دانشگاهی و دانشگاه به‌عنوان بسترساز افزایش مهارت‌های فردی و تخصصی توانسته شانس موفقیت کنش کارآفرینانه این دسته از زنان را افزایش دهد. هرچند ممکن است، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه موانعی را بر سر راه آنان ایجاد نماید. از طرفی، به‌نظر می‌رسد ویژگی‌های فردی و خانوادگی این دسته از زنان و حمایت‌هایی که از سوی افراد خانواده و به‌ویژه همسرانشان دریافت می‌کنند در افزایش امکان موفقیت آنها تأثیرگذار است. هرچند این یافته تحقیق نیاز به بررسی دقیق‌تر و جداگانه‌ای دارد که مجال آن در پژوهش حاضر فراهم نبود و پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی بدان پرداخته شود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود از آنجا که کسب‌وکارهای سطح خرد زنان مصاحبه‌شونده در حال توسعه و پیشرفت است و آنان قصد گسترش کارآفرینی‌شان در سطوح متوسط و کلان را دارند و بنابر روایت‌ها ساختارهای مردسالارانه‌ای که در سطوح مختلف اجتماعی خصوصاً نهادهای مدیریتی کلان کشور وجود دارد، قابلیت ایجاد موانع برای پیشرفت و گسترش کسب‌وکارهای زنان کارآفرین را دارند؛ در پژوهش‌های آینده به بررسی ابعاد این موانع و راهکارهای کاربردی و اجرایی کاهش و رفع آن پرداخته شود. در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در توانمندسازی زنان، واحدهای درسی و یا کارگاه‌های کارآفرینی و تقویت خلاقیت در رشته‌های مختلف تحصیلی و در مقاطع مختلف گنجانده شود.





## منابع

- دیزجی، منیره و زینی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر آموزش‌های دانشگاهی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی زنان. *رشد و فناوری*، ۱۵(۵۷)، ۴۳-۳۴.
- ربیعی، علی و نظریان، علی. (۱۳۹۲). بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل کرده دانشگاهی ایران. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲(۴)، ۲۶-۱.
- سوئدیرگ، ریچارد و گرانووتر، مارک. (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی اقتصادی ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی*، ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات تیسرا، چاپ دوم.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، جعفری، مهدی و داوری‌کیش، راضیه. (۱۳۹۷). تأثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۴(۱)، ۸۲-۶۱.
- صادقی فسایی، سهیلا، سعیدی، علی‌اصغر و شفیع، زینب. (۱۳۹۷). بازگشت به خانه: مطالعه کیفی خود اشتغالی و کنش کارآفرینانه زنان فارغ التحصیل دانشگاهی. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۹(۳۴)، ۶۳-۹۴.
- عزیزی، زهرا، میرحسینی، زهرا و همایونی، فاطمه‌السادات. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه اجتماعی و عوامل اقتصادی بر شادی زنان (تحلیل اقتصادسنجی درباره‌ی زنان شهر تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۷(۴)، ۵۵۷-۵۸۰.
- فروتن، مهنوش، سفیری، خدیجه و میرساردو، طاهره. (۱۴۰۰). تعاریف و سنخ‌شناسی کارآفرینی و خوداشتغالی زنان دانش‌آموخته آموزش عالی شاغل در تهران. *توسعه اجتماعی*، ۱۵(۴)، ۳۸-۱.
- کیخا، احمد و پورکریمی، جواد. (۱۴۰۰). ترکیب پژوهی شاخص‌های اکوسیستم کارآفرینی دانشگاهی. *توسعه کارآفرینی*، ۱۴(۲)، ۳۲۰-۳۰۱.
- محمدی، سارا، رحیمی، فرح‌اله، نداف، مهدی و آرغا، توران. (۱۴۰۱). شناسایی اولویت‌بندی ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین استان خوزستان با تکنیک تحلیل محتوای کیفی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۲۰(۱)، ۶۴-۳۸.
- مردی، الهه، مظفری، خدیجه و حسینی، سیده لطیفه. (۱۳۹۸). رویکرد قوانین برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی پس از انقلاب به زنان با تأکید بر برنامه ششم. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۵(۱۲۰)، ۹۸-۶۷.

مشایخ، مژگان، حامدی نسب، صادق، رستگار، احمد و طالبی، سعید. (۱۳۹۹). بررسی نقش واسطه‌ای اشتیاق کارآفرینانه در رابطه بین حمایت تحصیلی با کارآفرینی مجازی دانشجویان. رهبری آموزشی کاربردی، ۲۱(۲)، ۶۸-۵۵.

میرزایی، حسین، میرزایی، مجتبی و کاتبی، مهناز. (۱۳۹۶). پتانسیل کارآفرینی و برخی عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشگاه تبریز). علوم اجتماعی، ۱۴(۱)، ۶۱-۳۳.

- Azizi, Z., Mirhosseini, Z. & Homayouni, F. (2019). The impact of social capital and economic factors on women happiness (an econometric analysis of women in Tehran). *Woman in Development & Politics*, 17(4), 557-580. (In Persian)
- Baena-Luna, P., Sánchez-Torné, I., Pérez-Suárez, M. & García-Río, E. (2022). To what extent are Ph.D students intrapreneurs? A study from a gender perspective. *Strategic Change*, 31(2), 211-218.
- Burt, R. S. (2010). *Neighbor networks: Competitive advantage local and personal*. Oxford University Press.
- Crittenden, V. L., Crittenden, W. F. & Ajjan, H. (2019). Empowering women micro-entrepreneurs in emerging economies: The role of information communications technology. *Journal of Business Research*, 98, 191-203.
- Dizaji, M. & Zeini, M., (2019). Investigate the effect of university education on the development of women entrepreneurship skills, *Journal of Growth and Technology*, 15(57), 34-43. (In Persian)
- Foroutan, M., Safiri, K. & Mirsardo, T. (2021). Phenomenological typology of entrepreneurship and self-employment of working graduated women in Tehran. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 15(4), 1-38. (In Persian)
- Keykha, A. & Pourkarimi, J. (2021). Research synthesis components of entrepreneurship ecosystem of entrepreneurial university. *Journal of Entrepreneurship Development*, 14(2), 320-301. (In Persian)
- Marandi, E., Mozaffari, K. & Hosseini, S. L., (2020). The approach of post -revolutionary socio -economic development laws to women with emphasis on the sixth program. *Islamic Social Studies*, 25(120), 67-98. (In Persian)
- Mashayekh, M., Hamedinasab, S., Rasrtegar, A. & Talebi, S. (2020). Investigating the mediating role of entrepreneurial enthusiasm in the relationship between academic support and students' virtual entrepreneurship. *Applied Educational Leadership*, 1(2), 55-68. (In Persian)
- Mirzaei, H., Mirzaie, M. & Katebi, M. (2017). Investigating the potential of entrepreneurship and its related social factors (case study: Tabriz University). *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad*, 14(1), 33-61. (In Persian)
- Mohammadi, S., Rahimi, F., Nadaf, M. & Argha, T. (2022). Identifying and prioritizing the personality traits of women entrepreneurs in Khuzestan province



- with qualitative content analysis technique. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 20(1), 38-64. (In Persian)
- Pandey, V. (2013). Factors influencing entrepreneurial motivation of women entrepreneurs. *BVIMSR's Journal of Management Research*, 5(2), 101-108.
- Rabiee, A. & Nazarian, Z. (2013). An investigation into obstacles to entrepreneurship among educated women. *Journal of Innovation and Creativity in Human Science*, 2(4), 1-26. (In Persian)
- Rahman, H., Hasibuan, A. F., Syah, D. H., Sagala, G. H. & Prayogo, R. R. (2022). Intrapreneurship: As the outcome of entrepreneurship education among business students. *Cogent Education*, 9(1), 2149004.
- Reskin, B. F. & Padavic, I. (1994). *Women and men at work* (pp. 3-97). Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Sadeghi, S., Saeidi, A. & Shafiei, Z. (2018). "Coming back to house", female self-employment and entrepreneurial acts in handicraft brands: A Qualitative Analysis. *Social Development & Welfare Planning*, 10(34), 63-94. (In Persian)
- Shahabadi, A., Jafari, M. & Davari Kish, R. (2019). The effect of economic risk on women's entrepreneurship activity in selected countries of the world. *New Economy and Trad*, 14(1), 61-82. (In Persian)
- Shahriar, A. Z. M. (2018). Gender differences in entrepreneurial propensity: Evidence from matrilineal and patriarchal societies. *Journal of Business Venturing*, 33(6), 762-779.
- Singh, A. & Manisha, R. (2013). Women entrepreneurs in micro, small and medium enterprises. *International Journal of Management and Social Sciences Research*, 2(8), 4-8.
- Swedberg, R. & Granovetter, M. (2018). Introduction to the third edition. In *The Sociology of Economic Life* (pp. xiii-xli). Routledge. (In Persian)
- Wambui, R. & Muathe, S. (2021). From attention to action: Entrepreneurial networks and performance of women-owned enterprises: A theoretical review. *International Journal of Business and Management*, 16(2), 1-82.



© 2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

## نویسندگان

Z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

زهرا میرحسینی

گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

sad.ashuri@gmail.com

صغری عاشوری

کارشناسی ارشد مطالعات زنان و خانواده از دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا.

## بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی از دیدگاه جامعه‌شناسی

صدیقه رضایی پاشا<sup>۱</sup>

فریده شریفی فر<sup>۲</sup>

محمود شارع پور<sup>۳</sup>

علی اصغر کیا<sup>۴</sup>

### چکیده

این مطالعه با هدف بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو و تحلیل آن از دیدگاه جامعه‌شناسی به روش کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. جامعه آماری آن شامل کلیه مطالب روزنامه شرق در سال ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ است. نمونه‌گیری آماری به صورت هدفمند انتخاب گردید که شامل ۴۱۸ داده متنی (خبر، گزارش، مصاحبه و مقاله) در روزنامه مزبور طی بازه زمانی برگزاری هر یک از المپیک‌های مذکور است. سنجش روایی با روش «ممیزی کردن از سوی داور» و سنجش پایایی با روش «هولستی» بررسی شد. در تحقیق حاضر بر اساس روندی مشخص در تحلیل مضمون، داده‌های متنی روزنامه شرق در فرآیند کدگذاری در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر دسته‌بندی گردید. سپس این مضامین به صورت یک نقشه الگوی مفهومی رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده شد. مقایسه نتایج به دست آمده از تحلیل مضمون نشان داد رویکرد این روزنامه در المپیک ۲۰۱۶ ریو مبنی بر مفاهیم «هژمونی»، «استعاره‌های ورزشی» و «فراواقعیت» بوده است. اما در المپیک ۲۰۲۰ توکیو نتایج با رویکرد و سیاست خبری در مفاهیم «استعاره‌های ورزشی» و «فراواقعیت» با رویکرد خبری المپیک ۲۰۱۶ ریو تشابه دارد. اما، در مفهوم «هژمونی» خیزشی ملایم به سمت کم‌رنگ نمودن کلیشه‌های جنسیتی و هژمونی در انعکاس خبرهای ورزشی در المپیک ۲۰۲۰ توکیو رخ داده است.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران  
rezaepasha@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار مدیریت ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
f\_sharififar@azad.ac.ir

<sup>۳</sup> استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)  
sharepour@yahoo.com

<sup>۴</sup> استاد روزنامه‌نگاری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران  
aliasgharkia22@gmail.com



## واژگان کلیدی

بازنمایی، جنسیت، خبرهای ورزشی، المپیک، تحلیل تماتیک

### مقدمه و بیان مسئله

رسانه‌ها یکی از فراگیرترین و مؤثرترین نهادهای تولید، بازتولید و توزیع دانش و معرفت در مقایسه با سایر نهادهای آگاهی و شناخت در جهان جدید هستند. لذا رسانه‌ها را باید سازنده محیط نمادینی دانست که تأثیر عمده آن‌ها، شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطب از دنیای اطراف است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). از طرفی، پدیده ورزش یکی از عام‌ترین پدیده‌های دنیای امروز است که تقریباً همه انسان‌ها با آن مواجه‌اند و می‌توان ادعا کرد رسانه‌های جمعی در آن نقش بسیار مهمی دارند. زیرا تجربه عموم مردم از ورزش بستگی عمیق به آن چیزی دارد که رسانه منتقل می‌سازد. به عبارتی، در برقراری ارتباط بین ورزش و مردم رسانه نقش واسط را ایفا می‌کند. لذا، رسانه به شدت بر نوع ادراک و تجربه مردم از ورزش اثر دارد (روستایی، ۱۳۹۴). ورزش همواره از ابعاد مختلف سوژه رسانه‌ها است. جنسیت، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در این گستره مطرح بوده و مناقشات زیادی را برانگیخته است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۴). جنسیت به‌عنوان یک مقوله اجتماعی شامل: رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. همچنین، در مورد نقش‌های جنسیتی ورزشی، در جامعه مجموعه افکار قالبی مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات از هر دو جنس را طراحی و تعیین می‌کند و در این راستا قشربندی‌های جنسیتی در جامعه پدیدار می‌شوند که به‌طور کلی مربوط به پاداش‌هایی از قبیل توزیع قدرت، ثروت، وجهه، آزادی‌های فردی و اقتصادی است که هر عضو در جامعه بنابر موقعیت خود در هرم سلسله مراتبی حاضر در جامعه از آن بهره می‌برد. قشربندی‌های اجتماعی از جمله قشربندی‌های جنسیتی، در نهادهای مختلف اجتماعی نمود می‌یابند. ورزش از جمله نهادهای اجتماعی است که بخشی از «فرهنگ جنسیتی» در آن توسط نهادهایی چون رسانه بازتولید می‌شوند (صادقی‌فسایی و کریمی، ۱۳۸۴). ورزش و رسانه به هم وابسته بوده و با یکدیگر دارای رابطه همزیستی مسالمت آمیز هستند (شارع‌پور، ۱۳۸۸). ورزش یکی از ارکان مهم برای بازتاب تفکر اجتماعی است. بنابراین، نمود تفکر و نقطه‌نظرهای یک جامعه نسبت به جنسیت با تحلیل عملی ورزش آن جامعه قابل درک است و از طریق آن می‌توان

موقعیت، نقض و حضور اجتماعی هریک از جنس‌ها را مشاهده کرد. از سویی، ورزش یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که معانی، افکار، رفتارها، و واقعیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را منتقل می‌نماید. از این رو به نظر می‌رسد ورزش در درک ما از دنیای پیرامون نقش مهمی ایفا می‌کند و این همان چیزی است که رابطه فرهنگ جامعه و ورزش خوانده می‌شود تا جایی که نوربرت الیاس<sup>۱</sup> بیان می‌کند «شناخت ورزش، کلید شناخت جامعه است» (قدیمی، ۱۴۰۰). در اینجا رسانه‌ها یکی از ابزارهایی که با به‌کار گرفتن نهاد ورزش در به‌نمایش گذاشتن فرهنگ یک جامعه ورزشی نقش شایان توجهی دارد. در واقع رسانه‌ها در کنار نهادهای آموزش و پرورش و خانواده از عوامل جامعه‌پذیر کردن افراد، فرهنگ یک قوم و هویت فردی و اجتماعی افراد هستند. به‌علاوه، آنچه رسانه‌ها به‌نمایش می‌گذارند هم برگرفته از فرهنگ جامعه و هم تأثیرگذار بر آن است. از جمله رسانه‌های مطرح در هر جامعه‌ای مطبوعات ورزشی هستند که علاوه بر جنبه تفریحی، سرگرمی و اطلاع‌رسانی، جنبه بازنمایی جنسیتی نیز دارند. بازنمایی نیز به معنی «تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و زبانی» است. جریان مداوم و مکرر بازنمایی رسانه‌ها از جهان واقعی، به طرز قوی بر ادراک‌ها و کنش‌های مخاطبان تأثیر می‌گذارد و یک تفکر قالبی را به تدریج به امر طبیعی و بدیهی تبدیل می‌کند. زیرا فرض بر این است که این بازنمایی عین واقعیت است (مطهری، ۱۳۹۴). با توجه به نقش و کارکرد مطبوعات ورزشی در تولید و بازتولید روابط و مناسبات قدرت از طریق رویه‌های گفتمانی و ایدئولوژیکی در قالب بازنمایی و معناسازی جنسیت در مطبوعات ورزشی، اتخاذ رویکردی انتقادی به بازنمایی‌های مطبوعاتی امری ضروری است. به‌طوری‌که آنچه از طریق این پژوهش حاصل می‌شود، می‌تواند مبنایی برای دیگر پژوهش‌ها باشد. با مرور مطالعات انجام شده در زمینه بازنمایی جنسیت در داده‌های متنی اخبار ورزشی المپیک مشخص می‌شود که اکثر پژوهش‌ها عمدتاً کمی و قوم‌نگارانه و یا به بررسی رویداد ورزشی خاص در یک مقطع زمانی و با هدف برهم زدن تصورات قالبی و پیش‌فرض‌های مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی به ورزش پرداخته‌اند. با توجه به مطالب فوق و به‌دلیل نبود یک الگوی مفهومی از بازنمایی رسانه‌ها مبتنی بر جنسیت در ادوار گذشته در رویدادهای ورزشی مهمی مانند المپیک که جز معدود رویدادهای جهانی است که به‌طور همزمان مسابقات مربوط به هر دو جنس زن و مرد



برگزار می‌گردد و نیازمند انعکاس اخبار و حواشی احتمالی آن در زمان برگزاری مسابقات است، پژوهش حاضر ضمن مطالعه جامعه‌شناختی بازنمایی جنسیت در اخبار منعکس شده در یک رسانه (روزنامه شرق) در مورد بزرگترین رویداد ورزشی جهان به نام المپیک در دو بازه زمانی متفاوت، وضعیت آن رسانه در نوع نگاه به جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی در یک پروسه زمانی ۴ ساله را نیز مورد بررسی قرار داده و درصدد برآمد تا مقوله‌بندی نوینی از بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو بر اساس حمل معناها و پیام‌های اجتماعی (روزنامه شرق) در زمینه‌ها و متن‌های مختلف بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی المپیک ارائه نماید و این می‌تواند پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز کند و جنبه‌ای نسبتاً بدیع و نوین بدان ببخشد. به همین منظور تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی شکل گرفت که تحلیل بازنمایی جنسیت در پوشش اخبار ورزشی دو المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو از دیدگاه جامعه‌شناسی چگونه است؟. فرض بنیادین پژوهش این است که بازنمایی‌ها و معناسازی‌های رسانه‌ای، امری ذاتی و طبیعی نیست، بلکه برساخته‌ای اجتماعی، فرهنگی، زبانی و گفتمانی است؛ لذا، با تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی به دست آمده از داده‌های متنی ضمن رسیدن به پاسخ سؤال فوق و ترسیم الگوی مفهومی از بازنمایی جنسیت در اخبار ورزشی المپیک در روزنامه شرق، سعی شد تا الگوی جامعه‌شناختی مناسبی برای تحلیل بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی المپیک طراحی گردد.

### پیشینه تجربی

رضایی‌پاشا و همکاران (۱۴۰۰) به تحلیل مضمون خبرهای المپیک ۲۰۲۰ توکیو با تأکید بر جنسیت پرداخته‌اند. برای این منظور، داده‌های متنی رویداد المپیک توکیو ۲۰۲۰ (۱ تا ۱۷ مرداد سال ۱۴۰۰) منتشره در روزنامه شرق به صورت هدفمند انتخاب و با روش کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند که یافته‌ها نشان داد مفاهیم «هژمونی، استعاره‌های ورزشی، فراواقعیت» برای ترسیم بازنمایی جنسیت نقش کلیدی دارند.

قره و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی شناخت نگرش دانشجویان مدیریت رسانه نسبت به انعکاس ورزش بانوان در رسانه ملی پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان داد رسانه ملی در انعکاس ورزش بانوان و مطابقت آن با راهبردهای ورزش بانوان ناموفق بوده و تنها در مورد ورزش دانشجویی و

قهرمانی نظرها تا حدودی بهتر و مثبت‌تر از سایر موارد به‌دست آمد. همچنین، از نظر جنسیت بین مؤلفه‌های ورزش آقایان و ورزش قهرمانی تفاوت وجود دارد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۴) با رهیافت تحلیلی به بررسی مناقشه تاریخی نقش رسانه‌ها در بازتولید و ترویج نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند. بدین‌منظور، سریال «تکیه بر باد» با استفاده از تحلیل نشانه‌شناختی فیسک<sup>۱</sup> در سه سطح رمزگان واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژی تحلیل و ارزیابی شد که نتایج نشان داد توجه به نقش مادری و همسری، پوشش چادر، تعلق به ارزش‌های خانواده، توجه به جایگاه پدر و همسر در تصمیم‌گیری به‌عنوان نشانه‌های وجود رویکرد مردسالارانه و ذات‌گرایانه در جامعه ایران برجسته است. در مقابل، نشانه‌هایی نظیر تحصیلات، اشتغال و حضور در فضاهای بیرونی استقلال مادی، انتخاب‌گری، پوشش مانتو و مراودات متفاوت از عرف خانواده به‌عنوان نشانه‌های هویت برساخته به حاشیه رانده شده‌اند.

گرابمولروا<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در تقویت یا تضعیف برابری جنسیتی کمیته بین‌المللی المپیک<sup>۳</sup> در طول بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو پرداخته است. برای این منظور، حساب‌های رسانه‌های اجتماعی سه کمیته ملی المپیک نروژ، جمهوری چک و سوئیس با روش کمی و مصاحبه‌های عمیق کیفی تجزیه و تحلیل شد تا تصمیمات و فرآیندهای مؤثر بر تصویر جنسیتی در بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو شناسایی گردد. یافته‌ها نشان داد کارکنان رسانه‌ها تأثیر معنی‌داری بر ارائه تصویر منطقی از جنسیت در محتوای کانال‌های ارتباطی خود دارند و برخلاف رسانه‌های خبری، آنها از الگوهای مورد استفاده آگاه بوده و در راستای ارزش‌های المپیک به‌کار می‌برند. در نتیجه، دستور کار منصفانه‌تری برای ورزشکاران زن و مرد تعیین نموده و مأموریت برابری جنسیت را تقویت کرده‌اند.

مارتیندیل<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) با استفاده از روش اتنوگرافی به بررسی تأثیر تصاویر رسانه‌ای از ورزشکاران زن بر افکار عمومی پرداخته است. وی نتیجه گرفت که زنانگی و شکل ظاهری، ریشه چگونگی درک و ارزش‌گذاری جامعه از ورزشکاران زن است. ورزشکاران زن موفق، به‌طور خودکار نماینده

1. Fiske
2. Grabmüllerová

<sup>۳</sup>. International Olympic Committee

1. Martindale





تمام زنان در ورزش محسوب می‌شوند و اقدامات و تصاویر عمومی آنها در داخل و خارج از زمین بازی تأثیر بسزایی در پایداری و پیشرفت ورزش زنان به‌طور کلی دارد.

کالو و اورتگا<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با تحلیل محتوای ۸۶۱ خبر مربوط به ورزشکاران زن اسپانیایی در جریان بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو نشان دادند میزان پوشش خبری زنان ورزشکار در طول این دوره از المپیک افزایش یافته است. با این وجود، این پوشش خبری کمتر از پوشش خبری ورزشکاران مرد بوده است. اما، به دلیل موفقیت‌های زنان اسپانیایی که بیش‌تر از مردان در این دوره مدال کسب کردند، عدالت خاصی بین جنسیت وجود دارد.

فورناری و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) دیدگاه جنسیتی موجود در گزارشات مربوط به ورزشکار زن برزیلی حاضر در بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ منتشره در دو روزنامه برزیلی با تیراژ ملی را بررسی نمود و دریافتند رسانه‌ها با به تصویر کشیدن ورزشکاران زن به کمک ویژگی‌های کلیشه‌ای زنان، الگوهای جنسیتی برساخت اجتماعی را تکرار می‌کنند که نشان‌دهنده نابرابری‌های جنسیتی و خشونت علیه ورزشکاران زن توسط اعضای تیم‌های فنی و حامیان آنها است.

شور و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) تعصب جنسیتی در رسانه‌ها را با آزمون مقیاس بزرگ مورد مطالعه قرار داده‌اند. برای این منظور، پوشش خبری بیش از ۲۰ هزار زن و مرد موفق در حوزه‌های مختلف اجتماعی و شغلی در بیش از ۲ هزار منبع خبری به‌عنوان معیار رفتاری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد زنان در مقایسه با مردان هم‌سال از همان قشرهای شغلی، از اقبال عمومی بیشتری برخوردارند، اما بازتاب رسانه‌ای کمتری دارند.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد اگر چه در پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۴) از روش جان فیسک استفاده شده است، ولی آنها به روابط بینامتنی و گفتمان خارج از متن، توجهی نکرده‌اند. پژوهش قره و همکاران (۱۳۹۶) نیز یک مطالعه توصیفی است که از اعتبار درونی کمی برخوردار است. پژوهش گرایمولروا (۲۰۲۲) به تحلیل اخبار یک صفحه رسانه اجتماعی الکترونیک کمیته بین‌المللی المپیک و مقایسه آن با صفحات اینستاگرام کمیته ملی المپیک سه کشور اروپایی و مصاحبه با مدیران آن صفحات پرداخته که از نظر روش تحقیق و ماهیت رسانه

2. Calvo-Ortega

2. Fornari et al

3. Shor et al

مورد مطالعه و جامعه مورد مطالعه، با تحقیق حاضر تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. مارتیندیل (۲۰۲۰) صرفاً با روش قوم‌نگاری به بررسی مسأله پرداخته که ناشی از دو اصل طبیعت‌گرایی و انعطاف‌پذیری آن، توصیفی بوده و پایایی آن ضعیف است. در پژوهش فورناری و همکاران (۲۰۱۹) از روش تجزیه و تحلیل محتوا استفاده شده است. اما این روش به تنهایی نمی‌تواند مبنای اظهارنظر درباره تأثیر محتوا بر مخاطبان باشد. زیرا این روش تنها به چارچوب مقوله‌ها و تعاریف به‌کار رفته در تحلیل محدود می‌شود. در پژوهش کالو و اورتگا (۲۰۲۰) از روش تحلیل محتوا استفاده شده که چون محدود به زمان رقابت است، خلاف نظریه‌های موجود را نشان می‌دهد و نتایج آن به‌طور معناداری با نتایج تحقیقات قبلی متفاوت است. بنابراین، لزوم اقدامات احتیاطی و عمیق‌تر در این نوع مطالعات، در کنار حضور مؤثرتر و ملموس‌تر زنان در عرصه‌های مختلف ورزشی در سال‌های اخیر، انجام یک مطالعه کیفی جهت بررسی وضعیت جنسیت در انعکاس اخبار ورزشی در رسانه‌های ایرانی را ضرورت بخشید و پژوهش حاضر در این راستا شکل گرفت تا با مطالعه جامعه‌شناختی بازنمایی جنسیت در اخبار جدیدترین و بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان یعنی المپیک ۲۰۲۰ توکیو و مقایسه آن با المپیک ۲۰۱۶ ریو، تصویری از وضعیت انعکاس اخبار رسانه‌های ایرانی با تمرکز بر جنسیت در فاصله زمانی ۴ سال اخیر که ایران دارای دو رویکرد سیاسی اجتماعی متفاوت نیز بوده است، ارائه دهد. بنابراین، مقوله‌بندی نوین از تحلیل بازنمایی جنسیت در خبرهای المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو با دیدگاه جامعه‌شناسی ترکیبی (کلان و خرد و پست مدرن) بر اساس حمل معناها در پیام‌های اجتماعی، جنبه‌ای نسبتاً بدیع و نوین به این تحقیق بخشیده است. به‌عبارتی، نوآوری این تحقیق در ایجاد یک الگوی مفهومی نظریه‌ای درباره مطالعه المپیک توکیو ۲۰۲۰ و المپیک ۲۰۱۶ ریو در زمینه‌ها و متن‌های مختلف اجتماعی است.

### چارچوب نظری

#### نظریه بازنمایی جنسیت

بازنمایی با «دلالت» نیز متضمن فرآیندهای تولید معانی است. بنابر استدلال فمینیست‌ها، بازنمایی به‌طور مداوم تصور از هویت جنسی را ایجاد، تأیید یا دگرگون می‌کند. این اصطلاح عمدتاً توسط فمینیست‌های موج دوم در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ برای بیان تولید معنا و تصور از زنان و نحوه



بازنمایی آنها در تولیدات حوزه‌های هنر، سینما، رسانه‌های روان‌شناسی و ... استفاده می‌شد. در برخی مباحث فمینیستی موضوع بازنمایی با بحث درباره سوژه شدگی و یا مطیع شدن ارتباط دارد. زیرا فمینیست‌ها با توجه به مفهوم سوژه در نزد فوکو<sup>۱</sup> که آن را جلوه‌ای از ساختارهای گفتمانی می‌داند، که با آن ساختارها تعامل می‌کند، ولی به خودی خود بنیادی نیست و اتخاذ برخی مواضع سوژه‌ای را نوعی از کنش که در درون بافت‌های خاصی از کنش‌ها صورت می‌گیرد، می‌دانند. نحوه آشکارشدگی مواضع سوژه‌ای در ادبیات، تبلیغات و رسانه‌ها همان بازنمایی خوانده می‌شود. در واقع بازنمایی‌ها نمایش همان «نفس» مرکز زدوده است و نه مرگ سوژه که باتلر<sup>۲</sup> به آن اشاره دارد. مفهوم بازنمایی در مطالعات رسانه‌ای جنبه محوری دارد. این مفهوم با تلاش‌هایی که برای ترسیم واقعیت صورت می‌گیرد، رابطه تنگاتنگی دارد. بازنمایی را تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و زبان تعریف می‌کنند. جریان مداوم و مکرر بازنمایی رسانه‌ها از جهان واقع، به طرز گسترده‌ای بر ادراک و کنش‌های مخاطبان تأثیر می‌گذارد؛ زیرا فرض بر این است که این بازنمایی‌ها عین واقعیت است. فمینیست‌ها بر این باورند که رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون، با ساخت و ارائه ایماژهای اصلی از زنانگی و مردانگی، فعالانه در گفتمان نمادین جنسیت که ریشه در روابط قدرت دارد، سهمیم هستند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷).

### نظریه هژمونی گرامشی

گرامشی<sup>۳</sup> از هژمونی<sup>۴</sup> در دو نهاد اجتماعی جامعه مدرن امروزی یعنی رسانه و ورزش صحبت می‌کند. ورزش و رسانه به هم وابسته بوده و با یکدیگر دارای رابطه همزیستی مسالمت‌آمیز هستند. ورزش به‌عنوان نهاد اجتماعی هژمونیک، برتری مردان نسبت به زنان را طبیعی می‌سازد. به‌عبارتی، رسانه از طریق ایجاد و انعکاس نگرش‌های اجتماعی مربوط به مردان و زنان، هژمونی موجود در ورزش را تقویت می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۸). در این پژوهش، تبعیض جنسیتی به‌عنوان ایدئولوژی مسلط مردانه در جامعه ورزش باعث به‌وجود آمدن شرایط نابرابری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان مورد بحث می‌باشد. منظور از تبعیض جنسیتی یعنی اعمال و رفتار، پیش‌داوری‌ها و

1. Foucault

2. Butler

3. Antonio Gramsci

4. Hegemonie

ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرودست‌تر و کم ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌داند. زنان به‌عنوان طبقه تحت سلطه در جست‌وجوی رسیدن به برابری می‌باشند. گرامشی، اعمال هژمونی یا سلطه فرهنگی را که همانا به شفاف‌سازی سلطه طبقه حاکم از طریق ایدئولوژی و فرهنگ بر طبقه زیردست می‌پردازد به تصویر می‌کشد. گرامشی بر این باور است که طبقات حاکم در جامعه، هژمونی یا سلطه خود را با به‌وجود آوردن افرادی که خودشان تمایل به تحت سلطه بودن دارند، به‌دست می‌آورند و ایدئولوژی در به‌وجود آوردن این تمایل نقش به‌سزایی دارد؛ چرا که به‌عنوان ابزاری محسوب می‌شود که از طریق آن عقاید معینی منتقل گشته و مهم‌تر این‌که درست تلقی می‌گردند. در نتیجه برای تغییر هژمونی یا سلطه در چنین جوامعی باید یک "جنگ موقعیت" صورت بگیرد که در واقع یک مبارزه زمان‌بر بر ضد ایدئولوژی مسلط مردانه محسوب می‌گردد (جیولیونوتی، ۱۳۹۱).

#### نظریه فراواقعیت ژان بودریار

بودریار<sup>۱</sup> از مفهوم «فراواقعیت<sup>۲</sup>» برای بیان کارکرد رسانه‌ها در نمایان‌سازی واقعیت استفاده کرد؛ حاد واقعی در ارتباطات و در معنا، به معنی واقعی‌تر از واقعی است که نشان می‌دهد واقعیت چگونه از میان رفته است. زیرا، به اعتقاد وی رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی یا تحریف اطلاعات درباره یک رخداد واقعی ورزشی سبب می‌شوند تا دیگر اثری از واقعیت اولیه در گزارش‌های رادیویی، تلویزیونی یا مطبوعاتی باقی نماند (بودریار، ۲۰۰۷).

#### نظریه تحلیل انتقادی استعاره<sup>۳</sup>

در تحقیقات کیفی، محقق با سهیم شدن در دنیای مشارکت‌کنندگان به درک ذهنی و بینشی عمیق از تجارب آن‌ها نائل می‌گردد. بنابراین، محقق باید استعداد درک مفاهیم را داشته باشد تا بتواند روابط بین آنها را تشخیص و عناصر مربوط را از نامربوط تمیز دهد. به این ویژگی حساسیت نظری<sup>۴</sup> اطلاق می‌شود که روشی برای درک بهتر رابطه میان زبان و تفکر است تا بتوان بر اهرم‌های

<sup>۱</sup>. Baudrillard

<sup>۲</sup>. Hyper Reality

<sup>۳</sup>. Critical Metaphor Analysis

<sup>۴</sup>. Theoretical Sensitivity



فشار مدرنیته کنترل بیشتری داشت. استعاره می‌تواند در یک معنای ساده دو قسمت گم شده از بافت‌های مختلف معنا را در کنار هم قرار دهد. بنابراین، ما انتقال ساده واژه‌ها را بررسی نمی‌کنیم، بلکه با نوعی اندیشه‌ورزی که بین بافت‌ها مطرح می‌گردد، سروکار داریم. رویکرد تحلیل انتقادی استعاره نشان می‌دهد کدام دسته از عوامل بر انتخاب واژه‌ها و عبارات برانگیزاننده احساسات توسط قدرتمندان جامعه، سیاست‌مداران، صاحبان رسانه و ورزش نقش دارند؟ استعاره‌ها غالباً اثر گذارند (حتی به قول لیکاف<sup>۱</sup>: استعاره‌ها می‌توانند کشنده باشد)؛ چراکه شیوه‌های خاص نگاه به جهان را به ما می‌قبولانند. این باور وجود دارد که درک بهتر زبان، اساس خلق جامعه‌ای بهتر است. تحلیل انتقادی استعاره، روشی برای آشکارسازی ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها و باورهای زیربنایی است. بنابراین، استعاره ابزاری حیاتی برای درک و فهم بیش‌تر روابط پیچیده بین زبان، اندیشه و بافت اجتماعی در اختیار می‌گذارد. چارتریس بلک<sup>۲</sup> (۱۳۹۸) محقق معتقد است که کاربست استعاره‌های جنگ در گزارش‌های ورزشی نوعی زبان رقابتی را در نظام‌های اجتماعی ایجاد و تقویت می‌کند که برای همه اشکال رفتار رقابتی اجتماعی ارزش‌گذاری بالایی قائل هستند. استعاره‌های مفهومی برای ورزش‌های خاص از قبیل: فوتبال، جنگ است و بسکتبال یک بازی جنگنده و غیره... به‌طور ضمنی، به بازنمایی معنایی در سطح بالاتر اشاره می‌کند: ورزش، مبارزه برای بقاست. بنابراین اگر فوتبال، جنگ است، پس می‌توان گفت که جنگ‌ها نیز نوعی مسابقه فوتبال هستند. این ادعا از لحاظ ایدئولوژیک بسیار مهم است؛ زیرا اگر استعاره‌های برخورد در گزارش‌های ورزشی به‌هنگام تبدیل گردند، می‌توانند این زیربنای مفهومی را القا کنند که جنگ‌های واقعی طوری بازنمایی شوند که گوئی «صرفاً» مسابقه‌ای ورزشی هستند. البته این می‌تواند مقاومت در برابر جنگ را به حداقل برساند. همچنین، در این سطح پنهان، استعاره‌های گزارش ورزشی دارای ویژگی‌های معناشناختی مشابه با ویژگی‌های سایر انواع گفتمان‌ها از قبیل سیاست هستند. در استعاره‌های جنسیت‌زدگی زبان، ارتباط میان زبان و جنسیت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که باعث گسترش و اشاعه ایدئولوژی‌های جنسیتی از طریق زبان گفتاری می‌شود (مطهری و همکاران، ۱۳۹۴).

### جمع‌بندی

<sup>۱</sup>. George Lakoff

<sup>۲</sup>. Jonathan Charteris Black

در تحلیل بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی می‌توان گفت که رسانه و ورزش از یک طرف دو نهاد اجتماعی دارای هژمونی در جامعه مدرن امروزی می‌باشند، ورزش به‌عنوان نهاد اجتماعی هژمونیک، برتری مردان نسبت به زنان را طبیعی می‌سازد. در واقع، هژمونی در ورزش وجود دارد و این هژمونی توسط نوع پوشش رسانه از نهاد ورزش، مورد حمایت قرار می‌گیرد تا جایی که تبلیغات رسانه‌ای در شکل‌گیری هویت جنسیتی نقش مؤثری دارد و از طرفی رسانه، ورزش را بر سر دوراهی بهره‌وری و اغوا، فراواقعیت قرار داده است. رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی یا تحریف اطلاعات درباره یک رخداد واقعی ورزشی، سبب می‌شوند تا دیگر اثری از واقعیت اولیه در گزارش‌های رادیویی، تلویزیونی یا مطبوعات ورزشی باقی نماند. در واقع واقعیت‌های ورزشی، بازنمایی نمی‌شوند، بلکه شبیه‌سازی می‌شوند و با میانجی رسانه‌ها به فراواقعیت تبدیل می‌شوند. به‌طور کلی این مفاهیم (هژمونی، تحلیل انتقادی استعاره، فراواقعیت) در رسانه‌های ورزشی با تلاش‌هایی که برای ترسیم واقعیت صورت می‌گیرد، رابطه‌ای تنگاتنگ با مفهوم «بازنمایی» دارد. به‌عبارتی بازنمایی واقعیت ورزشی، نوعی معناسازی از یک رویداد ورزشی است که می‌توان گفت رسانه‌ها نه آینه‌ای برای انعکاس واقعیت، بلکه سازنده واقعیت و شکل‌دهنده به آن هستند.

### روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به‌عنوان روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و داده‌های متنی و نیز روشی برای طراحی الگوی مفهومی، تلاش کرده تا الگویی مناسب برای تحلیل مضمون خبرهای المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو با تأکید بر جنسیت طراحی کند. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی، تحلیل داده‌های متنی است (براون و کلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۲۳) در تحلیل مضمون، داده‌های متنی در آن بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی می‌شود و در نهایت بر اساس وجوه مشترک، عبارات گروه‌بندی‌شده در هر کدام از مقولات و طی فرآیندی سلسله‌مراتبی، مضامین اصلی و در مرحله نهایی، مضمون مرکزی (مضمون نهایی) شناسایی می‌شود (پاک‌سرشت، ۱۳۹۱: ۱۶۶). به دلیل این‌که پژوهش از نوع بنیادی خواهد بود، لذا برای آن، جامعه

<sup>۱</sup>. Braun & Clarke



آماري همچون پژوهش‌های کمی متصور نیست و روش نمونه‌گیری نظری خواهد بود. به این منظور، منابعی انتخاب خواهند شد که بیشترین اطلاعات و داده برای پاسخ به سوال تحقیق فراهم می‌کنند. داده‌های متنی با این نمونه‌ها تا آنجا ادامه یافت که محقق به مرحله اشباع نظری دست یافت (محمدپور، ۱۳۹۰: ۴۸).

### مشارکت‌کنندگان

کلیه خبرها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و مقاله‌های منتشرشده در رسانه‌های مکتوب ایرانی سال ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ است که رویداد المپیک ۲۰۲۰ توکیو (۲۵ تیر - ۲۵ مرداد ۱۴۰۰) و ۲۰۱۶ ریو (۸ شهریور - ۸ مرداد ۱۳۹۵) را پوشش داده‌اند.

### نمونه آماری

با توجه به این‌که روزنامه‌ها تنها رسانه مکتوبی هستند که به‌طور روزانه اخبار را منتشر می‌کنند و مخاطبین آنان را هر سن و قشری تشکیل می‌دهد، به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند و از میان آن‌ها، روزنامه شرق به‌صورت هدفمند جهت مطالعه و بررسی انتخاب شد. بررسی روزنامه‌ها نشان داد که روزنامه شرق نمونه خوبی از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای حال حاضر ایران می‌تواند باشد. جهت پوشش‌دهی حداکثری اخبار مربوط به المپیک، خبرهای بازه زمانی یک هفته قبل از شروع المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو، دو هفته زمان برگزاری المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو و یک هفته بعد از المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو که جمعاً برابر با یک ماه می‌شد مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع ۱۷۷ داده متنی کدگذاری و استخراج گردید.

جدول ۱. مشخصات زمان و مکان برگزاری المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو

ردیف	مکان برگزاری المپیک	تاریخ برگزاری به میلادی	تاریخ برگزاری به هجری شمسی	زمان مورد مطالعه	تعداد خبر
۱	ژاپن - توکیو	۲۰۲۰ ۱۲ آگوست - ۲۷ جولای	۱۴۰۰ ۱ مرداد - ۱۷ مرداد	۱۴۰۰ ۲۵ تیر - ۲۵ مرداد	۱۷۷
۲	برزیل - ریودوژانیرو	۲۰۱۶ ۲ آگوست - ۵ آگوست	۱۳۹۵ ۳۱ مرداد - ۱۵ مرداد	۱۳۹۵ ۸ شهریور - ۸ مرداد	۲۴۱

۴۱۸	مجموع داده‌ها
-----	---------------

منبع: یافته‌های پژوهش

برای بررسی جمعاً ۴۱۸ خبر مدنظر، از برگه کدگذاری محقق ساخته با دستورالعمل اختصاصی ریان و برنارد<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) و افزودن واحدهای تحلیل جدید استفاده شد. واحدهای تحلیل (متغیرهای) مورد بررسی در این تحقیق شامل مطالب مربوط به رویداد ورزشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو و المپیک ۲۰۱۶ ریو از ابعاد قالب مطالب (اخبار، مصاحبه، گزارش، مقاله و...) موضوع مطالب، جهت‌گیری مطالب (مثبت، منفی، خنثی و دوپهلوی)، تیتراژ در صفحه اول و صفحه درج مطلب بود.

برای سنجش روایی تحلیل مضمون، از روش «ممیزی کردن از سوی داور» به این نحو که محقق با توضیح در مورد چگونگی مشتق شدن مضامین و چگونگی اخذ تصمیم در طول پژوهش برای ممیزی و تایید آن به دست داور استفاده نمود که قابلیت اطمینان نتایج تحقیق افزایش می‌یابد. در پژوهش پیش رو این کار توسط چند تن از اساتید جامعه‌شناسی ورزش و علوم ارتباطات انجام گردید. جهت سنجش پایایی از روش هولستی<sup>۲</sup> استفاده شد. درصد توافق ۰/۸۹ به دست آمد که نشان می‌دهد نتایج پژوهش از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است.

### یافته‌های پژوهش

با توجه به کدبندی‌ها و تحلیل‌های انجام گرفته روی داده‌های متنی روزنامه شرق در زمان برگزاری المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو، مهم‌ترین مضمون‌های استخراجی از بطن خبرهای انعکاس یافته از این رویداد ورزشی به شرح جدول زیر است.

جدول ۲. مضامین بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی از دیدگاه جامعه‌شناسی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون اصلی	مصادقات‌های خبرهای ورزشی ۱۳۹۵ (المپیک ۲۰۱۶ ریو)	مصادقات‌های خبرهای ورزشی ۱۴۰۰ (المپیک ۲۰۲۰ توکیو)
			نعمتی قلب‌ها و ذهن‌ها را فتح کرد، بی‌غیرت، ابتهاج	جدال هم‌تیمی و خواهران دیروز، دوستی «خاله خرسه»، «آلت دست

<sup>۱</sup>. Ryan & Bernard

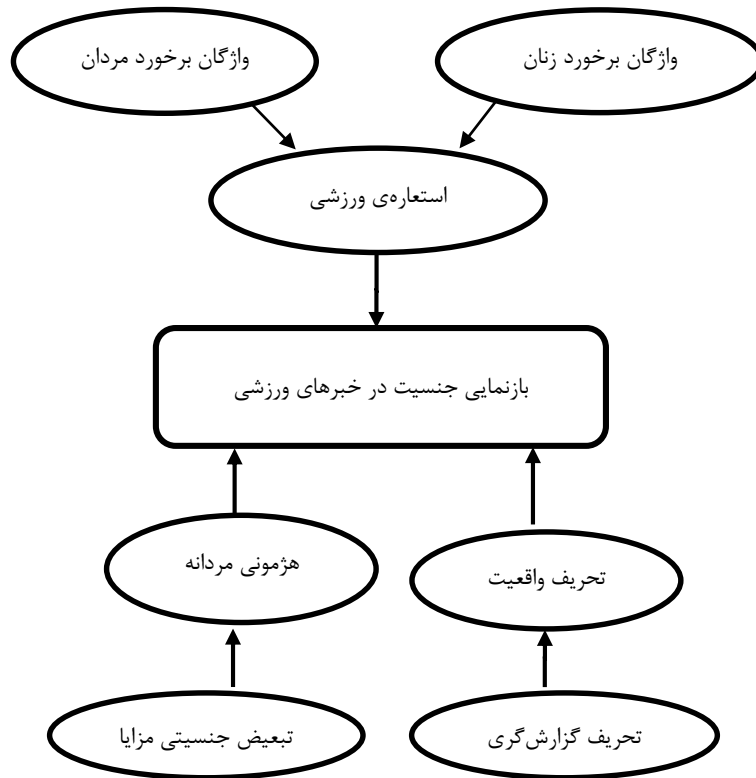
<sup>۲</sup>. Holsti's Coefficient of Reliability





اولین بانوی محجبه مدال‌آور آمریکا، ایراندخت کیمیاگر تاریخ	بیگانگان»، به ملیت خودش پشت کرده است، به مملکت خود پشت می‌کند، به پرچم خود پشت می‌کند	واژگان برخورد زنان	استعاره‌های ورزشی	بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی
شمشیر تیزی که مدال ...، خیز کیانوش، رستمی دیگر، ارتش «بنا» وارد می‌شود، پایان خوش شاهنامه برای سهراب، غول کوبایی، جلود یا جلاد، «کمیل» طلا کاشت، نقره گرفت «کمیل ۳۰ ثانیه»، مزدور و وطن فروش	من تنشه مبارزه‌ام و می‌خواهم برنده بشم، این طلسم در شرایطی شکست، تانک روس، ترقه ایرانی!، اتحادیه جهانی کشتی به او لقب «شاهین» داد، سنجاب پرنده سرانجام خوشی نداشت!، مصاف دیدنی پلنگ جویبار	واژگان برخورد مردان		
-----	تحریف کیمیا علیزاده در تلویزیون و پیش از رقابتش با ناهید کیانی در سه مرحله شکل گرفت	تحریف گزارشگری		
تحریف بهداد سلیمی از اعتراض‌های تیم ایران نسبت به تیم داوری، واکنش تخریبگر رسانه‌ها و تماشاگران از برچسب جلود یا جلاد و هک شدن سایت فدراسیون جهانی وزنه‌برداری تا رأی دادگاه	-----	تحریف سیستماتیک	فراواقعیت	
پاداش ۱۴۰ سکه‌ای برای طلایی‌های کشتی در المپیک ...	اوضاع بد مالی کمیته ملی المپیک متحمل هزینه مالی رفت و آمد بی‌حاصل احسان حدادی به توکیو...، نداشتن بودجه جهت تهیه جلیقه یخ برای نازنین ملایی...، عدم اعزام ماساژور همراه کاروان ورزشی به توکیو...	تبعیض جنسیتی مزایا	هژمونی	

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۱. الگوی تحلیل بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی از دیدگاه جامعه‌شناسی

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌گردد، سه مضمون اصلی شامل استعاره ورزشی، تحریف واقعیت و هژمونی، از تحلیل بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی از دیدگاه جامعه‌شناسی به دست آمده است که در ذیل به تحلیل آنها پرداخته شده است.

✓ واژگان برخورد زنان و مردان

✓ مضمون استعاره ورزشی



جدول ۳. طبقه‌بندی واژگان برخورد در خبرهای ورزشی

خبرهای المپیک ۲۰۱۶ ریو		خبرهای المپیک ۲۰۲۰ توکیو	
واژگان برخورد زنان	واژگان برخورد مردان	واژگان برخورد زنان	واژگان برخورد مردان
نعمتی قلب‌ها و ذهن‌ها را فتح کرد	شمشیر تیزی که مدال نشد اما آن قدر تیز بود که گلوی دنیا را پاره کرد	«آلت دست بیگانگان»	من تنش‌های مبارزه هستم و می‌خواهم برنده شوم
بی‌غیرت (لیلا رجبی)	خیز کیانوش	به ملیت خودش پشت کرده است.	ما یک بازی جان‌دار و جنگنده می‌خواهیم
ابتهاج اولین بانوی محجبه مدال‌آور آمریکا	رستمی دیگر	به مملکت خود پشت می‌کند	تانک روس، ترقه ایرانی!
ایراندخت کیمیاگر تاریخ	ارتش «بنا» وارد می‌شود	به پرچم خود پشت می‌کند	شروع بد آسمان‌خراش‌ها
نتایج ضعیف صمیمی و رجبی	پایان خوش شاهنامه برای سهراب	دوستی «خاله خرسه»	لقب «شاهین»
مهسا جاویر فینالیست نشد	مادسن دانمارکی بار دیگر مثل کوه مقابل سعید ایستاد	جدال هم‌تیمی و خواهران دیروز یاد می‌شد	مصاف دیدنی پلنگ جویبار با تیلور آمریکایی
سرنا ویلیامز هم حذف شد	غول کوبایی	چون رقیب، رقیبی معمولی نبود!	سنباج پرنده سرانجام خوشی نداشت!
	جلود یا جلاد	شرایط ذهنی و جسمی ناهید کیانی بهتر از کیمیا علیزاده است	رویاری آسیان‌خراش‌ها
	«کمیل» طلا کاشت، نقره گرفت «کمیل ۳۰ ثانیه»	حمیده، «کیمیای» کاروان ایران؟	این طلسم در شرایطی شکست
	مزدور و وطن‌فروشی	(حمیده عباسعلی) او کارنامه پرافتخاری دارد که می‌تواند برای رقبایش ترسناک باشد	علی هاشمی اوت شد
		باخت تلخ حمیده عباسعلی	(حسن یزدانی) برای این‌که باز با تمام توان بجنگم

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های جدول بالا، واژگان برخورد در روزنامه شرق در دو سطح استعاره‌های مربوط به مردان و استعاره‌های مربوط به زنان قابل طبقه‌بندی است. در استعاره‌های مربوط به مردان و زنان نوعی جنسیت‌زدگی مشاهده می‌شود که حکایت از وجود «زبان جنسیت‌زده» در واژگان برخورد زنان وجود دارد که به نوعی واژه‌های تحقیرشده برای ورزشکار زن را بیان می‌کند. این شکل از کاربرد زبان نوعی خشونت علیه زنان ورزشکار در محیط ورزشی است که توسط رسانه‌ها و حتی روشنفکران، نویسندگان و مجریان اصحاب رسانه و هر فردی که از وسیله‌ای به نام زبان استفاده می‌کند به صورت مستقیم و غیرمستقیم به کار می‌رود (جدول ۴).

**نمونه استعاره‌های گزارش ورزشی در المپیک ۲۰۲۰ توکیو نسبت به زنان:** دوستی خاله خرسه، به ملیت خودش پشت کرده است، به مملکت خود پشت می‌کند، به پرچم خود پشت می‌کند.

**نمونه استعاره‌های گزارش ورزشی در المپیک ۲۰۱۶ ریو نسبت به زنان:** بی‌غیرت، نتایج ضعیف صمیمی و رجبی. در مقابل در واژگان برخورد مردان، نوعی از توصیف واژه‌های شجاع و مبارز و قوی بیان می‌شود. این در حالی است که برای ورزشکاران زن از این ادبیات استفاده نمی‌شود.

**نمونه استعاره‌های گزارش ورزشی در المپیک ۲۰۲۰ توکیو نسبت به مردان:** تانک روس، ترقه ایرانی!، شاهین، پلنگ جویبار.

**نمونه استعاره‌های گزارش ورزشی در المپیک ۲۰۱۶ ریو نسبت به مردان:** شمشیر تیزی که مدال نشد اما آنقدر تیز بود که گلوی دنیا را پاره کرد. رستمی دیگر، ارتش «بنا» وارد می‌شود، پایان خوش شاهنامه برای سهراب، مثل یک کوه ایستاد، جلاد.

جدول ۴. استعاره‌های جنسیتی ورزشی در خبرهای المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو

استعاره‌های جنسیتی گزارش ورزشی		المپیک
استعاره‌های جنسیتی نسبت به مردان	استعاره‌های جنسیتی نسبت به زنان	
تانک روس، ترقه ایرانی!، شاهین، پلنگ جویبار	دوستی خاله خرسه، به ملیت خودش پشت کرده است، به مملکت خود پشت می‌کند، به پرچم خود پشت می‌کند	۲۰۲۰ توکیو
شمشیر تیزی که مدال نشد اما آنقدر تیز بود که گلوی دنیا را پاره کرد. رستمی دیگر، ارتش «بنا» وارد	بی‌غیرت، نتایج ضعیف صمیمی و رجبی	۲۰۱۶ ریو



می‌شود، پایان خوش شاهنامه برای سهراب، مثل یک کوه ایستاد، جلاد		
---	--	--

منبع: یافته‌های پژوهش

از طرفی ورزش ایران در المپیک ۲۰۲۰ توکیو با پدیده‌ای به نام تیم پناهندگان المپیک مواجهه بود که استعاره‌های گزارش ورزشی منحصر به فردی از طرف جامعه ورزشی برای این پدیده مطرح شد که جدا از بحث جنسیت ورزشکاران، استعاره‌های جنگی ورزشی برای هر دو جنس (مرد و زن) یکسان است. پنج ورزشکار با اصالت ایرانی (سعید فضل الله در کایاک یک نفره از آلمان، هامون درفشی‌پور در کاراته از کانادا، جواد محجوب در جودو از کانادا، دینا پوریونس در تکواندو از هلند و کیمیا علیزاده در تکواندو از آلمان) بیشترین اعضای تیم پناهندگان المپیک ۲۰۲۰ توکیو را تشکیل می‌دادند.

در اینجا به استعاره‌های مورد استفاده برای کیمیا علیزاده در گزارش‌های ورزشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو پرداخته می‌شود: «آلت دست بیگانگان»، به ملیت خودش پشت کرده است، به مملکت خود پشت می‌کند، به پرچم خود پشت می‌کند (روزنامه شرق، ۱۴۰۰/۰۵/۲۱: ۱۱)

تیم پناهندگان در المپیک ۲۰۱۶ ریو شامل چهار ورزشکار ایرانی با نام‌های سامان طهماسبی و صباح شریعتی (کشتی) و راحله آسمانی و میلاد بیگی (تکواندو) بود. به علاوه، چند مربی ایرانی از جمله جمشید خیرآبادی (کشتی-جمهوری آذربایجان)، رضا مهماندوست (تکواندو-جمهوری آذربایجان)، حسن رنگرز (کشتی-مراکش) و شاهین نصیری‌نیا (وزنه‌برداری-آمریکا) در تیم‌های دیگر حضور داشتند (روزنامه شرق، ۱۳۹۵/۰۵/۲۷: ۱۹).

در اینجا به استعاره‌های مورد استفاده برای میلاد بیگی در گزارش‌های ورزشی المپیک ۲۰۱۶ ریو پرداخته می‌شود: «مزدور و وطن فروشی». میلاد بیگی تکواندوکار مهاجر ایرانی در تیم جمهوری آذربایجان قرار داشت که مقابل مهدی خدابخشی، نماینده کشورمان قرار گرفت و او را شکست داد. پولادگر رئیس فدراسیون تکواندو بعد از باخت مهدی خدابخشی مقابل میلاد بیگی، این تکواندوکار مهاجر و ایرانی‌های حاضر در تیم جمهوری آذربایجان (رضا مهماندوست سرمربی سابق ایران هدایت تیم ملی تکواندو جمهوری آذربایجان هم برعهده دارد) را مزدور خواند که باعث جنگ لفظی پولادگر و مهماندوست شد (روزنامه شرق، ۱۳۹۵/۰۶/۰۱: ۱۸).

جدول ۵. استعاره‌های جنسیتی ورزشی خطاب به ورزشکاران مهاجر ایرانی در خبرهای المپیک

۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو

المپیک	ورزشکار مهاجر	استعاره‌های جنگی گزارش ورزشی ورزشکاران مهاجر
۲۰۲۰ توکیو	کیما علیزاده	«آلت دست بیگانگان»، به ملیت خودش پشت کرده است، به مملکت خود پشت می‌کند، به پرچم خود پشت می‌کند
۲۰۱۶ ریو	میلا بیگی رضا مهماندوست (مربی)	«مزدور و وطن فروشی»

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه مضمون فرعی واژگان برخوردار زنان و مردان در روزنامه شرق، و مضامین سازمان‌دهنده در قالب استعاره‌های ورزشی که ذیل آن‌ها مضامین پایه استخراج شد مورد اشاره قرار گرفته است.

#### ب: مضمون فرا واقعیت

روزنامه شرق با نقد نحوه انعکاس رقابت کیما علیزاده در تلویزیون و پیش از رقابتش با ناهید کیانی در المپیک ۲۰۲۰ توکیو سعی نمود اثر غالب تحریف گزارشگری شکل گرفته در تلویزیون در سه مرحله زیر را به درستی نقد نماید:

##### ۱. تحریف قبل از مسابقه: این تحریف در عبارات ذیل قابل مشاهده است:

حرکت کیما علیزاده و هر ورزشکار دیگری که به نوعی روبه‌روی کشورش قرار می‌گیرد، عملی زشت است. حالا چنین ورزشکاری می‌رود و آلت دست افراد بیگانه می‌شود و سیاسی‌کاری دامنش را می‌گیرد و متأسفانه به جایی می‌رسد که بزرگ‌ترین اتفاق بد یعنی کشور نداشتن برایش رخ می‌دهد و به ملیت خودش پشت کرده است (روزنامه شرق، ۱۴۰۰/۰۵/۰۴: ۱۱). در این مضامین تحریف واقعیت مهاجرت یک ورزشکار صورت گرفته که عضو تیم پناهندگان المپیک توکیو شده است.

##### ۲. تحریف در حین مسابقه: این تحریف در عبارات ذیل قابل مشاهده است:

با نادیده گرفتن کیما علیزاده تا جای ممکن از او اسمی نبرد و حتی امتیازاتی را هم که مقابل ناهید کیانی به دست آورد، گزارش نکرد. گزارشگر زمانی که کیما از ناهید پیش افتاد، این امتیازات را برنامه‌ریزی قبلی و اشتباهات داوری توصیف کرد و گفت به داوران دستور داده‌اند مبارزه را برای



کیمیا علیزاده دربیاورند! بعد از اتمام بازی هم که با برتری ۱۸ بر ۹ کیمیا علیزاده همراه شد تصاویر خیلی سریع قطع شد تا در آغوش گرفتن مهر و کمرانی و بغل کردن ناهید کیانی توسط کیمیا علیزاده به تصویر کشیده نشود (روزنامه‌ی شرق، ۱۴۰۰/۰۵/۰۴: ۱۱). در این مضامین تحریف خبر ورزشی و سانسور تصویری صورت گرفته و گزارش خلاف واقع داده شده است.

۳. **تحریف بعد از مسابقه:** این تحریف در عبارات ذیل قابل مشاهده است:

کیمیا با سه رنگ پرچم ایران اسم خود را روی کمر بندش حک کرده بود، اما در ایران مجری تلویزیون به گفتن این جمله بسنده کرد که مبارزه زیر پرچم ایران لیاقت می‌خواهد که بعضی‌ها این لیاقت را ندارند (روزنامه‌ی شرق، ۱۴۰۰/۰۵/۰۴: ۱۱)

جدول ۶. مراحل شکل‌گیری تحریف بهداد سلیمی در المپیک ۲۰۱۶ ریو

مصادق‌ها	مراحل شکل‌گیری تحریف خبری
واکنش تماشاگران حاضر در سالن و حضور نیروهای پلیس ضدشورش	تحریف واقعیت
واکنش بهداد سلیمی	
واکنش رسانه‌ها	
واکنش سرمربی ایران سجاد انوشیروانی، واکنش رئیس کمیته ملی المپیک کیومرث هاشمی	واقعیت
واکنش رئیس فدراسیون جهانی تاماش آیان	تحریف واقعیت
هک سایت فدراسیون جهانی وزنه‌برداری	واقعیت
رای دادگاه حکمیت ورزش در مورد بهداد سلیمی	واقعیت

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به داده‌های جدول بالا، انعکاس رقابت بهداد سلیمی در المپیک ۲۰۱۶ ریو را باید به‌عنوان مصادیق تحریف گزارشگری در روزنامه شرق ذکر کرد: جرقه اعتراض از تیم ایران نسبت به تیم داوری شروع می‌شود (اعتراض بهداد سلیمی، اعتراض تماشاگران، اعتراض سرمربی ایران سجاد انوشیروانی و رئیس کمیته ملی المپیک کیومرث هاشمی، اعتراض رسانه‌ها) که این واقعیت ورزشی را نادرست و ناداوری و تحریف می‌دانند. این درحالی است که رئیس فدراسیون جهانی «تاماش آیان» تأکید کرد تصمیم هیأت ژوری درست بوده و در آخر دادگاه حکمیت ورزش پس از بررسی

ماجرای اعتراض ایران را وارد ندانست (روزنامه شرق، ۲/۰۶/۱۳۹۵: ۱۸). در این مضامین تحریف خبر ورزشی صورت گرفته و گزارش خلاف واقع داده شده است. در این جا مضمون فرعی تحریف گزارش‌گری در روزنامه شرق، از مضامین سازمان‌دهنده در قالب تحریف واقعیت بود که ذیل آنها مضامین پایه از بین داده‌های پژوهش استخراج شد. با توجه به بعد شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ورزشی ایران در قضیه بهداد سلیمی، رسانه (روزنامه شرق) سوار بر موج تحریف رسانه‌ای، دچار تحریف واقعیت سیستماتیک و نهادینه بود که حتی از ابتدا با وجود این‌که رأی داور درست بود و هیات ژوری، تصمیم داور را کاملاً درست اعلام کرد، ولی موج تحریف رسانه‌ای، نادآوری می‌پنداشتند و در انتها دادگاه حکمیت ورزش، اعتراض بهداد سلیمی را وارد ندانست و آن را رد کرد. اما در قضیه رقابت کیمیا علیزاده (عضو تیم پناهندگان المپیک ۲۰۲۰ توکیو) با ناهید کیانی، روزنامه شرق گزارش توصیفی رسانه ملی که با تحریف واقعیت همراه بود را نقد می‌کند. در اینجا مضمون فرعی به دو بخش تحریف سیستماتیک و تحریف گزارش‌گری در روزنامه شرق، از مضامین سازمان‌دهنده در قالب تحریف واقعیت بود که ذیل آنها مضامین پایه از بین داده‌های پژوهش استخراج شد.

### ج: مضمون هژمونی

تحلیل مضمون هژمونی در روزنامه شرق در دو بعد متفاوت در انعکاس اخبار دو المپیک شکل گرفت:

۱. تبعیض جنسیتی مزایا در المپیک ۲۰۲۰ توکیو (نگاه حمایتی به ورزشکاران زن): در این اوضاع بد مالی، کمیته ملی المپیک متحمل هزینه مالی رفت و آمد بی‌حاصل این ورزشکار (احسان حدادی) به توکیو شد، آیا بهتر نبود مسوولان کمیته ملی المپیک این هزینه را صرف یک جلیقه یخ برای ورزشکاری مثل نازنین ملایی می‌کردند تا با حوله سرد دمای بدنش را پایین نیاورد؟ یا به‌جای اعزام حدادی، یک ماساژور بیش‌تر همراه کاروان به توکیو می‌فرستادند (روزنامه شرق، ۱۴۰۰/۰۵/۰۹: ۱۱).

۲. تبعیض جنسیتی مزایا در المپیک ۲۰۱۶ ریو (حمایت از ورزشکاران مرد): پاداش ۱۴۰ سکه‌ای برای طلایی‌های کشتی در المپیک، مسئولان کشتی ایران در مراسم بدرقه تیم‌های کشتی





آزاد و فرنگی به رقابت‌های المپیک از اهدای جوایز ویژه برای مدال‌آوران کشتی در المپیک خبر دادند (روزنامه شرق، ۱۳۹۵/۰۵/۱۸: ۱۹).

تحلیل مضمون هژمونی، روزنامه شرق در رویدادهای ورزشی به دنبال حمایت از ایدئولوژی مسلط مردانه بود که این پژوهش تبعیض جنسیتی به عنوان ایدئولوژی مسلط مردانه در جامعه ورزش را به تصویر می‌کشد که خبر پاداش برابر مدال ورزشکاران مرد با طلائی‌ها را با این هژمونی طبیعی جلوه دادند. در عین حالی که روزنامه در پوشش خود از بازی‌های المپیک نتوانست هژمونی قدرتمندانه مردانه را از بین برده و کماکان نقش حاشیه‌ای برای ورزشکاران زن قائل بودند. اما با توجه به مصادیق بالا در دو المپیک توکیو و ریو می‌توان نتیجه گرفت که در این مضامین ارزش عملکرد ورزشی زنان در دو المپیک کمی متفاوت از هم منعکس شده و رویکرد روزنامه شرق در المپیک ۲۰۲۰ توکیو نسبت به المپیک ۲۰۱۶ ریو، سمت‌وسوی واقع‌نگرانه‌تر نسبت به رعایت نگاه بی‌طرفانه جنسیتی در انعکاس اخبار ورزشی مربوط به دو جنس داشته است. اما، در مصادیق خبری المپیک ۲۰۱۶ ریو، به نظر می‌رسد برای عملکرد ورزش مردان (کشتی) بیش‌تر ارزش، بها، مزایا و... قایل هستند. این به مضمون فرعی تبعیض جنسیتی و تبعیض جنسیتی مزایا در روزنامه شرق اشاره دارد که از مضامین سازمان‌دهنده در قالب هژمونی بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی و استفاده از راهبرد تحلیل مضمون کوشید بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو و ۲۰۱۶ ریو را از دیدگاه جامعه‌شناسی تحلیل نماید. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، در خبرهای ورزشی روزنامه شرق، سه مضمون اصلی (هژمونی، استعاره‌های ورزشی و فراواقعیت) در ترسیم بازنمایی جنسیت نقش کلیدی داشتند. تحلیل یافته‌های این تحقیق با کارهای پیشین در بعد پارادایم انتقادی همچون گرامشی (از لحاظ هژمونی)، لیکاف (از لحاظ تحلیل انتقادی استعاره)، قره و همکاران (۱۳۹۶)، مارتیندیل (۲۰۲۰)، فورناری و همکاران (۲۰۱۹)، شور و همکاران (۲۰۱۹) همسو است و در بعد پارادایم پست مدرن (همچون بودریار از لحاظ فراواقعیت) با گرابمولروا (۲۰۲۲) همسو است. ولی آنچه تحلیل جامعه‌شناختی بازنمایی جنسیت در خبرهای ورزشی المپیک توکیو و ریو در این تحقیق را نسبت

به تحقیقات پیشین متمایز می‌کند، پدیده تحریف سیستماتیک در فراواقعیت رسانه‌ای و هژمونی در تبعیض جنسیتی مزایا با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه ورزشی ایران است.

در مضمون سازمان‌دهنده، در فراواقعیت با دو بخش مضمون اصلی: فراواقعیت سیستماتیک و تحریف گزارشگری مواجهه بودیم. در قضیه بهداد سلیمی، روزنامه شرق سوار بر موج فراواقعیت سیستماتیک رسانه‌ای بوده است. اما در قضیه رقابت کیمیا علیزاده (عضو تیم پناهندگان المپیک ۲۰۲۰ توکیو) با ناهید کیانی، این روزنامه، گزارش توصیفی رسانه ملی که واقعیت را تحریف کرده، نقد نموده است.

در مضمون سازمان‌دهنده، در هژمونی به مضمون اصلی که شامل تبعیض جنسیتی مزایا می‌شود: روزنامه در انعکاس اخبار المپیک ۲۰۱۶ به دنبال حمایت از ایدئولوژی مسلط مردانه بود که در این پژوهش تبعیض جنسیتی را به‌عنوان ایدئولوژی مسلط مردانه در جامعه ورزش به تصویر می‌کشید. اما در المپیک ۲۰۲۰ با نقد نگرش تلویزیون در انعکاس گزارش مسابقات، این نگاه هژمونی تا حدودی تعدیل و به نگاه بی‌طرفانه یا برابری جنسیتی نزدیک شده است.

در مضمون سازمان‌دهنده در استعارهای ورزشی به دو بخش مضمون اصلی، واژگان برخورد زنان و واژگان برخورد مردان مواجهه بودیم که در واژگان برخورد مردان و زنان با دو نوع استعاره جنگی و استعاره جنسیت‌زدگی برخوردیم. از یک طرف استعاره جنسیت‌زدگی حکایت از وجود نوعی «زبان جنسیت‌زده» دارد که کاربرد آن تمایزی نامربوط یا ناعادلانه را در میان جنسیت‌های مختلف به وجود آورده و یا ترویج می‌نماید که بازتابی از جنسیت‌زدگی نظام اجتماعی و خشونت اجتماعی است. از طرفی، در استعارهای جنگ، گزارش‌های ورزشی نوعی زبان رقابتی را در نظام‌های اجتماعی ایجاد و تقویت می‌کنند که در هر دو المپیک برای هر دو جنس ورزشکار (مرد و زن) یکسان است.

در نهایت نتایج به‌دست آمده در مقاله حاضر نشان می‌دهد خبرهای المپیک با تأکید بر جنسیت یک برساخته اجتماعی است که مفاهیم «هژمونی، استعارهای ورزشی و فرا واقعیت» توسط روزنامه شرق به مخاطب، تفسیر، بازاندیشی و بازنمایی جنسیتی می‌شود. ولی در برخی اخبار انعکاس‌یافته از المپیک ۲۰۲۰ توکیو، خیزشی ملایم به سمت بی‌طرفی جنسیتی و حتی نقش



حمایتی از ورزش بانوان در این رسانه مشاهده می‌شود. البته، پیشنهاد می‌گردد خبرهای این روزنامه از المپیک بعدی که در سال ۲۰۲۴ برگزار خواهد شد تحلیل بازنمایی جنسیت گردد تا به درک درستی از رویکرد این رسانه در قبال بحث جنسیت رسید.

## منابع

- احمدی، ثریا، عقیلی، سیدوحید، مهدی‌زاده، سیدمحمد و مظفری، افسانه. (۱۳۹۴). رسانه‌ها و مسأله هویت جنسیتی بازنمایی شده (رهیافتی تحلیلی به مناقشه تاریخی نقش رسانه‌ها در بازتولید و ترویج نابرابری جنسیتی). *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۰(۳۱)، ۷-۱۸.
- پاک سرشت، سلیمان، حسینی، حاتم و اینانلو، مینا. (۱۳۹۱). تحلیل تماتیک رفتارهای بدنی در بین دختران و زنان تهرانی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸(۲۸)، ۱۶۹-۱۴۷.
- جیولیونوتی، ریچارد. (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی انتقادی در ورزش*، ترجمه افسانه توسلی. تهران: انتشارات علم.
- چارتیس بلک، جانانان. (۱۳۹۸). *تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی - پیکره‌ای*، ترجمه یکتا پناه‌پور. تهران: انتشارات لوگوس.
- رضایی‌پاشا، صدیقه، شریفی‌فر، فریده، شارع‌پور، محمود و کیا، علی‌اصغر. (۱۴۰۰). تحلیل تماتیک خبرهای المپیک ۲۰۲۰ توکیو با تأکید بر جنسیت. *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۹(۴)، ۳۳-۵۷.
- روستایی، مریم، مهدی‌زاده طالشی، سیدمحمد و بروجردی علوی، مهدخت. (۱۳۹۴). مقایسه بازتاب ورزش مردان و زنان در روزنامه‌های ورزشی ایران (تحلیل محتوای روزنامه‌های ورزشی خبر ورزشی و نود). *دومین همایش بین‌المللی مدیریت رسانه: ۲۱-۱*.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۸). نقش رسانه در بازتولید هژمونی مردانه در ورزش، مطالعه موردی: بازی‌های المپیک. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۵(۱۴)، ۱۱-۳۲.
- صادقی فسایی، سهیلا و کریمی، شیوا. (۱۳۸۴). کلیشه‌های جنسیتی سریال تلویزیونی ایرانی (سال ۱۳۸۳). *پژوهش زنان*، ۳(۳)، ۵۹-۸۹.
- قدیمی، بهرام و شکاری، شیوا. (۱۳۹۷). *نظریه‌های کلاسیک و مدرن در جامعه‌شناسی ورزش*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قره، محمدعلی و آنت، زینب. (۱۳۹۶). شناخت نگرش دانشجویان مدیریت رسانه نسبت به انعکاس ورزش بانوان در رسانه ملی. *پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش*، ۹(۱)، ۴۵-۵۵.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.  
 مطهری، شهلا و سعادت، محبوبه. (۱۳۹۴). بررسی زبان جنسیتی در مطبوعات اجتماعی ایران: مطالعه موردی چهار مجله خانوادگی پرتیراژ. *زبان‌پژوهی*، ۷(۱۶)، ۱۵۹-۱۳۳.  
 مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: انتشارات همشهری.

- Ahmadi, S., Aqili, S., Mehdizadeh, S. & Mozaffari, A. (2015). Media and gender identity issues represented (Analysis of historical conflict and promote the role of the media in the reproduction of gender inequality). *Media Studies*, 10(4), 7-18. (In Persian)
- Baudrillard, J. (2007). *Seduced Translation*, Amin Jahani. Paris, Poetry.
- Baudrillard, J. (1981). *Simulacra and Simulation*. Sheila Glaser, Paris, Semiotext.
- Bruce, T. (2016). New rules for new times: Sportswomen and media representation in the third wave. *Sex Roles*, 74, 361-376.
- Bruce, T. (2013). Reflections on communication and sport: On women and femininities. *Communication & Sport*, 1(1/2), 125-137.
- Charteris-Black, J. (2019). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*, Translated by Yekta Panahpour. Tehran: Logos Publishers.
- Chukwurah, L. N., Maleté, L. & Nji, G. C. (2020). Gender inequity in media coverage and athletes' welfare in Nigerian sports: Impact of the Nigeria sports policy and African union agenda 2063. *Sport in Society*, 25(8), 1438-1449.
- Fornari, L. F., Lourenço, R. G., Fonseca, R. M. G. S., Santos, D. L. A. & Egry, E. Y. (2019). Gender perspective in reports on women athletes in Rio 2016 Olympic Games. *Texto & Contexto Enfermagem* 2019, v. 28: e20180170.
- Ghadimi, B. (2019). *Classic & Modern Theories in Sport Sociology*. Gameshenasan, Tehran. (In Persian)
- Grabmüllerová, A. (2022). Social media and the olympics: A chance for improving gender equality. *Front. Sports Act. Living* 4:825440.
- Ghareh, M. & Anet, Z. (2017). Understanding attitudes of media management students towards women's sport reflected in national media. *Sport Physiology & Management Investigations*, 9(1), 45-55. (In Persian)
- Giulianotti, R. (2012). *Sport: A critical sociology*, Translated by Afsaneh Tavasoli. Tehran: Elm Publishers.
- Iman, M., Sotoudeh, M., Enayat, H. & Rajabi, M. (2020). The production and reproduction of symbolic domination against women in Dehdasht. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(1), 7-64.

- Martindale, R. (2020). The institution of sport: Female athletes, media representation and the social construction of a dual gender identity. M.A Thesis, The Department of Education, Concordia University, Montreal, Quebec, Canada.
- Mehdizadeh, M. (2010). Media Theories: Common ideology and Critical Perspectives. Tehran, Hamshahri. (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2011). Qualitative Research Method Counter Method. Tehran, Jameshenasan. (In Persian)
- Motahari, S. & Saadat, M. (2015). Sexist language in the social magazines of Iran: A case study of four high-circulating magazines. *Zabanpazhohi (Journal of Language Research)*, 7(16), 133-157. (In Persian)
- Ortega, E., (2020). News coverage of women athletes during the Olympic games. *Revista Internacional de Ciencias del Deporte*, 61(16), 267-284.
- Pakseresht, S., Hoseini, H. & Inanloo, M. (2012). A thematic analysis of body behaviors of women and girls in Tehran. *Cultural Studies and Communication*, 8(28), 147-169. (In Persian)
- Rezaeipasha, S., Sharififar, F., Sharepour, M. & Kia, A. (2021). Thematic analysis of 2020 Tokyo Olympics' news with emphasis on gender (case study: Shargh newspaper). *Journal of Socio-cultural Development Studies*, 9(4), 33-58. (In Persian)
- Rostaei, M. (2016). The comparison between men's and women's sports reflections in the Iranian sports newspapers: A content analysis of "Khabar Varzeshi" and "90" sports newspapers. *2nd International Conference on Media Management, Tehran*. (In Persian)
- Sadeghi Fassaie, S. & Karimi, S. (2005). Gender stereotypings in Iranian television drama (Mar. 2004 - Mar. 2005). *Women's Researches*, 3(3), 59-90. (In Persian)
- Sainz-de-Baranda, C., Adá Lameiras, A. & Blanco Ruiz, M. (2020). Gender differences in sports news coverage on twitter. *International Journal Environmental Research and Public Health*, 17(14), 1-13.
- Sharepour, M. (2009). The role of the media in reproducing male hegemony in sport (Case study: Olympic Games. *Journal of Culture Communication Studies*, 5(14), 11-32. (In Persian)
- Shor, E., van de Rijt, A. & Fotouhi, B. (2019). A Large-Scale test of gender bias in the media. *Sociological Science*, 6, 526-550.
- Virginia, B. & Victoria, C. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.





## نویسندگان

rezaepasha@yahoo.com

صدیقه رضایی پاشا

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

f\_sharififar@azad.ac

فریده شریفی‌فر

استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

sharepour@yahoo.com

محمود شارع‌پور

استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

aliasgharkia22@gmail.com

علی اصغر کیا

استاد روزنامه‌نگاری، دانشگاه علامه طباطبائی.

## طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای در زنان متقاضی طلاق ناشی از همسرآزاری

فاطمه نظام‌آبادی<sup>۱</sup>

سعید موسوی‌پور<sup>۲</sup>

نگار خوشنویس<sup>۳</sup>

### چکیده

راهبردهای مقابله‌ای می‌تواند به کاهش رنج ناشی از وضعیت تنش‌زا به دلیل نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بیانجامد. به همین دلیل بررسی این عوامل در شناسایی علل طلاق مؤثر است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های مذکور در زنان متقاضی طلاق ناشی از همسرآزاری و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی استان اردبیل انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. پرسشنامه‌های طرح‌واره ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۹۹) و راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن توسط ۱۰۰ نفر از زنان منتخب (۵۰ زن متقاضی طلاق ناشی از همسرآزاری و ۵۰ زن متقاضی طلاق) با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تکمیل شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زنان آزاردیده از همسر تفاوت معنی‌داری با سایر زنان متقاضی طلاق داشت، به طوری که در زنان آزاردیده از همسر بیشتر بود. همچنین، راهبردهای مقابله‌ای زنان آزاردیده از همسر تفاوت معنی‌داری با سایر زنان متقاضی طلاق داشت، به طوری که در سایر زنان متقاضی طلاق بیشتر بود. با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌شود مهارت‌های

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

nezamabadi.f.94@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

s-moosavipour@araku.ac.ir

<sup>۳</sup> متخصص پزشکی قانونی و مسمومیت‌ها، گروه پزشکی قانونی و مسمومیت‌ها، پزشکی قانونی استان اردبیل، ایران.

negar.khoshnevis@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷





مرتبط با افزایش شیوه‌های سازگاری زوجین در زندگی مشترک در راستای کاهش آمار طلاق در برنامه‌های آموزش گنجانده شود.

### واژگان کلیدی

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، راهبردهای مقابله‌ای، طلاق، زنان آزار دیده از همسر، پزشکی قانونی

### مقدمه و بیان مسئله

تحولاتی که در سال‌های اخیر در سطح جهانی رخ داده است، باعث تغییر شکل نیازهای نظام خانواده شده که بعضی از آن‌ها چالش‌زا و حتی باعث تهدید بنیان خانواده از جمله طلاق می‌شود. در پی آسیب‌دیدن کارکردهای خانواده، احساس رضایت‌مندی اعضای آن کاهش می‌یابد (کواه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵) و این خود موجب گسستگی روانی و اجتماعی به نام طلاق می‌شود (اولدهام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). به همین علت طلاق، جدی‌ترین تهدید علیه نظام خانواده است (قطبی و همکاران، ۲۰۰۴). طلاق به معنای پایان ازدواج و هم‌باشی همسران از یکدیگر است که در پی آن حقوق بین زوجین از بین می‌رود (فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵) و به عنوان یکی از شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی شناخته می‌شود که وقوع آن در کشورهای صنعتی و غیرصنعتی رو به افزایش است (هزارجریبی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). بر اساس آمار ثبت‌احوال کشور، از هر ۱۰۰ ازدواج سال ۱۳۷۲ یکی به طلاق منجر شده است. این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۹۰ به ۱۶ طلاق (یعنی ۱۶/۳۳ درصد) رسیده است. آمار طلاق تا پایان سال ۱۳۹۱ در کشور به ۱۶/۶۶ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۴ در مجموع ۱۶۳,۷۶۵ مورد طلاق ثبت شده که نسبت به سال ۱۳۹۳، ۱۹۶ مورد افزایش داشته است. طبق گزارش سازمان مزبور، ۱۴۹ هزار و ۷۹۷ مورد از این طلاق‌ها در مناطق شهری و ۱۳ هزار و ۹۶۸ مورد در مناطق روستایی ثبت شده است. به عبارتی در سال ۹۳ به ۲۲ طلاق در ۱۰۰ ازدواج رسیده است (یعنی ۲۲/۶ درصد) و یا به ازای هر ۴/۴ ازدواج در کشور ۱ طلاق به ثبت رسیده است. در کشورهای منطقه، ایران

1. Quah

2. Oldham

3. Hezarjaribi et al

رتبه چهارم طلاق را در جهان به خود اختصاص داده است که زنگ خطری برای جامعه و خانواده محسوب می‌شود (طاهری بن چناری و همکاران، ۱۳۹۵).

طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه<sup>۱</sup> الگویی گسترده و نافذ است که شامل خاطره‌ها، هیجان‌ها، شناخت‌ها و حس‌های بدنی است که در ارتباط با فرد و رابطه‌های بین فردی او با دیگران و در طول سال‌های کودکی یا نوجوانی شکل می‌گیرد و در طول زندگی فرد گسترش می‌یابد و به‌گونه چشم‌گیری مختل و ناکارآمد است. بنابراین با توجه به رشد صعودی آمار طلاق، بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ایجاد آن، از جمله عوامل روان‌شناختی و بررسی چگونگی شرایط زندگی افراد از کودکی تا بزرگسالی (دارای اهمیت به‌سزایی است) می‌تواند به ریشه‌یابی مشکل کمک نماید.

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، یکی از عواملی است که می‌تواند در رضایت‌مندی از ازدواج تأثیرگذار باشد (یانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، از ابتدای رشد ذهنی کودک تشکیل و در طول سال‌های بعدی زندگی ادامه می‌یابد که گاه هیجانی و خودآسیب‌رسان هستند (سهرابی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). در واقع، طرح‌واره‌ها دربرگیرنده رفتار افراد نیستند و رفتار قسمتی از پاسخ‌های مقابله‌ای ناشی از طرح‌واره‌ها است (صلواتی و یزدان دوست<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). این طرح‌واره‌ها می‌توانند بر درک فرد از موقعیت‌های گوناگون، نظیر اختلال جنسی تأثیر بگذارند و از عوامل سبب شناختی<sup>۵</sup> مهم در گرایش به رفتارهای پرخطر به‌شمار می‌روند (پولیمنت و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). در مجموع می‌توان گفت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر توانایی احساس صمیمت و رضایت از روابط عاشقانه و جنسی زوجین تأثیرگذارند.

1. Early Maladaptive Schemas

2. Young et al

3. Sohrabi et al

4. Salavati & Yazdan Doost

5. Etiologic

6. Polimeni et al



مقابله<sup>۱</sup> پدیده‌ای پویا است که دربرگیرنده مجموعه کوشش‌های شناختی و عاطفی فرد است که در مواجهه با عوامل فشار از خود نشان می‌دهد. طبق اظهارات لازاروس<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) مقابله مهم‌تر از عامل فشار است که در سازگاری یا عدم سازگاری بسیار مهم است. منابع فشار محیطی هنگامی که قوی و کنترل‌ناپذیر باشد، بر رفتار فرد اثر گذاشته و عملکرد او را مختل می‌کند و میزان تنش ناشی از عوامل تنیدگی‌زای محیطی به قضاوت ذهنی شخص درباره میزان تهدید تنیدگی بستگی دارد (لازاروس، ۱۹۹۱). راهبردهای مقابله‌ای به فعالیت‌های شخص و تلاش‌های معطوف به مدیریت مشکلات و هیجان‌ها و تحت تأثیر قرار دادن پیامدهای فیزیکی و روان‌شناختی اشاره دارد (سامر فیلد و مک کری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). این راهبردها عموماً به‌عنوان متغیرهای میانجی تصور می‌شوند که هنگام تجربه یک عامل تنش‌زا فراخوانده شده و بیانگر رابطه بین عامل تنش‌زا و پیامد آن هستند (حسینی و همکاران، ۲۰۱۶). به بیان دیگر، راهبردهای مقابله‌ای؛ مجموعه‌ای از تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تعبیر، تفسیر و اصلاح یک وضعیت تنش‌زا به کار رفته و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می‌گردند (اشمیت و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

طلاق یک رویداد هیجانی روانی است که بر جامعه و خانواده تأثیر می‌گذارد و دقیقاً چندعاملی است که تأثیر مخرب آن بر جامعه بیشتر است که منجر به آسیب‌های اجتماعی به خصوص در زمینه‌های سلامت و بهزیستی مردم می‌شود. چنانچه به دلایل گوناگون فرد تحت فشار درونی شدیدی باشد تصمیم به طلاق گرفته که از دیدگاه علت و معلولی در نوع خود خاص است. اعتقاد محققان بر این است که عوامل گوناگونی از جمله طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر رابطه زوجین مؤثر است که منجر به تمایل به سوی طلاق می‌شود (آماتو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه موجب برداشت‌های نادرست از سوی زوجین از رویدادها می‌شود که این برداشت‌های نادرست به صورت سوء تفاهم‌ها، تفکرات غلط، سوءظن و انتظارات نابه‌جا

1. Coping

2. Lazarus

3. Somerfield & McCrae

4. Schmidt et al

5. Amato

نمایان می‌شوند (پاسکال و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). از سوی دیگر آسیب‌شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرح‌واره‌های ناسالم وی باشد. بنابراین، طرح‌واره‌های منفی و ناسازگار عامل اصلی اختلال شخصیت و بسیاری از اختلالات دیگر هستند. زیرا طرح‌واره‌های ناسازگار در فرد وجود دارد و فرد برای حفظ آن، زمینه بروز اختلافات را فراهم می‌کند که در صورت عدم اقدام به موقع طلاق شکل می‌گیرد (عطاری و همکاران، ۱۳۸۵ و شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵). لذا با توجه به نرخ رو به رشد طلاق و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی برآمده از آن در سطوح فردی و اجتماعی به‌ویژه در زنان، لزوم اقدامات پیشگیرانه برای کاهش این آسیب‌ها ضروری است که تحقق این امر از رهگذر شنا سایی شنا سایی عوامل مؤثر در این حوزه و طراحی راه‌حل‌های متناسب جهت پیشگیری و درمان آن میسر می‌گردد. در این راستا، پژوهش حاضر به مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای در زنان هم‌سرآزادیده متقاضی طلاق و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی استان اردبیل در سال ۹۸ پرداخته است.

#### پیشینه تجربی

رحمی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه خود با عنوان همبستگی بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و خشونت زناشویی علیه زنان به این نتیجه رسیدند که بین شروع خشونت زناشویی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ارتباط مستقیم وجود دارد. به‌گونه‌ای که نارضایتی از سوی همسر بالا می‌رود و به دنبال آن خشونت اتفاق می‌افتد.

پلاتز و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) با بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و دل‌بستگی بزرگ سالان نشان دادند که طرح‌واره‌ها به‌گونه‌ای معنادار با گروه‌بندی سبک دل‌بستگی متفاوت هستند. گروه دارای سبک دل‌بستگی ناایمن<sup>۴</sup>، طرح‌واره‌های ناسازگاری بیشتری را داشتند.

1. Pascal et al

2. Rahme et al

3. Platts et al

4. Insecure Attachment Style



رفتار و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) با مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، دانش جنسی و نگرش به آن در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی در ۱۸۲ نفر (۹۱ زن متقاضی طلاق و ۹۱ زن عادی) به این نتیجه رسیدند که افراد متقاضی طلاق طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بالاتر و دانش جنسی کمتری نسبت به زنان عادی دارند.

هدایت و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل در نیروی انتظامی شهر کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار؛ به‌طور معناداری با رضایت‌مندی زناشویی ارتباط دارند. از بین مؤلفه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه؛ مؤلفه‌های محرومیت هیجانی، طرد و رهاشدگی، انزوای اجتماعی، شکست، بازداری هیجانی، استحقاق و خویش‌نمندی و خود انضباطی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار دارد و تحلیل رگرسیون نشان داد محرومیت هیجانی، طرد و رهاشدگی، انزوای اجتماعی، شکست و بازداری هیجانی با رضایت زناشویی دارای رابطه چندگانه و معنادار هستند.

یوسفی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) با مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق در نمونه‌ای آماری شامل ۱۵۰ زوج خواهان طلاق و ۱۵۵ زوج عادی، دریافتند که طرح‌واره‌های بی‌اعتمادی- بدرفتاری، معیارهای سخت‌گیرانه و بازداری هیجانی به ترتیب، ۰/۵۷، ۰/۶۷ و ۰/۵۷ بیشترین توان پیش‌بینی طلاق را دارند. از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، تنها سطح تحصیلات و میزان درآمد توان پیش‌بینی معنی‌دار طلاق را داشتند.

مرور و بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد پژوهش‌های اندکی با محوریت مطالعه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای در زنان همسر آزار دیده متقاضی طلاق و سایر زنان متقاضی طلاق صورت گرفته و بررسی این موضوع در زنان متقاضی طلاق ناشی از همسرآزاری و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی استان اردبیل می‌تواند در کاهش طلاق مؤثر باشد.

1. Raftar et al

2. Hedayat et al

3. Yousefi et al

## چارچوب نظری

نهاد خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در طول تاریخ زندگی بشری از جایگاه خاصی برخوردار بوده و ارتباط و تعامل این نهاد با سایر نهادهای اجتماعی همواره از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش‌های اجتماعی بوده است. این موضوع باعث شده که مشکلات اجتماعی مرتبط با نهاد خانواده، مورد توجه ویژه متخصصان حوزه سلامت روانی و اجتماعی قرار گیرد. با وجود اهمیت خانواده به‌عنوان نهادی مناسب برای ایفای وظایف مختلف از جمله جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آینده، امروزه بسیاری از خانواده‌ها دچار آسیب‌های مختلفی شده‌اند که روابط سالم خانوادگی به‌عنوان عاملی لازم و ضروری برای بقاء و تحکیم خانواده متزلزل ساخته و یا در مواردی از بین برده است (عباسی اسفجیر و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

خشونت خانگی یکی از مشکلات شایع سلامت همگانی در سراسر جهان است که مؤلفه‌های کودک‌آزاری، سالمندآزاری و همسرآزاری را در برمی‌گیرد (دالال و لیندکوویست<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین انواع خشونت در خانواده، خشونت مردان علیه زنان است که با قدرت اجتماعی یا جسمانی خود اعمال می‌کنند. با این‌حال، این مشکل بخش ثابت بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع محسوب می‌شود و در برخی مناطق از جهان به صورت هنجار اجتماعی پذیرفته شده است (دوتون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱).

در مطالعات مختلف از عوامل عدیده‌ای به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر همسرآزاری یاد شده که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ✓ فعالیت و علایق مشترک
- ✓ مدت تعامل زن و شوهر باهم
- ✓ مقدار آگاهی از حقوق

<sup>۱</sup>. Abasi Asfajir et al

<sup>۲</sup>. Dalal & Lindqvist

<sup>۳</sup>. Dutton



- ✓ بافتار فرهنگی و اجتماعی
- ✓ سابقه آزار در دوران کودکی
- ✓ مقدار آگاهی از حقوق زن و شوهر

همسر آزاری، شامل بدرفتاری‌های جسمانی، عاطفی و جنسی است که به منظور اعمال سلطه، اقتدار و تحکیم قدرت خود، نسبت به زن به کار می‌رود (اندرسون و لای،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰). این انحراف اجتماعی می‌تواند پیامدهای متعددی برای سلامت جسمانی و روانی اعضای خانواده به همراه داشته باشد (آبرامسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). اختلالات اضطرابی و افسردگی، احساس بی‌کفایتی، اقدام به خودکشی، اختلال مصرف مواد از پیامدهای مهم همسر آزاری محسوب می‌شوند. با توجه به این موضوع که ازدواج در واقع تعهدی بین طرفین است، امکان دارد این تعهد دائمی نباشد و توسط یکی از زوجین نادیده گرفته شود که این فرایند نادیده گرفتن را طلاق می‌نامند. طلاق باعث فروپاشی خانوادگی و اجتماعی می‌شود و اثرات منفی آن برای زنان بیشتر از مردان است. همچنین، طلاق بر زندگی فرزندان هم تأثیر سوء می‌گذارد. در ایران به دلیل وابستگی اقتصادی زنان به همسران، عموماً طلاق ر س می نمی‌گیرند که این مسئله خود زمینه‌ساز طلاق عاطفی می‌گردد. در واقع طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی شروع شده و با سعی در حل تعارضات زناشویی از طریق جدایی با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر طلاق به شرح زیر خلاصه می‌شود:

مشکلات مالی، نداشتن مسکن، عدم تفاهم، بد خلقی، فقدان علاقه، فقر مالی، دخالت خانواده‌ها، بدبینی، عم اعتقادات مذهبی، اعتیاد، تنوع طلبی، ازدواج در سن پایین، فقر فرهنگی، دوستان ناباب، عدم رضایت و توانایی جنسی، عدم تحمل و صبر، عدم استقلال در زندگی، توقعات نابه‌جا، عدم تحقیق و شناخت کافی نسبت به یکدیگر، ازدواج بر مبنای مادیات، وسواس و... (ابراهیمی و بنی فاطمه، ۱۳۹۳).

<sup>۱</sup>. Anderson & Leigh

<sup>۲</sup>. Abramsky

در مجموع می‌توان به عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی اشاره کرد. اما در کنار این عوامل، روحیات فردی و شناختی هم مؤثرند که با طرح‌واره‌ها خصوصاً طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، شکست خورده، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتار/ خویشتن تحول نیافته، اطاعت، ایثارگری، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری/ خودانضباطی ناکافی) می‌توان به بخشی از آن پی برد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴). در حوزه رشد شناختی، طرح‌واره‌ها الگویی هستند که بر اساس تجارب ابتدای زندگی شکل می‌گیرند و در تبیین تجارب آینده به افراد کمک می‌کند و در سراسر زندگی فرد نیز ادامه دارد. طرح‌واره‌ها قالب‌های وسیعی هستند که در مورد خود فرد یا افراد دیگر است. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ناشی از عدم ارضاء نیازهای افراد خصوصاً نیازهای عاطفی در دوران کودکی هستند. این طرح‌واره‌ها در سراسر زندگی تداوم یافته و بر اساس آن‌ها فرد به درک و پردازش اطلاعات دنیای پیرامون خود می‌پردازد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴).

### روش پژوهش

#### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل زنان آزاردیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی استان اردبیل در سال ۹۹-۱۳۹۸ بود. در این بین، ۱۰۰ زن (۵۰ متقاضی طلاق ناشی از همسرآزاری و ۵۰ متقاضی عادی طلاق که از نظر خصوصیات جمعیت‌شناختی در یک گروه قرار داشتند و کاملاً شبیه هم بودند) با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند تا تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد.

#### ابزارهای پژوهش

##### ۱. مصاحبه





از مراجعینی که متقاضی طلاق بودند در ابتدا مصاحبه‌ای به عمل آمد که اطمینان حاصل شود تحت خشونت قرار گرفته‌اند یا خیر؟ سپس به آنان بعد از اخذ رضایت شفاهی، پرسشنامه‌هایی داده شد و تا زمان تکمیل پرسشنامه‌ها با آنان همراهی به عمل آمد تا ضمن راستی‌آزمایی پاسخ‌های آنان، راهنمایی‌هایی لازم در خصوص تکمیل پرسشنامه‌ها ارائه شود.

## ۲. پرسشنامه

### ۱-۲. پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ

جهت انجام این تحقیق از پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ شامل ۷۵ سؤال استفاده شد که به هر سؤال در طیف لیکرت شش گزینه‌ای از کاملاً غلط (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۶) پاسخ داده شد. اولین پژوهش جامع راجع به ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه توسط اسمیت و همکاران (۱۹۹۵) انجام شد. نتایج نشان داد برای هر طرح‌واره ناسازگار اولیه، ضریب آلفای ۰/۸۳ برای طرح‌واره خود تحول نیافته/ گرفتار و ۰/۹۶ برای طرح‌واره نقص/ شرم) به دست آمد و ضریب آزمون-بازآزمون در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. همچنین، براتی و ثنایی (۱۳۷۹) ضریب آلفای ۰/۹۴ را برای کل پرسشنامه و ۱۵ حوزه آن (محرومیت هیجانی، رهاسدگی/ بی‌ثباتی، طرد و بریدگی ۰/۹۱، خودگردانی و عملکرد مختل ۰/۹۰، محدودیت‌های مختل ۰/۷۳، دیگرجهت‌مندی ۰/۶۷ و گوش به‌زنگی بیش‌از حد و بازداری ۰/۷۸) به دست آوردند. پایایی پرسشنامه در این تحقیق برابر با ۰/۸۳ بود.

### ۲-۲. پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن<sup>۱</sup>

از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن با ۶۶ گویه استفاده شد که روایی و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ در مقیاس‌های از ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ می‌باشد (لازاروس، ۱۹۹۳). پایایی پرسشنامه برای این تحقیق برابر با ۰/۷۹ بود.

<sup>۱</sup>. Lazarus & Folkman

برای تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از گزارش فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون  $t$  مستقل به همراه پیش فرض‌های مربوط به آن در نرم‌افزار SPSS-24 استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

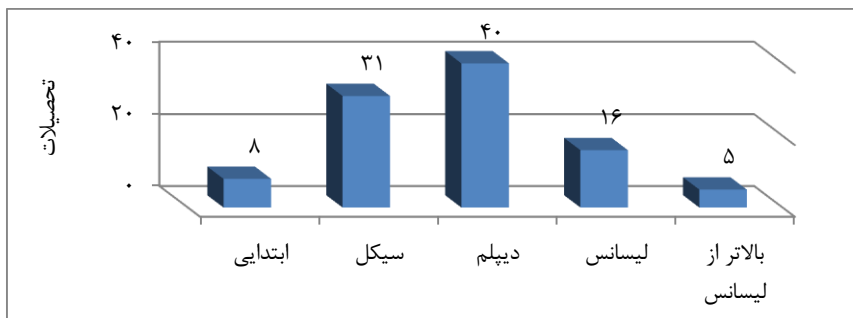
#### اطلاعات جمعیت‌شناختی

نتایج داده‌های جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش از نظر توزیع سنی افراد، شغل، تحصیلات و نوع خشونت در جداول و نمودارهای زیر ذکر شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد فراوانی سن جامعه مورد مطالعه

درصد فراوانی	فراوانی	سن
۲۹	۲۹	۱۶ تا ۲۰ سال
۲۰	۲۰	۲۱ تا ۲۵ سال
۱۸	۱۸	۲۶ تا ۳۰ سال
۱۶	۱۶	۳۱ تا ۳۵ سال
۱۲	۱۲	۳۶ تا ۴۰ سال
۲	۲	۴۱ تا ۴۵ سال
۲	۲	۴۶ تا ۵۰ سال
۱	۱	بالای ۵۰ سال
میانگین: ۲۶/۹۱		حداقل سن: ۱۶
انحراف معیار: ۸/۳۸۱		حداکثر سن: ۵۱

منبع: یافته‌های پژوهش



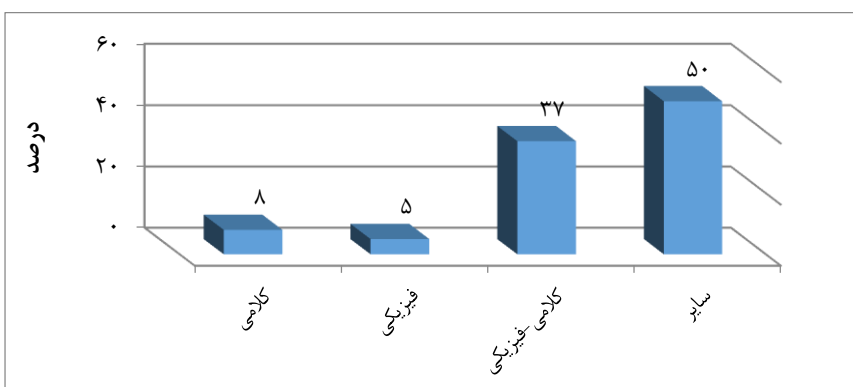
نمودار ۱. درصد فراوانی تحصیلات افراد مورد مطالعه

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی شغل جامعه مورد مطالعه

شغل	فراوانی	درصد فراوانی
خانه‌دار	۸۴	۸۴
کارمند	۱۶	۱۶
کل	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۲. درصد فراوانی نوع خشنونت نمونه مورد مطالعه

منبع: یافته‌های پژوهش

## یافته‌های استنباطی

در بخش استنباطی به منظور استفاده از داده‌های پارامتریک ابتدا نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف اسمیرنوف<sup>۱</sup>، قضیه حد مرکزی، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی<sup>۲</sup> بررسی و تأیید شد. به منظور مقایسه میانگین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای در زنان آزاردیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده و قبل از هر چیز پیش‌فرض‌های مربوطه از قبیل آزمون باکس<sup>۳</sup> انجام شد.

جدول ۳. آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره جهت بررسی تفاوت اثر متغیرها در مرحله پس آزمون

آزمون	ارزش	F	درجه آزادی	سطح معنی‌دار	ضریب اثر	توان آماری
اثر پیلائی	۰/۶۴۲	۱۱/۸۴۷	۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۲	۱
لامبدای ویلکز	۰/۳۵۸	۱۱/۸۴۷	۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۲	۱
اثر هتلینگ	۱/۷۹۱	۱۱/۸۴۷	۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۲	۱
بزرگ‌ترین ریشه روی	۱/۷۹۱	۱۱/۸۴۷	۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۲	۱

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های ارائه شده در جدول ۳ نشان داد در تمامی شاخص‌های بالا بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که مشابه بودن میانگین بر اساس شاخص‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای بر اساس دو گروه زنان آزاردیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده رد می‌شود. بالا بودن مجذور اتا<sup>۴</sup> و توان آماری نشان‌دهنده اثرگذاری بالای وضعیت خشونت بر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای بود. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید و بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و

<sup>۱</sup>. Kolmogorov-Smirnov Test

<sup>۲</sup>. Skewness & Kurtosis

<sup>۳</sup>. M box Test of Equality of Covariance

<sup>۴</sup>. Eta Squared



راهبردهای مقابله‌ای در زنان آزار دیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق تفاوت معنی‌داری وجود داشت.

فرضیه اول: بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان آزار دیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی اردبیل تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به‌منظور مقایسه میانگین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان آزار دیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی اردبیل از آزمون  $t$  مستقل استفاده شد.

جدول ۴. آزمون مقایسه میانگین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه از زنان متقاضی طلاق

تفاوت میانگین	سطح sig(معنی‌دار)	درجه آزادی	t		
-۰/۶۳۶	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۴/۲۲	محرومیت هیجانی	بریدگی و طرد
-۰/۶۰۸	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۳/۹۴	رهاشدگی/ بی‌ثباتی	
-۰/۷۸۴	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۵/۶۳	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	
-۰/۹۲۰	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۵/۹۷	انزوای اجتماعی/ بیگانگی	
-۰/۷۸۴	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۵/۸۳	نقص/ شرم	
-۰/۶۶۰	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۴/۳۹	شکست	خودگردانی و عملکرد مختل
-۰/۷۰۴	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۶/۰۶	وابستگی/ بی‌کفایتی	
-۰/۸۷۲	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۵/۵۷	آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری	
-۰/۹۵۶	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۷/۱۱	گرفتار/ خود تحول نیافته	
-۰/۸۰۸	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۴/۴۹	اطاعت	دیگر جهت مندی
-۰/۵۳۲	۰/۰۰۲	۹۸	-۳/۱۷	ایثار	
-۰/۴۹۲	۰/۰۰۵	۹۸	-۲/۸۷	بازداری هیجانی	گوشه‌زنگی بیش از حد و بازداری
-۰/۷۵۲	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۴/۳۸	معیارهای سرسختانه	
-۰/۸۲۸	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۵/۴۶	استحقاق/ بزرگ‌منشی	محدودیت‌های مختل
-۰/۸۲۴	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۶/۳۵	خویش‌داری/ خود انضباطی ناکافی	
-۰/۷۴۴	۰/۰۰۰۱	۹۸	-۸/۷۴	طرح‌واره ناسازگار اولیه	

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق داده‌های جدول ۴، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زنان آزاردیده از همسر با مقدار  $t = -۸/۷۴$  و  $(sig = ۰/۰۰۰۱)$  تفاوت معنی‌داری با سایر زنان متقاضی طلاق داشت ( $Sig < 0.05$ ). در تمامی خرده مقیاس‌ها میانگین نمره زنان همسرآزاردیده بیشتر از سایر زنان متقاضی طلاق بود. به طوری که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان آزاردیده از همسر با اختلاف  $۰/۷۴۴$  بیشتر بود.

فرضیه دوم: بین راهبردهای مقابله‌ای در زنان آزاردیده از همسر و سایر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی اردبیل تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵. آزمون مقایسه میانگین راهبردهای مقابله‌ای در دو گروه از متقاضی طلاق

تفاوت میانگین	sig سطح معنی‌دار)	درجه آزادی	t	
۱/۷۴	۰/۰۰۴	۹۸	۲/۹۶۶	مقابله سیستم
۱/۴۶	۰/۰۲۱	۹۸	۲/۳۴۳	فاصله گرفتن
۱/۷۶	۰/۰۰۷	۹۸	۲/۷۴۸	خودکنترلی
۲/۳۸	۰/۰۰۰۱	۹۸	۴/۱۲۱	طلب حمایت اجتماعی
۱/۲۰	۰/۰۰۸	۹۸	۲/۷۲۹	پذیرش مسئولیت
۴/۴۸	۰/۰۰۰۱	۹۸	۶/۰۶۴	گریز- اجتناب
۲/۴۸	۰/۰۰۱	۹۸	۳/۵۴۴	حل مسئله برنامه‌ریزی شده
۲/۹۰	۰/۰۰۰۱	۹۸	۴/۴۶۱	ارزیابی مجدد مثبت
۲۵/۰۲	۰/۰۰۰۱	۹۸	۵/۵۸۴	راهبردهای مقابله‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق داده‌های جدول ۵، راهبردهای مقابله‌ای زنان آزاردیده از همسر با مقدار  $t = ۵/۵۸۴$  و  $(sig = ۰/۰۰۰۱)$  تفاوت معنی‌داری با سایر زنان متقاضی طلاق داشت ( $Sig < 0.05$ ). در تمامی خرده مقیاس‌ها میانگین نمره زنان آزاردیده از همسر کمتر از سایر زنان متقاضی طلاق بود. به طوری که راهبردهای مقابله‌ای در سایر زنان متقاضی طلاق با اختلاف  $۲۵/۰۲$  بیشتر است.



### بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی یافته‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه پژوهش حاضر با یافته‌های رحمی و همکاران (۲۰۲۰)، فلاح‌دوست و همکاران (۲۰۱۳)، رفتار و همکاران (۲۰۱۹)، مدیروز و ریباس (۲۰۱۴)، بازدار و موسوی (۲۰۱۸)، دمیتسک و روسو (۲۰۱۲)، کامرا و کالوت (۲۰۱۳) و نیک‌منش و پیراسته مطلق (۱۳۹۸) همسو است.

در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت بک (۱۹۷۶ به نقل از پیروی و بهرامی، ۱۳۹۶) نشان داد هر اختلال با طرح‌واره‌ها و الگوهای عادت‌گونه فکری همراه است که تا حدودی کلی هستند. از دیدگاه یانگ و همکاران (۲۰۰۳) طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه موجب برداشت‌های نادرست از سوی زوجین از رویدادها می‌شود که این برداشت‌های نادرست به صورت سوءتفاهم‌ها، افکار غلط، سوءظن و انتظارات نابه‌جا نمایان می‌شوند. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که زمانی که نیاز خاصی از ضاء نشود، طرح‌واره ناسازگار در آن حیطه ایجاد می‌شود. با ارضاء نشدن نیازهای دلبستگی، صمیمیت و سرخوردگی از روابط عاطفی اولیه، طرح‌واره‌های ناسازگار مربوط به روابط صمیمانه و دلبستگی ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، آسیب‌شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرح‌واره‌های ناسالم وی باشد. بنابراین طرح‌واره‌های منفی و ناسازگار عامل اصلی اختلال شخصیت و بسیاری از اختلالات دیگر هستند. زیرا طرح‌واره‌های ناسازگار در فرد وجود دارد و فرد برای حفظ آن، زمینه بروز اختلافات را فراهم می‌کند که در صورت عدم اقدام به موقع، طلاق شکل می‌گیرد (عطاری و همکاران، ۱۳۸۵ و شکرکن، خجسته مهر و عطاری، ۱۳۸۵). تداوم این طرح‌واره‌ها تا بزرگسالی می‌تواند روابط اجتماعی و ناشویی را در آینده تحت تأثیر قرار دهد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). برخی طرح‌واره‌ها می‌تواند ابعاد گوناگون زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور مثال؛ در صورتی که فردی طرح‌واره ناسازگار بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، رهاشدگی، نقص/ شرم و محرومیت هیجانی داشته باشد، احتمالاً این ازدواج منجر به جدایی می‌شود (استیلز، ۲۰۰۴). فردی که طرح‌واره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری دارد در اثر بدرفتاری همسرش به او دروغ می‌گوید و تبدیل به فردی سودجو می‌شود. فردی که طرح‌واره محرومیت هیجانی دارد، همسرش او را همراهی نکرده و

در واقع زمینه بروز اختلافات و کاهش رضایت را فراهم می‌کند. فردی که دارای طرح‌واره رهاشدگی/ بی‌ثباتی است از نظر هیجانی قابل پیش‌بینی نیست و از این‌که افراد مهم زندگی‌شان ترکشان کنند، احساس ترس دارند. این ترس‌ها گاه موجب می‌شود که همسران از روابط جنسی و ادامه نسل هم‌کناره‌گیری کنند که خود منجر به اختلال در روابط می‌شود. همچنین فردی که دارای طرح‌واره آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری دارد، از این‌که از سوی همسرش طرد شود ترس شدیدی دارد که ممکن است باعث اختلال در روابط شود. این‌گونه افراد بیشتر تمایل دارند که همسرشان از آنها دائماً محافظت کند و می‌خواهند که فردی شجاع یا حتی پزشک باشند تا در مقابل خطرات مصون بمانند. کسی که طرح‌واره ناسازگار وابستگی/ بی‌کفایتی دارد مسئولیت‌های روزمره زندگی را به تنهایی نمی‌تواند انجام دهد و همیشه به کسی وابسته است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). زوجی که دارای طرح‌واره ناسازگار آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، وابستگی/ بی‌کفایتی است، مشکلات خانوادگی بیشتر و در نتیجه بروز اختلافات زناشویی بیشتری دارد (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۰). فردی که دارای طرح‌واری وابستگی/ بی‌کفایتی است نمی‌تواند بدون کمک دیگران کاری را از پیش ببرد و مسئولیت‌های خود را انجام دهد که این حالت اغلب به‌صورت درماندگی ظاهر می‌شود. در واقع به عقیده یانگ ممکن است که این افراد به قدری به افراد مهم زندگی‌شان وابسته شوند که حتی در تصمیم‌گیری‌های خود نیز از آنان استفاده کنند و نتوانند به‌طور مستقل تصمیم بگیرند. در روابط زناشویی هم امکان دارند همیشه نیازمند به همسر باشند. به‌گونه‌ای که نتوانند به تنهایی امورات خود را انجام دهند که این امر در روابط ایجاد اختلال می‌کند و باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود. این افراد تعریف درستی از «خود» ندارند و نمی‌خواهند چالش‌های جدید را تجربه کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). افرادی که طرح‌واره‌های‌شان در حوزه شکست خورده و گرفتار/ خویش‌تَن تحول نیافته قرار دارد، فاقد استقلال‌طلبی هستند و در واقع زندگی‌شان را بدون کمک دیگران نمی‌توانند پیش ببرند، اهداف مشخصی در زندگی ندارند و فاقد مهارت خاصی هستند. به همین دلیل شاید از نظر سنی رشد کنند، ولی از نظر کارآیی و کفایت مثل یک کودک رفتار می‌کنند (تیم، ۲۰۱۰).





نیازهای اولیه مانند امنیت، احساس آرامش، ثبات، همدلی و پذیرش در افراد دارای طرح‌واره‌های ناسازگار حوزه انزوای اجتماعی<sup>۱</sup> به درستی شکل نگرفته است (نوبره<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). این افراد نمی‌توانند ارتباط قوی و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند و معتقدند که نیازهای عاطفی آنان برآورده نخواهد شد. طرح‌واره بازداری هیجانی تأثیر زیادی بر مشکلات زناشویی دارد که شامل بازداری افراطی اعمال، احساسات یا تمایلات خودانگیخته‌ای است که معمولاً برای اجتناب از عدم پذیرش از سوی دیگران، احساس شرمندگی یا از دست دادن کنترل بر تکانه‌های شخصی صورت می‌گیرد (یانگ و همکاران به نقل از حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). فرد به دلیل مهار افراطی رفتار، احساسات و ارتباطات خود، برای آن‌که از سوی همسر مورد طرد قرار نگیرد سعی می‌کند خشمگین نشود و روحیه مثبت از خود نشان دهد. در واقع فرد به نوعی احساس شرمندگی دارد. این‌گونه اشخاص هیجانانگیز و احساسات خود را به‌طور افراطی نادیده می‌گیرند (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۰).

قواعد سخت‌گیرانه و بازدارنده در افرادی بروز می‌کند که بیشتر احساسات و هیجانانگیز خود را سرکوب می‌کنند. در واقع به صورت غیرقابل انعطاف عمل می‌کنند، حتی اگر آرامش یا سلامتی خود را نیز در این راه از دست بدهند. این‌گونه افراد از آنجایی که در دوران کودکی خشونت، سرکوب شدن و سختگیری را تجربه کرده و بیشتر به از خودگذشتگی پرداخته‌اند تا لذت، بیشتر درگیر این نوع از طرح‌واره می‌شوند. این افراد در دوران کودکی تفریح نکرده‌اند و بیشتر یاد گرفته‌اند که به‌طور کلی منتظر حوادث منفی باشند و زندگی را خیلی سخت در نظر بگیرند. حس بدبینی، ترس و نگرانی در این افراد زیاد است. به‌طوری که حس می‌کنند چنانچه در تمام لحظات زندگی مراقب نباشند، ممکن است زندگیشان از هم بپاشد. این افراد از روابط اجتماعی خود با دیگران راضی نیستند و نمی‌توانند با دیگران ارتباط نزدیک برقرار کنند که این ویژگی‌ها نشان‌دهنده ناسازگاری زناشویی است.

بر اساس نتایج راهبردهای مقابله‌ای به‌دست آمده مشاهده شد که راهبردهای مقابله‌ای زنان آزاردیده از همسر تفاوت معنی‌داری با سایر زنان متقاضی طلاق داشت، به‌طوری که راهبردهای

1. Social Isolation

2. Noble

مقابله‌ای در سایر زنان متقاضی طلاق با اختلاف ۲۵/۰۲ بیشتر است. یافته‌های این پژوهش نیز با یافته‌های ماهاپترو و سینگ (۲۰۲۰)، اسوارت (۲۰۱۱) و چیلدرس و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. بر اساس نتایج این پژوهش، زنان آزاردیده از همسر از راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار استفاده می‌کنند تا راهبردهای سازگارانه و منطقی. والدروپ و رسیک (۲۰۰۴) به نقل از صبوری (۱۳۹۵) نشان دادند که زنان قربانی خشونت بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی در مواجهه با خشونت استفاده می‌کنند. اندلر و پارکر (۱۹۹۴) به نقل از موسوی بقرآباد، (۱۳۸۸) نشان دادند که زنان در کاربرد راهبردهای مقابله‌ای هیجانی و اجتنابی گرایش بیشتری دارند. همچنین با نتایج پژوهش میشل و همکاران (۲۰۰۶) به نقل از تقوی، (۲۰۱۷) که نشان دادند زنان آفریقایی و آمریکایی قربانی خشونت کمتر از راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه استفاده می‌کنند، هماهنگ است. این یافته را می‌توان چنین تبیین نمود که راهبردهای گریز و اجتناب و پذیرش مسئولیت جزء رفتارهای مقابله‌ای هیجان‌مدار هستند که فرد برای متعادل ساختن عواطف و هیجانات و کنترل واکنش‌های هیجانی انجام می‌دهد. طبق نظریه لانگ و اسکات مقابله هیجان‌مدار ثبات متوسطی دارد، چون فرد کمتر تحت تأثیر عوامل موقعیتی قرار می‌گیرد. استفاده از راهبردهای مقابله‌ای گریز و اجتناب به معنای کوشش‌های زن در جهت فرار یا اجتناب از موقعیت مشکل‌زا و گریز از واقعیت است.

طبق نظر کارور<sup>۱</sup> این نوع مقابله می‌تواند مفید و کاهش‌دهنده ناراحتی و تسهیل‌کننده فرآیند مقابله باشد. در واقع انکار در مراحل اولیه مقابله با موقعیت فشارآور می‌تواند مؤثر باشد. وقتی فرد از راهبرد اجتناب استفاده می‌کند از فشار روانی و موقعیت‌های فشار روانی اجتناب می‌کند، پس وقتی در معرض عامل فشارزا قرار ندارد، طبیعی است که مورد خشونت قرار نگیرد. راهبرد مسأله‌مدار (مشکل‌گشایی برنامه‌ریزی شده) مجموعه افکار و کوشش‌های سنجیده و متمرکز در مواجهه با مشکل است که با به‌کارگیری رویکردهای تحلیل‌گرایانه برای مشکل‌گشایی توأم است. طبق نظریه ناکامی پرخاشگری<sup>۲</sup>، وقتی رفتاری موجب رسیدن به هدف

1. Carver

2. Frustration – Aggression Hypothesis



نبا شد، باعث انگیزه‌ای (عامل محرکی) جهت صدمه زدن به اشیاء یا افراد دیگر است. در این صورت شرایط محیطی خاص باعث ظهور پرخاشگری می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت هنگامی که زنان از راهبردهای هیجانی استفاده می‌کنند، برخلاف تمایل مردان برای مخفی ماندن خشونت اعمال شده از سوی آن‌ها در فضای خانه، آن‌ها را بروز می‌دهند و با دیگر اعضای خانه یا دیگران در میان می‌گذارد که با این کار ممکن است مرد دست به خشونت روانی بیشتر زن، از جمله تحقیر و سرزنش او زند.

والکرا<sup>۱</sup> (۱۹۷۹ به نقل از تقوی، ۲۰۱۷) توضیح داد که کتک کاری و ضرب و جرح مداوم، انگیزه پاس‌خگویی زنان را کاهش می‌دهد. در نتیجه زنان تمایل می‌یابند که در مواجهه با بدرفتاری و تنبیه‌های مداوم، مطیع و پذیرنده گردند. همان‌طور که بدرفتاری ادامه می‌یابد، زنان راهبردهای مقابله‌ای خود را از دست می‌دهند و دچار بی‌تفاوتی هیجانی و بی‌احساسی در مواجهه دریافت تنبیه و ضرب و شتم می‌شوند.

در پایان باتوجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود: مراکز روان‌شناسی در مورد نقش طرح‌واره‌های دوران کودکی در بزرگسالی به خانواده‌ها آموزش‌های لازم را ارائه نمایند. همچنین، در مراکز مشاوره ازدواج، زوجین را از نقش این طرح‌واره‌ها و راهبردهای مقابله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی آگاه نمایند. البته، در تعمیم نتایج این پژوهش باید احتیاط شود. زیرا، نمونه پژوهش حاضر به زنان در حال طلاق منطقه جغرافیایی خاص محدود بود.

## قدردانی

این پژوهش در اداره کل پزشکی قانونی استان اردبیل با کد اخلاق با شناسه (IR.ARAKMU.REC.1399.109) انجام شد.

<sup>۱</sup>. Walker

## منابع

- ابراهیمی، سمیه، و بنی فاطمه، حسین. (۱۳۹۳). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقدة. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۵(۱۷)، ۷-۲۲.
- پروین، ستار، داودی، مریم و محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۶)، ۱۵۳-۱۱۹.
- پیروی، مریم و بهرامی، هادی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل واحد علوم تحقیقات تهران. *رویش روان‌شناسی*، ۶(۱)، ۱۵۸-۱۳۱.
- ثنایی ذاکر، باقر و براتی، طاهره. (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- شکرکن، حسین، خجسته مهر، غلامرضا، عطاری، یوسفعلی، حقیقی، جمال و شهنی بیلاق، منیجه. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان*.
- عطاری، یوسف علی، امان‌الهی فرد، عباس و مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۳(۳)، ۸۱-۱۰۸.
- موسوی بقراباد، محمد. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر سبک‌های مقابله مؤثر با استرس در دانش‌آموزان پسر سال اول متوسطه شهر تالش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی، محمود، بی‌طرف، مهسا، محمدی‌فر، محمدعلی و زارعی مته‌کلایی، الهه. (۱۳۹۴). مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و بینش شناختی در زنان متقاضی طلاق و عادی. *زن و جامعه*، ۶(۲۴)، ۵۸-۴۱.



نیک‌منش، زهرا و پیراسته مطلق، علی اکبر. (۱۳۹۸). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه گیلان.

یانگ، جفری، کلوסקو، ژانت و ویشار، مارجوری. (۱۳۸۶). طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.

- Abasi Asfajir, A. A., Khoshfar, G. R. & Shafayi, M. (2016). A study on structure of power distribution in family and social participation (Case study of Golestan province residents). *Sociology of Social Institutions*, 3(7), 179-151.
- Abramsky, T., Devries, K., Kiss, L., Nakuti, J., Kyegombe, N., Starmann, E., ... & Michau, L. (2014). Findings from the SASA! study: A cluster randomized controlled trial to assess the impact of a community mobilization intervention to prevent violence against women and reduce HIV risk in Kampala, Uganda. *BMC Medicine*, 12(1), 122.
- Ahmed, A. M. & El Mardi, A. E. (2005). A study of domestic violence among women attending a medical centre in Sudan. *EMHJ-Eastern Mediterranean Health Journal*, 11(1-2), 164-174.
- Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*, 72, 650-666.
- Anderson, M. L. & Leigh, I. W. (2010). Internal consistency and factor structure of the Revised Conflict Tactics Scales in a sample of deaf female college students. *Journal of Family Violence*, 25(5), 475-483.
- Attari, Y. A., Aman Elahi Fard, A. & Mehrbizadeh Honarmand, M. (2006). Investigating the relationship between personality traits and individual-family factors with marital satisfaction in the employees of government offices in Ahvaz city. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 13(3), 81-108. (In Persian)
- Banihashemi, F., Alimondegari, M., Kazemipoor, S. & Gholami Fesharaki, M. (2019). Investigating factors affecting divorce rate in Iran's provinces using path analysis model. *Iranian Population Studies Journal*, 4(8), 181-210.

- Bazdar, K. & Mousavi, A. (2018). An investigation and analysis of the role of initial maladaptive schemas and negative perfectionism in predicting emotional divorce among couples. *The Women and Families Cultural Educational*, 13(43), 93-116.
- Camera, M. & Calvet, E. (2013). Cognitive schemas predicting anxiety and depressive symptoms: the role of dysfunctional coping strategies. *Journal of European Psychiatry*, 27(1), 122-144.
- Childress, S., Gioia, D. & Campbell, J. C. (2018). Women's strategies for coping with the impacts of domestic violence in Kyrgyzstan: A grounded theory study. *Social Work in Health Care*, 57(3), 164-189.
- Dalal, K., & Lindqvist, K. (2012). A national study of the prevalence and correlates of domestic violence among women in India. *Asia Pacific Journal of Public Health*, 24(2), 265-277.
- Dumitrescu, D. & Rusu, A. S. (2012). Relationship between early maladaptive schemas, couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 12(1), 63-76.
- Dutton, D. G. (2011). Rethinking domestic violence. UBC press.
- Falihatdoost, M., Dolatshahi, B., Mohammadkhani, P. & Nouri, M. (2013). Identifying the role of early maladaptive schemas in variety of domestic violence against women with the experience of violence. *Practice in Clinical Psychology*, 1(4), 219-225.
- Ghotbi, M., Holakouei, N. K., Jazayeri, A. & Rahimi, A. (2004). Evaluation of divorce and its factors in divorced person lived in Doulat Abad (Tehran). *Social Welfare*, 3(12), 271-286.
- Hedayat, S., Arefi, M. & Mahdavi, A. (2019). The role of early maladaptive schemas in predicting marital satisfaction of Kermanshah Police Officers. *Rooyesh*, 8(4), 155-164
- Hezarjaribi, J., Entezari, A. & Niyayati, M. (2017). Divorce trends in Iran between 2004-2013. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(4), 1108-1122.
- Hosseini, A., Zaharakar, K., Davarnia, R. & Shakarami, M. (2016). Prediction of vulnerability to stress based on social support, resiliency, coping strategies and personality traits among university Students. *Research in Cognitive and Behavioral Science*, 6(2), 27-42.



- Ibrahimi, S. & Bani Fatimah, H. (2013). Emotional divorce and related factors with it in Naghadeh. *Sociological Studies*, 5(17), 7-22. (In Persian)
- Lazarus, R. S. (1991). Emotion and adaptation. *Oxford University Press*.
- Lazarus, R. S. (1993). Coping theory and research: Past, present, and future. *Psychosom Med*, 55(3), 234-247.
- Mahapatro, M. & Singh, S. P. (2020). Coping strategies of women survivors of domestic violence residing with an abusive partner after registered complaint with the family counseling center at Alwar, India. *Journal of Community Psychology*, 48(3), 818-833.
- Medeiros, L. M. V. & Ribas, V. R. (2014). Early maladaptive schemas of women who are victims of domestic violence in pernambuco/brazil. *Neurobiologia*, 77(1-2), 21-30.
- Mousavi Baghrabad, R. (2009). Effectiveness of coping skills training on coping styles with stress in students Talesh city. A thesis presented for degree in M.A in school counseling field. *Shahid Beheshti University*. (In Persian)
- Najafi, M., Bitaraf, M., Mohammadyfar, M. A. & Zarei Matekolaei, E. (2016). The comparison of primary maladaptive schemas and cognitive insight between divorced and normal women. *Journal of Woman & Society*, 6(4), 41-58. (In Persian)
- Nobre, P. J. (2009). Determinants of sexual desire problems in women: Testing a cognitive-emotional model. *Journal of Sex Marital Therapy*, 35(5), 360-377.
- Oldham, J. T. (2017). Divorce, Separation and the Distribution of Property. *Law Journal Seminars Press*.
- Parvin, S., Davoodi, M. & Mohamadi, F. (2012). Sociological factors influencing emotional divorce in Tehran. *Women's Strategic Studies*, 14(56), 119-153. (In Persian)
- Pascal, A., Christine, A. & Jean, L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Peiravi, M. & Bahrami H. (2017). The survey of the couple's primary inconsistent schemas and the matrimonial adjustment in married students. *Rooyesh*, 6(1), 131-158. (In Persian)

- Platts, H., Mason, O. & Tyson, M. (2006). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical population. *Psychol Psychother*, 78(4), 549-564.
- Polimeni, A. M., Moore, S. M. & Gruenert, S. (2010). MMPI-2 profiles of clients with substance dependencies accessing a therapeutic community treatment facility. *E-Journal of Applied Psychology*, 6(1), 1-9.
- Quah, S. E. L. (2015). *Perspectives on Marital Dissolution: Divorce Biographies in Singapore*. Springer.
- Raftar, S. M., Pasandideh, M. & Kazemi, P. (2019). Comparing early maladaptive schemas, sexual knowledge and attitude in applicant for divorce and ordinary couples. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 21(1), 3-9.
- Rahme, C., Haddad, C., Akel, M., Khoury, C., Obeid, H., Hallit, S. & Obeid, S. (2020). Correlation between early maladaptive schemas and violence against women among a representative sample from a Lebanese population: Results of a cross-sectional study. *Researchsquare*, 1-19.
- Salavati, M. & Yazdan Doost, R. Y. (2015). Schematic Therapy (Special Guide for Clinical Psychologists). *Danjeh*. (In Persian)
- Sanaei Zaker, B. & Barati, T. (2000). Family and Marriage Scale. Tehran: *Besat Publishers*. (In Persian)
- Schmidt, S. D., Blank, T. O., Bellizzi, K. M. & Park, C. L. (2012). The relationship of coping strategies, social support, and attachment style with posttraumatic growth in cancer survivors. *Journal of Health Psychology*, 17(7), 1033-1040.
- Shokrkon, H. & Khojaste Mehr, G., Attari, Y., Haghigi, J. & Shahni Yilaq, M. (2006). Investigating personality traits, social skills, attachment styles and demographic characteristics as predictors of marital success and failure in divorce-seeking and normal couples in Ahvaz. Qom: Tebian Cultural and Information Institute. (In Persian)
- Sohrabi, F., Aazami Y. & Dostian, Y. (2014). Comparison of early maladaptive schemas and dysfunctional attitudes in normal and drug-dependent individuals. *Journal of Applied Psychological Research*, 5(1), 59-72.





- Somerfield, M. R. & McCrae, R. R. (2000). Stress and coping research: Methodological challenges, theoretical advances, and clinical applications. *American Psychologist*, 55(6), 620-625.
- Stiles, O. E. (2004). Early maladaptive schemas and intimacy in young adults' romantic relationships. *Alliant International University*, San Francisco Bay.
- Swart, E. (2011). Strategies For Coping With Gender-based Violence: *A Study Of Young Women In Kibera, Kenya*.
- Taghavi, F. & Mohammadi, A. (2017). Predicting the dimensions of domestic violence based on coping strategies and psychological wellbeing among married female students. *Journal of Analytical - Cognitive Psychology*, 8(29), 53.
- Taheri Bonchenari, R., Aghajani Mersa, H. & Kaldi, A. (2018). An exploration of divorce and its origins and consequences in Tehran, 2016. *Journal of Social Problems of Iran*, 9(2), 139-164.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41(4), 373-380.
- Waldrop, A. E. & Resick, P. A. (2004). Coping among adult female victims of domestic violence. *Journal of Family Violence*, 19, 291-302.
- Young, J. E., Klosko, J. S. & Weishaar, M. E. (2003). Schema therapy: A practitioners Guide. *Guilford*.
- Yousefi, N., Etemadi, O., Bahrami, F., Ahmadi, S. A. & Fatehi Zadah, M. A. (2010). Comparing early maladaptive schemas among divorced and non-divorced couples as predictors of divorce. *IJPCP*, 16(1), 21-33.



### نویسندگان

nezamabadi.f.94@gmail.com

فاطمه نظام‌آبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اراک و صاحب چند مقاله در زمینه اعتیاد ارائه شده در همایش‌های بین‌المللی

s-moosavipour@araku.ac.ir

سعید موسوی‌پور

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اراک، دارای مقالات متعدد در زمینه روان‌شناسی خانواده و...

negar.khoshnevis@yahoo.com

نگار خوشنویس

متخصص پزشکی قانونی و مسمومیت‌ها، دارای مقالاتی در زمینه پزشکی قانونی، اعتیاد، روان‌شناسی اجتماعی و...

## واکاوای حمایت اجتماعی و وابسته‌های آن در تجربه زیسته مادران دارای کودک اتیسم

سمیه سادات شفیعی<sup>۱</sup>

سارا شفیعی<sup>۲</sup>

### چکیده

افزایش نرخ تشخیص کودکان با اختلال اتیسم و تأثیر عمیق حضور آنان بر حیات خانواده به‌خصوص مادران در عهده‌داری مسئولیت دشوار والدگری، نگهداری، رسیدگی، مراقبت و همراهی آنان در مراجعات درمانی و توان‌بخشی، موضوع قابل توجهی نزد پژوهشگران مطالعات زنان و خانواده است. در این زمینه برخورداری از حمایت اجتماعی می‌تواند موجب تسهیل امور شده و از فشار نقش اجتماعی مادران بکاهد. با درک این امر و نظر به قلت پژوهش‌های انجام شده در این حیطه، تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و به کمک مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۱۸ نفر از مادران دارای کودک با اختلال طیف اتیسم در استان تهران سامان یافت تا پنداشت آنان از انواع حمایت اجتماعی دریافت شده را احصا نماید. نتایج بیان‌کننده آن است که حمایت عاطفی ابرازشده شوهران در طیفی از درک، توجه و همدلی از یک‌سو و انکار و مقاومت عده‌ای دیگر قرار دارد. به‌علاوه ابراز همدلی و امیدبخشی و یا سرزنش و مقایسه از سوی خانواده والد زوجین اشکال دیگری از حمایت عاطفی ادراک‌شده مادران است. عدم اطلاع‌رسانی کافی به جامعه مادران و نیز کودکان موجبات سرزنش، قضاوت نادرست و عدم درک از سوی سایرین را به‌همراه داشته و به‌عنوان عامل محدودیت‌زا بر وخامت گذران زندگی روزمره کودک و مادر می‌افزاید و منجر به طرد اجتماعی و انزوای خودخواسته آنان می‌گردد. حمایت ابرازی اظهارشده نیز اندک و ضرورت بازنگری و تدوین دستورالعمل‌های متناسب با وضعیت معیشتی خانواده این کودکان را محسوس می‌سازد. برخورداری از سطوح بالاتر حمایت اجتماعی مستلزم سیاستگذاری اجتماعی فرهنگی منطبق با نیازهای کودک و مادر است.

<sup>۱</sup>. دانشیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
ss.shafiei@ihcs.ac.ir, ss.shafiei@gmail.com

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

m.shafiei105@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۲

## واژگان کلیدی

حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی، حمایت عاطفی، خانواده

## مقدمه و بیان مسئله

خانواده مهم‌ترین رکن جامعه ما است که با وجود تغییرات اجتماعی و تولد و دگردیسی سایر نهادها همچنان جایگاه بلامنازع خود را حفظ کرده است. کیان خانواده در گرو عهده‌داری بهینه پایگاه‌های نقشی آن و کارکردهای مرتبط است. در این میان زنان با عهده‌داری نقش مادری علاوه بر بقای نسل به نگهداری و تربیت فرزندان پرداخته و نسل آتی را پرورش می‌دهند. این امر در خانواده‌های دارای عضو آسیب دیده به‌ویژه فرزند خردسال، وظایف متفاوتی را ایجاب و در نتیجه فشار مضاعفی را وارد می‌سازد. به‌ویژه مادران اولین کسانی هستند که با کودک در ارتباط بوده به تفاوت‌ها حساسیت نشان داده و طیفی از واکنش‌ها از پذیرش تا انکار و تبعات آن از همراهی تا گوشه‌گیری و احساس خودکم‌بینی، افسردگی را در این‌باره تجربه می‌کنند.

از آنجا که مراقبت محسوس‌ترین ویژگی رایج مادران در جامعه ما تلقی شده و شاکله اصلی نظم جنسیتی خانواده را شکل می‌دهد، مراقبت کودکان دارای اختلال رشد علاوه بر حیطه زیستی مانند نگهداری، رسیدگی‌های غذایی، پوشاکی، تیمارداری، مراقبت‌های بهداشتی و بالینی، شامل پرورش تربیتی رفتاری نیز می‌گردد. در واقع از آغاز سده حاضر انتظارات تربیتی، نقش مادری را متحول ساخته و امروزه جز لاینفک زندگی مادران محسوب می‌شود؛ امری که در خصوص تولد فرزند دارای اختلال به‌واسطه تخصصی بودن نیازهای مراقبتی‌شان از یک‌سو و فقدان دسترسی، فراگیری اندک و هزینه بالای خدمات مراقبتی از سوی دیگر، موجب شده تا در غیاب شوهران که عهده‌دار درآمدزایی جهت تخفیف مضیقه‌های مالی ناشی از هزینه‌های وارده هستند، مادران مجبور باشند وقت و انرژی بیشتری صرف بار سنگین مراقبت، رسیدگی و همراهی کودکان کنند و به‌عنوان پرستار تمام وقت، دلسوزانه عهده‌دار انجام تمارین روزانه و مراجعه مکرر به متخصصان و کارشناسان باشند.



همچنین با کاهش نرخ باروری کل و خصوصاً تک فرزند ماندن این خانواده‌ها پس از احراز موضوع اختلال فرزند اول و هراس از تکرار آن، مادران جوان بیش از پیش هویت خود را به‌عنوان مادر دارای فرزند با نیازهای خاص برای مادام‌العمر تصور می‌کنند (شجاعی، ۱۳۹۴: ۸۵). لذا به لحاظ عینی عملاً فرصت و توان و به لحاظ ذهنی، افسردگی‌ها و اضطراب و نگرانی خصوصاً از آینده فرزند، فراغت ذهنی برای اندیشیدن به خود فارغ از رابطه مادر- کودک دارای اختلال باقی نمی‌گذارد. در این راستا، یافته‌های مطالعات در زمینه «استرس والدگری، رضایت‌مندی و کارکرد خانواده مادران کودکان دارای اتیسم<sup>۱</sup> با مادران دارای رشد معمول» نشان می‌دهد مادران کودکان دارای اتیسم استرس بیشتری را تجربه نموده و کارکرد خانواده و رضایت‌مندی آنان کمتر است. همچنین، کیفیت زندگی مادران کودکان اتیستیک با شدت اختلال و عملکرد حرفه‌ای کودکان ارتباط معناداری دارد (محتمشمی و همکاران، ۱۳۹۵ و صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). از این‌رو حمایت از والدین دارای کودک اتیسم و توجه به وضعیت سلامت آنها به‌شدت ضرورت دارد. مخصوصاً این موضوع از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم طبق اعلام مراکز کنترل و جلوگیری بیماری‌های آمریکا یک درصد جمعیت جهان دارای اختلال طیف اتیسم هستند. بیش از ۳/۵ میلیون نفر در آمریکا با بیماری اتیسم زندگی می‌کنند. در اسکاتلند، ایرلند شمالی، انگلستان و ولز شیوع اتیسم از سال ۲۰۰۰ به بعد جهش ناگهانی داشته (صمدی و همکاران، ۲۰۱۲) و در ایران نیز طبق اعلام پایگاه سازمان بهزیستی میزان ابتلا به اتیسم ۱ در ۱۵۰ نفر برآورد می‌شود ([www.behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)).

بر این اساس به‌نظر می‌رسد موضوع مادری فرزندان دارای نیازهای خاص باید مورد مطالعه قرار گیرد تا ضمن وضعیت‌شناسی، چالش‌ها و مشکلات آنان احصا و فرصت‌ها معرفی شوند. این مطالعات روش‌مند می‌تواند زمینه‌ای معتبر برای سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی بوده، با تخفیف مصائب و رنج‌های این زنان در اعتلای تجربه مادری و ترویج فرهنگی آن، چنان‌که در نظام سیاسی ما به درستی ارزشمند و خطیر شمرده می‌شود، اقدامات اجرایی آشکار و به موقعی صورت گیرد. از جمله تمرکز مطالعاتی بر حمایت اجتماعی از مادران دارای فرزندان با نیازهای خاص موضوعی است که می‌تواند با افزایش توان‌مندی مادران و ممانعت از فرسودگی شتابان آنان، افزایش تاب‌آوری، حفظ

<sup>۱</sup>. Autism Spectrum Disorder-ASD

انرژی و توان آنان در انجام انتظارات نقشی، بهبود روابط زوجین و حفظ کیان خانواده را به همراه داشته و در مجموع نهاد اجتماع را منتفع سازد.

بنابراین، هدف از انجام پژوهش حاضر تعمیق شناخت از ویژگی‌های نقشی و نیز صفات نقشی مادری در جامعه امروز ایران است و پژوهشگران امیدوارند یافته‌های این مطالعه با به چالش کشیدن پنداشت بسیط و عام از مادری و توجه دادن به وضعیت متنوع مادران، سیاست‌گذاران و متصدیان اجتماعی فرهنگی را به سوی اتخاذ برنامه‌های متناسب با نیازهای واقعی مادران در زندگی روزمره ترغیب سازد. از جمله این سیاست‌ها توجه به رفع مصائب این مادران در سیاستگذاری اجتماعی رفاهی، شهرسازی، تسهیلات آموزشی توان‌بخشی و نیز فرهنگ‌سازی عمومی در جلب حمایت اجتماعی است. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مادران دارای کودکان اتیسم از چه حمایت‌های اجتماعی برخوردارند؟ و برخورداری یا نابرخورداری از هر کدام از مقولات حمایت اجتماعی را چگونه گزارش کرده‌اند؟

### پیشینه تجربی

واسیلوپرو و نیسبت<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نشان دادند مادران معمولاً به‌عنوان مراقبان اولیه کودکان مبتلابه اتیسم بیشترین بار مراقبت را متحمل می‌شوند. این نتیجه‌گیری با تحقیقاتی که مشکلات سلامتی و محدودیت نقش بیشتر را در میان مادرانی که مسئولیت‌های مراقبت از کودک بیشتری را گزارش می‌دهند، تأیید می‌شود.

مک اولفی و توماس<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در مطالعه خود، تلاش‌های اساسی موردنیاز در ایجاد روال‌های خانوادگی را که ممکن است به قیمت سلامت و رفاه مادران تمام شود، برجسته کرده‌اند. با این حال، احتمال دارد مادران بتوانند تنها با تغییر دیدگاه‌های خود با خواسته‌های روزمره در مدیریت روال خانواده کنار بیایند. با ادغام فعالیت‌های «زمان من» در روال‌های خانوادگی نیز مادران ممکن است بتوانند از سلامت و رفاه خود حمایت کنند.

1. Vasilopoulou & Nisbet

2. McAuliffe & Thomas

در مطالعات داخلی، دهنوی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر حمایت اجتماعی غیررسمی بر سلامت روان مادران دارای کودک با اختلال طیف اتیسم و بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷) کیفیت زندگی مادران دارای کودکان مبتلا به اتیسم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اما این دو مطالعه به روش کمی و با استفاده از ابزارهای از پیش موجود انجام شده است. لذا مجالی برای اشراف مخاطبان دغدغه‌مند به زیست‌جهان مادران به‌مثابه کنشگران اصلی مرتبط با این کودکان مهیا نشده است. به‌علاوه این مطالعات از سوی متخصصان روان‌شناسی انجام شده و در نتیجه بر رابطه مادر-فرزند و حالات روان و ویژگی‌های رفتاری متمرکز شده و کمتر به برهمکنش این روابط و روندهای مرتبط با نهادهای اجتماعی و کشف الگوها توجه نشان داده‌اند. درنهایت، به مطالعه چیمه و همکاران (۱۳۸۶) می‌توان اشاره کرد که با بررسی مشکلات و نیازهای مادران کودکان مبتلا به اختلالات آتیستیک دریافتند این مادران با مشکلات نظیری برچسب خوردن کودک و خانواده، مقصر دانستن مادر در شکل‌گیری اختلال، مقایسه کودک مبتلا با کودکان عادی و تردید در تأثیر برنامه‌های آموزشی دست به‌گیری هستند که منجر به کاهش روابط اجتماعی و مشکلات خانوادگی می‌شود. به‌علاوه، همه مادران دارای علائم افسردگی بودند.

اما، پژوهشگران در این مقاله با درک ابعاد و ویژگی‌های تجربه زیسته مادران دارای فرزند اتیسم بر روابط اجتماعی در سطوح خرد، میانه و کلان، به‌ویژه روابط فرد با سایر افراد، گروه‌ها و نهادها تمرکز داشته و حمایت اجتماعی از این مادران را در مواجهه با عوامل بروز تنش، فشارها و هزینه‌های جسمی و روانی متبادر آن در جهت تخفیف رنج، تسهیل امور، کاهش بحران و بهبود وضعیت مراقبت‌دهنده/مراقبت‌شونده و بهبود کیفیت زندگی زنان و در نهایت خانواده مورد مطالعه قرار داده‌اند.

## چارچوب نظری

### اوتیسم

اوتیسم گروهی از اختلالات تکاملی سیستم عصبی است و حاکی از گونه‌ای اختلال رشدی هستند که از طریق نارسایی در رفتارهای کلامی، ارتباطی و وجود الگوهای غیرطبیعی؛ مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی فرد را دچار اختلال می‌کنند (صمدی، ۱۳۹۲: ۱۸). معیارهای شناسایی اختلال‌های

اوتیسم محدود به دو حیطه علائق و فعالیت‌های تکراری و همچنین ارتباط و تعامل اجتماعی است که بر طبق شدت درجه اختلال در سه طبقه گروه‌بندی می‌گردند (لی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). به دلیل تنوع در نشانه‌های اختلال طیف اوتیسم و نبودن روش‌های کافی برای تشخیص این اختلال، تعیین میزان دقیق شیوع مبتلایان به این اختلال دشوار است.

### حمایت اجتماعی

نیاز به تماس و ارتباطات اجتماعی از نیازهای اولیه انسانی است که برای بهزیستی فردی و جمعی آحاد جامعه بسیار اهمیت دارد. شبکه‌های روابط اجتماعی معمولاً شامل اشخاصی با نقش‌های اجتماعی بسیار متفاوتی است: «اعضای خانواده، دوستان، آشنایان، همکاران، همسایگان، اعضای انجمن و غیره. برخی از افراد، شبکه روابط بسیار گسترده‌ای با اعضای خانواده، دوستان و آشنایان دارند. در حالی که دیگران شبکه‌هایی دارند که به تعداد متنحیی از افراد محدود است» (هورتولانوس و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۳۹۴: ۴۰).

فقدان این شبکه‌های روابط اجتماعی معنادار می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی برای بهزیستی افراد داشته باشد. انسان‌ها بدون ارتباطات اجتماعی معنادار، کمک و حمایت اجتماعی دریافت نکرده و آرامشی احساس نمی‌کنند، کیفیت زندگی و عملکرد شخصی‌شان به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اوقات را به تنهایی گذرانده و خود را در وضعیت انزوای اجتماعی می‌یابند. به‌طور کلی اشخاصی که در شبکه‌های روابط اجتماعی جاگیر شده‌اند، سطوح بالاتری از بهزیستی را نسبت به کسانی که از لحاظ اجتماعی منزوی هستند، تجربه می‌کنند و به سالم بودن تمایل بیشتری دارند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی در زمینه حمایت اجتماعی، ادبیات پژوهشی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گروه اول، مطالعاتی که عمدتاً بر سیستم‌های حمایتی عینی و واقعی دریافت شده از محیط اجتماعی حول فرد متمرکز شده‌اند؛ گروه دوم مطالعاتی هستند که به سازه حمایت اجتماعی ادراک شده توجه

<sup>۱</sup>. Lee et al

<sup>۲</sup>. Hortulanus et al



دارند، به این معنا که بنابر تصور و ادراک یک شخص، وی از چه میزانی از حمایت اجتماعی برخوردار است. در مجموع، هر دو دسته تحقیقات، نقش حمایت اجتماعی دریافت شده (عینی) و ادراک شده (ذهنی) را در کاهش فشار روانی و افزایش سلامت جسمی و اجتماعی روانی تأیید نموده‌اند.

درباره اثربخشی سودمند حمایت اجتماعی در برخورد با تنیدگی و استرس به سه روش اشاره شده است: اولاً، اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد می‌توانند مستقیماً حمایت ملموسی به شکل منابع مادی در اختیار یک شخص قرار دهند (مثلاً قرض دادن پول، خرید مایحتاج زندگی و مواظبت از کودکان). ثانیاً، اعضای شبکه اجتماعی می‌توانند با پیشنهاد اقدامات متنوعی، فرد را از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازند و این اقدامات متنوع می‌تواند به حل مشکلی که موجب تنیدگی و فشار شده کمک کند. این پیشنهادها به شخص کمک می‌کند تا به مشکل از دیدگاه جدیدی نگاه کند، بدین ترتیب آن را حل کرده یا آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برساند. ثالثاً، افراد شبکه اجتماعی می‌توانند با اطمینان‌بخشی دوباره به فرد، در خصوص این‌که او شخصی مورد علاقه، بالارزش و محترم است، از وی حمایت عاطفی به‌عمل آورند. در مجموع، برای تبیین و توضیح چگونگی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامتی، دو مدل نظری تأثیر مستقیم یا تأثیر کلی حمایت اجتماعی و مدل تأثیر غیرمستقیم یا فرضیه ضربه‌گیر حمایت اجتماعی مطرح شده است (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۶).

مطابق مدل نظری تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی، برخورداری از این نوع حمایت برای سلامتی فرد مفید است. حمایت اجتماعی، صرف‌نظر از این‌که فرد تحت تأثیر استرس و فشارهای روانی باشد یا نه، باعث می‌شود فرد از تجارب منفی زندگی پرهیز کند و این امر، اثرات سودمندی بر سلامتی وی دارد. اثرات سودمند حمایت اجتماعی برای سلامتی افراد، تحت شرایط و موقعیت‌های پرتنش و یا آرام و کم استرس، یکسان و مشابه هستند. مطالعات متأثر از این مدل، عنوان می‌کنند افرادی که در شبکه‌های حمایتی قرار دارند، کم‌تر افسرده‌اند و عمدتاً سلامت روانی بهتری را نسبت به افراد فاقد چنین شبکه‌های حمایتی نشان می‌دهند. مدل تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی، همچنین در قالب فرضیه منابع مطرح شده که طبق آن، فقدان حمایت اجتماعی، فی‌نفسه زیان‌آور و استرس‌زاست (همان).

پاتنام (۲۰۰۰) معتقد است که یک شبکه حمایتی، مساعدت ملموسی را فراهم می‌آورد که باعث کاهش اضطراب شده، احساس خشنودی بیش‌تری برای افراد داشته و در مقابله با مشکلات با منطق و عملکرد بهتری عمل می‌کنند. مدل تأثیر مستقیم حمایت بر سلامت مدعی است افرادی که در شبکه‌های حمایتی قرار دارند، کم‌تر افسرده‌اند و سلامت روانی بهتری نسبت به فاقدین دارند. حمایت اجتماعی باعث می‌شود که فرد از بهزیستی جسمانی و روانی بالاتری برخوردار باشد (حسینی و دودمان فیروزسالاری، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

مادران دارای کودک اوتیسم به‌طور مستمر ناچارند خود را با وضعیت فرزندشان سازگار کنند و در جریان ایفای نقش‌های مراقبتی خود، فشارهای روحی و عاطفی شدیدی را تحمل می‌کنند. لذا مریضی و از کارافتادگی باعث تغییر شبکه‌ها و روابط اجتماعی می‌شود. مریضی خود را بر نقش‌ها و دلخوشی‌هایی که اساساً مقوم روابط صمیمانه با خانواده و دوستان است، به زور تحمیل می‌کند» (برناردز، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

### روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و استفاده از تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است. بهره‌گیری از روش کیفی و انعطاف‌پذیری که در تکنیک نیمه‌ساختاریافته وجود دارد این امکان را فراهم می‌کند که به جنبه‌های تازه‌ای از موضوع پرداخته شود که از دید مصاحبه‌کننده پنهان مانده و از نظر مصاحبه‌شونده دارای اهمیت است (حریری، ۱۳۸۵). همچنین، بررسی ابعاد مختلف یک پدیده به‌نحوی دقیق‌تر میسر شود.

جامعه آماری پژوهش شامل مادرانی است که دارای کودک با اختلالات تشخیص داده شده طیف اوتیسم هستند. به‌دلیل پراکندگی، دشواری عدم دسترسی نمونه‌گیری به‌شیوه اتفاقی از مجموعه روش‌های غیرتصادفی انجام شده است. در مجموع با ۱۸ تن از مادران دارای فرزند اوتیسم که در مراکز درمانی مربوطه در استان تهران حاضر شده و تمایل به گفتگو داشتند به‌شیوه هدفمند مصاحبه صورت گرفت. پرسش‌های محوری بر اساس چارچوب مفهومی پیشینه پژوهش و مطالعه اکتشافی

طراحی شد. کوشش شد تا توالی پرسش‌ها برای شرکت‌کنندگان رعایت شود. اما گاه طرح برخی موضوعات در پاسخ به پرسشی موجب شد تا این توالی برای همه شرکت‌کنندگان یکسان نباشد. در عین حال فرصت برای طرح موضوعات مرتبط جدید مهیا بود و مصاحبه‌گر کوشید تا از فرصت مصاحبه برای گردآوری اطلاعات مرتبط و خودبیینگر بهره برد. اما در مجموع راهنمای مصاحبه این اطمینان را فراهم آورد که مطالب نسبتاً واحدی طرح شود. برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل کیفی استفاده شد. داده‌ها بر اساس چارچوب مفهومی کدگذاری، دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفت. روش تحلیل در داده‌پردازی، تحلیل مضمون بوده و متن داده‌ها بر اساس مقولات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در رابطه با روایی مارشال و راس من<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) معتقدند «پژوهشگر می‌تواند اثبات کند که تحقیق به صورت دقیق مشخص است و می‌توان آن را شرح داد یا وصف کرد. سپس تحقیق مزبور باید از نظر کسانی که واقعیت‌های اصول را شناسایی می‌کنند قابل اعتبار باشد» (مارشال و راس من، ۱۳۸۱: ۱۹۷-۱۹۶). لینکن و کوبا تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با همتایان، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضا را در جهت تأمین اعتبار در روش کیفی بر می‌شمرند (حریری، ۱۳۸۵: ۶۶). بدین ترتیب با مشخص کردن دقیق طرح تحقیق و تعیین پارامترها سعی شد تا بر میزان روایی افزوده شود.

پژوهش از ابتدا به عنوان پژوهشی میان رشته‌ای و با کسب نظر اساتید روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و تبادل نظر با ایشان طراحی و اجرا شد. این فضای تعاملی و نیز مطالعه منابع توصیه شده امکان بررسی موضوع از زوایای مختلف را فراهم آورد. از سوی دیگر محققان شخصاً پیش از شروع طرح با موضوع ارتباط گرفته، در مراکز تردد کودکان اتیسم حضور داشتند و لذا تماس طولانی با محیط پژوهش و آشنایی با وضعیت این کودکان بیش از پیش یاریگر او در طراحی پرسش‌ها و انجام تحقیق بوده است. ضمن این که تحقیق در قالب طرح پژوهشی زیر نظر استادی متخصص به عنوان هدایتگر تحقیق انجام پذیرفته است. این همه بر میزان واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش افزوده و اعتبارپذیری آن را تأمین می‌کند. در مقایسه با روش کمی، در تحقیق کیفی تعمیم‌پذیری قابل احصا نیست. تنوع در نمونه‌گیری یکی از راه‌های پیشنهاد شده برای تأمین

<sup>۱</sup>. Marshall & Rossman

قابلیت تعمیم‌پذیری است که در این پژوهش با رجوع مکرر و در زمان‌های مختلف به مراکز تردد این کودکان میسر شد.

### یافته‌های پژوهش

#### مشخصات مشارکت‌کنندگان

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود اکثر پاسخگویان در آغاز دهه سوم زندگی‌شان قرار داشته و خانه‌دار هستند. به لحاظ سطح تحصیلات غالباً دیپلم بود، ولی افراد دارای مدرک کارشناسی (۶ نفر) و کارشناسی ارشد (۲ نفر) نیز در بین آنها وجود داشت.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

مادران	تحصیلات	سن (سال)	وضعیت اشتغال	مدت زمان تاهل	سن فرزند
مادر بردیا	دیپلم	۳۰	خانه‌دار	۹	۴ و نیم
مادر کامیار	دیپلم	۴۲	خانه‌دار	۱۳	۴
مادر کیوان	دیپلم	۳۰	فروش آنلاین	۱۰	۶
مادر اندیشه	دیپلم	۳۵	خانه‌دار	۱۳	۷
مادر اردلان	کارشناسی	۳۴	خانه‌دار	۱۴	۵
مادر نیکان	دیپلم	۳۷	خانه‌دار	۱۰	۴
مادر فرید	کارشناسی	۳۳	خانه‌دار	۱۲	۴
مادر ماهان	دیپلم	۳۵	خانه‌دار	۱۲	۸
مادر سینا	دیپلم	۳۲	خانه‌دار	۱۲	۶
مادر یلدا	دیپلم	۳۰	خانه‌دار	۷	۶
مادر مهدیار	دیپلم	۳۰	خانه‌دار	۱۰	۶
مادر آرش	فوق لیسانس	۴۰	پژوهشگر	۱۸	۱۰
مادر رامیار	لیسانس	۳۸	خانه‌دار	۱۰	۷
مادر سجاد	فوق لیسانس	۳۵	خانه‌دار	۶	۴
مادر مرسانا	کارشناسی	۳۵	خانه‌دار	۶	۴



۷ و ۵ ساله	۱۲	خانه دار	۳۰	کارشناسی	مادر ماجد و امیر
۷	۹	خانه دار	۳۱	کارشناسی	مادر امیرصدرا
۱۲	۱۵	آرایشگر	۳۲	دیپلم	مادر ماکان

منبع: یافته‌های پژوهش

### یافته‌های تحلیلی: سنخ‌بندی انواع حمایت اجتماعی

انواع حمایت اجتماعی گزارش شده از مادران دارای فرزند ایتیم را می‌توان در مقولات عمده عاطفی و ابزاری دسته‌بندی کرد.

#### الف. حمایت عاطفی

حمایت عاطفی به صورت کمک گرفتن و ارجاع به دیگران هنگام برخورد با دشواری‌ها تعریف می‌شود. این حمایت شامل در دسترس داشتن فرد یا افرادی از نزدیکان همچون همسر، خانواده والد، خانواده همسر، دوستان و افراد خاص برای تکیه کردن، کمک گرفتن و برقراری احساس درک، توجه و همدلی است.

#### ۱. برخورداری از حمایت عاطفی همسر

نوع روابط میان زوجین و درک نیازها توسط شوهر در درجه نخست برای همه زنان و نیز مادران دارای فرزند با نیازهای خاص حائز اهمیت است. همراهی و تشویق همسر قطعاً برای مادران دلگرم کننده بوده، به طوری که مادر برخوردار از پشتوانه عاطفی بهتر می‌تواند بر مشکلات فائق آید.

«گاهی اوقات این کلاس‌ها کلافم می‌کنه. خستگیم رو به همسرم منتقل می‌کنم. اون بهم می‌گفت کلافه نشو، ناراحت نشو، این روزا می‌گذره و حل می‌شه. با اون صحبت می‌کنم و بعضی وقتا خوب دلداری می‌ده» (مادر بردیا).

«با این که کامیار دچار این بیماریه، ولی ما از زندگیمون خیلی راضی هستیم. پدرش می‌گه هزار سال هم بگن کامیار این جوریه من بازم اونو می‌خوام. تفاوت سنی زیادی با همسرم داریم حدود ۲۷ سال. اما رابطه ما خیلی خوبه... واقعاً منو حمایت می‌کنه. در هفته باید

حدود ۲۵ ساعت باهاش کار کنیم و گرنه بدتر می‌شه. پدرش پیگیر شد و خیلی همکاری کرد» (مادر کامیار).

«بله [همسرم] خیلی حمایت می‌کنه، و در کارهای نیکان به من کمک می‌کنه و مرا دلداری می‌ده. رفت‌وآمدهای ما به مراکز بیشتر با خودمه، چون شوهرم معمولاً سر کاره. ولی زمانی که هست واقعاً کوتاهی نمی‌کنه، مثلاً دیشب نیکان بی‌خواب شده بود. اونو بغل کرد ماساژ داد راهش برد. بیرون می‌برتش. ولی خب محدود خونه‌ست» (مادر نیکان)

«شوهرم آدم توداریه. اما مثل من ناراحته و من رو دلداری می‌ده و می‌گه ببین نسبت به سال‌های قبل خیلی پیشرفت کرده. شوهرم تو خانه شاید وقت نذاره و باهاش کار کنه. اما اون رو خیلی دوست داره. براش خوراکی می‌خره، محکم بغلش می‌کنه. حمایت عاطفی شوهرم خیلی زیاده. اما مسئولیت اصلی فرزندم به عهده منه» (مادر اندیشه).

«همسرم هم واقعاً خیلی پشتم بود. به‌خاطر همین کم‌کم دو تایی پذیرفتیم... اگه بگم وقت میذاره که نه. چون ده شب می‌اد خونه. دیگه بار آموزشی همش رو دوش منه. اما از لحظ هزینه هرچی بگم انجام می‌ده. هیچ کلاسی رو نه نمی‌گه. هرجا بخوام ببرمشون می‌گه باشه و قبول کرده خیلیا این کارو نمی‌کنن و راه نمیان. ولی زمان نمی‌ذاره، باهاش درد و دل می‌کنم شاید کاری نکنه، ولی گوش می‌ده» (مادر دو فرزند اوتیسم).

«همسرم همه هزینه‌ها رو می‌ده، دلداری می‌ده و هم‌درده. می‌گه درست می‌شه نگران نباش، تو کاری که از دستت بر میاد رو انجام بده، همین که دوست داره بچه رو با این شرایط و درکش می‌کنه، اما کمک نمی‌کنه و در کنارم نیست. شرایط کاریش جوریه که نمی‌تونه، حوصله‌ای هم نداره واقعیت» (مادر سورنا).

تعامل مثبت، توجه کردن، شنیدن و پذیرش مشکلات و سختی‌ها، دلداری، ابراز همدردی، امیدبخشی به آینده، آغوش گرفتن کودک اتیسم، اختصاص منابع مالی خانواده به امور درمانی و توان‌بخشی کودک اتیسم از مهم‌ترین راهبردهای شوهران حمایت‌گر است. با این همه زنان برخوردار از حمایت عاطفی شوهر اذعان دارند که فشار ساعات کاری مردان فرصتی برای به اصطلاح گذاشتن برای کودک و انجام تمارین تجویز شده نمی‌گذارد و آنان خود عهده‌دار این امر مستمر هستند.



در مقابل مادرانی هستند که به میزان مختلف از حمایت عاطفی شوهر نابرخوردارند.

«از وقتی فهمیدم یلدا این مشکل رو داره نسبت به قبل که رابطم با شوهرم خوب بود، چطوری بگم، پنجاه پنجاه شده انگار، فاصله مون زیاد شده، رو اخلاق و رفتارمون تو خونه تأثیر گذاشته، مثلاً کاری رو انجام نمی داد. یلدا می گفت تو بهش یاد ندادی، چرا می ذاری این کارو بکنه؟! می گم خب دست خودش نیست، رو زندگیم و رابطم واقعاً تأثیر گذاشته... اولاً می گفتم چرا دختر من؟! چرا بچه اون نشده؟ به خاطر همین تو خونمونم با شوهرم سرد شدیم که کاش این کارو می کردیم یا زودتر می بردیم، همه هم همیناً... بیشتر وقتم رو با یلدا می گذروم. خیلی وقتی برای پسرم ندارم. زندگیمون الان فقط شده یلدا... دیگه زیاد جایی نمی ریم. وقتی می بینم اگه برم هم برا خودم عذاب آورده هم شوهرم... بیرون که می ریم گاهی می گه چرا آوردیش؟ ببر تو همسایه ها نگاه می کنن... همسرم زیاد در مورد یلدا حمایتی نمی کنه، مثلاً تایمایی که می گم تو کارای یلدا بهم کمک کن، می گه نه یلدا به من نمی سازه، تو کار خونه گهگاهی شاید می بینه من خستم یه کمکی می کنه، ولی تقریباً صد در صد کارای یلدا با خودمه... دلم می خواد از طرف شوهرم حمایت شم، همین بردن، آوردن یلدا توی کاراش. اگه این حمایت و داشته باشم خیلی خوبه» (مادر یلدا).

«هنوزم اون حس هست بعد آدم هی می گه چرا من؟! هی دنبال علتش می گردم، بعد شوهرم هم همکاری نمی کرد. می گفت تو الکی داری می بری، حالا شما فکر کن چقدر دوران سختی بود! «حمایت؟ [آه عمیق] همسرم فقط حمایت مالی می کنه دیگه، همه کارای دخترم با منه، من تمرین های حسی و ذهنی باش انجام می دم، کاراشو می کنم غذا بدم دستشویی ببرم، ببخشید جایی رو کثیف کرده باشه دستشویی کنه تمیز کنم» (مادر مرسانا).

«باباشم جوریه که امیرصدرا اصلاً باهاش ارتباط نمی گیره، از سره کار می آد یه ساعت اینو نگه می داره که من با اون دخترم تنها باشم با دوتا شون نباشم. ولی کلاً من بیست و چهار ساعت با امیرصدرا کل فکر و ذهنم. هیچی از خودم ندارم. من شوهرم هم تحصیلاتش کمه هم درک نمی کنه، می گم کاریش نداشته باش. چقدر کاریش نداشته باشم؟! درک نمی کنه. مجبورم خودم کل مشکلات رو به دوش بکشم. الان تو این چند سال هنوز آدرس دکتر پسرم رو نمی دونه. می گم برات مهم نیس چطور با دوتا بچه این مسیر طولانی رو

رفتم؟! می‌گه تو هستی دیگه خوبه، حواست هست یا مثلاً می‌گم حموم ببرم می‌گه، من دختررو نگه می‌دارم تو اونو ببر نمی‌ایسته» (مادر امیرصدرا).

«محرم رفتیم بیرون بچه اذیت می‌کرد شوهرم گفت من نگهش می‌دارم به پنج دقیقه نرسید که گم شد! من خودم قلقش دستم اومده اما اون نمیتونه، من باهاش حرف می‌زنم باباش فقط می‌کشتش میگه بیا یا دستش رو ول میکنه آخر سر هم تو کلاتتری پیداش کردیم، کلا سخته هیچکی نمیتونه کنترلش کنه» (مادر امیرصدرا)

«پسر من در یک شرایط نامناسب بزرگ شده‌است. خانه خیلی آروم نبود و من با شوهرم مشکل داشتم. حس میکنم بچه از این لحاظ صدمه دیده بود...»

«رابطه من با همسرم خیلی خوب نیست. فقط به خاطر فرزندم [با هم رابطه داریم]. اونم برای مسائل رفت و آمد جهت درمان کیوان. مسئله اعتیاد شوهرم کار ما را سخت می‌کرد حتی او یک بار فرزندم را دکتر نبرده. شوهرم کمک آن‌چنانی به من نمی‌کنه و من خودم تنها کارها را پیش می‌برم. با شوهرم در این رابطه بسیار صحبت کردم و از او کمک خواستم. حتی چند بار با او به مشاوره رفتیم... پدر کیوان در زمینه کارهای خانه و آموزش او کمک آن‌چنانی نمی‌کنه» (مادر کیوان).

در جای دیگری وقتی از خشم پرسیده می‌شود، می‌گوید:

«خشم از هیچ کسی ندارم به جز شوهرم. از شوهرم واقعاً ناراحتم خیلی. نود درصد از شوهرم ناراحتم. من از شوهرم عصبانیم به خاطر بی‌مسئولیت بودنش، نمک‌نشناس بودنش و بی‌عاطفه بودنش. او فکر می‌کنه وظیفه‌ای نداره. اما این وظیفه منه که کیوان رو بزرگ کنم! من به خاطر فرزندم و چون هزینه‌هاش مرتبط هست نمی‌تونم زندگی مستقلی تشکیل بدم. مجبورم چندسالی تحمل کنم تا کیوان بهتر بشه و بتونم این بچه رو از این زندگی جدا کنم» (مادر کیوان).

اتخاذ رویکرد منفعلانه در مواجهه با فرزند اتیسم مهم‌ترین راهبرد شوهرانی است که به دلایل مختلف از عدم تکفل مالی گرفته تا عدم رضامندی از زندگی مشترک، افسردگی و سرخوردگی



ناشی از داشتن فرزند اتیسم در برابر کوشش های مادران مقاومت می کنند. عدم ابراز همدلی، بی-توجهی به نیازهای این کودکان، عدم همراهی کودک اتیسم در مراجعات هفتگی تخصصی درمانی، مهم ترین شکایات مادران است.

در میانه این طیف مادرانی قرار دارند که از همراهی همسر برخوردارند. اما پیچیدگی های موقعیت چالش برانگیز والدگری فرزند اتیسم بر رابطه زوجین تأثیرات عمیق خود را داشته است.

«رابطه بسیار خوبی با همسرم دارم. اما گاهی سر اردلان با هم از سر ناراحتی و غصه در خانه کل کل می کنیم. مثلاً چون فرزندمان عادی نیست اگر به زمین بیافته او من را مقصر می دانه. ما دربار اردلان حساس شده ایم و کسی به بچه حرفی بزنه زود واکنش نشان می دیم. چون خودشم نمی تونه حرف بزنه از خودش دفاع کنه. رابطه من با همسرم خوب است. چالش هایی داریم. اما در کل رضایت بخش است. در رفت و آمد بسیار به ما کمک می کنه. در کارهای آموزشی نمی تونه به ما کمک کنه...» (مادر اردلان).

«همسر از من می خواد که پیش خودش باشم و نرم سراغ کارهای محمد. به من می گه نمی خواد کار کنی. کنار خودم بشین. چون بیشتر زمان در خانه صرف محمد می شه و این جدایی بین من و همسرم بسیار ما را اذیت می کنه. چون قبلاً خیلی به هم وابسته بودیم» (مادر فرید).

«[رابطه ام با همسر] خوبه. ولی خب یه وقتایی سر بچه درگیری داریم که من می گم اون کارو کنیم اون می گه نه. یا مثلاً مهرداد یه کاری می کنه اون بخواد بر خورد کنه. من ناراحت می شم. بخوام بر خورد کنم اون ناراحت می شه» (مادر مهرداد).

«آره تا جایی که بتونه و حضور داشته باشه [ازم حمایت می کنه]. چون محل کارش مرکز تهرانه صبح زود می ره شب می اد تایم کمی با ماست. اما خب همونم سعی می کنه به من و سینا کمکی بکنه» (مادر سینا).

در روایت مادر آرش فرازو فرود آانات خانواده کودک اتیسم روشن تر می سازد:

«اتیسم رابطه والدین را نیز دچار مشکلاتی می کنه. اتیسم حتی روی روابط عاطفی و جنسی والدین تأثیر می ذاره. شما وقتی اعصاب و روان سالمی نداشته باشین نمی تونین رابطه جنسی

سالمی داشته باشین. قاعده‌ها به هم می‌ریزه و بچه غیرقابل پیش‌بینیه. با خستگی‌ها و حالت‌های عصبی، مهر ورزیدن فراموش می‌شه. بالاترین اختلافات میان من و همسر الان به بچه مربوط می‌شه. وقتی که فرزند محور زندگی می‌شه کمتر والدین به هم رسیدگی می‌کنن. ما حتی با آرش چند سفر به خارج و چند سفر زمینی رفتیم. من و همسر عاشق عکاسی هستیم و سالیان ساله که این هنر را کنار گذاشته‌ایم. عکاسی هنر در لحظه است و من نمی‌تونم به فرزندم بگم یک لحظه گوشه‌ای بایست تا از این بنا عکاسی کنم. زمانی که آرش بچه بود ما به هلند رفته بودیم و نمی‌دانستم که دچار ایتسمه. حتی یکبار تونستیم سوار قطارها بشیم. چرا که سوار اون واگن‌ها شدن دارای قوانین خاص خودش بود و آرش بسیار داد می‌زد و ما نمی‌تونستیم از آن واگن‌ها استفاده کنیم. یک لحظه نمی‌تونست جایی بشینه و ما حتی رستوران هم نمی‌تونستیم بریم. همیشه وسایلس را با خودم به همراه داشتم تا اونو سرگرم کنم. با گذشت زمان بیشتر با تبلت سرگرمه. اما دوست داره صدای تبلت بسیار زیاد باشه و این برای ما ناخوشاینده. برایش هدفون تهیه کردیم، اما گوش‌هاش رو اذیت می‌کنه. دیگر نمی‌تونیم مسافرت‌های خارجی بریم چون در هتل بی‌قرار می‌شه. فقط باید به مسافرت‌های پیک نیکی بسنده کنیم. در هر صورت به مرور باید از تفریحات خودمون کم کنیم. هواپیما بسیار اونو اذیت می‌کنه. فشار هوا و صدایی که در هواپیما وجود داره اونو بی‌قرار می‌کنه» (مادر آرش).

«بین دغدغه این‌جور بچه‌ها زیاده واقعا، به خاطر وضع مالی‌مون، آگه خوب بود دغدغه‌ای نداشتیم. این کلاس اون کلاس می‌بریمش تا خوب بشه، اما مثلاً من راهم با اینجا دوره هر صبح باید یا کرایه بدم یا شوهرم سرکار می‌ره منم بیاره بعدم» (مادر یلدا).

روشن است که فارغ از خاستگاه اجتماعی اقتصادی، والدگری کودک ایتسم، چالش‌های مختلفی برای رابطه زوجین به همراه داشته و در نتیجه حمایت عاطفی از مادران این فرزندان را از سوی ایشان در طیفی از همراهی تا انفعال و مقاومت در برابر لزوم دریافت آموزش و رسیدگی تخصصی درک و پنداشته شده است.

گروه‌های غیر رسمی مشتمل بر خانواده، دوستان، آشنایان و شخص خاص (به‌طور مثال افراد بالادست در محل کار) دومین منابع ارائه‌دهنده حمایت عاطفی دانسته می‌شوند.

## ۲. برخورداری از حمایت عاطفی خانواده

«از اطرافیان به جز پدر و مادر خودم و شوهرم کسی نمی‌داند. اونها مرا تشویق به درمان فرزندم کردند و دلداری دادند. بهم گفتند هیچ ناراحت نباش و مشکلی نیست و کلاسها و تمرین‌ها را با قدرت ادامه بده» (مادراردلان)

«اطرافیان هم خیلی بهم دلداری دادن و باهام صحبت کردن» (مادر ماجد و امیر)  
 «مثلا مادرم چون تو شرایط مشابه بوده [دارای فرزند اتیسم] درک میکنه... خانواده خودم که خیلی درک میکنن، میدونین این بچه‌ها اعصاب فولادین میخوان. پرخاشگری دارن، جیغ و داد، شلوغ کاری، بهم‌ریختگی دارن. درک اطرافیان خیلی مهمه، مثلا اگه خانواده من منو حمایت نمیکردن همسرم شرایطم رو درک نمیکرد یا خانواده همسرم مدام مثلا سرکوفت میزدن که آی بچه‌ت مریضه خیلی تحت فشار قرار می‌گیرتم. ولی خدا روشکر اینطور نیست، البته میتونه تاثیر برادرم هم باشه که اونو دیدن و قبلا به این درک رسیدن» (مادر سینا).  
 «خانواده خودم و همسرم از من و نیکان کامل حمایت می‌کنن. بارها خواهر شوهرم به من پیشنهاد داده که یه زمانی استراحت کنم و مسئولیت نیکان را به عهده بگیره. کار شوهرم طوریه که کمتر در خانه حضور داره. اما خانواده خودم در کنارم هستنند اصلاً نباشن من می‌مونم» (مادر نیکان).

مادران این فرزندان در وهله اول از حمایت عاطفی والدین خود سخن گفته‌اند:

«مادرم چند سالی مری می‌مهد کودک بود و خیلی مرا دلداری می‌داد. مادرم می‌گفت با خودخوری کردن فقط این بچه آسیب می‌بینه. او به ارتباط با بیرون و محیط اطراف نیاز داره» (مادر کیوان).

«بیشتر وقت‌ها نمی‌برمش اکثر اوقات اگر بخوام جایی برم پسر رو پیش مادر می‌ذارم و با دخترم بیرون می‌رم» (مادر فرید).

«مامانم مثلاً پسر رو نگه می‌داره، بابام خیلی کمک می‌کنه» (مادر یلدا).

خواهر و دوست صمیمی دیگر منابع حمایتگر مادران دارای کودک اتیسم هستند. به‌ویژه خواهران مجرد با توجه به فاصله نزدیکتر نسلی و تعهدات اجتماعی کمتر در مقایسه با افراد متأهل از بهترین منابع ارائه حمایت عاطفی به مادران دارای فرزندان اتیسم به شمار می‌روند:

«خواهرم چون مثلاً مجرد بود یک جاهایی کمکم می‌کرد. مثلاً بچه را بخوام دکتر ببرم پیشش بگذارم» (مادر رامیار)

«با دوستانم و خواهرام صحبت می‌کنم درد و دل می‌کنم» (مادر مرسانا).

فقدان حمایت عاطفی خانواده والد در زندگی مادران بی‌بهره از آن به خوبی خود را نشان می‌دهد:

«متأسفانه من از هیچ کس هیچ حمایتی ندارم و خیلی تحت فشارم. نه جامعه، نه خانواده نه حتی همسرم و تمام فشار کار بچه رو خودمه، برا همین خیلی خسته می‌شم و کم می‌آرم، حتی کسی نیست یک ساعت بچه من رو نگه داره تا من بتونم به یه کاری برسم. خانواده خودمم دورن، زندگی با بچه اتیسم یه زندگی پر از تلاطم و درگیریه بچه‌هایی که برچسب اتیسم می‌گیرن مشکل زیاد دارن» (مادر سورنا).

### ۳. برخورداری از حمایت عاطفی خانواده شوهر

به جز خانواده والد مادران کودک اتیسم، خانواده شوهر نیز با توجه به ساختار و بافت اجتماعی خویشاوندی در ایران و به‌ویژه ارزش‌های رایج حمایتگرانه می‌توانند تا حد زیادی در ارائه حمایت‌های اجتماعی نقش ایفا کنند.

«مثلاً اگه خانواده شوهرم کمک می‌کردن دخترم [فرزند سالم] رو می‌داشتم پیش اونا می‌موند. اما اونا اصلاً! [نگفتن] یه بار با خانواده همسرم رفته بود خرید [وقتی] برگشتن مادر شوهرم گفت این چه بچه‌ایه تربیت کردی. ما رو اسیر کرد! گفتم شما می‌دونین این بچه اتیسم داره، کنترل خودشو نداره، یکی تون باهاش می‌موندین!» (مادر امیرعباس).

«جایی نمی‌ریم، حتی با طرف شوهرم قطع رابطه کردیم نزدیک دو ساله اصلاً نرفتیم. طرف خودمم آگه پسرمر اصرار نکنه نمی‌ریم. چون خیلی اذیت می‌کنه... چون مادر شوهرم خیلی دخالت می‌کردن در این مسائل قطع رابطه کردم، هی می‌گفت بیچاره پسرمر همش درآمدش خرج دکتر می‌شه» (مادر امیر).

«خانواده همسرمر که هنوز می‌گن بچه عادیه. شما عیب می‌ذارین روش. اتیسم نیست شیطونه!» (مادر ماجد و امیر).

«خانواده همسرمر می‌ندانن گردن مادر که تربیتش نکرده، گذاشتی هرکاری دوست داشته بکنه، به خاطر همین خیلی رفت و آمد ندارم. چون با بچه‌های خودشون مقایسه می‌کنن، من هم اصلاً مشکلمش رو نگفتم، گفتم فقط تأخیر داره... آره دیگه می‌گن تو باش حرف نزدی کار نکردی، برا همین این‌طوری شده. خوب تربیت نکردی، منم راستشو بگم نمی‌فهمن، عقلشون نمی‌رسه، بفهمن هم دلسوزی می‌کنن. دوست ندارم ترحم کنن نسبت به یلدا» (مادر یلدا).

«چون خانه پدر شوهرمر ساکن هستیم مشکل اجاره خانه ندارم. خودم کار می‌کنم. از پس هزینه‌هاش برمیام. همه هزینه‌های زندگی با منه. پس باید از پس این موضوع برمیام. خانواده همسرمر اتیسم را قبول ندارند. به من در این باره کمکی نمی‌کنند. به نظرم با این‌که کیوان نوه اول و تنها نوه این خانواده‌س برای این‌که به خودشون هزینه‌ای تحمیل نکنن حتی سوالی در این رابطه از من نمی‌پرسن» (مادر کیوان).

آشکار است که خانواده والد زن در مقایسه با خانواده همسر حمایت عاطفی مستدام‌تری ارائه داده، امکاناتی چون فرصت همدلی و دلداری، امیدبخشی، نگهداری از کودک مبتلا یا خواهر و برادر او برای حفظ بیشتر وقت و انرژی مادر مبذول می‌دارند. در مقابل خانواده شوهر با عدم اطلاع از وضعیت واقعی کودک و نیازها و موقعیت پرچالش او، نوعی سوگیری را موجب شدند که به مذاق مادران فداکار، حساس، افسرده، مضطرب و خسته این کودکان خوش نمی‌آید. خانواده شوهر غریبان زندگی مشترک آنان محسوب می‌شوند. این تصور از غریبگی با فقدان احساس اعتماد، صمیمیت و بی‌کفایتی و سرزنش مادر در تربیت فرزند و در نتیجه پنهان کردن مشکلات کودک تکمیل می‌شود.

«به کسی نگفتیم و فقط عموش، مادرم و خالش می‌دونن» (مادر بردیا).

«این مسئله را فقط من پسر و شوهرم می‌دونیم. کلاً کسی از این موضوع اطلاعی نداره... فکر می‌کنند تأخیر در گفتار داره» (مادر کامیار).

«برام سخت بود مقایسه بچه‌هایی که بازی می‌کردند و نیازهایشان را عنوان می‌کردند با فرزند خودم. این ناراحتی عامل فاصله من از اطرافیانم بود... اطرافیان تفاوت کیوان را می‌دیدند و به زبان می‌آوردند. شنیدن این موارد برای من آزاردهنده بود... حالا می‌گم مشکل ارتباطی داره. به جز مادرم که این موضوع را می‌دونه، واضح با کسی در این مورد صحبت نمی‌کنم» (مادر کیوان).

سومین ارائه‌دهندگان حمایت اجتماعی دوستان هستند. از آنجا که روابط دوستانه برآمده از انتخاب‌های فردی است، به‌نظر می‌رسد این منابع حامیان اصلی عاطفی مادران باشند.

«همین که دکتر گفت اتیسم داره خیلی حالم بد شد. نتونستم خودمو کنترل کنم. به دوستم زنگ زدم و جریان را بهش گفتم. گفت نترس همه اتیسم‌ها مثل هم نیستن» (مادر کامیار).  
«خیلی از دوستانم مرا دل‌داری می‌دن» (مادر کیوان).

«حتی کسی نیست در حد یه ساعت‌نگه داره، اینجا وقتی می‌بینم یکی رو پدربزرگ یا مادربزرگش می‌آره ناراحت می‌شم، چون اکثراً کمک‌دست دارن، خیلی احساس تنهایی می‌کنم، خانواده‌هامون اصلاً درک اتیسم رو ندارن یه دوست صمیمی دارم اگه کاری داشته باشم به اون می‌گم بیاد» (مادر امیرصدرا).

آشنایان و خویشاوندان درجه دو به‌عنوان چهارمین گروه اجتماعی که مادران در زندگی جاری با آنان در تعامل هستند. این گروه دارای منابعی شناخته می‌شوند که پتانسیل‌های ارائه حمایت برخوردارند. اما حداقل پنداشت مادران این تحقیق نشان داده آشنایان کمترین حمایت را از آنها دارند.

«گاهی وقتاً در جمع‌هایی با جیغ زدن جلب توجه می‌کنه. بعضی از اطرافیان مسخره می‌کنند و حتی بهم گفتند بچه‌ات دیوانه‌اس. من از اطرافیان فاصله گرفتم که خودخوری نکنم. رفت و آمد با چنین افرادی را خیلی محدود کردم» (مادر کیوان).

«گاهی اوقات واکنش اطرافیان منو اذیت می‌کرد. مثلاً زمانی که فرزندم نمی‌تونست درست حرف بزنه، دیگران بهش واکنش نشان می‌دادن» (مادر اندیشه)

«تو مهمونی خاله شوهرم می‌گفت بچه شون رو نگاه کن. هنوز مامان بابا هم نمی‌تونه بگه! در صورتی که می‌تونست بگه جلوی اون نمی‌گفت. خیلی ناراحت شدم و باهاش بحث کردم» (مادر مرسانا).

«مثلاً ما رفتیم مهمونی. یلدا رفت از بشقاب طرف گوشتش رو برداشت آورد گذاشت تو بشقاب خودش، بعد به من حرف زدن که چرا این‌جوری تربیت کردی؟ گفتم مشکلم دست خودش نیست، نمی‌دونه، نمی‌فهمه، درکش تا اون حد نرسیده، گفتند نرسیده نیار اینجا، می‌تونی اصلاً نیای!» (مامان یلدا).

یکی از گروه‌های آشنایی که توانسته در حمایت عاطفی مادران مؤثر باشد، مادران در وضعیت مشابه است. پایگاه نقشی همسان، صمیمیت و همذات‌پنداری در تدقیق و تثبیت این امر تأثیرگذار بوده است. از جمله شنیدن داستان‌ها و روایت سایر مادران و به‌طور خاص مادران دارای دو فرزند ایتسم یا مادران دارای فرزند با شرایط حادثر و مقایسه خود با دیگران از شیوه‌های قابل تأمل متقاعدسازی خود برای تاب‌آوری بیشتر است. مادر رامیار دلیل بهبود افسردگی خود را این‌گونه عنوان نمود:

«آمدن در جمع و صحبت کردن با مادرهای دیگر باعث می‌شه که آدم تخلیه بشه. البته یه سری از من افسرده‌تر بودند و حالم را خراب‌تر می‌کردن. ولی مثلاً اونهایی که انگیزه و تجربیاتشون از من بیشتر بود خیلی تأثیر مثبتی می‌گذاشتند» (مامان رامیار).

### ب. حمایت خودارزشمندی

این حمایت بدین معناست که دیگران در دشواری‌ها یا فشارهای روانی به کنشگر بفهمانند او فردی ارزشمند است و می‌تواند با به‌کارگیری توانایی‌های ویژه خود بر دشواری‌ها چیره شود.

«همسرم واقعاً خوب و مهربان و در مواقع ناراحتی خودش را بهم ثابت می‌کند. شوهرم بهم امید می‌ده. می‌گه بابا من که هستم توام هستی حلش می‌کنیم، تموم می‌شه، یا می‌گه محکم باش. تو باشی می‌شه، تو نباشی منم نمی‌تونم. من و شوهرم حدود ۷ سال قبل از ازدواج با هم دوست بودیم. یعنی حدود ۱۷ سال که باهمیم. اول ازدواج در زندگی خیلی مشکلات داشتیم. از لحاظ مالی مشکل داشتیم. بعد از گذشت زمان همه مشکلات حل شد. به نظر من این مشکل هم حل می‌شه و تمام می‌شه. ما خانواده خیلی شادی هستیم. سعی می‌کنیم مسافرت بریم، حالا به خاطر نیکان روزش کمتره، اما با وجود تمام سختی‌ها ایمان دارم که این مشکلات هم به پایان می‌رسه» (مادر نیکان).

### ج. حمایت اطلاعاتی

اساس این حمایت آن است که فرد بر حسب حمایت‌های دریافت شده اجتماعی از گروه‌های رسمی و غیررسمی ضمن برقراری ارتباط و در جریان تعامل بتواند اطلاعات مورد نیاز خود را برای رفع مشکلاتش به دست آورد. مادران عموماً می‌پندارند که اطلاعات درست، دقیق و قابل اعتباری نسبت به این اختلال در فضای مجازی و نیز فضای عمومی وجود ندارد. یکی از آنها نسبت به مخدوش بودن اطلاعات در دسترس و اثرات منفی‌اش بر روان خود می‌گوید:

«اولین بار که متوجه این موضوع شدم با مراجعه به اینترنت خیلی داغون شدم. اصلاً اطلاعاتشون خوب نبود. اطلاعات گوگل خیلی افتضاح بود و آدم را افسرده می‌کرد. حتی اگه افسرده هم نباشی بعد از خونندن اون اطلاعات افسرده می‌شی. به‌خاطر همین کلاً گذاشتمش کنار. تلویزیون نگاه نمی‌کنم و اطلاعاتی در این مورد در جامعه ندیدم» (مادر بردیا).

از نظر مادران همین امر در فضای عمومی نیز سیطره دارد:

«فکر می‌کنم دید جامعه نسبت به آنها این‌قدر باز نیست و مردم شناخت کافی ندارند. لازمه که جامعه بیشتر در مورد اتیسم بدونن. لازم است تلویزیون، فضای مجازی و رسانه بیشتر





در این مورد اطلاع رسانی کنند. فعالیت رسانه‌ای در رابطه با کودکان اتیسم بسیار کم است» (مادر نیکان).

مادر آرش ما را به اهمیت حمایت اطلاعاتی از سوی نظام آموزش همگانی توجه می‌دهد:

«در سال‌های اخیر بیشتر به این موضوع توجه شده و کمابیش اطلاع رسانی می‌شود. به نظر من مهم‌تر از صدا و سیما، آموزش و پرورش است که باید بیشتر روی این مسئله کار کند. نه این‌که بگم رسانه‌ها هر روز در رابطه با این موضوع صحبت کنند. اما باید بیشتر نوع دلداری و همدلی کردن را به هم یاد بدیم... امروز نه در رسانه ملی، بلکه در سایت‌ها و شبکه‌های مجازی بیشتر به این موارد پرداخته می‌شود. خیلی از دوستان با من همدلی می‌کنند. اما حتی یک بار هم با بچه‌هاشون در رابطه با شرایطی که فرزند اتیسم داره صحبت نمی‌کنند که بخوان آنها را متقاعد کنند که شرایط این بچه‌ها متفاوت است. بچه‌ها یک حالت خودمحموری در جهان دارند و برخلاف تصورات ما اصلاً مهربان نیستند. تا زمانی که عقل آنها کامل نشده جامعه را در نظر نمی‌گیرند و فکر می‌کنند جهان بر محور آنها می‌چرخد. اگر در مورد این تفاوت‌ها با کودکان عادی صحبت می‌شد بهتر بود. برای مثال زمانی که کودکان اتیسم با آنها بازی نمی‌کنند، یا وسیله را از دستشان می‌کشد، آنها باید بدانند که شرایط این کودکان متفاوت است. خیلی دوست داشتم آرش به مدرسه عادی برود. اما کاردرمان‌ها به من تذکر دادند که بسیار سرخورده و طرد می‌شود. خیلی از این کودکان کلام کاملی ندارند و برخی از آنها به صورت کتابی صحبت می‌کنند. البته کم‌کم کتاب کودکان در رابطه با بچه‌های اتیسمی وارد بازار می‌شود. کتاب‌ها با عناوین خواهر یا برادر اتیسم من یا همکلاسی اتیسم من است. سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پایین است و طبیعتاً که رسانه نمی‌تونه فقط به یک موضوع اتیسم بپردازد. اگر قرار باشه باید به موضوع‌های دیگری مثل سندروم دان یا ناشنوایی و یا بیش‌فعالی نیز بپردازد. در نتیجه برای درک تفاوت‌ها باید آموزش و پرورش اقدام کند و در مسیر آموزش یاد بده که افراد چگونه این تفاوت‌ها را بپذیرند... تفهیم تفاوت‌های یکی از مسائل بسیار مهم است که اگر به کودکان عادی آموزش داده نشود آنها در بزرگسالی هم دچار خودمحموری که فکر می‌کنند همه باید شبیه به آنها باشند، می‌شن» (مادر آرش).

این فقدان اطلاعات و عدم وجود حمایت ناشی از آن از سوی دیگران، موجب عدم همراهی، مداخله غیرضروری، شماتت والدین و در نتیجه استیصال مادران از مواجهه دیگران با رفتارهای کودکانشان شده است.

«اگر یک بچه ۲ تا ۵ ساله در خیابان یا مجتمع تجاری شروع به جیغ و داد کنه و خودش رو روی زمین بندازه طبیعی است. اما در موارد سن بالاتر طبیعی نیست. البته در چنین مواقعی دیدم که دیگران دخالت می‌کنن. مثلاً می‌گن بچه از زمین پاشو، چرا مامانتو اذیت می‌کنی؟ حداقل عکس‌العمل اطرافیان اینه که با چشم‌های گرد شده به این مسئله واکنش نشان می‌دن. صداهایی که این بچه‌ها از خودشون در می‌آرن معمولاً متفاوته. این بچه‌ها هیجانات مثبت و منفی خود را به صورت اغراق شده به ما نشان می‌دن. بچه‌ها نمی‌تونن خوشحالی خودشون را درجه‌بندی کنن... برای من بسیار پیش آمده که در مراکز خرید افراد اعتراضی کرده‌اند. در نتیجه علاوه بر مشکل آرش این مشکل رو داریم که طرف مقابل مان اطلاعاتی از این موضوع نداره. مثلاً آرش در مراکز فروش چیزی می‌خواد و جیغ می‌زنه و خودش رو به زمین می‌اندازه یا می‌خکوب یک نقطه می‌ایسته. خب من از لحاظ تربیتی نمی‌خوام این وسیله را برایش تهیه کنم. بارها شده که افرادی می‌آن و به شوهرم می‌گن اگه نمی‌تونن تهیه کنی من براش می‌خرم. اما آنها از موضوعات اتیسم و شرایط آن اطلاعاتی ندارند. اولین موردی که به ذهنشان می‌رسه رو بروز می‌دن و این خیلی بده. ممکنه برای والدینی که کودکانشان مشکلات رفتاری دارن. دخالت دیگران آزاردهنده باشه... فامیل خودشون را یک مشاور و دکتر برجسته می‌دانند و دوست دارند در همه امور دخالت کنند. برای مثال اگر در مهمانی باشیم و آرش سر و صدا بکنه به او می‌گم آرش خودتو را کنترل کن، آشنایانی که در محیطن واکنش نشان می‌دن که کاری با بچه نداشته باشم. آنها باید بپذیرند که کودکان اتیسم نسبت به رنگ و صداها حساسن. آنها باید بپذیرند که چنین فرزندانانی نمی‌تونن در جای شلوغ دوام بیارن. آنها نباید به ما برای اومدن به مهمونی‌های شلوغ اصرار کنن» (مادر آرش).

«مثلاً فرض کنین من داشتم از پله برقی می رفتم، مربی کاردرمانی سینا گفته بود به هیچ وجه بغلش نگیر حتی اگه گریه کرد بذار یاد بگیره چه جوری استفاده کنه. بعد یه آقایی وایساده بود اون بغل می گفت خانم بچت رو بغل کن بچت عصبی شده، خب اون نمیدونه من چرا این کارو می کنم، یا مثلاً می بردمش پارک بچه گیر می داد که الا و بلا باید بمونم. مادرا می گفتن چه اشکالی داره حالا بذار بمونه، خب اون نمی دونه من چه پروسه ای رو دارم می گذرونم. نمی دونه من تو چه شرایطی ام» (مادر سینا).

«ببین مثلاً من یه ماه پیش یلدا رو بردم پارک، خب نمی تونه بازی کنه دیگه. رفت یه بچه رو یکم هل داد و خورد به دیوار. مامانه اومد با من دعوا. بعد اون یکی مامانه گفت که باید جلو بچت رو بگیری. حتی من بهش توضیح دادم بچه م چه مشکلی داره، هیجانیه دست خودش نیست. گفت به ما چه بچت مشکل داره، نیار این جور جاها، باید این جور مسائل رو بین مردم عادی کنیم، نه این که اتیسم دیوونس، عقب موندس و این اسمارو بذارن روش. بچه ی من اوتیسمه خب اینم یه نوع بچه اس دیگه باید بین مردم جا بندازیم که چه جوری برخورد کنیم واقعاً پشتمونم نیستن. حداقل تو رومون حرفی نزنن. واقعاً یلدا رو پارکی هم که می بردم دیگه خیلی کمتر می برم» (مامان یلدا).

به روشنی فقدان حمایت اطلاعاتی در همان مرحله نخست مواجهه با کودکان اتیسم، فشارهای زیادی بر روان مادران وارد می سازد. چه رسد به توقع درک شرایط و ارائه راهنمایی های اطلاعاتی مفید جهت حل چالش های مادران در رابطه با کودک اتیسم، سایر فرزندان سالم، و نیز سایر اعضای خانواده. از این رو فقر اطلاعات مادران را در شرایط مخمسه آمیزی رها می سازد که به ناچار از حداقل فرصت های حضور کودک در حوزه عمومی صرف نظر کنند.

#### د. حمایت ابزاری

این حمایت به معنای دسترسی به منابع مالی و خدماتی در سختی ها و دشواری هایی است که فرد مستحق دریافتش شناخته می شود. این شکل از حمایت به دریافت کمک های مادی، عینی و واقعی مربوط است. در جریان پژوهش در میان این تعداد مادران مشخص شد وضعیت اقتصادی معیشتی

خانواده‌های این کودکان مطلوب نیست و آنان موضوع هزینه‌های جاری کودکان اتیسم به‌عنوان مسئله‌ای مهم دانسته‌اند.

«هزینه درمان آزاد خیلی زیاد بود. از طریق بهزیستی اومدیم به این مرکز و اینجا هزینه خوبی داره. البته هزینه رفت و آمد هم هست» (مادر بردیا).

«هزینه‌ها هست بیشتر، کلاس، تشخیص درست و قطعی نمیدن. الان این مسئله منو سردرگم کرده، دوست دارم بیشتر ببرمش کلاس توان‌بخشی. ولی نمی‌تونم برای یه آدمی مثل ما که کارمون کارگریه این‌طوره، بچه‌های ما که این مشکلات رو دارن حتماً باید تحت درمان باشن. دولت باید حمایت کنه. هزینه‌ها رو نصف کنه برامون. دولت حمایت نکنه خانواده از کجا بیاره، چی می‌مونه که بخوریم؟! ما کلی داروی اعصاب روان براشون می‌گیریم. هزینه ویزیت، و در مورد قرص‌ها خارجیش که اصلاً نیست. ایرانیشم که گرونه، فوق‌تخصص‌ها هم که ویزیتشون خیلی گرونه، بخوایم یه دکتر خیلی خوب تهران ببریم، نوار مغز بگیریم کلی هزینش می‌شه، با کرایه‌های راه حساب کن ببین دیگه چقدر میشه!» (مادر مهرداد).

با توجه به وضعیت اقتصادی موضوع کمک مالی به ویژه کمک‌های بلاعوض مهم‌ترین حمایت‌های ابزاری است که می‌تواند مشمول این خانواده‌ها شود. با این همه هیچ‌کدام از زنان از حمایت‌های غیررسمی به‌معنای فراهم‌آوردن امکانات و یا کمک مالی از سوی خویشاوندان، دوستان و آشنایان برای درمان و بهبودی کودکان سخن نگفته‌اند. در عوض به تکرار موضوع بیمه درمانی را مطرح و بر اهمیت آن سخن رانده و به فرایند سخت آن اشاره داشته‌اند.

«بیمه ما تکمیلی دانا است. در سال سقف سه تا چهار میلیون تومان بیمه پوشش می‌ده. اما خیلی سخت و افتضاحه. آخرش کلی هزینه کردیم تا یه مبلغی داده» (مادر بردیا).

«تحت پوشش بیمه نیستیم. توان‌بخشی تحت پوشش بیمه نیست. گفتن می‌خوان یه کارایی بکنن، ولی فعلاً خبری نیست» (مادر مهرداد).

«هزینه دکتر بسیار زیاد است. حدود پنج میلیون و دویست هزار تومان. پنج عدد آمپول دقت تمرکز بهش دادند و هر کدام حدود چهارصد هزار تومان هزینه‌اش می‌شه. هزینه داروهایش خیلی زیاده. فعلاً از پس هزینه‌ها برآمده‌ایم. جلسات گفتاردرمانی قیمت‌های متفاوتی داشت.

روزی شصت تا صد و چهل هزار تومان. ما بیمه تکمیلی داریم. اما خیلی سخت هزینه‌ها را پرداخت می‌کنند. بیمه تکمیلی در سال کلاً حدود دو میلیون تومان به ما کمک می‌کند» (مادر اردلان).

«هزینه‌ها که واقعاً سرسام‌آور. اوایل ما خیلی هزینه کردیم. این هزینه‌ها بیشتر مربوط به وسایل و کتاب‌ها می‌شه. بهزیستی تا حدودی بهمون کمک می‌کنه، اگه بخوایم کامیار را کلاس‌های خصوصی ببریم حدود یک میلیون تومان هزینه می‌شه، اما اینجا حدود سی صد و پنجاه هزار تومان هزینه می‌شه. کلاس‌های دیگه از هر نیم ساعت صد هزار تومان شروع می‌شه. کلاس‌های گفتار درمانی، کاردرمانی... به‌خاطر کرونا مجبوریم کلاس‌های خصوصی بگیریم و هزینه‌های ما زیاد و سنگینه می‌شه. اما مخارجمون را مدیریت می‌کنیم تا بتوانیم پول کلاس‌ها را جور کنیم. بازم خدا رو شکر مستأجر نیستیم» (مادر کامیار).

«هزینه‌ها خیلی زیاد است. آخرین باری که آرش را به کاردرمانی و گفتاردرمانی می‌بردم هزینه ماهانه حدود ۳ میلیون تومان بود. ما بیمه تکمیلی استفاده نکرده‌ایم. اما می‌دانم خانواده‌ها بعد از ۱۰ جلسه نامه‌ای به بیمه تکمیلی می‌برند و حدود ۳۰ درصد از آن را بیمه تقبل می‌کند. بسیاری از بچه‌های اتیسم به مرور دچار کوتاهی عضله می‌شن. پاهای آنها دچار مشکل می‌شه و نیاز به کفش‌های طبی دارند. هزینه‌ها زیاد است و بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند این هزینه را تأمین کنند و کودکان خود را به کار و گفتاردرمانی ببرند» (مادر آرش).

### بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد عده‌ای از مادران پنداشت مستدام و پایداری از حمایت اجتماعی همسر خود دارند. این حمایت در قالب حمایت عاطفی با درک شرایط آنان و توجه و ابزار همدلی با ایشان شناخته می‌شود. با این همه بذل منابع اقتصادی به امور جاری درمانی، توان‌بخشی فرزند اتیسم بنیان این پنداشت است. لذا مادران برخوردار از حمایت اجتماعی همسر، مادرانی هستند که عاملیت آنان در همراهی کودک و عهده‌داری نقش والدگری‌شان از سوی شوهر به رسمیت شناخته شده و در بزنگاه‌های خستگی که کم نیز نیست به هواداری شوهر دلگرم هستند. با توجه به قلت

اوقات حضور شوهران در خانه، این زنان مانند سایر هم‌تایان البته نابرخوردار از حمایت عاطفی شوهر همچنان بار سنگین عهده‌داری و وظایف نقش فرزند با نیازهای خاص را به دوش می‌کشند. اما احساس حمایت دریافت‌شده برایشان شوق‌آفرین و امیدبخش است. نکته مهم آن است که هیچ‌کدام از این مادران درباره کنش‌های عاطفی ویژه‌ای همچون تدارک سفر، هدیه‌ای خاص یا برگزاری مناسبتی برای قدردانی سخن نگفته‌اند و یا حتی از واژه قدردانی یا معادل‌های آن استفاده نکرده‌اند.

در سوی دیگر، مادرانی هستند که از موهبت حمایت شوهر بی‌بهره‌اند و همسران‌شان همچنان در فاز انکار و عدم پذیرش موضوع اختلال فرزندشان به سر می‌برند. لذا هم فرصت کمی برای گذراندن با فرزند دارند، و هم در همان فرصت رغبتی به شیوه مراقبت‌محور نگهداری و انجام تمارین نشان نمی‌دهند. مادر را به‌خاطر اختلال رفتار کودک نکوهش می‌کنند، تمایل و وقتی برای همراهی فرزند در مراجعات هفتگی درمانی ندارند و برای بذل منابع مالی خانواده به فرزند به دلایل مختلف از جمله ضیق منابع و آینده‌نگری تخصیص آن به اعضای خانواده، بی‌حاصل بودن روند درمان و مانند آن پنداشت عدم همراهی را در ذهن همسر ته‌نشین می‌سازند. هر دو سوی طیف شاید کنش‌های گذرا و مقطعی ناقض امر بروز دهد. اما، روح حاکم بر رابطه زوجین ممزوج از یک صورت کلی مشخص است. حتی کسانی که گزارش‌های متفاوتی از حمایت عاطفی همسران‌شان داشته‌اند، در کنه ماجرا بر همراهی یا مقاومت شوهران در پذیرش موضوع و نیز عاملیت مادران در عهده‌داری و وظایف نقشی متمرکزند.

همچنین ما در خلال نقل قول‌ها با پیچیدگی زندگی زوجین دارای کودک اوتیسم مواجهیم. به نظر می‌رسد این امر با عواملی چون وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و منابع درآمدی، تعداد فرزندان، رابطه زوجین مرتبط است. فقدان فراغت فرحبخش، خواسته‌های به تعویق افتاده در برابر واقعیت مبرم زندگی کودک اوتیسم، سرخوردگی، افسردگی و خشم، اختلال در رابطه زناشویی و غیبت حمایت اجتماعی، تأثیرات مخرب خود را بر رابطه زوجین به‌همراه داشته است. این امر بر یافته‌های پژوهشی پیشین از جمله شجاعی (۱۳۹۴)، محتشمی و همکاران (۱۳۹۵)، صالحی و همکاران (۲۰۱۷)، واسیلوپرو و نیسبت (۲۰۱۶) و مک اولفی و توماس (۲۰۱۸) صحه گذارد.

همچنان که دیدیم حتی زوجینی که به نظر از امنیت مالی کافی برخوردارند، به فراخور التهاب در رابطه را تجربه کرده‌اند.

حمایت عاطفی خانواده والد زن دومین اصل حامی در زندگی‌شان است که به تناسب نزدیکی جغرافیایی، مادران را برخوردار می‌سازد. در نقطه مقابل خانواده والد شوهر، اما عمدتاً به‌عنوان دیگری زندگی مادران شناخته شده و با عدم ارائه حمایت عاطفی کافی، مقایسه ناشایست کودکان سالم و اتیسم، فرافکنی اختلال به امور تربیتی و سرزنش مادر به بی‌کفایتی، حداقل تعامل را با مادران دارند. البته موارد حمایت‌گر قلیلی هم وجود دارد. اقوام نیز تقریباً در رابطه مشابهی با این مادران هستند. پنهان‌کاری، کاهش تعامل، عدم شرکت در مهمانی از جمله راهبردهای این مادران است که در نهایت به شکل طرد خودخواسته، انزوای اجتماعی آنان را در پی دارد. ساراسون و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند فقدان شبکه روابط اجتماعی می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی برای بهزیستی این مادران داشته باشد و کیفیت زندگی و عملکرد شخصی‌شان را به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار دهد. انزوای اجتماعی یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که این مادران در زندگی خود تجربه می‌کنند. همان‌طور که ریاحی و همکاران (۱۳۸۹) دریافتند فشار روانی فزاینده و ریسک‌پذیری سلامت جسمی و روانی و ابتلا به بیماری‌های روان‌تنی از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت است. حمایت ابزاری درک شده از سوی مادران در شکل فراهم‌آوردن امکانات زیربنایی آموزشی، درمانی دولتی شایسته، اما کافی نیست. با تمرکز این امکانات در کلان‌شهرهای اصلی به جهت هزینه بالای حمل‌ونقل و نیز سختی‌های عهده‌داری مسئولیت از سوی مادران عملاً تعداد کثیری از کودکان نیازمند، توان و فرصت دسترسی بدان را نمی‌یابند. هرچند بیمه تکمیلی به‌عنوان سازوکار حمایت ابزاری از سوی قانونگذار در نظر گرفته شده، اما فرایند بازپرداخت هزینه‌ها زمان‌بر و با پوشش نسبی است. لذا موضوع حمایت ابزاری باید از طریق تدوین و تصویب قوانین اجتماعی اقتصادی منطبق با نیازهای روزمره در جهت تأمین رفاه اجتماعی کودکان و مادران محقق شود.

حمایت اطلاعاتی ابرازشده از سوی مادران در پایین‌ترین سطح ممکن است. آنان هم در جریان مواجهه با اختلال اتیسم فرزندان‌شان مجاری اطلاعاتی معتبر و روشنی در دسترس نداشتند و از جمله همچنان موضوع عدم تشخیص زودهنگام و یا سردرگمی در تشخیص معضل عده‌ای از آنان محسوب می‌شود. و هم جامعه را فاقد اطلاعات لازم در درک و پذیرش و همراهی خود در قبال

امور فرزندشان می‌یابند. مواجهه دیگران با رفتارهای فرزندشان فشار مضاعفی بر روان آنان وارد ساخته و به ناچار خود و کودک را از اندک امکانات قابل دسترس در حوزه عمومی محروم می‌سازند. رسانه ملی و نهادهای مرتبط به‌ویژه آموزش و پرورش باید بر اساس دستورالعمل‌هایی نسبت به اطلاع‌رسانی در خصوص این اختلال اهتمام بیشتری داشته باشند و فهم و پذیرش تفاوت کودکان را در میان جامعه بالغان و نیز کودکان وجه همت خود قرار دهند. همراهی و همدلی و اشاعه اخلاق مراقبت در گروه اطلاع‌رسانی نیازها و شرایط این کودکان و خانواده‌های‌شان است. طرح ویژگی‌ها و مشکلات بچه‌های مبتلا به اتیسم در قالب برنامه‌سازی تلویزیونی، تدوین کتب درسی و کمک درسی (در بخش محتوا و تصویرگری) و نیز تولیدات کانون پرورش فکری موجب جامعه‌پذیری بیشتر دانش‌آموزان و خانواده‌های‌شان درباره موضوع شده و گامی مهم در جهت فرهنگ‌سازی پذیرش این کودکان و درک وضعیت مبرم‌شان است. همچنین موضوع آموزش مهارت‌های حل بحران باید هم برای والدین و هم خانواده‌های والد ایشان در دستور کار قرار گیرد. تدوین قوانین حمایتی در سطوح کلان و میانه و نیز تصویب پروتکل‌های سیاست‌گذاری اجتماعی فرهنگی جهت انجام مداخلات تخصصی با توجه به شرایط مادران به‌عنوان همراهان همیشگی کودک اتیسم از دیگر راهبردهای تخفیف رنج و بهبود کیفیت زندگی مادران محسوب می‌شود.

برنامه‌ریزی در نهادهای نیمه خصوصی، بخش‌های فرهنگی اجتماعی شهرداری‌ها از فرهنگ‌سراها گرفته تا سرای محله و نیز سازمان‌های غیردولتی در جهت طرح وضعیت این کودکان و نیز چالش‌های مادران در برخورداری آنان از حمایت اطلاعاتی و حمایت عاطفی سودمند خواهد بود. همچنین، در نظر گرفتن نیازهای مادران دارای کودک اتیسم در برنامه‌های مسئولیت اجتماعی صنایع کلان و خرد و شرکت‌های تولیدی می‌تواند به سرمایه‌گذاری‌های آنان جهت داده و از جمله مادران و خانواده‌های این کودکان را از حمایت‌های ابزاری بهره‌مند سازد. این توجه بخشی تا اندازه زیادی منوط به فرهنگ‌سازی متمرکز درباره شرایط این کودکان و نیازهای مبرم و وضعیت حمایت‌های اجتماعی دریافت‌شده مادران آنان است.



## منابع

- بذرافشان، بهناز، کارگر، علیرضا، محمدی، محمود، سرمدی، پیام، لکزایی، جواد، حسینی نژاد، محسن، ثناگو، اکرم، کاوسی، اکرم و جویباری، لیلا. (۱۳۹۷). کیفیت زندگی مادران دارای کودکان مبتلا به اوتیسم. *مجله دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، ۲۰(۴)، ۷۷-۸۱.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- چیمه، نرگس، پوراعتماد، حمیدرضا و خرم آبادی، راضیه. (۱۳۸۶). مشکلات و نیازهای مادران کودکان مبتلا به اختلالات آتیستیک: یک پژوهش کیفی. *خانواده پژوهی*، ۳(۱۱)، ۷۰۷-۶۹۷.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش های پژوهش های کیفی. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- حسینی، سیداحمد و دودمان فیروزسالاری، سمانه. (۱۳۸۹). نقش حمایت اجتماعی در میزان سلامت روان کارمندان جوان شهرداری. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۱۱-۱۴۴.
- رضایی دهنوی، صدیقه، مرادی، اعظم، عکافی، فرخ لقا و رستمی، صدیقه. (۱۳۹۶). تأثیر حمایت اجتماعی غیررسمی بر سلامت روان مادران دارای با اختلال طیف اتیسم. *کودکان استثنایی*، ۱۷(۱)، ۱۶-۵.
- ریاحی، محمد اسماعیل، علیوردی نیا، اکبر و پورحسین، سیده زینب. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان. *رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۹)، ۸۵-۱۲۱.
- شجاعی، ستاره. (۱۳۹۴). مشکلات خانواده های کودکان با اختلال های طیف اتیسم. *تحول روان شناختی کودک*، ۱(۲)، ۷۹-۹۰.
- صمدی، سیدعلی. (۱۳۹۲). کودکان دارای اوتیسم راهنمای آموزش برای والدین و مربیان. تهران: انتشارات دوران.
- کلانتری، عبدالحسین و حسینی زاده آرانی، سید سعید. (۱۳۹۴). شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان میزان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). *مطالعات جامعه شناختی شهری*، ۵(۱۶)، ۸۷-۱۱۸.
- مارشال، کاترین و راس من، گرچن. (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر نشر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم.

- محتشمی، طیبه، ابراهیمی، فائزه، علی اکبری، مهناز و چیمه، نرگس. (۱۳۹۵). مقایسه استرس والدگری، رضایتمندی و کارکرد خانواده مادران کودکان دارای اتیسم با مادران کودکان دارای رشد معمول. *کودکان استثنائی*، ۱۶(۴)، ۵۱-۶۲.
- هورتولانوس، رلوف، انجا، مشیلز و میوسن، لودوین. (۱۳۹۴). انزوای اجتماعی در جامعه مدرن، ترجمه لیلا فلاحی سرابی و صادق پیوسته. تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- Bazarfeshan, B., Kargar Dolatabadi, A., Mohammadi, M., Sarmadi, P., Lakzaei, J., Hosseinijad, S., et al. (2019). Quality of life of the mothers of children with autism. *Journal of Gorgan Univ Med Sci*, 20(4), 77-82. (In Persian)
- Bernards, J. (1384). *An Introduction to Family Studies*, Translated by Hossein Ghazian. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Center of Disease Control and Prevention. (2018). Prevalence of autism spectrum disorder among children aged 8 years—Autism and developmental disabilities monitoring Network, 11 sites, United States, 2014.
- Hariri, N. (2006). *Principles and methods of qualitative research*. Tehran: Islamic Azad University. (In Persian)
- Hortulanus, R., Machielse, A. & Meeuwesen, L. (2006). *Social Isolation in Modern Society*. Routledge.
- Hosseini, S. A. & Dudman Firouzsalar, S. (2010). The role of social support in the mental health of young employees of Tehran Municipality. *Social Development and Welfare Planning*, 1(3), 111-144. (In Persian)
- Kalantari, A. & Hosseinizadeh Arani, S. S. (2015). City and social relationships: A Study of the relationship between social isolation and level of received social support with the experience of loneliness (Case study: Tehran residents). *Urban Sociological Studies*, 5(16), 87-118. (In Persian)
- Lee, N. A., Furrow, J. L. & Bradley, B. A. (2017). Emotionally focused couple therapy for parents raising a child with an autism spectrum disorder: A pilot study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 43(4), 662-673.
- Marshall, C. & Rossman, G. B. (2014). *Designing Qualitative Research*. Sage Publications.
- McAuliffe, T., Thomas, Y., Vaz, S., Falkmer, T. & Cordier, R. (2018). The experiences of mothers of children with autism spectrum disorder: Managing family routines and mothers' health and wellbeing. *Australian Occupational Therapy Journal*, 66(1), 68-76.
- Mohtashami, T., Ebrahimi, F., Aliakbari Dehkordi, M. & Chimeh, N. (2017). Comparison of parental stress, satisfaction and family functioning in mothers



of children with autism and normally-developing children. *Journal of Exceptional Children*, 16(4), 51-62. (In Persian)

Rezaei Dehnavi, S., Moradi, A., Akafi, F. & Rostami, S. (2017). The impacts of informal social support on the mental health of mothers of children with autism spectrum disorder. *Journal of Exceptional Children*, 17(1), 5-16. (In Persian)

Riahi, M., Aliverdina, A. & Pourhossein, Z. (2011). Relationship between social support and mental health. *Social Welfare Quarterly*, 10(39), 85-121. (In Persian)

Salehi, F., Raji, P., Mahmoodian, M., Dadgar, H. & Baghestani, A. R. (2017). Quality of life of mothers of children with autism spectrum disorders and its relationship with severity of disorder and child's occupational performance. *Journal of Modern Rehabilitation*, 11(3), 167-174. (In Persian)

Samadi, S. A., McConkey, R. & Kelly, G. (2012). The information and support needs of Iranian parents of children with autism spectrum disorders. *Early Child Development and Care*, 182(11), 1439-1453.

Shojaee, S. (2015). Challenges facing families with children with autism spectrum disorders. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 2(1), 71-81. (In Persian)

Vasilopoulou, E. & Nisbet, J. (2016). The quality of life of parents of children with autism spectrum disorder: A systematic review. *Research in Autism Spectrum Disorder*, 23, 36-49.



© 2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BYNC 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

#### نویسندگان

ss.shafiei@ihcs.ac.ir, ss.shafiei@gmail.com

سمیه سادات شفیعی

دانشیار جامعه‌شناسی پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

m.shafiei105@gmail.com

مریم شفیعی

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی.

## مقاله پژوهشی

# پیش‌بینی وابستگی به تلفن همراه بر اساس کمرویی با واسطه نیازهای اساسی روان‌شناختی در نوجوانان دختر: بررسی نقش تعدیل‌کننده انسجام خانواده

سارا ابراهیمی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گری تعدیل‌شده نیازهای اساسی روان‌شناختی توسط انسجام خانواده در رابطه کمرویی با وابستگی به تلفن همراه در نوجوانان دختر انجام شده است. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۸۳ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به مقیاس بازنگری‌شده کمرویی چیک و باس (چیک، ۱۹۸۳)، شاخص اعتیاد به تلفن همراه (لئونگ، ۲۰۰۸)، مقیاس نیازهای اساسی روان‌شناختی (دسی و رایان، ۲۰۰۰) و مقیاس انسجام سازمان‌یافته خانواده فیشر (فیشر و همکاران، ۱۹۹۲) پاسخ دادند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با نصب برنامه الحاقی پردازشگر هابیس (مدل ۴ و ۵۹) در نرم‌افزار SPSS<sup>24</sup> استفاده شد. نتایج نشان داد نیازهای اساسی روان‌شناختی رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه را میانجی‌گری می‌کنند و رابطه بین کمرویی با وابستگی به تلفن همراه و نیازهای اساسی روان‌شناختی و نیز رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی و وابستگی به تلفن همراه توسط انسجام خانواده تعدیل می‌شود. بر این اساس، با افزایش نیازهای اساسی روان‌شناختی و ارتقای انسجام خانواده، کمرویی و در نتیجه وابستگی به تلفن همراه در نوجوانان کاهش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش برای درک سازوکار پیچیده تأثیر کمرویی بر وابستگی به تلفن همراه مفید است و پیامدهایی عملی برای پیشگیری و کاهش وابستگی نوجوانان به تلفن همراه دارد.

<sup>۱</sup> استادیار روان‌شناسی تربیتی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

sa\_ebrahimi@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹



## واژگان کلیدی

کمروبی، وابستگی به تلفن همراه، نیازهای اساسی روان‌شناختی، انسجام خانواده، نوجوانان دختر

### مقدمه و بیان مسئله

با همه‌گیری کووید-۱۹ استفاده از تلفن همراه، به‌ویژه در میان نوجوانان افزایش یافت. تلفن‌های همراه، با وجود پیامدهای مثبتی چون دسترسی سریع به اطلاعات و کاربردهای ارتباطی، آموزشی، تفریحی و غیره، می‌توانند تغییرات هیجانی شدید و واکنش‌های جسمانی جدی را سبب شوند و منجر به اعتیاد<sup>۱</sup>، استفاده مشکل‌آفرین<sup>۲</sup> یا وابستگی به تلفن<sup>۳</sup> همراه گردند (ژانگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱ و کاس و گریفیث<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷).

نوجوانی به‌عنوان دوره انتقال با تغییرات برجسته جسمی و روانی و احتمال ابتلای بیشتر به مشکلات روانی مانند اضطراب و افسردگی و مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری همراه است (مارتینز-فرر و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). در این مرحله روابط بین فردی به‌عنوان عامل محافظ و یا خطر برای رشد روانی و رفتاری نوجوان در نظر گرفته می‌شود (مک‌موهان و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱).

وابستگی به تلفن همراه به‌عنوان یکی از ابزارهای روابط بین فردی، تأثیر مخربی بر سلامت جسمانی (چاقی و بی‌خوابی)، روانی (اضطراب و افکار خودکشی)، فعالیت‌های روزمره و سلامت اجتماعی (روابط بین فردی) (چن و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱) و یادگیری و رشد نوجوانان می‌گذارد (هونگ و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۹ و کائو و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸). با توجه به گسترش استفاده از تلفن‌های همراه در میان نوجوانان ایرانی (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱) و خطر وابستگی به آن، ضروری است

<sup>1</sup>. Internet Addiction

<sup>2</sup>. Problematic Smartphone Use

<sup>3</sup>. Mobile Phone Dependency

<sup>4</sup>. Zhang et al

<sup>5</sup>. Kuss & Griffiths

<sup>6</sup>. Martínez-Ferrer et al

<sup>7</sup>. McMahon et al

<sup>8</sup>. Chen et al

<sup>9</sup>. Hong et al

<sup>10</sup>. Cao et al

علل محرک و سازوکارهای زمینه‌ای آن شناخت شود تا بتوان برای برنامه‌های مداخله‌ای و پیشگیرانه تصمیم‌گیری کرد.

یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های اجتماعی معطوف به دختران نوجوان، به‌واسطه نقش‌هایی که در آینده به‌عهده خواهند گرفت، برقراری روابط اجتماعی مؤثر است. کمرویی به‌عنوان یک ویژگی درون‌فردی، که در مراحل اولیه رشد در خانه و مدرسه پدیدار می‌شود، به‌شدت بر ارتباط با اجتماع تأثیر می‌گذارد (عبداللهیان، ۱۳۹۶). همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند بین ویژگی‌های شخصیتی و وابستگی به تلفن همراه رابطه وجود دارد (گائو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰ و هان و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان به‌ویژه توانایی اندک خودکنترلی و سطوح بالای کمرویی<sup>۳</sup> (کیسی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵) آن‌ها را در برابر وابستگی به تلفن همراه آسیب‌پذیر می‌سازد (هان و همکاران، ۲۰۱۷).

اگرچه مطالعات موجود تأثیر کمرویی را بر وابستگی به تلفن همراه نشان داده‌اند (هان و همکاران، ۲۰۱۷؛ انز و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶ و بیان و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵)، اما مکانیسم این رابطه را کمتر از دیدگاه تعامل بین عوامل فردی و محیطی بررسی کرده‌اند. یکی از عوامل فردی مرتبط با وابستگی به تلفن همراه، نیازهای اساسی روان‌شناختی<sup>۷</sup> است. عدم تأمین نیازهای اساسی روان‌شناختی ممکن است منجر به جبران<sup>۸</sup> آسیب‌شناختی شود که در ارتباط با استفاده از تلفن همراه به صورت استفاده بیش از اندازه و وابستگی به آن بروز می‌کند (کمپل و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۹). مطالعات نشان داده‌اند کمرویی به‌طور منفی با ترجیح همسالان و روابط با آن‌ها (چن و همکاران،

<sup>۱</sup>. Gao et al

<sup>۲</sup>. Han et al

<sup>۳</sup>. Shyness

<sup>۴</sup>. Casey

<sup>۵</sup>. Enez et al

<sup>۶</sup>. Bian et al

<sup>۷</sup>. Basic Psychological Needs

<sup>۸</sup>. Compensation

<sup>۹</sup>. Campbell et al

۲۰۱۹؛ کوپلان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷ و کوکینوس و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶)، حمایت اجتماعی ادراک‌شده (ژائو و همکاران، ۲۰۱۸) و خودکنترلی و شایستگی ارتباطی مرتبط است (هان و همکاران، ۲۰۱۷ و آروویو و هاروود<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). شخصیت خجالتی و گوشه‌گیر افراد کمرو، عدم ارضای روابط بین‌فردی را در موقعیت‌های واقعی تسهیل می‌کند و مانع از ارضای معقول سایر نیازهای اساسی روان‌شناختی می‌شود (هان و همکاران، ۲۰۱۷ و آروویو و هاروود، ۲۰۱۱). با این حال ناشناس بودن و راحتی فضای شبکه تلفن همراه می‌تواند از فعالیت‌های اجتماعی چهره به چهره جلوگیری کند و برای افراد کمرو محیطی نسبتاً ایمن و آرامش‌بخش فراهم سازد به طوری که نیازهای ارضا نشده آن‌ها در واقعیت، می‌تواند به صورت آسیب‌شناختی از طریق استفاده از تلفن همراه جبران شود. استفاده نادرست از تلفن همراه، ممکن است وابستگی به تلفن همراه را در پی داشته باشد (چن و همکاران، ۲۰۲۱).

مطالعات نشان داده‌اند انسجام بالایی خانواده می‌تواند تلاش‌های تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا بخشد (فلدمن و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸)، رشد مهارت‌های حل مسئله اجتماعی، خودکارآمدی و بهزیستی روانی کودک و نوجوان را پیش‌بینی نماید (هماما و عرضی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲ و لیدی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰) و از عوامل محافظت‌کننده در برابر افسردگی و خودکشی (کاوازوس-رگ و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰ و سان و همکاران، ۲۰۲۰) و اعتیاد به اینترنت (وانگ و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸) باشد. از این رو، انسجام خانواده می‌تواند نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه داشته باشد (لیو و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۲۰). همچنین، مطالعات نشان داده‌اند بهبود محیط خانواده و روابط بین اعضای خانواده می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا رضایت از زندگی و تجربه شادی خود را

1. Coplan et al

2. Kokkinos et al

3. Arroyo & Harwood

4. Feldman et al

5. Hamama & Arazi

6. Leidy et al

7. Cavazos-Rehg et al

8. Wang et al

9. Liu et al

افزایش (نی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱) و استفاده مشکل ساز از اینترنت را کاهش دهند (سلا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). بنابراین، هم رابطه کمرویی با نیازهای اساسی روان شناختی و نیازهای اساسی روان شناختی با وابستگی به تلفن همراه و هم رابطه کمرویی با وابستگی به تلفن همراه ممکن است توسط انسجام خانواده تعدیل شوند.

در حال حاضر مطالعات اندکی درباره رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه وجود دارد که بسیاری از آن‌ها بر روی دانشجویان انجام شده است و کمتر به نمونه‌های نوجوان پرداخته شد (چن و همکاران، ۲۰۲۱). نوجوانی دوره‌ای است که در آن بدن و روان دستخوش تغییرات شدید شده و سطح کمرویی افزایش می‌یابد. همچنین، اگرچه تأثیر کمرویی بر وابستگی به تلفن همراه تنها در برخی مطالعات خارجی مورد بررسی قرار گرفته (هان و همکاران، ۲۰۱۷)، اما مکانیسم چگونگی این ارتباط مشخص نیست و مطالعات اندکی نیز از منظر تعامل بین فرد و محیط این ارتباط را بررسی کرده‌اند (هونگ و همکاران، ۲۰۱۹ و سلا و همکاران، ۲۰۱۹). بر این اساس، با توجه به گسترش استفاده از تلفن همراه، شناسایی تأثیری که ویژگی‌های شخصیتی و فردی و عوامل محیطی بر وابستگی به تلفن همراه در این دوره برجای می‌گذارند، ضروری است. از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد با هدف پیش‌بینی وابستگی به تلفن همراه در نوجوانان دختر برحسب عامل درون فردی کمرویی با میانجی‌گری نیازهای اساسی روان شناختی و نیز بررسی نقش انسجام خانواده به عنوان عامل برون فردی تعدیل‌کننده در فرایند میانجی، به این سؤال‌ها پاسخ دهد:

۱. آیا کمرویی، به طور مستقیم وابستگی به تلفن همراه را پیش‌بینی می‌کند؟
۲. آیا نیازهای اساسی روان شناختی رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه را در نوجوانان دختر میانجی‌گری می‌کند؟
۳. آیا انسجام خانواده مسیرهای فرایند میانجی‌گری را در نوجوانان دختر تعدیل می‌کند؟

1. Ni et al

2. Sela et al



## پیشینه تجربی

مطالعات نشان داده‌اند نوجوانان کمرو مشکلات ارتباطی، اضطراب اجتماعی، تنهایی و افسردگی را تجربه و درونی می‌کنند (لیو و همکاران، ۲۰۱۹؛ هونگ و همکاران، ۲۰۱۹ و ژائو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). از این‌رو، برای اجتناب از این هیجانات منفی، به استفاده بیش از اندازه از تلفن همراه روی می‌آورند که در نتیجه به اعتیاد به اینترنت منجر می‌شود (انز و همکاران، ۲۰۱۶ و بیان و همکاران، ۲۰۱۵).

چن و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی رابطه کمرویی و وابستگی به تلفن همراه حاکی از رابطه مثبت و معنی‌دار کمرویی با وابستگی به تلفن همراه در نوجوانان دبیرستانی بود. نوجوانان کمرو برای جبران هیجانات منفی ناشی از عدم تعاملات اجتماعی به استفاده بیش از اندازه و در نتیجه وابستگی به تلفن همراه روی می‌آورند.

تیان و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی رابطه بین کمرویی، عزت نفس، تنهایی، افسردگی و اعتیاد به اینترنت نشان دادند کمرویی، اعتیاد به اینترنت را ۱۲ ماه بعد به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی می‌کرد و اعتیاد به اینترنت نیز، تنهایی و افسردگی را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی می‌کرد. انز و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی رابطه بین اعتیاد به تلفن همراه و اضطراب اجتماعی و تنهایی نشان دادند اضطراب اجتماعی و تنهایی پیش‌بینی‌کننده خطر اعتیاد به گوشی‌های هوشمند در جوانان است و افراد جوان‌تری که عمدتاً از گوشی‌های هوشمند خود برای دسترسی به شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، الگوی استفاده بیش از اندازه از گوشی هوشمند دارند.

لاگی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان آگاهی از زمان عدم استفاده از اینترنت: کمرویی و تعاملات آنلاین و آفلاین نوجوانان با دوستان نشان دادند افراد کمرو هیجان‌های منفی را بیشتر از طریق ارتباطات برخط به دوستان خود ابراز می‌کنند. هرچه افراد کمرو رضایت بیشتری از تلفن همراه داشته باشند، احتمال این‌که این فرایند به استفاده مشکل‌ساز منتهی شود، بیشتر است.

کمپل و همکاران (۲۰۱۹) با بررسی نقش ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، خواب و ذهن‌آگاهی در کیفیت زندگی مرتبط با سلامت افراد مبتلا به ایدز نشان دادند عدم تأمین نیازهای

<sup>1</sup>. Zhao et al

<sup>2</sup>. Laghi et al

اساسی روان‌شناختی در دنیای واقعی به‌طور منفی و معنی‌دار با بهزیستی جسمی و روانی مرتبط است.

یی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در بررسی تأثیر استرس بر استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت نشان دادند نیازهای اساسی روان‌شناختی و شناخت ناهماهنگ نقش میانجی را در رابطه استرس و استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت نوجوانان ایفا می‌کنند. همچنین، لی و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی خطر اکولوژیکی تجمعی و اعتیاد به اینترنت نشان دادند نیازهای اساسی روان‌شناختی و امید به نتیجه مثبت نقش میانجی را در رابطه عوامل خطر و اعتیاد به اینترنت نوجوانان ایفا می‌کنند.

لیو و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی رابطه اختلال عملکرد خانواده و اعتیاد نوجوانان به تلفن همراه نشان دادند اضطراب اجتماعی رابطه بین اختلال عملکرد خانواده و اعتیاد به تلفن همراه را میانجی‌گری می‌کند و هر دو ارتباط مستقیم بین اختلال عملکرد خانواده و اعتیاد به تلفن همراه و ارتباط غیرمستقیم از طریق اضطراب اجتماعی توسط ذهن‌آگاهی تعدیل می‌شوند.

آدامز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در بررسی نقش انسجام خانواده بر اضطراب و اختلال بازی اینترنتی<sup>۳</sup> نشان دادند انسجام خانواده رابطه بین اضطراب و اختلال بازی اینترنتی را تعدیل و در مجموع خطر هر دو را تضعیف می‌کند.

سلا و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی رابطه محیط خانواده و استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت با میانجی‌گری افسردگی و ترس از دست دادن نشان دادند افسردگی و ترس از دست دادن، رابطه بین انسجام کم و تعارض زیاد خانواده را با استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت میانجی‌گری می‌کنند. همچنین، محیط مثبت خانواده می‌تواند علائم افسردگی و ترس از دست دادن را کاهش دهد و در نتیجه سبب کاهش استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت و زمان برخط بودن شود.

وانگ و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی رابطه والد-نوجوان و اعتیاد به اینترنت در نوجوانان نشان دادند رابطه خوب والد-نوجوان به‌طور مثبت و معنی‌دار با توانایی نظم‌دهی هیجان و به‌طور منفی و معنی‌دار با اعتیاد به اینترنت رابطه داشت. همچنین، رابطه والد-نوجوان با اعتیاد به

1. Yi et al

2. Adams et al

3. Internet Gaming Disorder

اینترنت توسط نظم‌دهی هیجان به‌طور معنی‌دار میانجی‌گری می‌شد و رویدادهای استرس‌زای زندگی، فرآیند میانجی‌گری را تعدیل می‌کرد، به‌گونه‌ای که رابطه بین توانایی نظم‌دهی هیجان و اعتیاد به اینترنت برای نوجوانانی که سطوح پایین‌تری از رویدادهای استرس‌زا زندگی را تجربه می‌کردند، قوی‌تر بود.

### چارچوب نظری

وابستگی به تلفن همراه به استفاده بیش از اندازه و غیرقابل کنترل از تلفن همراه و تمایل متناوب به استفاده از آن اشاره دارد و شامل ویژگی‌های اصلی رفتارهای اعتیادآور مانند تغییر شناختی، تغییر خلق و خو و برگشت بعد از اقدام به ترک است (گریفیث، ۲۰۱۸ و ایزو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

یکی از ویژگی‌های شخصیتی که نوجوانان را در برابر وابستگی به تلفن همراه آسیب‌پذیر می‌سازد، کمرویی است (هان و همکاران، ۲۰۱۷). کمرویی به احساس تنش و ناراحتی در مواجهه با افراد یا رویدادهای جدید در محیط‌های اجتماعی یا در پاسخ به ارزیابی‌های اجتماعی اشاره دارد (روبین و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹) که با بازداری همراه است. این بازداری با توانایی فرد برای دستیابی به خواسته‌ها یا تمایل به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی تداخل می‌کند (هندرسون و زیمباردو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). بر اساس نظریه فشار عمومی، رفتارهای مشکل‌آفرین عمدتاً نتیجه تجربه‌ای منفی هستند که توسط مجموعه‌ای از فشارها ایجاد می‌شوند (لیو و همکاران، ۲۰۱۸ و اگنیو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲). افراد کمرو معمولاً در موقعیت‌های اجتماعی آفلاین، عصبی می‌شوند. ویژگی‌های ناشناس بودن، قابلیت کنترل ارتباطات و نفی حضور فیزیکی، اینترنت را برای افراد کمرو بسیار جذاب می‌سازد (مک‌کنا و برگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰)، به‌طوری‌که این افراد بیشترین میزان کم‌کسانی و رفتارهای مفید را در فعالیت‌های آنلاین از خود نشان می‌دهند (هان و همکاران، ۲۰۱۶). به‌عبارت دیگر،

<sup>1</sup>. Ezoie et al

<sup>2</sup>. Rubin et al

<sup>3</sup>. Henderson & Zimbardo

<sup>4</sup>. Agnew

<sup>5</sup>. McKenna & Bargh

افراد کمرو، برای ارضای نیاز خود به اجتماعی شدن، محیط‌های شبکه‌های اجتماعی را بدون اضطراب و ناراحتی ناشی از ارتباط چهره‌به‌چهره ترجیح می‌دهند.

یکی دیگر از عوامل فردی مرتبط با وابستگی به تلفن همراه، نیازهای اساسی روان‌شناختی است. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، نیاز به خودمختاری، ارتباط و شایستگی سه نیاز اساسی روان‌شناختی هستند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). خودمختاری، نیاز فرد به انتخاب و آغازگری در انجام تکالیف است؛ ارتباط، نیاز فرد به احساس اطمینان در ارتباط با دیگران و نیاز به پذیرش است و شایستگی به مؤثر بودن در تعامل با محیط و تمایل به ابراز توانایی‌ها و تسلط بر چالش‌ها اشاره دارد. مطابق با فرضیه فروپاشی روان‌شناختی<sup>۱</sup> (گائو و چن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶)، نیازهای اساسی روان‌شناختی برای رشد سالم و بهزیستی جسمی و روانی افراد بسیار مهم هستند (کمپل و همکاران، ۲۰۱۹). چنانچه محیط واقعی زندگی نتواند این نیازها را برآورده سازد، فرد برای جبران نیازهای خود در محیط اجتماعی دیگر برانگیخته می‌شود (هونگ و همکاران، ۲۰۱۹ و لی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶) که به نوبه خود بر رشد روانی، درونی‌سازی و شادکامی وی تأثیر می‌گذارد (سان و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). مطابق با نظریه کنش متقابل فرد-محیط، مشکلات رفتاری افراد نتیجه تعامل بین عوامل فردی و محیطی است (لرنر و همکاران، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر، فرایند میانجی که در آن کمرویی بر وابستگی به تلفن همراه از طریق نیازهای اساسی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد، ممکن است توسط محیط تحت تأثیر قرار گیرد. خانواده به‌عنوان ریزسیستم مستقیم اولیه نقشی اساسی در سازگاری فردی دارد (برون‌فن‌برنر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۹). مطالعات نشان می‌دهند هر چه جو خانواده بهتر و ارتباطات بیشتر باشد، انحراف نوجوان کمتر است (لیو و همکاران، ۲۰۲۰ و سلا و همکاران، ۲۰۱۹). انسجام خانواده، به‌عنوان شاخص رابطه نزدیک بین اعضای خانواده و جو مثبت خانواده، به ارتباط هیجانی بین اعضای خانواده اشاره دارد (لیو و همکاران، ۲۰۱۴).

<sup>۱</sup>. Psychological Decomensation Hypothesis

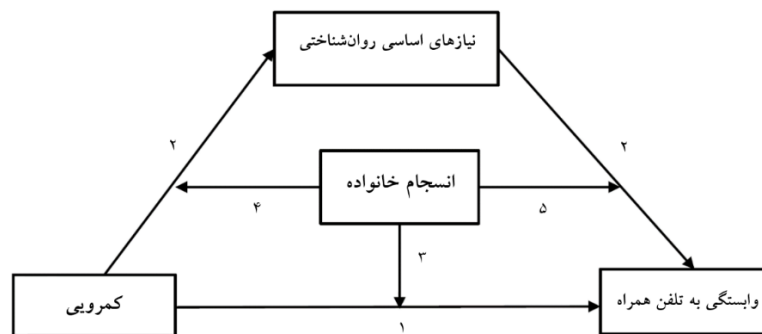
<sup>۲</sup>. Gao & Chen

<sup>۳</sup>. Li et al

<sup>۴</sup>. Sun et al

<sup>۵</sup>. Bronfenbrenner

با توجه به الگوی حمایت اجتماعی بافر<sup>۱</sup>، حمایت اجتماعی از یک سو می‌تواند تأثیر رویدادهای استرس‌زا را بر سلامت جسمی و روانی افراد کاهش دهد و از سوی دیگر به‌عنوان منبعی حمایتی برای کاهش استرس با رفع نیازهای تعلق و ارتباط با دیگران عمل کند (کوهن و ویلز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵). بنابراین، محیط عامل مهمی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی افراد است (دسی و رایان، ۲۰۰۰). افراد کمرو تحت تأثیر عوامل شخصیتی و ترس و کناره‌گیری از تعاملات اجتماعی با فشار اجتماعی شدیدی روبه‌رو می‌شوند که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی را در روابط بین فردی دشوار می‌سازد و باعث می‌شود اغلب احساس اضطراب و تنهایی کنند (هونگ و همکاران، ۲۰۱۹ و ژائو و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه، این افراد برای فرار از فشارهای اجتماعی در واقعیت و حذف هیجان‌های منفی، ممکن است به اینترنت معتاد شوند و یا دچار وابستگی به تلفن همراه گردند. با این حال، اگر اعضای خانواده روابط صمیمانه و جو خانوادگی گرم داشته باشند، این روابط صمیمانه به‌عنوان منبع حمایت اجتماعی می‌تواند برخی نیازهای اساسی روان‌شناختی افراد کمرو را برطرف نماید و از بروز وابستگی به تلفن همراه بکاهد (چن و همکاران، ۲۰۲۱). با مرور پیشینه پژوهشی و چارچوب نظری، مدل مفهومی پژوهش به‌صورت شکل ۱ ترسیم شد.



شکل ۱. مدل مفهومی رابطه متغیرهای پژوهش

<sup>۱</sup>. buffer Model of Social Support

<sup>۲</sup>. Cohen & Wills

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری آن متشکل از تمامی نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل شهر تهران در سال ۱۴۰۱ به تعداد ۲۶۳,۳۵۱ نفر بود. علت انتخاب نمونه دختران از شهر تهران گزارش مرکز ملی آمار (۱۴۰۱) بود که بر اساس آن شهر تهران هم در ضریب نفوذ تلفن همراه و اینترنت و هم میزان حضور شهروندان تهرانی در شبکه‌های اجتماعی در رتبه سوم کشور قرار دارد که احتمال استفاده بیش از اندازه از تلفن همراه را افزایش می‌داد. به منظور برآورد حجم نمونه، مبتنی بر منطق پیشنهادی (گرین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱) که حجم نمونه در مطالعات رگرسیون برابر با  $N \geq 8K + 50$  است، به ازای سه متغیر پیش‌بین، ۷۴ نفر به عنوان حداقل حجم نمونه در نظر گرفته شد. اما به دلیل احتمال ریزش شرکت‌کنندگان و کاهش خطای اندازه‌گیری، نمونه‌ای برابر با ۲۸۳ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس برای دستیابی به نتایجی قابل قبول انتخاب شدند ( $SD=1/88$  و  $M=16/63$ ). علت انتخاب روش نمونه‌گیری در دسترس، سهولت و فوریت دسترسی به حجم کافی نمونه به دلیل همزمانی اجرای پژوهش با همه‌گیری کووید-۱۹ و نیز امتحانات نوبت دوم دانش‌آموزان در خرداد ماه بود. برای اجرای پژوهش ابزارها به صورت نسخه مجازی آماده شدند و بعد از هماهنگی با مدیران برخی مدارس متوسطه شهر تهران، نشانی اینترنتی ابزارها از طریق رسانه‌های اجتماعی در اختیار افراد نمونه قرار گرفت. ابزارها برای اطمینان از محرمانه بودن و قابلیت اعتماد داده‌ها به صورت ناشناس ارسال شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

**مقیاس بازنگری شده کمرویی چیک و باس<sup>۲</sup>:** این ابزار که توسط چیک (۱۹۸۳) برای اندازه‌گیری سطح کمرویی در نوجوانان طراحی شد، نسخه بازنگری شده مقیاس کمرویی چیک و باس (۱۹۸۱) است. این مقیاس شامل ۱۳ گویه است و پاسخ‌ها بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) قرار می‌گیرند. نمرات بالای مقیاس بیانگر سطح بالای کمرویی است. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در مطالعه چیک (۱۹۸۳) ( $a=0/90$ )، در پژوهش سپهری و

<sup>۱</sup>. Green

<sup>۲</sup>. The Revised Cheek and Buss Shyness Scale (RCBS)

مظاهری (۱۳۸۸) ( $a=0/88$ ) و در مطالعه حاضر ( $a=0/87$ ) به دست آمد. روایی همگرایی مقیاس نیز در پژوهش چیک (۱۹۸۳) در همبستگی با نسخه اصلی (۰/۹۶) تأیید شد و در پژوهش سپهری و مظاهری (۱۳۸۸) تک عاملی بودن مقیاس مورد تأیید قرار گرفت که (۰/۵۰) واریانس کل را برآورد می‌کرد.

**شاخص اعتیاد به تلفن همراه<sup>۱</sup>:** این ابزار توسط لئونگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) برای ارزیابی اعتیاد نوجوانان به تلفن همراه و اثرات روانی آن طراحی شد و شامل ۱۷ گویه است که بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) قرار دارند و نمرات بالاتر بیانگر سطح شدیدتر وابستگی به تلفن همراه است. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در مطالعه چن و همکاران (۲۰۲۱) ( $a=0/91$ )، در پژوهش نادری و حق‌شناس (۱۳۸۸) ( $a=0/80$ ) و در مطالعه حاضر ( $a=0/89$ ) به دست آمد. بررسی روایی سازه ابزار در پژوهش لئونگ (۲۰۰۸) حاکی از ساختار چهار عاملی ناتوانی در کنترل میزان استفاده، احساس اضطراب و کمبود در صورت دوری از تلفن همراه، رهایی از اوضاع و احساسات ناراحت‌کننده و از دست دادن بهره‌وری بود که به ترتیب ۳۶/۴۸، ۸/۶۲، ۶/۵۶ و ۶/۰۷ درصد از واریانس اعتیاد به تلفن همراه را تبیین می‌کردند.

**مقیاس نیازهای اساسی روان‌شناختی<sup>۳</sup>:** این ابزار توسط دسی و رایان (۲۰۰۰) طراحی شد که میزان احساس حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگر آزمودنی‌ها را می‌سنجد. این مقیاس شامل ۲۱ گویه است که بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً غلط تا ۵ کاملاً درست) قرار دارند و نمرات بالاتر بیانگر سطح بیشتر رضایت نیازهای اساسی روان‌شناختی است. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در مطالعه چن و همکاران (۲۰۲۱) ( $a=0/84$ )، در پژوهش پاسبار و سامری (۱۳۹۷) ( $a=0/70$ ) و در مطالعه حاضر ( $a=0/76$ ) به دست آمد. بررسی روایی سازه ابزار در پژوهش اژه‌ای و همکاران (۱۳۸۷) با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی حاکی از برازش خوب ساختار سه‌عاملی خودمختاری، شایستگی و ارتباط بود ( $CFI=0/92$  و  $AGFI=0/94$  و  $GFI=0/94$  و  $RMSEA=0/05$ ).

<sup>۱</sup>. Mobile Phone Addiction Index (MPAI)

<sup>۲</sup>. Leung

<sup>۳</sup>. Basic Psychological Needs Scale

مقیاس انسجام سازمان‌یافته خانواده فیشر<sup>۱</sup>: این ابزار توسط فیشر و همکاران (۱۹۹۲) برای اندازه‌گیری میزان انسجام خانوادگی در میان اعضای خانواده طراحی شد. این مقیاس شامل ۱۳ گویه است که روی مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۶ کاملاً موافقم) قرار دارند و چهار مؤلفه انسجام، همکاری و مشارکت، وضوح قواعد و وضوح رهبری را می‌سنجند. نمرات بالاتر بیانگر سطح بالای انسجام خانوادگی است. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در مطالعه فیشر و همکاران (۱۹۹۲) ( $\alpha=0/80$ )، پژوهش صادقی و همکاران (۲۰۱۴) و اصغری و همکاران (۱۳۹۳) به ترتیب (۰/۷۰ و  $\alpha=0/87$ ) و در مطالعه حاضر ( $\alpha=0/86$ ) به دست آمد. همچنین، روایی محتوایی ابزار در پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۸۷) مورد تأیید قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخص‌های آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با استفاده از افزونه رگرسیون هایس<sup>۲</sup> در نرم‌افزار SPSS<sup>24</sup> و نصب برنامه پروسس<sup>۳</sup> نسخه ۴/۱ استفاده شد. مدل میانجی‌گری تعدیل شده نیز با ۵۰۰۰ نمونه بوت استرپ و فاصله اطمینان ۹۵ درصد مورد آزمون قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
کمرربی	۱۶/۰۰	۶۱/۰۰	۲۹/۳۹	۹/۷۲	۱/۳۶	۱/۵۰
نیازهای اساسی روان‌شناختی	۳۹/۰۰	۹۸/۰۰	۷۰/۲۱	۱۰/۳۳	-۰/۴۱	۰/۵۸
انسجام خانواده	۱۹/۰۰	۶۲/۰۰	۴۴/۲۴	۸/۳۰	-۰/۴۵	۰/۲۹
وابستگی به تلفن همراه	۱۹/۰۰	۷۶/۰۰	۴۱/۱۰	۹/۴۸	۰/۷۸	۱/۳۹

منبع: یافته‌های پژوهش

<sup>۱</sup> Family Organized Cohesiveness Scale

<sup>۲</sup> Hayes

<sup>۳</sup> PROCESS



برای استفاده از آزمون‌های همبستگی، پیش‌فرض‌های بهنجاری چندمتغیری، هم‌خطی چندگانه و استقلال باقی‌مانده‌ها بررسی شدند. برای بررسی بهنجاری توزیع داده‌ها از مقادیر چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج جدول (۱) نشان داد توزیع همه داده‌ها بین (۲ و -۲) قرار داشت که بیانگر آن بود داده‌ها از توزیع بهنجاری برخوردار هستند.

در بررسی مفروضه هم‌خطی چندگانه، از آماره‌های تحمل<sup>۱</sup> و عامل تورم واریانس<sup>۲</sup> استفاده شد. بر اساس پیشنهاد (کلاین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵) مقدار تحمل کمتر از ۰/۱۰ و عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نشان‌دهنده چندگانگی خطی است. نتایج جدول (۲) نشان داد در هیچ‌یک از مقادیر آماره‌های تحمل و تورم واریانس محاسبه‌شده برای متغیرهای پیش‌بین پژوهش، انحرافی از مفروضه هم‌خطی چندگانه وجود ندارد.

جدول ۲. آزمون هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین پژوهش

آماره‌های هم‌خطی چندگانه		متغیر	
ضریب تحمل	عامل تورم واریانس	پیش‌بین	ملاک
۰/۵۳	۱/۸۸	کمرویی	وابستگی به تلفن همراه
۰/۷۴	۱/۳۴	نیازهای اساسی روان‌شناختی	
۰/۵۰	۱/۹۶	انسجام خانواده	

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، برای بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد که با توجه به این‌که مقدار آن (۱/۵۱۶) به دست آمد که در فاصله (۱/۵ تا ۲/۵) قرار دارد می‌توان گفت پیش‌فرض استقلال باقی‌مانده‌ها رعایت شد. در بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش، جدول (۳) همبستگی مثبت و معنی‌دار را بین کمرویی با وابستگی به تلفن همراه ( $r=0/57$ ) و همبستگی منفی و معنی‌دار را با انسجام خانواده ( $r=-0/67$ ) و نیازهای اساسی روان‌شناختی ( $r=-0/44$ ) نشان داد. نیازهای اساسی روان‌شناختی به طور مثبت و معنی‌دار با انسجام خانواده ( $r=0/48$ ) و به طور

1. Tolerance

2. Variance Inflation Factor (VIF)

3. Kline

منفی و معنی دار با وابستگی به تلفن همراه (F=-۰/۳۵) مرتبط بود و انسجام خانواده نیز به طور منفی و معنی دار با وابستگی به تلفن همراه (F=-۰/۳۸) رابطه داشت.

جدول ۳. همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمرویی	نیازهای اساسی روانشناختی	انسجام خانواده	وابستگی به تلفن همراه
کمرویی	۱			
نیازهای اساسی روانشناختی	-۰/۴۴**	۱		
انسجام خانواده	-۰/۶۷**	۰/۴۸**	۱	
وابستگی به تلفن همراه	۰/۵۷**	-۰/۳۵**	-۰/۳۸**	۱

منبع: یافته‌های پژوهش ( $P < ۰/۰۱$ )

برای بررسی مسیرهای (۱ و ۲) از مدل ۴ رگرسیون هایس استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شد کمرویی با وابستگی به تلفن همراه رابطه مثبت و معنی دار ( $P < ۰/۰۰۱$ )، ( $t=۱۱/۹۰$ ،  $B=۰/۵۷$ ) و با نیازهای اساسی روانشناختی رابطه منفی و معنی دار داشت ( $P < ۰/۰۰۱$ )، ( $t=-۸/۳۴$ ،  $B=-۰/۴۴$ ). همچنین، رابطه نیازهای اساسی روانشناختی با وابستگی به تلفن همراه منفی و معنی دار به دست آمد ( $P \leq ۰/۰۰۱$  و  $B=-۰/۱۲$ ). وقتی هر سه متغیر وارد معادله رگرسیون شدند، کمرویی به‌طور مثبت و معنی داری وابستگی به تلفن همراه را پیش‌بینی می‌کرد ( $P < ۰/۰۰۱$ )، ( $t=۹/۷۱$ ،  $B=۰/۵۲$ ). بر این اساس، مسیر غیرمستقیم رابطه کمرویی و وابستگی به تلفن همراه با واسطه‌گری نیازهای اساسی روانشناختی معنی دار به دست آمد. از این‌رو، نیازهای اساسی روانشناختی، رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه را میانجی‌گری می‌کنند.



جدول ۴. تحلیل رگرسیون مدل مفروض نقش میانجی نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه

متغیر	R	R <sup>2</sup>	F	B	B	SE	t	Bootstrap 95% CI
کمرویی وابستگی به تلفن همراه	۰/۵۷	۰/۳۳	۱۴۱/۷۰	۰/۵۶	۰/۵۷***	۰/۰۴	۱۱/۹۰	۰/۴۷ - ۰/۶۵
کمرویی نیازهای اساسی روان‌شناختی	۰/۴۴	۰/۱۹	۶۹/۵۹	-۰/۴۷	-۰/۴۴***	۰/۰۵	-۸/۳۴	-۰/۳۶ - -۰/۵۸
کمرویی نیازهای اساسی روان‌شناختی وابستگی به تلفن همراه	۰/۵۸	۰/۳۴	۷۴/۵۸	-۰/۱۱	-۰/۱۲***	۰/۰۴	-۲/۳۰	۰/۴۰ - ۰/۶۱ -۰/۰۱ - -۰/۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش ( $P < ۰/۰۰۱$ \*\*\*)

نتایج آزمون بوت استرپ در جدول (۵) حاکی از اثر غیرمستقیم نیازهای اساسی روان‌شناختی ( $B=۰/۰۵$ ) با فاصله اطمینان ۹۵٪ ( $۰/۱۰۷ - ۰/۰۰۵$ ) بود که در مجموع اثر کلی میانجی، ( $۰/۵۷/۹۰$ ) برآورد شد. به این ترتیب، معنی‌داری مسیرهای (۱ و ۲) تأیید شدند.

جدول ۵. بوت استرپ اثر غیرمستقیم و فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مدل مفروض میانجی

مسیر غیرمستقیم	B	Bootstrap SE	Bootstrap 95% CI
کمرویی ← نیازهای اساسی روان‌شناختی ← وابستگی به تلفن همراه	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۰۵ - ۰/۱۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

برای بررسی معنی‌داری مسیرهای (۳، ۴ و ۵) از مدل ۵۹ رگرسیون هایس استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۶ و ۷) نشان داده شد تأثیر متقابل کمرویی با انسجام خانواده به‌طور معنی‌داری نیازهای اساسی روان‌شناختی ( $P \leq ۰/۰۵$  و  $B=-۰/۰۱۴$ ) و وابستگی به تلفن همراه ( $P \leq ۰/۰۵$  و  $B=-۰/۰۱$ ) را پیش‌بینی می‌کرد که معنی‌داری مسیرهای (۴ و ۳) تأیید شدند.

همچنین، تعامل نیازهای اساسی روان‌شناختی با انسجام خانواده به‌طور معنی‌دار وابستگی به تلفن همراه را پیش‌بینی می‌کرد ( $P \leq 0/05$  و  $B = -0/013$ )؛ در نتیجه مسیر (۵) نیز تأیید شد.

جدول ۶. تحلیل رگرسیون مدل مفروض میانجی‌گری تعدیل‌شده

Bootstrap 95% CI	t	SE	B	F	R <sup>2</sup>	R	
مدل متغیر میانجی برای پیش‌بینی نیازهای اساسی روان‌شناختی							
-۱/۲۱ - -۰/۳۵	-۳/۶۰	۰/۲۱	-۰/۷۸***	۳۵/۶۴	۰/۲۷	۰/۵۲	کمروبی
-۰/۴۲ - ۰/۳۳	-۰/۲۳	۰/۱۹	-۰/۰۴				انسجام خانواده
۰/۰۰۳ - ۰/۰۲۵	۲/۶۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۴**				کمروبی × انسجام خانواده
مدل متغیر وابسته برای پیش‌بینی وابستگی به تلفن همراه							
۰/۷۰ - ۱/۶۲	۴/۹۹	۰/۲۳	۱/۱۶***	۴۰/۶۵	۰/۴۲	۰/۶۵	کمروبی
-۱/۳۷ - ۰/۷۱	-۰/۶۱	۰/۵۳	-۰/۳۲				انسجام خانواده
-۱/۱۴ - -۰/۱۵	-۲/۵۷	۰/۲۵	-۰/۶۴**				نیازهای اساسی روان‌شناختی
-۰/۰۲ - -۰/۰۰۷	-۳/۳۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۸***				کمروبی × انسجام خانواده
-۰/۰۰۱ - ۰/۰۲۴	-۲/۲۸	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۳*				نیازهای اساسی روان‌شناختی × انسجام خانواده

( $P < 0/001$ \*\*\* و  $P < 0/01$ \*\*،  $P < 0/05$ \* منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۷. بوت استرپ اثر غیرمستقیم و فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مدل مفروض میانجی‌گری تعدیل‌شده

Bootstrap 95% CI	Bootstrap SE	B	تأثیر غیرمستقیم شرطی
۰/۰۰۲۸ - ۰/۰۸۹۳	۰/۰۲۲	۰/۰۳۷	M - 1SD
-۰/۰۰۴۶ - ۰/۰۳۶۷	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	M
-۰/۰۲۱۶ - ۰/۰۲۴۲	۰/۰۱۰	-۰/۰۰۰۴	M + 1SD

منبع: یافته‌های پژوهش

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پیش‌بینی وابستگی به تلفن همراه بر اساس کمرویی با میانجی‌گری نیازهای اساسی روان‌شناختی و نیز نقش تعدیل‌کننده انسجام خانواده در فرایند میانجی‌نشان داد کمرویی به طور مستقیم و غیرمستقیم با واسطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با وابستگی به تلفن همراه مرتبط است و میانجی‌گری نیازهای اساسی روان‌شناختی توسط انسجام خانواده تعدیل می‌شود. به عبارتی دیگر، رابطه کمرویی با وابستگی به تلفن همراه و نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با وابستگی به تلفن همراه هر سه توسط انسجام خانواده تعدیل می‌شد.

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که کمرویی با وابستگی به تلفن همراه رابطه مثبت دارد (مسیر ۱) که همسو با مطالعات (چن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هونگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ هان و همکاران، ۲۰۱۷ و کیسی، ۲۰۱۵) است. رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه همواره از ثبات خاصی برخوردار بوده است. سطح بالاتر کمرویی در دانش‌آموزان به طور کلی یا در دانش‌آموزان دوره متوسطه با احتمال بیشتر به وابستگی به تلفن همراه منجر می‌شود؛ به این معنی که کمرویی به عنوان یک ویژگی شخصیتی، عامل مستعد ابتلا به وابستگی به تلفن همراه است و باید به آن توجه بیشتری داشت. همچنین، این یافته مطابق با نظریه فشار عمومی است که بیان می‌دارد تنش متحمل شده توسط افراد منجر به تجربیات منفی و در نهایت باعث ایجاد رفتار مشکل‌ساز می‌شود (لیو و همکاران، ۲۰۱۸ و اگنیو، ۱۹۹۲). افراد کمرو ترسو هستند و اغلب در موقعیت‌های واقعی بین‌فردی، هیجان‌های منفی مانند تنش و اضطراب را تجربه می‌کنند (هندرسون و زیمباردو، ۲۰۰۱). اگر افراد به درستی با کمرویی مواجه نشوند، ممکن است از تلفن همراه برای فرار از مشکلات یا رهایی از هیجان‌های منفی استفاده کنند. بر این اساس، افراد کمرو در مقایسه با افراد غیرکمرو، هیجان‌های منفی بیشتری را از طریق اینترنت نشان می‌دهند (لاگی و همکاران، ۲۰۱۳).

یافته‌ها در مورد (مسیر ۲) نشان داد نیازهای اساسی روان‌شناختی، نقش واسطه‌ای در رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه دارند. این یافته همسو با فرضیه اعتیاد به اینترنت ناشی از فروپاشی روان‌شناختی (گائو و چن، ۲۰۰۶) است که بیان می‌دارد اعتیاد به اینترنت اقدامی جبرانی

است که موقعی که رشد درونی با مانع مواجه شود، اتخاذ می‌گردد. افراد کمرو روابط ضعیفی با همسالان دارند (کوکینوس و همکاران، ۲۰۱۶)، در برابر طرد همسالان آسیب‌پذیر هستند (چن و سانتو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶)، تمایل به داشتن خودکارآمدی اجتماعی پایین دارند (لی و همکاران، ۲۰۱۴)، در شایستگی ارتباطی و اجتماعی دچار مشکل هستند (آرویو و هاروود، ۲۰۱۱ و میسر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰)، خودکنترلی ضعیفی دارند (هان و همکاران، ۲۰۱۷) و در جست‌وجوی کمک تحصیلی معمولاً ابتکار عمل را به دست نمی‌گیرند (چن و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو، می‌توان گفت که نیازهای اساسی روان‌شناختی (نیاز به ارتباط، شایستگی و استقلال) در افراد کمرو برآورده نمی‌شوند. به این ترتیب، افراد کمرو در فرایند رشد با مانع روبه‌رو هستند. اگر افراد کمرو برای جبران در مواجهه با موانع رشدی، به استفاده آسیب‌شناختی از تلفن همراه بپردازند، در نهایت این اقدام، به وابستگی به تلفن همراه منجر می‌شود. مطابق با مطالعه (هونگ و همکاران، ۲۰۱۹) هر چه نیاز به ارتباط، بیشتر با تلفن همراه برآورده شود، احتمال وقوع استفاده مشکل‌ساز از تلفن همراه بیشتر خواهد بود.

یافته‌های پژوهش نشان داد انسجام خانواده رابطه بین کمرویی و وابستگی به تلفن همراه را تعدیل می‌کند (میسر<sup>۳</sup>) که این یافته ناهمسو با پژوهش (چن و همکاران، ۲۰۲۱) است. یک دلیل احتمالی برای این یافته، اعضای نمونه است که در پژوهش حاضر تنها دختران نوجوان بودند. برخلاف نوجوانان فرهنگ‌های دیگر که با بزرگتر شدن و استقلال و بسته شدن دنیای درونی‌شان ارتباط کمتری با والدین‌شان برقرار می‌کنند، دختران نوجوان ایرانی روابط نزدیکی با والدین دارند. انسجام خانواده به عنوان ارتباط هیجانی بین اعضای خانواده، احتمالاً با ارتقای مهارت‌های حل مسئله و توانایی خودنظم‌دهی هیجانی اعضا، احتمال تجربه هیجان‌های منفی و استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت را کاهش می‌دهد (مالیک و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵ و مونتاگ و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). بر اساس

1. Santo

2. Misir et al

3. Malik et al

4. Montag et al

این یافته، تغییر وابستگی افراد کمرو به تلفن همراه از طریق خانواده، با انجام درست وظایف و کارکرد خانواده و روابط خانوادگی گرم و صمیمانه با فرزندان به طور مؤثری محقق می‌شود. یافته دیگر پژوهش نشان داد مسیر نخست فرایند میانجی‌گری توسط انسجام خانواده تعدیل می‌شود (مسیر ۴). این یافته همسو با نظریه خودتعیین‌گری (دسی و رایان، ۲۰۰۰) است که بیان کردند محیط نقش مهمی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرد دارد. با این حال، ضروری است الگوی انسجام خانواده به عنوان تعدیل‌کننده رابطه بین کمرویی و نیازهای اساسی روان‌شناختی مورد توجه قرار گیرد. اگرچه انسجام خانواده به طور کلی می‌تواند باعث بهبود و افزایش ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی افراد کمرو گردد، این تأثیر محافظتی و حمایتی با محدودیت‌هایی همراه است. به عبارت دیگر، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در افرادی با انسجام بالای خانواده، با افزایش در کمرویی، کاهش می‌یابد. این بدان معنی است که افراد کمتر خجالتی از انسجام بالای خانواده، بیشتر بهره‌مند می‌شوند. این یافته با مدل استرس-آسیب‌پذیری همسو است که نشان می‌دهد زمانی که خطر به سطح معینی می‌رسد، عوامل حمایتی ممکن است توانایی خود را برای مقاومت در برابر خطر از دست بدهند (لی و همکاران، ۲۰۱۱). یک دلیل احتمالی این است که افراد با سطح بالای کمرویی، دارای سطح پایینی از خوددافشایی هستند (برونت و اشمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) و حتی از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب می‌کنند (آسندورف<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰ و کوپلان و همکاران، ۲۰۱۳)؛ بنابراین انسجام خانواده تأثیر محدودی بر آن‌ها دارد. بر این اساس، ضروری است در کنار توجه به تأثیر محافظتی و حمایتی خانواده، به عوامل خطر فردی سطوح بالای کمرویی توجه داشت.

مطابق با یافته‌های پژوهش، مسیر دوم فرایند میانجی‌گری نیز توسط انسجام خانواده تعدیل می‌شود (مسیر ۵). این یافته همسو با پژوهش (چن و همکاران، ۲۰۲۱)؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۷ و هماما و عرضی، ۲۰۱۲) است که نشان دادند روابط خوب والدین و نوجوانان رفتارهای اجتماعی و بهزیستی فرد را افزایش داده و اعتیاد به اینترنت را کاهش می‌دهد. هر چه نیازهای اساسی روان‌شناختی در افرادی با درجه بالای انسجام خانواده، بیشتر ارضا شوند، وابستگی به

<sup>۱</sup>. Brunet & Schmidt

<sup>۲</sup>. Asendorpf

تلفن همراه بیشتر کاهش می‌یابد. از این رو، انسجام بالای خانواده منجر به ارتقای تأثیر حمایتی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی بر وابستگی به تلفن همراه می‌شود که این فرایند، اهمیت انسجام خانواده را به عنوان عاملی حمایتی برای نوجوانان نشان می‌دهد؛ خانواده به عنوان ریزسیستم محیطی مهم و اولیه، تأثیر عمیقی بر رشد افراد دارد (برون‌فن‌برنر، ۱۹۷۹).

در مجموع، مطالعه حاضر نشان داد کمرویی عامل مهم شخصیتی و درون‌فردی است که می‌تواند در وابستگی به تلفن همراه در میان نوجوانان نقش داشته باشد. هر چه نوجوان کمروتر باشد، احتمال بیشتری برای وابستگی به تلفن همراه وجود دارد. همچنین، نیازهای اساسی روان‌شناختی، مکانیسم میانجی مهم هستند که ناتوانی در ارضای معقول آن‌ها دلیل مهمی برای وابستگی افراد کمرو به تلفن همراه است. این میانجی‌گری نیز، توسط انسجام خانواده تعدیل می‌شود به گونه‌ای که اثر محافظتی آن بر نوجوانان کمتر خجالتی برجسته‌تر است. از این رو، پیشنهاد می‌شود در مداخلات خانواده‌درمانی برای کاهش وابستگی به تلفن همراه به عوامل درون‌فردی به ویژه کمرویی و کنترل سطح آن و عوامل تشدیدکننده تأثیر آن توجه داشت. جهت حمایت از افراد کمرو در برقراری تعاملات خانوادگی و اجتماعی و در نتیجه درک و ارضای منطقی نیازهای اساسی روان‌شناختی‌شان ضروری است با آموزش مهارت‌های اجتماعی و تکالیف خودافشایی به آنها و آموزش مهارت‌های ارتباطی و چگونگی برقراری جو مثبت و رابطه نزدیک به اعضای خانواده از طریق رسانه‌های اجتماعی، آموزش‌وپرورش و والدین که برای فرزندان الگو هستند، مداخله کرد. در این زمینه به والدین پیشنهاد می‌شود به ارتباط معنوی با فرزندان توجه کنند و کیفیت رابطه والد-فرزند را بهبود بخشند، به درستی آن‌ها را درک کنند و به طور منطقی نیازهای درونی آنها را به احساس تعلق به یکدیگر با ایجاد جو صمیمانه، احساس استقلال شخصی با امکان انتخاب، واگذاری مسئولیت و رعایت حریم شخصی و شایستگی با دادن فرصت ابراز توانایی‌های خویش و بازخورد مثبت به آنها، تأمین کنند تا در تلاش برای ارضای نیازهای اساسی و اجتناب از هیجان‌های منفی ناشی از کمرویی، به استفاده مشکل‌آفرین از تلفن همراه و اینترنت روی نیاورند. همچنین با توجه به نقش مقدس مادری که برای زنان در الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی تعریف شده، پیشنهاد می‌شود طرح مدیریت خانواده توسط بانوان به صورت مقدماتی در



کلان‌شهر تهران که در آن مادران شاغل، به دلیل موقعیت شهری و ساعت کاری، دیر هنگام در منزل حضور می‌یابند که می‌تواند در روابط و جو صمیمانه خانواده و تأمین نیازهای اساسی روان‌شناختی کلیه اعضا و در نتیجه وابستگی به تلفن همراه آنها تأثیرگذار باشد، اجرا شود و پیامدهای اجرای آن برای خانواده مورد بررسی قرار گیرد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که نمونه‌های آن شامل دانش‌آموزان دختر نوجوان شهر تهران بود؛ بنابراین نمی‌توان استنباط کرد که اگر نوجوانان پسر یا نوجوانانی از سایر بافت‌های فرهنگی در مطالعه شرکت می‌کردند، همان نتایج به دست می‌آمد یا خیر. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر کمرویی بر وابستگی به تلفن همراه در میان پسرها و فرهنگ‌های مختلف بپردازند. همچنین، مطالعه حاضر تنها تأثیر محیط خانواده را بر افراد مورد بررسی قرار داد، در حالی که رابطه بین افراد و سیستم‌های محیطی مختلف، رابطه‌ای متقابل است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی اثرات سیستم‌های محیطی مختلف مانند مدرسه، حمایت همسالان و غیره را بر وابستگی به تلفن همراه در افراد کمرو بررسی نمایند.

## منابع

- اژه‌ای، جواد.، خضری آذر، هیمن.، بابایی سنگلجی، محسن و امانی، جواد. (۱۳۸۷). الگوی ساختاری روابط بین حمایت از خودمختاری ادراک شده معلم، نیازهای روان‌شناختی اساسی، انگیزش درونی و تلاش. پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۲(۴)، ۵۶-۴۷.
- اصغری، فرهاد.، سعادت، سجاد.، عاطفی کرجوندانی، ستاره و جانعلی‌زاده کوکنه، سحر. (۱۳۹۳). رابطه بین خودکارآمدی تحصیلی با بهزیستی روان‌شناختی، انسجام خانواده و سلامت معنوی در دانشجویان دانشگاه خوارزمی. آموزش در علوم پزشکی، ۱۴(۷)، ۵۹۳-۵۸۱.
- پاسبار، سمیرا و سامری، مریم. (۱۳۹۷). رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشناسی با سبک ترجیحی تدریس با میانجی‌گری مهارت تفکر انتقادی در معلمان دوره ابتدایی. پژوهشنامه تربیتی، ۱۳(۵۶)، ۳۷-۶۰.

سپهری، صفورا و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. *روانشناسی تحولی*، ۶(۲۲)، ۱۵۰-۱۴۱.

عبداللهیان، مائده. (۱۳۹۶). مقایسه اضطراب اجتماعی و سبک‌های دلبستگی بین دانش‌آموزان دختر کمرو و عادی مقطع ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور. <https://b2n.ir/a38361>

نادری، فرح و حق‌شناس، فریبا. (۱۳۸۸). رابطه تکانش‌گری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۴(۱۲)، ۱۲۱-۱۱۱.

Abdollahian, M. (2017). *Comparison of social anxiety and attachment styles between shy girl students and elementary school students*. Master's thesis in the field of general psychology, Islamic Azad University, Shahrood Unit. (In Persian)

Adams, B. L. M., Stavropoulos, V., Burleigh, T. L., Liew, L. W. L., Beard, C. L. & Griffiths, M. D. (2019). Internet gaming disorder behaviors in emergent adulthood: A pilot study examining the interplay between anxiety and family cohesion. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 17(4), 828-844.

Agnew, R. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology*, 30(1), 47-88.

Arroyo, A. & Harwood, J. (2011). Communication competence mediates the link between shyness and relational quality. *Personality & Individual Differences*, 50(2), 264-267.

Asendorpf, J. B. (1990). Beyond social withdrawal: Shyness, unsociability, and peer avoidance. *Human Development*, 33(4-5), 250-259.

Asghari, F., Saadat, S., Atefi Karajvandani, S. & Janalizadeh Kokaneh, S. (2014). The Relationship between Academic Self-Efficacy and Psychological Well-Being, Family Cohesion, and Spiritual Health Among Students of Kharazmi University. *Iranian Journal of Medical Education*, 14(7), 581-593. (In Persian)

Bian, Y., Han, L., Zhou, C., Chen, Y. & Gao, F. (2015). The proteus effect in virtual reality social environments: Influence of situation and shyness. *Acta Psychologica Sinica*, 47(3), 363-374.



- Bronfenbrenner, U. (1979). Contexts of child rearing: Problems & prospects. *American Psychologist*, 34(10), 844–850.
- Bronfenbrenner, U. (1992). Ecological Systems Theory. In R. Vasta (Ed.), *Six theories in early child development* (pp. 187–249). JAI Press.
- Brunet, P. M. & Schmidt, L. A. (2007). Is shyness context specific? Relation between shyness and online self-disclosure with and without a live webcam in young adults. *Journal of Research in Personality*, 41(4), 938–945.
- Campbell, R., Vansteenkiste, M., Delesie, L., Soenens, B., Tobback, E., Vogelaers, D., et al. (2019). The role of basic psychological need satisfaction, sleep, and mindfulness in the health-related quality of life of people living with HIV. *Journal of Health Psychology*, 24(4), 535–545.
- Cao, X., Masood, A., Luqman, A. & Ali, A. (2018). Excessive use of mobile social networking sites and poor academic performance: Antecedents and consequences from stressor-strain-outcome perspective. *Computers in Human Behavior*, 85, 163–174.
- Casey, B. J. (2015). Beyond simple models of self-control to circuit-based accounts of adolescent behavior. *Annual Review of Psychology*, 66(1), 295–319.
- Cavazos-Rehg, P., Xu, C., Kasson, E., Byansi, W., Bahar, O. S. & Ssewamala, F. M. (2020). Social and economic equity and family cohesion as potential protective factors from depression among adolescents living with HIV in Uganda. *Aids and Behavior*, 24(9), 2546–2554.
- Cheek, J. M. & Buss, A. H. (1981). Shyness and sociability. *Journal of Personality and Social Psychology*, 41(2), 330–339.
- Chen, B. & Santo, J. B. (2016). The relationships between shyness and unsociability and peer difficulties: The moderating role of insecure attachment. *International Journal of Behavioral Development*, 40(4), 346–358.
- Chen, X., Fu, R., Li, D. & Liu, J. (2019). Developmental trajectories of shyness sensitivity from middle childhood to early adolescence in China: Contributions of peer preference and mutual friendship. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 47(7), 1197–1209.
- Chen, Y., Gao, Y., Deng, Q., Peng, M. & Gao, F. (2021). The relationship between shyness and mobile phone dependence in middle school students: A moderated mediation model. *Psychological Development and Education*, 37(1), 46–53.
- Chen, Y., Li, Y., Xiao, S., Deng, Q., Gao, Y. & Gao, F. (2019). The relationship between junior high school students' interpersonal relationship and their school adjustment: Evidence from multiple mediator models. *Chinese Journal of Special Education*, 4, 83–89.

- Chen, Y., Liu, Z., Li, L., Qu, Y., Han, L. & Gao, F. (2018). Shyness & academic adjustment among high school students: The mediating role of academic help seeking. *Psychological Development & Education*, 34(3), 69–76.
- Cohen, S. & Wills, T. A. (1985). Stress, social support, and the buffering hypothesis. *Psychological Bulletin*, 98(2), 310–357.
- Coplan, R. J., Liu, J., Cao, J., Chen, X. & Li, D. (2017). Shyness and school adjustment in Chinese children: The roles of teachers and peers. *School Psychology Quarterly*, 32(1), 131–142.
- Coplan, R. J., Rose-Krasnor, L., Weeks, M., Kingsbury, A., Kingsbury, M. & Bullock, A. (2013). Alone is a crowd: Social motivations, social withdrawal, and socioemotional functioning in later childhood. *Developmental Psychology*, 49(5), 861.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.
- Ejei, J., Khezri azar, H., Babaei sangelaji, M. & Amani, J. (2009). A Structural Model of the Relationships between the Perceived Teacher Autonomy Support, Basic Psychological Needs, Intrinsic Motivation, and Effort. *Journal of Research in Psychological Health*, 2(4), 47-56. (In Persian)
- Enez, D. A., Kose, S., Noyan, C. O., Nurmedov, S., Yilmaz, O. & Dilbaz, N. (2016). Smartphone addiction and its relationship with social anxiety and loneliness. *Behaviour & Information Technology*, 35(7), 520-525.
- Ezoe, S., Toda, M., Yoshimura, K., Naritomi, A., Den, R. & Morimoto, K. (2009). Relationships of personality and lifestyle with mobile phone dependence among female nursing students. *Social Behavior & Personality an International Journal*, 37(2), 231–238.
- Feldman, D. B., Einav, M. & Margalit, M. (2018). Does family cohesion predict children’s effort? The mediating roles of sense of coherence, hope, and loneliness. *Journal of Psychology*, 152(5), 276–289.
- Gao, F., Xue, W., Han, L., Ren, Y. & Xu, J. (2016). Shyness and aggression: Multiple mediating of self-esteem stability and paranoid. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 24(4), 721–723.
- Gao, L., Zhai, S., Xie, H., Liu, Q. & Zhou, Z. (2020). *Big five personality traits and problematic mobile phone use: A meta-analytic review. Current Psychology*, 1-18.
- Gao, W. & Chen, Z. (2006). A study on psychopathology and psychotherapy of internet addiction. *Advances in Psychological Science*, 14(4), 596–603.
- Green, S. B. (1991). How many subjects does It Take to do a regression analysis? *Multivariate Behavioral Research*, 26(3), 499-510.



- Griffiths, M. D. (2018). Conceptual issues concerning internet addiction and internet gaming disorder: Further critique on Ryding and Kaye (2017). *International journal of mental health and addiction*, 16(1), 233-239.
- Hamama, L. & Arazi, Y. (2012). Aggressive behavior in at-risk children: Contribution of subjective well-being and family cohesion. *Child & Family Social Work*, 17(3), 284-295.
- Han, L., Geng, J., Jou, M., Gao, F. & Yang, H. (2017). Relationship between shyness and mobile phone addiction in Chinese young adults: Mediating roles of self-control and attachment anxiety. *Computers in Human Behavior*, 76, 363-371.
- Hayes, A. F. (2013). Introduction to mediation, moderation, and conditional process analysis: Methodology in the Social Sciences. *Kindle Edition*, 193.
- Henderson, L. & Zimbardo, P. G. (2001). Shyness as a clinical condition: The Stanford model.
- Hong, W., Liu, R., Oei, T. P., Zhen, R., Jiang, S. & Sheng, X. (2019). The mediating and moderating roles of social anxiety and relatedness need satisfaction on the relationship between shyness and problematic mobile phone use among adolescents. *Computers in Human Behavior*, 93, 301-308.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. New York: Guilford Publications.
- Kokkinos, C. M., Kakarani, S. & Kolovou, D. (2016). Relationships among shyness, social competence, peer relations, and theory of mind among pre-adolescents. *Social Psychology of Education*, 19(1), 117-133.
- Kuss, D. J. & Griffiths, M. D. (2017). Social networking sites and addiction: Ten lessons learned. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 14(3), 311-322.
- Laghi, F., Schneider, B. H., Vitoroulis, I., Coplan, R. J., Baiocco, R., Amichai-Hamburger, Y., et al. (2013). Knowing when not to use the Internet: Shyness and adolescents' on-line and off-line interactions with friends. *Computers in Human Behavior*, 29(1), 51-57.
- Leidy, M. S., Guerra, N. G. & Toro, R. I. (2010). Positive parenting, family cohesion, and child social competence among immigrant Latino families. *Journal of Family Psychology*, 24(3), 252-260.
- Lerner, R. M., Lerner, J. V., Almerigi, J. & Theokas, C. (2006). Dynamics of Individual Context Relations in Human Development: A Developmental Systems Perspective.
- Leung, L. (2008). Linking psychological attributes to addiction and improper use of the mobile phone among adolescents in Hong Kong. *Journal of Children and Media*, 2(2), 93-113.

- Li, C., Shi, X. & Dang, J. (2014). Online communication and subjective well-being in Chinese college students: The mediating role of shyness and social self-efficacy. *Computers in Human Behavior*, 34, 89–95.
- Li, D., Zhang, W., Li, X., Li, N. & Ye, B. (2011). Gratitude and suicidal ideation and suicide attempts among Chinese adolescents: Direct, mediated, and moderated effects. *Journal of Adolescence*, 35(1), 55–66.
- Li, D., Zhou, Y., Zhao, L., Wang, Y. & Sun, W. (2016). Cumulative ecological risk and adolescent internet addiction: The mediating role of basic psychological need satisfaction and positive outcome expectancy. *Acta Psychologica Sinica*, 48(12), 1519–1537.
- Liu, J., Bowker, J. C., Coplan, R. J., Yang, P., Li, D. & Chen, X. (2019). Evaluating links among shyness, peer relations, and internalizing problems in Chinese young adolescents. *Journal of Research on Adolescence*, 29(3), 696–709.
- Liu, Q., Zhang, D., Yang, X., Zhang, C., Fan, C. & Zhou, Z. (2018). Perceived stress and mobile phone addiction in Chinese adolescents: A moderated mediation model. *Computers in Human Behavior*, 87, 247–253.
- Liu, Q. Q., Yang, X. J., Hu, Y. T., Zhang, C. Y. & Nie, Y.-G. (2020). How and when is family dysfunction associated with adolescent mobile phone addiction? Testing a moderated mediation model. *Children & Youth Services Review*, 111, 104827.
- Liu, S., Li, D., Liu, X. & Chen, X. (2014). Adolescent school maladjustment: The role of family cohesion and family-based moral emotion and responsibility. *Journal of Psychological Science*, 37(3), 107–114.
- Malik, S., Wells, A. & Wittkowski, A. (2015). Emotion regulation as a mediator in the relationship between attachment and depressive symptomatology: A systematic review. *Journal of Affective Disorders*, 172, 428–444.
- Martínez-Ferrer, B., Moreno, D. & Musitu, G. (2018). Are adolescents engaged in the problematic use of social networking sites more involved in peer aggression and victimization? *Frontiers in Psychology*, 9, 801.
- McKenna, Y. A. & Bargh, J. A. (2000). Plan 9 Form Cyberspaces: The Implication of the Internet for Personality. *Personality and Social Psychology Review*, 4(1), 57-75.
- McMahon, E. M., Corcoran, P., Keeley, H., Clarke, M., Coughlan, H., Wasserman, D., Hoven, C. W., Carli, V., Sarchiapone, M., Healy, C. & Cannon, M. (2021). Risk and protective factors for psychotic experiences in adolescence: a population-based study. *Psychological Medicine*, 51(7), 1220-1228.



- Mısır, S., Demir, A. & Koydemir, S. (2020). The relationship between perceived interpersonal competence & self-disclosure in an online context: The moderating role of shyness. *International Journal of Psychology*, 55(4), 601-608.
- Montag, C., Bey, K., Sha, P., Li, M., Chen, Y. F., Liu, W. Y., ... & Reuter, M. (2015). Is it meaningful to distinguish between generalized and specific Internet addiction? Evidence from a cross-cultural study from Germany, Sweden, Taiwan and China. *Asia-Pacific Psychiatry*, 7(1), 20-26.
- Naderi, F. & Haghshenas, F. (2009). The relationship between impulsivity, loneliness and the mobile phone usage rate in students. *New Findings in Psychology*, 4(12), 111-121. (In Persian)
- Ni, X., Li, X. & Wang, Y. (2021). The impact of family environment on the life satisfaction among young adults with personality as a mediator. *Children and Youth Services Review*, 120, 105653.
- Pasbar, S. & Sameri, M. (2018). The Relationship between basic psychological needs and self-Knowledge with preferred teaching style by mediation role of critical thinking skills of primary school teachers. *Scientific Journal of Education Research*, 13(56), 37-60. (In Persian)
- Rubin, K. H., Coplan, R. J. & Bowker, J. C. (2009). Social withdrawal in childhood. *Annual Review of Psychology*, 60(1), 141-171.
- Sadeghi, A., Asghari, F., Saadat, S. & Kupas, E. N. (2014). The Relationship between Family Cohesion and Coping Strategies with Positive Attitude to Addiction among University Students. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 4(11), 285-294.
- Sela, Y., Zach, M., Amichay-Hamburger, Y., Mishali, M. & Omer, H. (2019). Family environment and problematic internet use among adolescents: The mediating roles of depression and fear of missing out. *Computers in Human Behavior*, 106, 106226.
- Sepéhri, S. & Mazaheri, M. A. (2010). Patterns of family communication and personality variables among college students. *Developmental Psychology*, 6(22), 141-150. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2023). *Economic, social and cultural status of provinces of country*. <https://b2n.ir/a38361> (In Persian)
- Sun, R., Ren, Y., Li, X., Jiang, Y., Liu, S. & You, J. (2020). Self-compassion & family cohesion moderates the association between suicide ideation & suicide attempts in Chinese adolescents. *Journal of Adolescence*, 79, 103-111.
- Tian, Y., Qin, N., Cao, S. & Gao, F. (2021). Reciprocal associations between shyness, self-esteem, loneliness, depression and Internet addiction in Chinese adolescents. *Addiction Research & Theory*, 29(2), 98-110.

- Wang, W., Li, D., Li, X., Wang, Y., Sun, W., Zhao, L., et al. (2018). Parent-adolescent relationship and adolescent internet addiction: A moderated mediation model. *Addictive Behaviors*, 84, 171–177.
- Wang, Y., Li, D., Sun, W., Zhao, L., Lai, X. & Zhou, Y. (2017). Parent-child attachment and prosocial behavior among junior high school students: Moderated mediation effect. *Acta Psychologica Sinica*, 49(5), 663–679.
- Yi, J., Yang, Q. & Ye, B. (2016). The effect of stress on problematic internet use in adolescents: Chain mediating roles of basic psychological needs & maladaptive cognition. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 24(4), 644–647.
- Zhang, M. X., Zhou, H., Yang, H. M. & Wu, A. M. S. (2021). The prospective effect of problematic smartphone uses and fear of missing out on sleep among Chinese adolescents. *Current Psychology*, 42(2), 5297-5305.
- Zhao, J., Song, F., Chen, Q., Li, M., Wang, Y. & Kong, F. (2018). Linking shyness to loneliness in Chinese adolescents: The mediating role of core self-evaluation and social support. *Personality & Individual Differences*, 125, 140–144.
- Zhao, J., Tan, M., Gao, L. & Wang, Y. (2019). Shyness and loneliness: Contributions of emotional intelligence and social support. *Current Psychology*, 38(2), 556–562.



© 2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BYNC 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

## نویسنده

sa\_ebrahimi@sbu.ac.ir

سارا ابراهیمی

استادیار روان‌شناسی تربیتی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صاحب مقاله‌های متعدد در مجله‌های معتبر داخلی در زمینه روان‌شناسی تربیتی.



## مقاله پژوهشی

# تبیین علی کمال‌گرایی دختران بر اساس صفات تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط و خودکارآمدی تحصیلی

توحید اشرف‌زاده<sup>۱</sup>

سیاوش شیخ‌علیزاده<sup>۲</sup>

## چکیده

کمال‌گرایی مشکلی گسترده و شدید در بین نوجوانان است و یکی از اهداف پژوهش‌های روان‌شناسی، شناسایی متغیرهای مرتبط با آن است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین صفات تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط و کمال‌گرایی دختران با واسطه‌گری خودکارآمدی تحصیلی انجام شده است. روش اجرای آن توصیفی و طرح پژوهش، همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دادند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۲۰۴ نفر به‌عنوان نمونه مورد پژوهش انتخاب شدند. از مقیاس صفات تاریک شخصیت جونز و پالهاوس (۲۰۱۴)؛ مقیاس خودارزشمندی مشروط کراکر و همکاران (۲۰۰۳)؛ مقیاس خودکارآمدی تحصیلی پاتریک، هیکس و رایان (۱۹۹۷) و مقیاس کمال‌گرایی فراست و همکاران (۱۹۹۰) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و استفاده از نرم‌افزار LISREL تحلیل شد که نتایج نشان داد صفات تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط و خودکارآمدی تحصیلی به‌صورت مستقیم با کمال‌گرایی دانش‌آموزان رابطه دارد. همچنین، صفات تاریک شخصیت و خودارزشمندی مشروط به‌صورت غیرمستقیم و از طریق خودکارآمدی تحصیلی با کمال‌گرایی دانش‌آموزان رابطه دارند. نتایج پژوهش از نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی در روابط علی صفات تاریک شخصیت و خودارزشمندی مشروط با کمال‌گرایی حمایت می‌کند.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Tohid.ashrafzade@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

S.sheikhhalizadeh@azaruniv.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

## واژگان کلیدی

کمال‌گرایی، صفات تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط، خودکارآمدی تحصیلی

## مقدمه و بیان مسئله

دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه، به دلیل نقش مهمی که در اداره آینده کشور به عهده دارند، یکی از قشرهای تعیین‌کننده و درعین حال آسیب‌پذیر جامعه هستند. این دانش‌آموزان دوره نوجوانی زندگی خود را می‌گذرانند و با مجموعه‌ای از موانع و چالش‌های تحولی روبه‌رو می‌شوند (شیروانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷). در دهه‌های اخیر، تغییرات گوناگون در نوجوانان مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (خدابخش پیرکلانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲) و چالش‌های این دوره و عوامل مؤثر بر آن در پژوهش‌های گوناگونی بررسی شده است (ثمری صفا و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۷). در این بین، یکی از چالش‌های این دوره، تعیین مجموعه معیارهای بسیار بالا برای عملکرد می‌باشد که از آن به عنوان کمال‌گرایی<sup>۱</sup> یاد می‌شود (عمادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۱۳).

کمال‌گرایی یکی از عوامل شخصیتی مهم در روان‌شناسی تربیتی است و به تمایل به انجام تمام و کمال امور اطلاق می‌شود (رزمی و جباری، ۱۴۰۰: ۱۲۴). کمال‌گرایی یا پیگیری انتظارات عملکردی بسیار بالا اغلب به عنوان استانداردهای شخصی عالی شناخته می‌شود (حق محمدی شراهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۱). افرادی که ویژگی‌های کمال‌گرایی در سطح بالایی دارند، بدترین منتقدان خود هستند و انتظارات بالایی دارند (رفقت و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲: ۲). مرور مبانی نظری و تجربی کمال‌گرایی نشان می‌دهد که این پدیده با متغیرهای زیادی در ارتباط است که یکی از این عوامل، خودکارآمدی<sup>۳</sup> است (کیلمن<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲: ۴).

خوکارآمدی نخستین بار به وسیله بندورا<sup>۵</sup> مطرح گردید (قمری گیوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۹). خوکارآمدی به ادراک ذهنی فرد از توانایی‌اش بر عملکرد در یک محیط خاص یا دستیابی به

<sup>۱</sup>. Perfectionism

<sup>۲</sup>. Rifaqat et al

<sup>۳</sup>. Self-Efficacy

<sup>۴</sup>. Kilmen

<sup>۵</sup>. Bandura



نتایج مطلوب اشاره دارد (نافع<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۲). یکی از جنبه‌های مهم خودکارآمدی، خودکارآمدی تحصیلی<sup>۲</sup> است (سوریاراتری و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲: ۱۶۷). خودکارآمدی تحصیلی قضاوت‌هایی است که افراد در مورد توانایی‌های خود در انجام وظایف آموزشی و موقعیت‌های تحصیلی انجام می‌دهند (هیچز و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲: ۴).

کمال‌گرایی و خودکارآمدی تحصیلی تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارند که صفات تاریک شخصیت<sup>۵</sup> یکی از آنها است (تانکوت و بیلگ<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱: ۸۲۱). سال‌ها بعد از معرفی سه صفت جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی و ماکیاولیسم به دنیای پژوهش‌های روان‌شناختی، پولیس و ویلیامز<sup>۷</sup> (۲۰۰۲: ۵۵۶)، عنوان «سه‌گانه تاریک» را برای اشاره به آن‌ها برگزیدند (روگوزا و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲: ۲) که به‌عنوان روانشناسی جیمز باند<sup>۹</sup> نیز شناخته می‌شود (قبادی و تکلوی، ۱۳۹۹: ۱۴). صفات تاریک شخصیت شامل سه بعد فریب‌گر<sup>۱۰</sup>، جامعه‌ستیزی<sup>۱۱</sup> و خودشیفتگی<sup>۱۲</sup> است (سابو و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۲۲: ۲) که به‌عنوان تمایل زیاد فرد برای به حداکثر رساندن مطلوبیت فردی، تحریک بدخواهانه ناکارآمدی برای دیگران به همراه باورهایی توجیهی برای این عمل تعریف شده است (زتler و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۲۲: ۳۰۱).

از سوی دیگر نتایج تحقیقات آموزشی نشان می‌دهند که خودارزشمندی مشروط<sup>۱۵</sup> نیز بر کمال‌گرایی و خودکارآمدی تحصیلی تأثیر می‌گذارد (کشت‌ورز کندازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

1. Nafea

2. Academic Self-Efficacy

3. Suryaratri et al

4. Hitches et al

5. Dark Traits of Personality

6. Tankut & Bilge

7. Paulhus & Williams

8. Rogoza et al

9. James Bond

10. Machiavellianism

11. Psychopathy

12. Narcissism

13. Szabo et al

14. Zettler et al

15. Contingent Self-Worth

امروزه، آگاهی از ویژگی‌های خود، از مهم‌ترین اهداف بررسی‌ها است. از جمله این سازه‌ها خودارزشمندی است که اغلب با کلماتی مانند حرمت خود یا عزت‌نفس توصیف می‌شود (نمت و برنات<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۴). از نظر روزنبرگ<sup>۲</sup> (۱۹۶۵: ۱۱). خودارزشمندی، نگرش مطلوب و نامطلوب نسبت به خود است. نوجوانان دارای خودارزشمندی بالا، مسئولیت رفتار خود را می‌پذیرند، تمایل به پذیرش و اصلاح اشتباه خود دارند و می‌توانند از روش‌های برقراری تعامل سازنده برای سازش‌یافتگی بهره‌گیرند (اترپوهل و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱: ۹۸۹). یکی از ابعاد خودارزشمندی، خودارزشمندی مشروط است (فیرلم و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲: ۳) که به این علت مشروط نام گرفته است که برخی دوست داشتن‌ها و نداشتن‌ها، قضاوت در مورد میزان ارزش و ترجیح‌های خود را مشروط به اما و اگرها و شرایط مختلف می‌دانند (سپهریان‌آذر و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۹).

در خصوص ضرورت این پژوهش می‌توان گفت که کمال‌گرایی یکی از چالش‌های دانش‌آموزان متوسطه است که بخش عظیمی از فشارهای این دوره را تشکیل می‌دهد. مداومتی که برخی از این دانش‌آموزان در انجام وظایف خود به خرج می‌دهند از کمال‌گرایی آنان نشأت می‌گیرد. اما روند دستیابی به کمال در همه آنان به‌طور مثبت پیش نمی‌رود. بر این اساس لازم است پژوهشگران، شناسایی عوامل اثرگذار بر کمال‌گرایی و شیوه دستیابی به کمال‌گرایی مثبت را سرلوحه پژوهش‌های خود قرار دهند. در این راستا، با توجه به ارتباط خودکارآمدی تحصیلی با کمال‌گرایی از یک‌سو و رابطه صفات سه‌گانه تاریک و خودارزشمندی مشروط با خودکارآمدی تحصیلی از سوی دیگر، این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین صفات سه‌گانه تاریک، خودارزشمندی مشروط و کمال‌گرایی با واسطه‌گری خودکارآمدی تحصیلی انجام شده است.

#### پیشینه تجربی

1. Németh & Bernáth

2. Rosenberg

3. Otterpohl et al

4. Fairlamb et al

درباره ارتباط خودکارآمدی و کمال‌گرایی، نتایج پژوهش کیلمن (۲۰۲۲) نشان داد که کمال‌گرایی به‌طور مثبت و معناداری خودکارآمدی را پیش‌بینی می‌کند. بنابر نتایج تحقیقات، افراد دارای کمال‌گرایی مثبت، خودکارآمدی بالایی دارند و پس از موفقیت در رسیدن به اهدافشان، اهداف بالاتری را کسب می‌نمایند (یوون و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). در مقابل، افراد دارای کمال‌گرایی منفی، از نظر خودکارآمدی در سطح پایین‌تری هستند و پس از شکست، اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهند (رئوف و همکاران، ۱۳۹۸ و وانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱).

در زمینه ارتباط صفات سه‌گانه تاریک و کمال‌گرایی، نتایج نشان داده که کمال‌گرایی با رگه‌های شخصیتی مرتبط است (رهنمای نهزمی و پوقوسیان، ۱۳۹۳) و بین خودشیفتگی و کمال‌گرایی رابطه وجود دارد (تانکوت و بیلگ، ۲۰۲۱). همچنین، نتایج نشان داده که بین کمال‌گرایی مثبت با وظیفه‌شناسی و گشودگی رابطه مثبت وجود دارد (کیزلوگلو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱ و دانش و همکاران، ۱۳۹۳). به‌علاوه، بین کمال‌گرایی منفی با روان رنجورخویی رابطه مثبت وجود دارد (گونزالز-هرناندز و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱).

در خصوص ارتباط صفات سه‌گانه تاریک و خودکارآمدی نتایج نشان داده که صفات تاریک شخصیت با خودکارآمدی رابطه معنادار دارند (وو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹ و رضازاده و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، خودشیفتگی آشکار به‌صورت مثبت پیش‌بینی‌کننده خودکارآمدی تحصیلی و اعتمادبه‌نفس است و در مقابل خودشیفتگی پنهان، عزت‌نفس و خودکارآمدی را به‌صورت منفی پیش‌بینی می‌کند (برندر-ایلان و شفر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹) و بین خودشیفتگی و خودکارآمدی ارتباط معنادار وجود دارد (غزالی و افسار<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱).

نتایج مطالعات در مورد ارتباط خودارزشمندی مشروط و کمال‌گرایی نشان داده بین کمال‌گرایی مثبت و خودارزشمندی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد و کمال‌گرایی مثبت از

1. Yoon et al

2. Wang et al

3. Kiziloglu et al

4. González Hernández et al

5. Wu et al

6. Brender-Ilan & Sheaffer

7. Ghazali & Afsar

طریق تقویت احساس شایستگی شخصی و پذیرش خویشتن با افزایش سطح خودارزشمندی ارتباط دارد (استریکر و پرکل<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲ و خرمی‌نژاد و جهان، ۱۳۹۹). نتایج نشان داده که بین کمال‌گرایی منفی و خودارزشمندی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. در واقع کمال‌گرایی منفی بر اساس عدم رضایت و انتقاد دائمی از عملکرد شخصی تعیین می‌شود که چنین وضعیتی نوعی احساس عدم شایستگی را به وجود می‌آورد و باعث کاهش خودارزشمندی در فرد می‌شود (هماچک، ۱۹۷۸ و هن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

در نهایت نتایج تحقیقات درباره ارتباط خودارزشمندی م شروط و خودکارآمدی نشان داده که خودارزشمندی و خودکارآمدی رابطه مثبتی با هم دارند (کشت‌ورز کندازی و همکاران، ۱۳۹۹ و روسیر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). افراد دارای خودارزشمندی بالا احساسات خود را در هر لحظه‌ای تشخیص می‌دهند و بهترین آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده و با ارزیابی‌های واقع‌بینانه از توانایی‌های خود، حس کارآمدی، اعتماد به نفس و رضایت را در خود ایجاد می‌نمایند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸ و ژانگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲).

### چارچوب نظری

هالندر<sup>۵</sup> (۱۹۷۸: ۳۸۶) برای اولین بار از کمال‌گرایی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی نام برد و آن را به‌صورت انتظاری بیش‌ازحد داشتن از خود یا دیگران در موقعیتی خاص تعریف کرد. هماچک<sup>۶</sup> (۱۹۷۸: ۲۹) کمال‌گرایی را افکار و رفتارهای خودتخریب‌گرایانه‌ای می‌داند که هدف آن‌ها رسیدن به اهداف به شدت افراطی و غیرواقع‌گرایانه است (سپانچی<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱: ۲۱۸). کمال‌گرایی صفتی

<sup>۱</sup>. Stricker & Preckel

<sup>۲</sup>. Han et al

<sup>۳</sup>. Rossier et al

<sup>۴</sup>. Zhang et al

<sup>۵</sup>. Hollender

<sup>۶</sup>. Hamachek

<sup>۷</sup>. Sapanci

است که شامل تعیین اهداف بیش‌ازحد بالا، تردید نسبت به قابلیت‌ها و تمایل افراطی به نظم می‌شود (بلک‌برن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۱).

در مطالعات علمی بین دو شکل از کمال‌گرایی تمایز گذاشته می‌شود: شکل مثبت که با عناوین کمال‌گرایی سازگارانه، سالم و نرمال نام‌گذاری شده و یک شکل منفی که ناسازگارانه، ناسالم و نوروپیک است (حق محمدی شراهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۱). بعد منفی کمال‌گرایی شامل جنبه‌هایی است که با نگرانی‌های نظیر نگرانی درباره اشتباهات، احساس اختلاف بین انتظارات و نتایج و واکنش‌های منفی به اشتباهات همراه است. در مقابل بعد مثبت کمال‌گرایی شامل جنبه‌هایی است که با تلاش‌های نظیر داشتن استانداردهای بالا یا تلاش برای عالی بودن و تمایل به داشتن نظم و ترتیب همراه است (اوزکن<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۴۹۱).

یکی از عوامل مؤثر بر کمال‌گرایی، خودکارآمدی است (کیلمن، ۲۰۲۲: ۴). با این توضیح که خودکارآمدی از نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۹۷: ۴۴) مشتق شده که از آن به صورت احساس پایدار و روشن از لیاقت، ارزش فرد از خود و احساس کارایی وی در برخورد با موانع و رسیدن به اهداف تعریف می‌کند (کوثر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲: ۲۰۶). یکی از حوزه‌های مرتبط با خودکارآمدی، خودکارآمدی تحصیلی است که به برداشت فرد از توانایی‌اش در سازمان‌دهی و انجام تکالیف آموزشی اطلاق می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷: ۴۴). خودکارآمدی تحصیلی نشان‌دهنده خودکارآمدی فرد در ارتباط با یادگیری و تحصیل است (وی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲: ۳).

یکی از عوامل مؤثر بر کمال‌گرایی و خودکارآمدی تحصیلی، صفات تاریک شخصیت است (سعادت و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۷). با این توضیح که صفات تاریک شخصیت، ویژگی‌های نامطلوب و آزاردهنده‌ای هستند و با مشکلات بین فردی همراه است (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۶). این صفات شامل ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی و خودشیفتگی است. در این بین، ماکیاولیسم بعدی از شخصیت است که در آن فرد، تحت تأثیر راهبردهای سیاسی و استثمار از دیگران، به جهان و تمرکز بر علایق و منافع شخصی نگرش منفی دارد. بعد جامعه‌ستیزی شامل خصوصیات

1. Blackburn et al

2. Ozcan

3. Kosar et al

4. Wei et al

چون رفتار ضداجتماعی، عدم وجود حس همدلی و بزهکاری است که بیشتر بر عمل و نتیجه آن تمرکز دارد. بعد آخر، شخصیت خودشیفته است که خصوصیتی چون کسب قدرت را شامل می‌شود. چنین افرادی متکبر و به دنبال موفقیت هستند و دوست دارند همیشه در مرکز توجه باشند (فریوس و کلمته<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۲).

خودارزشمندی از دیگر عواملی است که بر کمال‌گرایی و خودکارآمدی تحصیلی تأثیر دارد (خرمی‌نژاد و جهان، ۱۳۹۹: ۱۰۹) و آن احساس کلی شخص در مورد ارزش، اعتبار و شایستگی خویش است و به ادراکی اطلاق می‌گردد که فرد نسبت به ارزشمند بودن خود دارد (شعبانی و نعمت طاوسی، ۱۴۰۰: ۴۶). یکی از ابعاد خودارزشمندی، خودارزشمندی مشروط است. خودارزشمندی مشروط ادراکات افراد را در مورد آنچه که باید انجام دهند یا رفتار کنند تا به عنوان یک شخص به ارزش و احترام دست یابند، توصیف می‌کند (لوپز و پولتا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۲). در خودارزشمندی مشروط، فرد زمانی احساس خودارزشمندی می‌کند که در آن حوزه‌ای که خودارزشمندی خود را بنا گذاشته، خوب عمل کند (کراکر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۸۹۷).

### روش پژوهش

روش اجرای این پژوهش توصیفی و طرح پژوهش همبستگی مبتنی بر الگویابی معادلات ساختاری بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار LISREL استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر ارومیه (۱۵۲۵۰ نفر) بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. جهت آزمایش الگوی پیشنهادی، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. با توجه به این‌که در پژوهش‌هایی از نوع مدل‌سازی به ازای هر زیرمتغیر می‌توانیم ۱۰ نفر شرکت‌کننده داشته باشیم (هومن، ۱۳۹۷: ۲۲)، در این پژوهش برای اطمینان از کفایت و با توجه به ریزش احتمالی مشارکت‌کنندگان تعداد ۲۰۴ دانش‌آموز به‌عنوان شرکت‌کننده

<sup>۱</sup>. Ferreiros & Clemente

<sup>۲</sup>. Lopez & Polletta

<sup>۳</sup>. Cracker et al





انتخاب شدند. پس از اخذ مجوزهای لازم، پرسشنامه‌ها در بین دانش‌آموزان توزیع و بعد از پاسخگویی جمع‌آوری گردید.

### ابزارهای پژوهش

الف. مقیاس کمال‌گرایی فراست و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۰): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط فراست، مارتین، لاهارت و رزونبات<sup>۲</sup> ساخته شد (هاوکینز و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۱۰۱۰). فراست و همکاران (۱۹۹۰: ۴۴۹)، ضریب آلفای کرونباخ برای کمال‌گرایی کل را ۰/۹۰ و برای خرده مقیاس‌های نگرانی درباره اشتباه‌ها ۰/۸۸، انتظارات والدین ۰/۸۴، انتقاد والدین ۰/۸۴، شک و تردید در عمل ۰/۷۷، معیارهای شخصی ۰/۸۳ و سازماندهی را ۰/۹۳ گزارش کردند. در نسخه فارسی ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۵، نگرانی افراطی درباره اشتباهات ۰/۸۳، درک شخص از انتقادات والدین ۰/۶۶، درک شخص از انتظارات والدین ۰/۷۳، تمایل به شک و تردید ۰/۷۰، گرایش به نظم و سازمان یافته بودن ۰/۸۸ و معیارهای عملکرد شخصی ۰/۶۷ گزارش شده است (نیکنام و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۵). در این پژوهش برای بررسی پایایی این ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که برای مؤلفه‌های انتظارات والدینی (۰/۷۴)، تردید درباره کارها (۰/۸۴)، نگرانی درباره اشتباه‌ها (۰/۸۲)، نظم و سازمان‌دهی (۰/۹۰)، معیارهای شخصی (۰/۹۱) و انتقاد گری والدین (۰/۷۰) بود.

ب. پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی پاتریک، هیکس و رایان<sup>۴</sup> (۱۹۹۷): این مقیاس دارای پنج ماده است و ضریب پایایی آن توسط میگلی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۰: ۲۲) با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و ضریب روایی نیز در پژوهش میدلتون و میگلی<sup>۶</sup> (۱۹۹۷: ۷۱۴) به دست آمد. در پژوهش اشرف‌زاده، عیسی‌زادگان و میکائیلی‌منبع (۱۳۹۷: ۱۰۷) ضریب روایی با استفاده از تحلیل

1. The Frost Multidimensional Perfectionism Scale

2. Marten et al

3. Hawkins et al

4. Patrick et al

5. Midgley et al

6. Middleton & Midgley

عاملی تأییدی ۰/۶۹ و ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد. در این پژوهش پایایی این ابزار با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد.

ج. مقیاس سه‌گانه تاریک کوتاه<sup>۱</sup> (SD3): این مقیاس توسط جونز و پالهاوس<sup>۲</sup> (۲۰۱۴: ۲۸) ساخته شده است. در پژوهش جونز و پالهاوس (۲۰۱۴: ۲۸) دامنه ضرایب آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ و همچنین همبستگی درونی ۰/۲۲ تا ۰/۴۰ برای زیر مقیاس‌های این مقیاس به دست آمده است. زیرمقیاس‌ها ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ را در نمونه اعتبارسنجی متقابل نشان دادند. ضرایب باز آزمایی در بازه زمانی دو هفته ۰/۷۷ تا ۰/۸۴ گزارش شده است (جونز و پالهاوس، ۲۰۱۴: ۲۸). در ایران آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفتگی به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ و ضرایب باز آزمایی برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش گردیده است (امیری و یعقوبی، ۱۳۹۵: ۸۵). در این پژوهش برای بررسی پایایی این ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب برای مؤلفه‌های ماکیاولیسم، خودشیفته و ضداجتماعی ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۱ بود.

د. مقیاس خود ارزشمندی مشروط: این مقیاس توسط کراکر و همکاران<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۳ ساخته شد و ۳۵ ماده و ۷ زیرمقیاس دارد. کراکر و همکاران (۲۰۰۳: ۸۹۴) ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار را ۰/۷۳ و برای زیرمقیاس‌های آن (تأیید دیگران: ۰/۸۲، ظاهر: ۰/۸۳، شکست دیگران در رقابت: ۰/۸۷، صلاحیت و شایستگی تحصیل: ۰/۸۲، حمایت و عشق خانوادگی: ۰/۷۵، پاکدامنی و اخلاقی بودن: ۰/۸۳ و عشق به خدا: ۰/۸۹) را به دست آوردند. در ایران آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۳ و برای زیرمقیاس‌های آن (تأیید دیگران: ۰/۸۴، ظاهر: ۰/۷۸، شکست دیگران در رقابت: ۰/۷۵، صلاحیت و شایستگی تحصیل: ۰/۷۵، حمایت و عشق خانوادگی: ۰/۷۷، پاکدامنی و اخلاقی بودن: ۰/۷۵ و عشق به خدا: ۰/۸۳) به دست آمد (مرزبان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). در این پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی این ابزار استفاده شد و از آنجا که تمام سؤالات وارد مدل شدند، آلفای کل مقدار ۰/۹۲ به دست آمد.

<sup>۱</sup>. Short Dark Triad Scale

<sup>۲</sup>. Jones & Paulhus

<sup>۳</sup>. Cracker et al



## یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های آماری مطالعه نشان داده شده است. جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
صفات تاریک شخصیت	ماکیاولیسم	۲۰/۰۳	۵/۵۶	۰/۱۸	۰/۳۵
	خودشیفته	۲۵/۸۲	۵/۶۳	۰/۴۲	۰/۹۳
کمال‌گرایی	ضداجتماعی	۲۶/۲۶	۵/۸۹	-۰/۰۲	۱/۰۲
	انتظارات والدینی	۱۶/۶۸	-۰/۰۹	-۰/۰۸	-۰/۳۳
	تردید درباره کارها	۱۲/۸۲	۲/۹۲	۱/۱۸	۱/۳۱
	نگرانی درباره اشتباهات	۲۶/۴۸	۶/۹۰	۰/۰۴	-۰/۵۸
	انتقادگری والدینی	۱۱/۸۱	۴/۳۴	۱/۱۴	۱/۴۰
	نظم و سازمان‌دهی	۲۰/۲۵	۶/۸۰	-۰/۲۶	-۱/۳۱
	معیارهای شخصی	۲۲/۱۱	۷/۷۷	-۰/۲۴	-۱/۲۳
خود ارزشمندی مشروط خودکارآمدی نرمالیت‌ه چند متغیره		۱۳۳/۷۴	۲۰/۸۸	-۰/۴۲	۰/۵۳
		۱۰/۶۷	۴/۳۳	۱/۰۳	۰/۱۹۶
					۲۸/۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به مندرجات جدول بالا، مقادیر میانگین و انحراف معیار، پراکندگی مناسب داده‌ها و مقادیر چولگی و کشیدگی نشانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها است. همچنین، برای بررسی نرمالیت‌ه چند متغیره از شاخص بایرن<sup>۱</sup> (۲۰۱۶: ۷۸) استفاده شد. در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش گزارش شده‌اند.

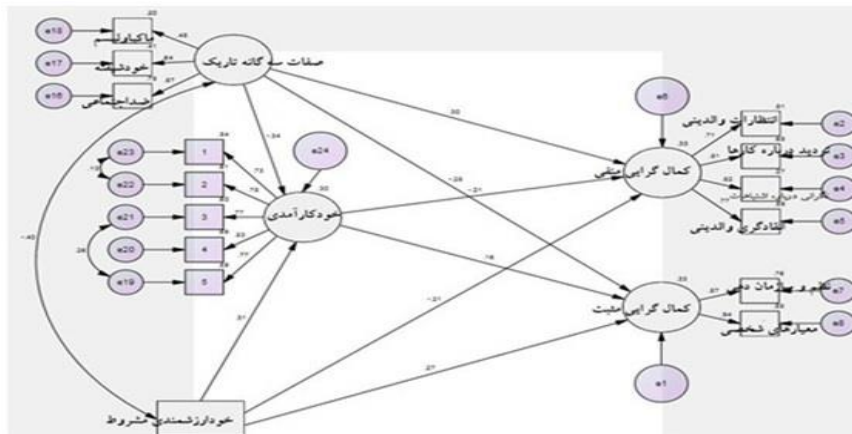
<sup>۱</sup>. Byrne

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

N	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	ماکیاولیسم							
۲	خود شیفته	۰/۳۷**						
۳	ضداجتماعی	۰/۳۶**	۰/۵۵**					
۴	کمال‌گرایی مثبت	-۰/۳۰**	-۰/۲۴**	-۰/۴۳**				
۵	کمال‌گرایی منفی	۰/۶۲**	۰/۱۸**	۰/۲۱**	-۰/۲۵**			
۶	خودکارآمدی	-۰/۲۹**	-۰/۲۶**	-۰/۳۹**	۰/۲۶**	-۰/۱۷**		
۷	خود ارزشمندی	-۰/۴۰**	-۰/۳۵**	-۰/۴۶**	۰/۲۵**	-۰/۱۸**	۰/۲۰**	

منبع: یافته‌های پژوهش (\*\* $p < 0.001$ )

با توجه به مندرجات جدول ۲ متغیرهای تحقیق با هم رابطه مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنی‌داری هستند. برای بررسی برازش الگو، از شاخص‌های برازش گیفن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) به شرح شکل ۱ استفاده شد.



شکل ۱. مدل آزمون شده تحقیق

منبع: یافته‌های پژوهش

<sup>۱</sup>. Gefen et al

با توجه به شکل ۱ صفات تاریک شخصیت و خود ارزشمندی مشروط ۳۰ درصد از واریانس خودکارآمدی تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند، خودکارآمدی تحصیلی، صفات تاریک شخصیت و خود ارزشمندی مشروط ۳۲ درصد توان پیش‌بینی کمال‌گرایی منفی و ۳۳ درصد توان پیش‌بینی کمال‌گرایی مثبت را دارند. در جدول ۳ نتایج مربوط به ضرایب اثرها گزارش شده است.

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم الگو آزمون شده پژوهش

مسیر	اثر مستقیم	آماره t	اثرات غیرمستقیم
صفات تاریک شخصیت < خودکارآمدی تحصیلی	-۰/۳۴***	-۳/۷۷	
خود ارزشمندی < خودکارآمدی تحصیلی	۰/۳۱***	۴/۰۵	۰/۰۷**
صفات تاریک شخصیت < کمال‌گرایی منفی	۰/۳۰***	۳/۰۱	-۰/۰۶**
خودکارآمدی < کمال‌گرایی منفی	-۰/۲۱**	-۲/۲۹	
خود ارزشمندی < کمال‌گرایی منفی	-۰/۲۱**	-۲/۶۳	-۰/۰۶**
صفات تاریک شخصیت < کمال‌گرایی مثبت	-۰/۲۸***	-۳/۰۸	۰/۰۵
خودکارآمدی < کمال‌گرایی مثبت	۰/۱۶*	۱/۹۶	
خود ارزشمندی < کمال‌گرایی مثبت	۰/۲۷***	۳/۶۲	

منبع: یافته‌های پژوهش ( $p < 0.001$ ,  $p < 0.01$ ,  $p < 0.05$ )

باتوجه به مندرجات جدول ۳، تمام اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها به غیر از اثر غیرمستقیم خودارزشمندی مشروط بر کمال‌گرایی مثبت و معنی‌دار هستند. با عنایت به معنی‌داری مسیرهای منتهی به خودکارآمدی و از آنجایی که مسیرهای غیرمستقیم از طریق خودکارآمدی برآورد می‌شوند، نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در این مدل تأیید می‌گردد. شاخص‌های نیکویی برازش در جدول شماره ۴ گزارش شده‌اند.

جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش مدل آزمون شده پژوهش

شاخص‌های برازش مطلق			
RMR	AGFI	GFI	شاخص
۰/۰۶	۰/۸۷	۰/۹۲	مقدار بدست آمده
مقدار کوچک	بیشتر از ۰/۸۰	بیشتر از ۰/۹۰	حد قابل پذیرش
شاخص‌های برازش تطبیقی			
IFI	NFI	CFI	شاخص
۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۹۶	مقدار بدست آمده
بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	حد قابل پذیرش
شاخص‌های برازش تعدیل یافته			
RMSEA	PCFI	X2/df	شاخص
۰/۰۵	۰/۷۳	۱/۶۷	مقدار بدست آمده
کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۶۰	کمتر از ۳	حد قابل پذیرش

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به معیارهای کلاین<sup>۱</sup> (۲۰۱۱: ۲۲۵) می‌توان گفت مدل برازش مناسبی دارد.

<sup>۱</sup>. Kline

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین صفات تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط و کمال‌گرایی با واسطه‌گری خودکارآمدی تحصیلی در چارچوب یک مدل علی به روش الگویابی معادلات ساختاری بود. مقادیر شاخص‌های برازندگی نشان داد مدل پیشنهادی از برازش مناسبی برخوردار است و قادر به پیش‌بینی ۳۲ درصد از تغییرات کمال‌گرایی منفی و ۳۳ درصد از تغییرات کمال‌گرایی مثبت است.

نتایج پژوهش نشان داد صفات تاریک شخصیت هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و از طریق خودکارآمدی تحصیلی با کمال‌گرایی (مثبت و منفی) رابطه دارد که با نتایج پژوهش‌های رهنمای نهومی و پوقوسیان (۱۳۹۳)، تانکوت و بیلگ (۲۰۲۱) و گونزالز-هرناندز و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای کمال‌گرایی مثبت، معیارهای شخصی بالایی که تا حدی منطقی است را در زندگی خود انتخاب می‌کنند، عملکرد خوبی در فعالیت‌های روزمره دارند و به خاطر همین ویژگی‌ها، انسان‌های فریب‌گر، جامعه‌ستیز و خودشیفته نیستند و از عاطفه مثبت، خودکارآمدی و خودشکوفایی بالاتری برخوردارند. در مقابل افراد دارای کمال‌گرایی منفی به دلیل انتظارات غیرواقع‌بینانه، هرگز از عملکرد خود خشنود نیستند و احساساتی منفی مانند ترس، خشم، احساس گناه و احساس کلافگی دائمی را تجربه می‌کنند و معمولاً سرزنش‌گر، سلطه‌جو، خودشیفته و ضداجتماعی‌اند.

همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، خودارزشمندی مشروط هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و از طریق خودکارآمدی تحصیلی با کمال‌گرایی منفی رابطه دارد که با نتایج خرمی‌نژاد و جهان (۱۳۹۹)، استریکر و پرکل (۲۰۲۲) و هن و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت کمال‌گرایی مثبت، انتظاراتی عقلانی و واقع‌گرایانه با توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های فرد ایجاد می‌کند که این واقع‌بینی با محدودسازی انتظارات به فرد کمک می‌کند تا معیارهای سخت و هدف‌های تحقق‌نیافتنی را بر خود و دیگران تحمیل نکند و در سایه این واقعیت روان‌شناختی با کاهش ترس از شکست و افزایش رضایت شخصی، خودارزشمندی خود را تقویت کند. کمال‌گرایی منفی نیز بر اساس عدم رضایت و انتقاد دائمی از عملکرد شخصی

تعیین می‌شود که چنین وضعیتی نوعی احساس عدم شایستگی را به وجود می‌آورد و باعث کاهش خودارزشمندی در فرد می‌شود.

از سویی، نتایج پژوهش نشان داد خودکارآمدی تحصیلی به صورت مستقیم با کمال‌گرایی (مثبت و منفی) رابطه دارد که این یافته با نتایج رئوف و همکاران (۱۳۹۸)، یوون و همکاران (۲۰۲۱) و وانگ و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت دانش‌آموزان با کمال‌گرایی مثبت، انتظارات و توقعاتی واقعی از توانایی‌ها و عملکرد خود دارند، یعنی احساس خودکارآمدی بالایی دارند و زمانی که در انجام کارها، آزادی عمل داشته باشند، می‌کوشند به بهترین نحو عمل کنند. به همین ترتیب در دانش‌آموزان با کمال‌گرایی منفی، چون سطح انتظارات از خود با عملکرد واقعی همخوان نیست، سطح خودکارآمدی کاهش می‌یابد. همچنین یکی از دلایل احتمالی ارتباط خودکارآمدی تحصیلی و کمال‌گرایی، ارتباطی است که هرکدام از این سازه‌های روان‌شناسی با عزت‌نفس دارند. این واقعیت که کمال‌گرایی با ویژگی‌هایی مثل عزت‌نفس ارتباط دارد، باعث می‌شود که سایر متغیرهایی که با عزت‌نفس در ارتباط هستند نیز به عنوان متغیرهایی مطرح شوند که به صورت بالقوه امکان دارد دارای همبستگی با کمال‌گرایی باشند.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد صفات تاریک شخصیت به صورت مستقیم با خودکارآمدی تحصیلی رابطه دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های رضازاده و همکاران (۱۳۹۹)، برندر-ایلان و شفر (۲۰۱۹) و غزالی و افسار (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که خودکارآمدی تحصیلی با مصادیقی همچون باور به توانمندی‌های درونی و اعتماد به نفس تعریف می‌شود و این نقطه مقابل رفتارهایی است که در افراد دارای صفات تاریک شخصیت دیده می‌شود. مصداق رفتارهای افراد دارای این صفات در محیط‌های آموزشی، رفتارهای چاپلوسانه و فریبکارانه فراگیران، فقدان همدلی با دیگران و عدم ندامت از اشتباهات است که هیچ‌یک از این رفتارها برخاسته از باورهای درونی و سالم نیست و فرد را به مقصود مطلوب نمی‌رساند. در نتیجه می‌توان گفت افرادی که به توانمندی‌های خود باور دارند، برای رسیدن به مقاصد و اهداف آموزشی خود از رفتارهای ماکیاولیستی و جامعه‌ستیزانه استفاده نمی‌کنند، چون پایبندی به این گونه رفتارها ناشی از ضعف‌های درونی می‌باشد.



همچنین نتایج پژوهش نشان داد خودارزشمندی مشروط به صورت مستقیم با خودکارآمدی تحصیلی رابطه دارد که این یافته با نتایج کشت‌ورز کندازی و همکاران (۱۳۹۹)، روسیر و همکاران (۲۰۲۲) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افزایش عزت‌نفس می‌تواند منجر به نگرش مثبت در فرد درباره توانایی‌های خود شود. لذا، احتمال این‌که فرد از حداکثر توانایی‌های خود برای انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله استفاده کند، بیشتر است. زیرا طبق تعریف بندورا (۱۹۹۷) خودکارآمدی به معنای توانایی ادراک شده فرد در انطباق با موقعیت‌های مشخص است و با قضاوت افراد درباره توانایی خود در انجام دادن یک کار یا انطباق با موقعیتی خاص مربوط است. لذا، افراد در زمانی که احساس ارزشمندی بیشتری دارند، ادراک بیشتری از توانایی خود در مواجهه با مسائل و مشکلات دارند و خودکارآمدی آنها هم بیشتر است.

از جمله یافته‌های مهم پژوهش آن بود که متغیر خودکارآمدی تحصیلی در روابط بین صفات سه‌گانه تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط و کمال‌گرایی نقش میاجی دارد. در مجموع می‌توان گفت که در این پژوهش، الگویی برای پیش‌بینی کمال‌گرایی بر اساس صفات سه‌گانه تاریک شخصیت، خودارزشمندی مشروط و خودکارآمدی تحصیلی ارائه شد که شاخص‌های برازندگی آن نشان داد برازش متناسبی دارد.

به‌رغم نتایج مهم پژوهش، به‌علت محدودیت‌های که وجود داشت باید تعمیم نتایج با احتیاط صورت پذیرد. از جمله این محدودیت‌ها به محدود بودن جامعه آماری پژوهش به دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه، عدم اثبات رابطه علت و معلول در روش معادلات ساختاری و عدم اطمینان کافی به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به دلیل ماهیت خود گزارشی ابزارها اشاره کرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، نقش سایر عوامل در کمال‌گرایی مورد بررسی قرار گیرد. به‌علاوه، با توجه به تأثیر خودکارآمدی تحصیلی بر کمال‌گرایی، پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی برنامه‌هایی را برای ارتقاء سطح خودکارآمدی تحصیلی در نظر بگیرد.

## منابع

- اشرف‌زاده، توحید، عیسی‌زادگان، علی و میکائیلی‌منیع، فرزانه. (۱۳۹۷). نقش میانجی‌گری مهارت‌های مطالعه در تأثیر خودکارآمدی تحصیلی، باورهای معرفت‌شناختی و اضطراب تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۷۴(۱)، ۱۱۳-۱۰۳.
- امیری، سهراب و یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سه‌گانه تاریخ شخصیت. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۶(۱)، ۹۷-۷۷.
- بشرپور، سجاد و عینی، ساناز. (۱۴۰۰). نقش میانجی تاب‌آوری تحصیلی در رابطه بین خودکارآمدی تحصیلی با سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری. *کودکان استثنایی*، ۲۱(۱)، ۵۳-۶۴.
- ثمیری‌صفا، جعفر، دشتی‌اصفهانی، مهلا و پوردل، مژگان. (۱۴۰۰). تدوین مدل سرزندگی تحصیلی بر اساس ارتباط با مدرسه، جو عاطفی خانواده، انگیزش، خودکارآمدی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰(۷۷)، ۲۵۶-۲۲۵.
- حسینی، فرزانه، نجفی، محمود و محمدی‌فر، محمدعلی. (۱۳۹۸). رابطه پنج صفت بزرگ شخصیت با افسردگی: نقش میانجی‌گر عزت‌نفس و خودکارآمدی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸(۷۲)، ۱۳۷-۱۱۴.
- حق محمدی‌شراهی، قباد، استوار، زهره و برماس، حامد. (۱۴۰۰). اهمال‌کاری: نقش پیش‌بین خطاهای شناختی و کمال‌گرایی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۳)، ۱۰۰-۸۹.
- خدابخش‌پیرکلانی، روشنک، انسانی‌مهر، نرگس، انسانی‌مهر، لاله و نبی‌زاده، رضا. (۱۴۰۰). بررسی رابطه خود اثرمندی اجتماعی و خود ارزشمندی با اختلال تنظیم هیجانی در نوجوانان: نقش تعدیل‌گر جنسیت. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۱۲(۱)، ۱۲-۱.
- خرمی‌نژاد، عسل و جهان، فائزه. (۱۳۹۹). تدوین مدل علی عزت‌نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روان‌شناختی و کمال‌گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۱۲۸-۱۰۹.

دانش، عصمت، نیکومنش، نرسانگا، سلیمی‌نیا، نرگس، سابقی، لیلا و شمشیری، مینا. (۱۳۹۳). رابطه صفات شخصیتی مادران با کمال‌گرایی دختران نوجوان آن‌ها. *روانشناسی کاربردی*، ۸(۴)، ۶۳-۷۸.

رزمی، محمد حسن و جباری، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). جستاری در تأثیر کمال‌گرایی بر مهارت شنیداری زبان دوم با در نظر گرفتن نقش میانجی خودکارآمدی و راهبردهای فراشناختی شنیداری به روش تحلیل چندبخشی میانجی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۴(۲)، ۱۵۱-۱۲۳.

رضازاده، فرزانه، رضایی، فرزین و حمیدی، ناصر. (۱۳۹۹). تأثیر خودکارآمدی، منبع کنترل و ویژگی‌های تاریک شخصیت بر گزارشگری مالی متقلبان. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۵(۱۰)، ۱۳۱-۱۶۷.

رئوف، کوثر، خادمی، ملوک و نقش، زهرا. (۱۳۹۸). رابطه کمال‌گرایی با اهمال‌کاری تحصیلی: نقش واسطه‌ای متغیرهای خودکارآمدی تحصیلی، عزت‌نفس و خودناتوان‌سازی تحصیلی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۵(۱)، ۲۳۶-۲۰۷.

رهنمای نهومی، تقی و پوقوسیان، روبن. (۱۳۹۳). الگوی پیش‌بینی کمال‌گرایی مثبت و منفی در نمونه‌ای از دانشجویان شمال کشور: نقش مدل پنج عاملی شخصیت و سبک‌های دلبستگی. *دانشور پزشکی*، ۲۲(۵)، ۳۲-۲۱.

سپهریان‌آذر، فیروزه، محمدی، نادر و بلوتک، حسین. (۱۳۹۶). همبستگی بنیادی خودارزشی مشروط و سازگاری دانشجویان. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۴(۱)، ۹۷-۱۰۶.

سعادت، سجاده، کلانتری، مهرداد و قمرانی، امیر. (۱۳۹۶). رابطه ویژگی‌های شخصیت تاریک (ماکیاولی، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی) با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۰(۴)، ۲۶۲-۲۵۵.

سواری، کریم و فرزادی، فاطمه. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای اهداف آموزشی در رابطه بین احساس طردشدگی و خودکارآمدی تحصیلی با عملکرد تحصیلی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۶(۶۱)، ۱۶۰-۱۴۳.

شعبانی، غزاله و نعمت طاوسی، محترم. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای کیفیت مراقبت مادرانه در رابطه بین حرمت خود مادر و اختلال‌های هیجانی و رفتاری کودک. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۵)، ۴۵-۵۶.

شیروانی، محبوبه، سلطانی، امان‌اله، رضوی، ویدا و منظری توکلی، علیرضا. (۱۴۰۰). طراحی و تبیین مدل ساختاری نقش میانجیگری تنیدگی تحصیلی در رابطه کمال‌گرایی با سبک‌های مقابله با استرس. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۴(۱)، ۳۵-۴۲.

صادقیان، عباس، فخری، محمد کاظم و حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پذیرش و تعهد بر خود ارزشمندی و سرمایه روان‌شناختی فرزندان طلاق. *سلامت اجتماعی*، ۶(۳)، ۲۹۴-۳۰۴.

عمادی، شایا، میرهاشمی، مالک و پاشا شریفی، حسن. (۱۳۹۹). مدل ساختاری برای پیش‌بینی دزدگی زناشویی بر اساس هیجان‌خواهی، کمال‌گرایی و راهبردهای تنظیم هیجان با میانجی‌گری تاب‌آوری در زنان متأهل. *علوم روان‌شناختی*، ۱۹(۹۲)، ۱۰۱۱-۱۰۲۲.

قبادی، زهرا و تکلوی، سمیه. (۱۳۹۹). نقش استحکام ذهنی، هیجان‌ات خودآگاه و علایم بی‌خوابی در پیش‌بینی صفات تاریک سه‌گانه شخصیتی زنان مبتلا به بیماری مولتیپل اسکروزیس. *رویش روان‌شناسی*، ۹(۴)، ۱۳-۲۲.

قمری‌گیوی، حسین، عظیمی، داریوش و مستان‌آبادی، شهین دخت. (۱۴۰۰). مقایسه الگوهای ارتباطی، خودکارآمدی و جرئت‌ورزی در دختران نوجوان با رفتار خودزنی و رفتار عادی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۹(۳)، ۱۸۵-۲۱۲.

کشت‌ورز کندازی، احسان، برزگر، مجید و شکوهی، محمد جعفر. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و خودتنظیمی تحصیلی در رابطه عزت‌نفس با شادکامی. *آموزش و ارزشیابی*، ۱۳(۵۱)، ۹۵-۱۳۱.

محقق، ارسلان، شفیع‌پور مطلق، فرهاد و آتشک، محمد. (۱۳۹۸). رابطه تعهد سازمانی و کمال‌گرایی با رهبری اخلاقی جان‌نثارانه با میانجیگری خودکارآمدی. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۴(۴)، ۸۴-۹۰.

مرزبان، عباس، کاوه فارسانی، ذبیح‌الله و بهرامی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی روایی و پایایی مقیاس خود ارزشی مشروط در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان. *مطالعات روان‌شناختی*،

۹(۴)، ۳۱-۵۸.

نیکنام، ماندانا، حسینیان، سیمین و یزدی، منوره. (۱۳۸۹). رابطه باورهای کمال‌گرایانه و رفتارهای خودناتوان‌ساز در دانشجویان. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۲)، ۱۰۸-۱۰۳.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۷). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران: انتشارات سمت.

یوسفی، رحیم، احمدی، عزت‌اله و میرزاده، افسانه. (۱۴۰۰). اعتباریابی متقاطع مدل صفات پنج‌گانه تاریک شخصیت. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۶(۶۱)، ۹۵-۱۱۰.

Amiri, S. & Yaghoobi, A. (2016). Evaluation of the psychometric properties scale of dark triad of personality. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 6(1), 77-97. (In Persian)

Ashrafzade, T., Issazadegan, A. & Michaeli Manee, F. (2018). The mediating role of study skills in the effect of academic self-efficacy, epistemological beliefs and academic anxiety on academic performance of middle school students. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 19(4), 103-113. (In Persian)

Bandura, A. (1997). *Self-Efficacy: The Exercise of Control*. New York: W. H. Freeman and company.

Bandura, A. (2004). Health promotion by social cognitive means. *Health Education Behavior*, 31(2), 191-215.

Basharpour, S. & Eyni, S. (2021). The mediating role of the academic resilience in relations between academic self-efficacy with academic adjustment of students with learning disabilities. *Journal of Exceptional Children*, 21(1), 64-53. (In Persian)

Blackburn, M., Methot-Jones, T., Molnar, D. S., Zinga, D., Spadafora, N. & Tacuri, N. (2022). Assessing changes to adolescent health-promoting behaviors following the onset of the COVID-19 pandemic: A multi-methods exploration of the role of within-person combinations of trait perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 159, 1-11.

Brender-Ilan, Y. & Sheaffer, Z. (2019). How do self-efficacy, narcissism and autonomy mediate the link between destructive leadership and counterproductive work behavior. *Asia Pacific Management Review*, 24(3), 212-222.

- Byrne, B. M. (2016). *Structural Equation Modeling With AMOS: Basic Concepts, Applications, and Programming*. New York: Routledge.
- Cracker, J., Luhtanen, R., Cooper, M. & Bourrette, A. (2003). Contingencies of self-worth in college student: theory and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 894-908.
- Danesh, E., Nikomanesh, N., Saliminia, N., Sabeghi, L. & Shamshiri, M. (2015). Relationship between mothers' personality traits with perfectionism in their adolescent daughters. *Journal of Applied Psychology*, 8(4), 63-78. (In Persian)
- Emadi, S., Mirhashemi, M. & Sharifi, H. P. (2020). A structural model for prediction of couple burnout based on sensation seeking, perfectionism and emotion regulation strategies with the mediation of resiliency in married women. *The Journal Of Psychological Science*, 19(92), 1011-1022. (In Persian)
- Fairlamb, S., Papadopoulou, H. & Bourne, V. (2022). Reach for the STARS? The role of academic contingent self-worth in statistics anxiety and learning. *Learning and Motivation*, 78, 1-12.
- Ferreiros, L. & Clemente, M. (2022). Dark personality and intimate partner relationships in young adults. *Acta Psychologica*, 225, 1-7.
- Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C. & Rosenblate, R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 15(5), 449-468.
- Gefen, D., Straub, D. & Boudreau, M. C. (2000). Structural equation modeling and regression: Guidelines for research practice. *Communications of the Association for Information Systems*, 7, 1-78.
- Ghamari Givi, H., Azimi, D. & Mastanabadi, S. (2021). Comparison of communication patterns, self-efficacy and assertiveness at teenage girls with self-mutilation and normal group. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 19(3), 185-212. (In Persian)
- Ghazali, B. M. & Afsar, B. (2021). Narcissism and entrepreneurial intentions: The roles of entrepreneurial self-efficacy and environmental complexity. *Journal of High Technology Management Research*, 32(1), 1-13.
- Gobadi, Z. & Taklavi, S. (2020). The role of mental toughness, self awareness emotions and Insomnia symptoms in predicting triple dark traits of women with multiple sclerosis. *Rooyesh*, 9(4), 13-22. (In Persian)
- González-Hernández, J., Baños, R., Sánchez, R. M., Espejel, H. P. & Chamorro, J. L. (2021). Perfectionism patterns, dark personality, and

- exercise addiction trend in high-intensity sports. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 1-13.
- Haghmohamadisharahi, G., Ostovar, Z. & Bermas, H. (2021). Procrastination: The role of prediction cognitive errors and perfectionism. *Rooyesh*, 10(3), 89-100. (In Persian)
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism, psychology. *Journal of Human Behaviors*, 15(3), 27-33.
- Han, G., Wang, C. D. C., Jin, L. & Bismar, D. (2022). Insecure attachment, maladaptive perfectionism, self-esteem, depression, and bulimic behaviors for college women: A cross-cultural comparison. *International Journal for the Advancement of Counselling, Advance Online Publication*, 44(2), 197-219.
- Hawkins, C., Watt, H. & Sinclair, K. (2006). Psychometric properties of the frost multidimensional perfectionism scale with Australian adolescent girls: Clarification of multidimensionality and perfectionist typology. *Educational and Psychological Measurement*, 66(6), 1001-1022.
- Hitches, E., Woodcock, S. & Ehrich, J. (2022). Building self-efficacy without letting stress knock it down: Stress and academic self-efficacy of university students. *International Journal of Educational Research Open*, 3, 1-11.
- Hollender, M. H. (1978). Perfectionism, a neglected personality trait. *Journal of Clinical Psychology*, 39(5), 384-394.
- Homan, H. A. (2018). *Structural equation modeling with lisrel application*. Tehran: Samt Publishing. (In Persian)
- Hosseini, F., Najafi, M. & Mohamadifar, M. A. (2020). The relationship between the big five personality traits with depression: The mediating role of self-esteem and self-efficacy. *Journal of Counseling Research*, 18(72), 114-137. (In Persian)
- Jones, D. N. & Paulhus, D. L. (2014). Introducing the short dark triad (SSD3): A brief measure of dark personality trait. *Assessment*, 21(1), 28-41.
- Keshtvarz Kondazi, E., Barzegar, M. & Shokouhi, M. (2020). Intermediary role of self-efficacy and academic self-regulation in the relationship between self-esteem and happiness. *Journal of Instruction and Evaluation*, 13(51), 95-131. (In Persian)
- Kilmen, S. (2022). Prospective teachers' professional achievement goal orientations, their self-efficacy beliefs, and perfectionism: A mediation analysis. *Studies in Educational Evaluation*, 74, 1-12.
- Kiziloglu, M., Dluhopolskyi, O., Koziuk, V., Vitvitskyi, S. & Kozlovskyi, S. (2021). Dark personality traits and job performance of employees: The

- mediating role of perfectionism, stress, and social media addiction. *Problems and Perspectives in Management*, 19(3), 533-544.
- Khodabakhsh, R., Ensanimehr, N., Ensanimehr, L. & Nabizadeh, R. (2021). Investigating the relationship between social self-efficacy and self-worth with emotional regulation disorder in adolescents: Gender moderator role. *Empowering Exceptional Children*, 12(1), 1-12. (In Persian)
- Khodarahimi, S. (2010). Perfectionism and five-big model of personality in an Iranian sample. *International Journal of Psychology and Counseling*, 2(4), 72-79.
- Khorami Nejad, A. & Jahan, F. (2020). The structural model of self-esteem of athletes based on psychological hardiness and perfectionism with mediator affective control. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 109-128. (In Persian)
- Kline, R. B. (2011). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. New York: Guilford Press.
- Kosar, G., Akbana, Y. E. & Yakar, L. (2022). Development and validation of a reading self-efficacy scale. *International Journal of Assessment Tools in Education*, 9(1), 203-219.
- Lopez, R. B. & Polletta, I. (2021). Regulating self-image on instagram: Links between social anxiety, instagram contingent self-worth, and content control behaviors. *Frontiers in Psychology*, 12, 1-7.
- Marzban, A., Kaveh Farsani, Z. & Bahrami, F. (2013). The validity and reliability of contingency of self-worth inventory among high school students in Isfahan. *Journal of Psychological Studies*, 9(4), 31-58. (In Persian)
- Middleton, M. J. & Midgley, C. (1997). Avoiding the demonstration of lack ability: An under explored aspect of goal theory. *Journal of Educational Psychology*, 7(3), 710-718.
- Midgley, C., Maehr, M. L., Hruda, L., Anderman, E. M., Anderman, L., Freeman, K. E., Gheen, M., Kaplan, A., Kumar, R., Middleton, M. J., Nelson, J., Roeser, R. & Urdan, T. (2000). *Manual for the patterns of adaptive learning scales (PALS)*. Ann arbor, MI: University of Michigan. [http://websites.umich.edu/~pals/PALS%202000\\_V13Word97.pdf](http://websites.umich.edu/~pals/PALS%202000_V13Word97.pdf)
- Mohageg, A., Shafiepoor, F. & Atashak, M. (2020). Relationship between organizational commitment & perfectionism with ethical sacrifice leadership: Mediating role of self-efficacy. *Ethics in Science and Technology*, 14(4), 84-90. (In Persian)
- Nafea, E. T. (2022). Does self-efficacy affect clinical reasoning in dental students? *International Dental Journal*, 70, 1-7.





- Németh, L. & Bernáth, L. (2022). The mediating role of global and contingents self-esteem in the association between emerging adults' perceptions of family cohesion and test anxiety. *Journal of Adult Development*, 1-13.
- Niknam, M., Hosseinian, S. & Yazdi, M. (2010). Relationship between perfectionism beliefs and self-handicapping behaviors in university students. *Journal of Behavioral Sciences*, 4(2), 103-108. (In Persian)
- Otterpohl, N., Bruch, S., Stiensmeier-Pelster, J., Steffgen, T., Schöne, C. & Schwinger, M. (2021). Clarifying the connection between parental conditional regard and contingent self esteem: An examination of cross-lagged relations in early adolescence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89, 986-997.
- Ozcan, V. (2021). Perfectionism and well-being among student athletes: The mediating role of athletic coping. *African Educational Research Journal*, 9(2), 489-497.
- Patrick, H., Hicks, L. & Ryan, A. M. (1997). Relations of perceived social efficacy and social goal pursuit to self-efficacy for academic work. *Journal of Early Adolescence*, 17, 109-128.
- Paulhus, D. L. & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: narcissism, machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36, 556-563.
- Rafaqat, W., Sami, A., Ibrahim, M. T., Ibad, H., Awais, S., Memon, A., Shahbaz, F. F., Ahmed, D., Zindani, Sh., Leghari, A. L. & Saleem, S. (2022). Impact of perfectionism and resilience on empathy in medical students: A cross-sectional study. *Journal of Patient Experience*, 9, 1-8.
- Rahnama, N. & Poghosyan, R. (2020). A prediction model for positive and negative perfectionism among a sample of college students in northern Iran: role of the big five personality model and attachment styles. *Daneshvar Medicine*, 22(5), 21-32. (In Persian)
- Raof, K., Khademi Ashkzari, M. & Naghsh, Z. (2019). Relationship between perfectionism and academic procrastination: The mediating role of academic self-efficacy, self-esteem and academic self-handicapping. *The Journal of New Thoughts on Education*, 15(1), 207-236. (In Persian)
- Razmi, M. & Jabbari, A. (2021). An investigation into the impact of multidimensional perfectionism on second language listening comprehension through the mediating roles of general self-efficacy and metacognitive listening strategies: A multicategorical multiple mediation analysis. *Language and Translation Studies*, 54(2), 123-161. (In Persian)

- Rezazadeh, F., Rezaei, F. & Hamidi, N. (2021). The effect of self-efficacy, locus of control, and dark personality trait on fraudulent financial reporting. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 5(10), 131-167. (In Persian)
- Rogoza, R., Kowalski, C. M., Saklofske, D. H. & Schermer, J. A. (2022). Systematizing dark personality traits within broader models of personality. *Personality and Individual Differences*, 186, 1-8.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the Adolescent Self-Image*. Princeton: Princeton University Press.
- Rossier, J., Rochat, S., Sovet, L. & Bernaud, J. L. (2022). Validation of a french version of the career decision-making difficulties questionnaire: Relationships with self-esteem and self efficacy. *Journal of Career Development*, 49(4), 906-921.
- Saadat, S., Kalantari, M. & Ghamarani, A. (2017). Relationship between dark triad personality (i.e., Machiavellianism, Narcissism, and Psychopathy) and students' academic self-efficacy. *Education Strategies in Medical Sciences*, 10(4), 255-262. (In Persian)
- Sadeghian, A., Fakhri, M. K. & Hasanzadeh, R. (2019). Effectiveness of acceptance and commitment training on self-worth and the psychological capital among children of divorce. *Salamat Ijtimai (Community Health)*, 6(3), 294-303. (In Persian)
- Samari Safa, J., Dashti, M. & Pouredel, M. (2021). Development of a model of academic buoyancy based on with school connection, family's emotional atmosphere, motivation, self-efficacy and academic engagement of students. *Journal of Counseling Research*, 20(77), 225-256. (In Persian)
- Sapanci, A. (2021). The mediating role of self-compassion in the relationship between perfectionism and academic procrastination in pre-service teachers. *Journal of Pedagogical Research*, 5(4), 214-229.
- Sepehrianazar, F., Mohammadi, N. & Blootak, H. (2017). The canonical correlation between contingencies self-worth and adjustment of students. *Teaching and Learning Research*, 14(1), 97-106. (In Persian)
- Sevari, K. & Farzadi, F. (2021). The mediating role of educational goals in the relationship between feelings of rejection and academic self-efficacy with academic performance. *Journal of Modern Psychological Researches*, 16(61), 143-160. (In Persian)
- Shabani, G. & Nemattavousi, M. (2021). The mediating role of maternal caregiving quality in the relationship between mother's self-esteem and children's emotional and behavioral disorders. *Rooyesh*, 10(5), 45-56. (In Persian)



- Shirvani, M., Soltani, A., Razavi, V. & Manzari, A. (2021). Designing and explaining structural equation model with mediating role of educational stress in relationship between perfectionism and coping styles. *Education Strategies in Medical Sciences*, 14(1), 35-42. (In Persian)
- Stricker, J. & Preckel, F. (2022). Global self-esteem differentially predicts multidimensional perfectionism in early adolescents two years later. *The Journal of Early Adolescence*, 42(2), 149-171.
- Suryaratri, R. D., Komalasari, G. & Medellu, G. I. (2022). The role of academic self efficacy and social support in achieving academic flow in online learning. *International Journal of Technology in Education and Science* 6(1), 164-177.
- Szabo, Z. P., Kun, A., Balogh, B. E., Simon, E. & Csike, T. (2022). Dark and strong?! The associations between dark personality traits, mental toughness and resilience in Hungarian student, employee, leader, and military samples. *Personality and Individual Differences*, 186, 1-8.
- Tankut, U. & Bilge, Y. (2021). The mediating role of perfectionism and defense mechanisms in the relationship between personality traits and narcissism. *Nesne Psikoloji Dergisi*, 9(22), 818-837.
- Wang, Y. H., Wang, Y. L., Misener, K. & Libben, M. (2021). Examining the effectiveness of cognitive bias modification for perfectionism in exploration of the mediating and moderating effects of body dissatisfaction and self-efficacy. *Current Psychology*, 1-17.
- Wei, Y., Shi, Y., Mac Leod, J. & Yang, H. (2022). Exploring the factors that influence college students' academic self-efficacy in blended learning: A study from the personal, interpersonal, and environmental perspectives. *Sage Journals*, 1-12.
- Wu, W., Wang, H., Zheng, C. & Wu, Y. J. (2019). Effect of narcissism, psychopathy, and machiavellianism on entrepreneurial intention—The mediating of entrepreneurial self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 10, 1-14.
- Yoon, M., Park, H. & Ju, H. (2021). A structural relationship of perfectionism, self-efficacy, academic procrastination, and adaptation to college life. *Korean Association For Learner-Centered Curriculum And Instruction*, 12(2), 96-115.
- Yousefi, R., Ahmadi, E. & Mirzazadeh, A. (2021). Cross-validation of the dark pentad personality traits model. *Journal of Modern Psychological Researches*, 16(61), 95-110. (In Persian)
- Zettler, I., Schild, C., Lilleholt, L., Kroencke, L., Utesch, T., Moshagen, M., Bohm, R., Back, M. D. & Geukes, K. (2022). The role of personality in COVID-19-related perceptions, evaluations, and behaviors: Findings across

five samples, nine traits, and 17 criteria. *Social Psychological and Personality Science*, 13(1), 299-310.

Zhang, W., Gao, W. & Liu, X. (2022). Does attending elite colleges matter in the relationship between self-esteem and general self-efficacy of students in China?. *Heliyon*, 8(6), 1-8.



© 2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

#### نویسندگان

Tohid.ashrafzade@yahoo.com

توحید اشرفزاده

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان و علاقه‌مند به حوزه‌های یادگیری، فراتحلیل و عملکرد تحصیلی که دارای چند مقاله علمی پژوهشی در این حوزه هستند.

Sy.sheikhalizadeh@gmail.com

دکتر سیاوش شیخ‌علیزاده

عضو هیأت علمی و استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان و به تدریس دروس تخصصی رشته روان‌شناسی اشتغال دارند و علایق پژوهشی وی شامل روش‌های آماری، عملکرد تحصیلی و مدیریت کلاس درس است و دارای چندین مقاله علمی پژوهشی در حوزه‌های مذکور هستند.

## مادری در قلمرو اجتماعی - فرهنگی: یک مطالعه کیفی انتقادی

فائزه جعفری سیریزی<sup>۱</sup>

عباس عسکری ندوشن<sup>۲</sup>

علی روحانی<sup>۳</sup>

### چکیده

در روابط بین نسلی خانواده ایرانی، مادری یکی از ستون اصلی خانواده شمرده می‌شود و پاسداشت نقش مادر در فرهنگ ایرانی - اسلامی جامعه ایران همواره مورد تأکید و توجه بوده است. با این وجود، انجام پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران با تمرکز خاص بر موضوع مادری، از جمله خلأهای پژوهشی است که نیازمند کنکاش‌های علمی بیشتری است. از این‌رو، بررسی دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی مادر هدف اصلی این مقاله است که با روش کیفی انتقادی کارسپیکین انجام شده است. داده‌های تحقیق بر مبنای مصاحبه عمیق با ۱۵ مادر دارای فرزند زیر دو سال گردآوری شد. یافته‌ها شامل مقولاتی مانند فرسایش جسمانی/روانی مادر، دغدغه‌مندی‌های رشد کودک، تعدد نیاز با افزایش سن فرزند، حساسیت مادر به واسطه کنترل‌ناپذیری فرزند، آشفتگی در تدبیر امور منزل، تکلیف‌محوری فرزندپروری بر مادر، قدرت مرزهای جنسیتی در عمل، ترجیح جنسیتی، موقعیت اجتماعی متزلزل مادر و ... به‌دست آمد. نتایج نشان‌دهنده رنجیدگی و تشویش فکری مادران نسبت به برخی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که از طریق قواعد و هنجارها، در منزلت اجتماعی و فرهنگی مادران نقش داشته و همین امر موجب فشار نقش بر آن‌ها

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

[faezehjafari1997@gmail.com](mailto:faezehjafari1997@gmail.com)

<sup>۲</sup>. دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

[aaskarin@yazd.ac.ir](mailto:aaskarin@yazd.ac.ir)

<sup>۳</sup>. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

[aliruhani@yazd.ac.ir](mailto:aliruhani@yazd.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

می‌شود. برپایه نتایج تحقیق ضرورت دارد قوانینی در جهت تسهیل و بهبود بسترهای حمایتی و عاطفی از مادران تصویب شود. همچنین، بسترهای اجتماعی و فرهنگی موجود جامعه، به‌نحو مؤثرتری در جهت ابقاء و ارتقاء منزلت مادر، به‌عنوان یک نقش پرافتخار در فرهنگ ایرانی-اسلامی به خدمت گرفته شود.

### واژگان کلیدی

مادر، روابط بین‌نسلی خانواده، دغدغه‌های اجتماعی- فرهنگی، پژوهش انتقادی، شهرستان زرنده

### مقدمه و بیان مسئله

نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی در اکثریت جوامع از جمله جامعه ایران است. در این نهاد محوری، از دیرباز، مادر همواره نقش ویژه و جایگاه پرافتخار داشته است. اگر حتی در مقاطع بزرگی از تاریخ فرهنگی ایران، نگاه فرودستانه به جنس زن دیدگاه رایج و غالب در خانواده و جامعه بوده است. اما نقش مادری، همواره موقعیتی ممتاز و جایگاهی احترام‌برانگیز تلقی می‌شده است. به این جهت، می‌توان میان نقش موقعیتی زن در روابط بین‌جنسیتی خانواده و نقش مادری در روابط بین‌نسلی خانواده ایرانی تفکیک روشنی قائل شد. در حالی که ساختارهای حاکم بر خانواده و جامعه، موقعیت نابرابری را برای زنان در سطح روابط میان زوجین و روابط میان دو جنس رقم می‌زدند. اما در سطح روابط بین‌نسلی خانواده، تأکیدهای اجتماعی و فرهنگی بر نکوداشت شأن و مقام مادری و تمکین، تکریم و احترام فرزندان نسبت به مادر الگوی هنجاری و رفتاری غالب در جامعه بوده تا جایی که هرگونه رفتار نامناسب و برخورد غیرمحترمانه فرزند با مادر تقبیح و محکوم شده و شیوه رفتار و سلوک مناسب فرزند با مادر که به تمام و کمال مدیون محبت‌های بی‌چشمداشت او بوده، نمادی از قدردانی و سپاسگزاری فرد در حق کسی دانسته شده است.

از سویی، شیوه‌ای که معانی فرهنگی را با استفاده از ابزار زبان و ساخت جهان اجتماعی شکل می‌دهند، از موضوعات کانونی در مطالعات انسان‌شناسی زبان‌شناختی است (کراگو و همکاران<sup>۱</sup>،

<sup>۱</sup>. Crago et al



۱۹۹۳؛ دورانتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳ و گواردادو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). ضمن آن‌که خلأ چنین پژوهش‌هایی در موضوع مادری در ایران مشهود است. این در صورتی است که تعابیر و مثل‌های جاافتاده‌ای نظیر "دایه‌ای دلسوزتر از مادر نیست" یا "بهشت زیر پای مادران است"، انعکاسی از شکوه نام و جایگاه مادر در فرهنگ ایرانی-اسلامی جامعه ما است. علاوه بر این، مادر مظهر گذشت و ایثار، عشق و محبت، عاطفه و مهربانی، تعهد و دلبستگی و دلسوزی نسبت به فرزندان شناخته می‌شود. رضایت مادر و دعای خیر مادر، پشت و پناه فرزندان و ارزشمندترین سرمایه معنوی در زندگی آنان تلقی می‌شود. بالاخره این‌که، پدر و مادر تکیه‌گاهی قابل اتکا و قابل اعتماد و غمخوار مشکلات زندگی فرزندان هستند.

مادر شدن در اجتماعات انسانی براساس هویتی دوگانه شکل یافته است. از یک سو براساس فرآیندهای زیستی و بیولوژیکی مرتبط با جنس زن تعریف می‌شود. از سوی دیگر با ابعاد و مناسبات بسیار مهم اجتماعی و فرهنگی مرتبط با جنسیت تعریف می‌شود. از منظر فرآیندهای زیستی، مادر شدن را می‌توان خصوصیتی غریزی دانست که در انسان با سایر حیوانات مشترک است و دربرگیرنده تجربیاتی مانند حاملگی، به دنیا آوردن فرزند، شیردهی و انتقال ویژگی‌های ارثی و ژنتیکی به فرزندان است (هردی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ رادیک<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹ و واکز و مک‌فرسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). به علاوه، چنین تجربه زیستی، عمدتاً به زنان محدود می‌شود. حال آن‌که، ابعاد و مناسبات اجتماعی و فرهنگی مادر شدن، قلمرویی بسیار گسترده و پیچیده را دربر می‌گیرد که عناصر، الگوها و دامنه آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت دارد. به عبارتی، این ابعاد و مناسبات پیچیده و مهم اجتماعی است که مسئولیت‌هایی را در قبال فرزند بر دوش مادر می‌گذارد و بار این وظایف و مسئولیت‌ها در هر فرهنگی و در هر زمانی ممکن است متفاوت باشد (واکز و مک‌فرسون، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، هرچند ممکن است همه زنان تجربه مادر شدن را پیدا نکنند. اما فشارهای اجتماعی بر زنان برای مادر شدن، تقریباً دارای عمومیت جهانی است (واکز، ۲۰۱۰).

<sup>1</sup>. Duranti

<sup>2</sup>. Guardado

<sup>3</sup>. Hady

<sup>4</sup>. Ruddick

<sup>5</sup>. Walks & McPherson

زیرا، مادری پایگاه اجتماعی است که به آن بهای زیادی داده می‌شود و عمدتاً از زنان انتظار می‌رود این نقش را بپذیرند (سراقی و همکاران، ۱۳۹۴). از این رو، برخلاف وجود تفاوت‌های فرهنگی و زمانی، معمولاً در بیشتر جوامع، حجم و تنوع این مسئولیت‌های مورد انتظار از مادر، بسیار زیاد و به‌مثابه بار سنگینی بر دوش وی است. در واقع، انتظارات اجتماعی از نقش مادری، گستره وسیعی دارد که از وظایف و مسئولیت‌های روزمره مادر در قبال فرزندان<sup>۱</sup> مانند رسیدگی به وضعیت خوراک و تغذیه، وضعیت پوشاک، مراقبت‌های سلامت، آموزش اولیه مهارت‌های عملکردی کودک تا وظایف تربیتی و پرورشی کودک در زمینه‌های فکری، روحی و معنوی را در برمی‌گیرد. علاوه بر این، انتظارات اجتماعی از نقش مادر، محدود به دوران نوزادی و طفولیت فرزند نیست و معمولاً گستره سنی وسیعی به درازای عمر مادر دارد که نه تنها تا سنین نوجوانی و جوانی، بلکه بعضاً تا سنین بزرگسالی و دوران بعد از ازدواج فرزندان گسترش می‌یابد. البته، انتظارات نقش مادری بنابر مقتضیات سنی فرزندان تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال؛ با بزرگ شدن فرزندان و رسیدن آنان به سنین نوجوانی و جوانی، انتظار ایفای نقش‌های تازه از قبیل نقش‌های مرتبط با الگودهی تربیتی و رفتاری مادر به فرزندان، ایفای نظارت‌های مورد انتظار جامعه بر عملکرد فرزندان، کنترل روابط فرزندان با گروه‌های همسالان و دوستان و پند و اندرز و هدایت‌ها و راهنمایی‌های فرزندان به تدریج شکل گرفته و برجسته می‌شود. همچنین، در سنین ازدواج و پس از ازدواج فرزندان، ممکن است مادر نقش‌های مربوط به راهنمایی و حمایت اجتماعی از فرزندان و یا مراقبت و نگهداری از نوه‌ها را عهده‌دار شود.

<sup>۱</sup>. قطعه شعری از ایرج میرزا توصیف مناسبی از نقش‌ها و مسئولیت‌های مادر در قبال فرزند ارائه می‌دهد:

گویند مرا چو زاد مادر	پستان به دهن گرفتن آموخت
شب‌ها بر گاهواره من	بیدار نشست و خفتن آموخت
دستم بگیرت و پا به پا برد	تا شیوه راه رفتن آموخت
یک حرف و دو حرف بر زبانم	الفاظ نهاد و گفتن آموخت
لبخند نهاد بر لب من	بر غنچه گل شکفتن آموخت
پس هستی من ز هستی اوست	تا هستم و هست دارمش دوست





در هر صورت، در این هویت دوگانه زیستی و فرهنگی مادر شدن، بدون تردید قواعد و ابعاد اجتماعی و فرهنگی مادری اهمیتی به مراتب بیش از ابعاد زیستی و بیولوژیکی دارد. حتی برخی از محققان مانند شیلا کیزنجر<sup>۱</sup> (۱۹۸۷: ۲۰) به نقل از واکز و مک فرسون، (۲۰۱۱: ۶) در رابطه با اهمیت نسبی دوگانه طبیعت و فرهنگ در موضوع مادری بر این باورند که «بخش زیادی از آنچه ما آن را بدیهی می‌پنداریم که به بعد "طبیعت" مادر شدن مربوط است، اساساً جزء طبیعت مادری نیست. بلکه محصولی از فرهنگ است». همچنین، گینسبرگ و رپ<sup>۲</sup> (۱۹۹۵: ۲) اشاره می‌کنند که جزء زیستی و جزء اجتماعی فرزندآوری براساس یک پیوند ناگسستنی با همدیگر درآمیخته‌اند و در لحظه‌ای که یک فرزند متولد می‌شود، همزمان قدم به مناسبات اجتماعی پیچیده‌ای می‌گذارد که در آن پیشینه‌ای از دارایی‌ها، موقعیت‌ها، حقوق، و ارزش‌ها وجود دارند که پیش از تولد او و در گذر زمان شکل گرفته‌اند. لذا، از این منظر، تولد فرزند بیش از آن‌که بتوان آن را یک تولیدمثل زیستی صرف و ساده انگاشت، باید عملاً آن را نوعی بازتولید فرهنگ و بازآفرینی زندگی اجتماعی دانست. البته؛ گفتنی است که گهگاه، ابعاد زیستی مادری در تلاقی و تعامل با ابعاد فرهنگی آن واقع می‌شود. توسعه فناوری‌های نوین کمک باروری<sup>۳</sup> و به‌کارگیری اشکال جدید آن مانند لقاح خارج از رحمی<sup>۴</sup> و فناوری‌های مادر جایگزین<sup>۵</sup> نمونه‌هایی از این تعامل ابعاد زیستی با قواعد اجتماعی و فرهنگی در جوامع انسانی را منعکس می‌کنند. زنان آن‌گاه که نقش مادرشدن را می‌پذیرند، با مسائل تازه‌ای مواجه می‌شوند. در واقع، جزء بیولوژیکی و زیستی مادری و جزء اجتماعی مادری هر کدام پیامدها و آسیب‌پذیری‌های جسمی و روانی بر زندگی وی دارند. به‌طوری‌که در دوران حاملگی و پس از زایمان، مخاطرات مختلفی ممکن است سلامت جسمی مادر را تهدید نمایند که تغییر در غلظت و سطح هورمون‌های زنانه، ضعف جسمی مادر در دوران حاملگی و شیردهی، خطرات خون‌ریزی بعد از زایمان، تغییرات در وضعیت خواب، عادات غذا

<sup>۱</sup>. Sheila Kitzinger

<sup>۲</sup>. Ginsburg and Rapp

<sup>۳</sup>. Assisted Reproductive Technologies (ART)

<sup>۴</sup>. In Vitro Fertilization (IVF)

<sup>۵</sup>. Surrogate Mothers

خوردن، و فعالیت‌های جاری زندگی از آن جمله‌اند (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۷؛ خرمی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹ و ندافی و همکاران، ۱۳۸۴). بخش دیگری از این پیامدها، عاطفی و روانی است که به صورت افزایش تنش، اضطراب، و افسردگی در مادر نمایان می‌شود (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۸۸ و رای و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). علاوه بر پیامدهای جسمانی و عاطفی بالا، بخش مهم دیگری از این مسائل به پیامدهای مهم اما کمتر ملموس انتظارات اجتماعی از نقش مادری مربوط می‌شود. به طوری که انتظارات اجتماعی از مادر با پذیرش این نقش بسیار سنگین تر شده و گستره وسیعی از وظایف و مسئولیت‌هایی که پیش‌تر به آنها اشاره شد بر مادر تحمیل می‌شود. علاوه بر این، شرایط پیرامونی و اجتماعی همچون سن مادر، دفعات بارداری، بارداری ناخواسته، وضعیت شغلی و درآمدی ناپایدار، اختلافات زناشویی و عدم حمایت همسر و بحران‌های یک‌سال قبل از تولد نوزاد (خرمی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹) نیز بر مادر اثرگذارند. باید توجه داشت که تبعات آسیب‌پذیری جسمی و روانی مادر تنها به دوره بعد از زایمان محدود نمی‌شود و رفته‌رفته با بزرگ شدن فرزند، نگرانی و دغدغه‌مندی مادر نسبت به مسئولیت فرزندپروری افزایش می‌یابد و یک‌سری توقعات اجتماعی و فرهنگی بر او حادث می‌شود. علاوه بر این، مادرانی که به بازار کار وارد می‌شوند، با تعارض میان کار و خانواده و چگونگی اختصاص وقت و انرژی به هر کدام از این مسئولیت‌ها و بعضاً تقاضاها و ایده‌های متناقضی در خصوص رفتار شایسته و بایسته خود مواجه می‌شوند.

با عنایت به این‌که پژوهش‌های اجتماعی در ایران، کمتر بر موضوع مادری به صورت اختصاصی متمرکز بوده و عموماً زنان را به عنوان دسته‌ای بزرگ‌تر مورد مطالعه قرار داده یا مادری را بیشتر در پارادایم‌های اثباتی و تفسیری بررسی کرده‌اند، پژوهش حاضر با طرح پرسش راجع به این‌که چه مسائل و چالش‌هایی از حیث مواضع اجتماعی و فرهنگی برای مادران وجود دارد به بررسی علمی انتقادی زندگی مادران و دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی آنان پرداخته است.

---

<sup>۱</sup>. Rai et al



### پیشینه تجربی

عمده مطالعات صورت گرفته در زمینه مادری با موضوعات جنسیت، خویشاوندی و تولیدمثل عجین شده و تفکیک آنها از یکدیگر کار آسانی نیست. با این حال، انجام مطالعات و پژوهش‌ها در موضوع مادری و مادر شدن، از اواخر دهه ۱۹۷۰ و به دنبال انتشار کتاب کیزنجر (۱۹۷۸) تحت عنوان "زنان به مثابه مادران"، سیر روبه رشدی آغاز کرد و به دنبال آن، توسعه رویکردهای تازه به مطالعات خویشاوندی و جنسیت به تکوین این حوزه مطالعاتی کمک کرد (واکز و مک فرسون، ۲۰۱۱: ۱). از جمله پژوهش‌های انجام شده در خارج از ایران می‌توان به لیو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) اشاره کرد که اثرات مستقیم و غیرمستقیم استرس قبل و بعد از زایمان بر افسردگی فرزندان در بزرگسالی را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند استرس مادر قبل و بعد از زایمان بر افسردگی فرزند تأثیر دارد و خطر ابتلا به افسردگی در فرزندانِ مادرانِ دچار استرس و اضطراب قبل از زایمان بیشتر است. اُسنس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) با بررسی ارتباط میان بی‌خوابی اواسط بارداری و اضطراب نشان دادند بی‌خوابی اواسط بارداری می‌تواند در بروز اضطراب پس از زایمان نقش داشته باشد و این توجه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی را می‌طلبد. زیرا خطر ابتلا به علائم وسواس فکری و عملی پس از زایمان افزایش می‌یابد. گلن<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) به مطالعه فشار روانی مادران دارای کودک معلول پرداخته و دریافت شرایط روانی - اجتماعی خانواده‌های دارای فرزند معلول عامل مهمی در توانایی پاسخگویی آنها (به خصوص مادر) در مدیریت شرایط روانی - اجتماعی است. سونگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) تأثیر مداخلات روانی - اجتماعی در کاهش استرس مادران در دوران پس از زایمان را مورد مطالعه قرار داده‌اند که نتایج از اثربخشی مناسب برنامه‌های مدیریت استرس در کاهش استرس مادر پس از زایمان حکایت داشت. بورنستاین<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) رویکردهای

<sup>1</sup>. Liu

<sup>2</sup>. Osnes

<sup>3</sup>. Glenn

<sup>4</sup>. Song

<sup>5</sup>. Bornstein

فرهنگی به فرزندپروری را مورد بررسی قرار داده و تأثیر پیامدهای سیاست اجتماعی و جهت‌گیری‌های ناشی از رویکرد فرهنگی در امر تربیت فرزند را یادآور شده است.

اما، تحقیقات علمی پیرامون موضوع مادری در ایران نسبتاً محدودترند. از جمله این مطالعات محدود به پژوهش تقدسی و همکاران (۱۴۰۰) می‌توان اشاره کرد که نگرانی‌های دوران بارداری مادران نخست‌زا را مورد تبیین قرار داده و دریافته‌اند که این نگرانی‌ها سلامت مادر و فرزند را تهدید کرده و برگزاری دوره‌های آموزشی می‌تواند در جهت کاهش دغدغه و افکار منفی و همچنین بارداری ایمن مادران عمل نماید. انتظاری و افضلی (۱۳۹۹) نیز به این نتیجه رسیدند که با برجسته شدن عامل انتخاب و آگاهی، فشار نهادی بر زنان ۱۵ تا ۷۰ ساله شهر تهران، برای قرار گرفتن در پایگاه مادری کاهش یافته است؛ گرچه ارزشمندی پایگاه مادری و گرایش‌های درونی زنان، آنان را همچنان به پذیرفتن این پایگاه سوق می‌دهد. صادقی و شهابی (۱۳۹۸) با واکاوی تجربه گذار به مادری، به بررسی معنا و ارزش مادری در میان زنان شاغل تحصیل‌کرده در شهر تهران پرداخته‌اند و بر تغییر معنا و ارزش مادری تأکید نموده‌اند. برپایه این یافته‌ها، مسئولیت‌های شغلی با انتظارات اجتماعی از نقش مادری در تعارض است و این زمینه‌ساز بازتعریف مادری ایده‌آل گردیده است. احمدی و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر مولفه‌های سیاسی - اجتماعی بر موقعیت اجتماعی زنان را نشان داده‌اند. در مطالعه دیگر، احمدی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط حمایت اجتماعی با غم مادری و خودکارآمدی مادران نخست‌زای دارای فرزند نارس پرداخته‌اند که نتایج از تأثیر حمایت اجتماعی خانواده و تیم بهداشت و درمان در بهبود خودکارآمدی این مادران حکایت داشت. رحمت‌الهی و همکاران (۱۳۹۴) رابطه بین خشونت جسمی، کلامی - عاطفی و حمایت اجتماعی در زنان مبتلا به افسردگی پس از زایمان را مورد بررسی قرار داده‌اند که به این نتیجه رسیدند خشونت و نبود حمایت عاطفی ابتلا به افسردگی پس از زایمان را افزایش می‌دهد. احمدی‌فراز و همکاران (۱۳۹۳) با توجه به بروز تغییرات اجتماعی و اقتصادی در افزایش حضور زنان شاغل در جامعه، اهمیت نقش مادری در زنان شاغل و تعدد نقش خانوادگی و اجتماعی آنها را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند مادران شاغل در ایفای نقش‌های خود با مشقات بسیاری در مقایسه با مادران غیرشاغل روبه‌رو می‌شوند. محسنی و همکاران (۱۳۸۸)



چگونگی گذار به نقش جدید مادری در زنان به دنبال تولد نوزاد را بررسی و نشان دادند که آنها با چالش‌های تازه‌ای برای ایجاد تعادل میان انتظارات و وظایف نقش‌های چندگانه خود مواجه می‌شوند و ناگزیرند میان نقش والدی (مراقبت از نوزاد و مشکلات شیردهی)، نقش فردی (مراقبت از خود، دستیابی به خوداتکایی و اعتماد به نفس)، نقش همسری (وظایف همسررداری و صرف وقت برای با همسر بودن)، نقش خانوادگی (تعامل با سایر اعضای خانواده، انجام فعالیت‌های روزانه، تنظیم خانواده و...) و نقش اجتماعی (کار بیرون از منزل) تعادل برقرار نمایند. علی‌نقیان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی خودمردم‌نگارانه با هدف کشف مسیر شکل‌گیری هویت مادری در بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه نشان دادند تجربه مادری بسیار متأثر از تلاقی عواملی مانند جنسیت، قومیت، طبقه اجتماعی، زبان و دیگر نظام‌های سلطه است که مزیت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی در سطح جامعه رقم می‌زنند و تفاوت در تجربیات زیسته مادران را شکل می‌دهند. این تجربیات زیسته، در بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه آموخته، درونی و بازتولید می‌شوند. مطالعاتی که در بالا ذکر گردید به دلایل زیر در گسترش افق دید تیم تحقیق حاضر برای کنکاش علمی بیشتر مؤثر بودند:

۱. مؤلفه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه بر موقعیت اجتماعی زنان اثرگذار خواهند بود.
۲. طرز برخورد دیگران با مادر و شرایط روانی - اجتماعی پیرامون بر ابعاد روحی و روانی او تأثیر می‌گذارد.
۳. فقدان حمایت عاطفی و اجتماعی از سوی اطرافیان موجب رنجیدگی مادر می‌گردد و حمایت اجتماعی از مادر در افزایش باورپذیری او نسبت به توانایی‌هایی که دارد نقش مهمی را ایفا می‌کند.
۴. مادران شاغل در مقایسه با مادرانی که فاقد شغل هستند مشقات بیشتری را از منظر اجتماعی و خانوادگی متحمل می‌شوند.
۵. تفاوتی که در شیوه‌های اجتماعی و فرهنگی فرزندپروری وجود دارد خانواده و به ویژه مادر را در امر تربیت فرزند دچار چندگانگی می‌کند.
۶. سیاست‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های حاصل از رویکردهای فرهنگی در امر فرزندپروری مادر اثرگذار خواهد بود.

۷. توجه حوزه‌های آموزش و پرورش در کاهش استرس و ضعف روانی مادر نقش مثبتی دارد.

### چارچوب نظری

اندیشمندان علوم اجتماعی و رفتاری، نقش کلیدی و سرنوشت‌ساز مادر را در به دنیا آوردن فرزند، تربیت نسل و انتقال فرهنگ به نسل بعدی، شکل‌دهی به شبکه خویشاوندی و پی‌ریزی بنیان خانواده، مورد اشاره قرار داده‌اند و مادر را یک رابط و کارگزار مهم در بازتولید ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه و خانواده به نسل‌های آینده می‌دانند. موضوع ایفای نقش مادرانگی و اهمیت جایگاه مادر، معمولاً با موضوعاتی نظیر متقابل بودن حقوق و وظایف مادر-فرزند و نیز انتظارات اجتماعی وسیع و مسئولیت‌های سنگین اجتماعی از نقش مادر عجین شده است. از دیگر سو، بحث از نقش مادری همواره با احساسات و عواطف عمیق و تعهدپذیری شدید مادر نسبت به فرزندان درآمیخته می‌شود. شاید گستردگی انتظارات اجتماعی در خصوص نقش مادری است که مانع از شکل‌گیری و توسعه چارچوب‌های تحلیلی و نظری شده که بتواند همه ابعاد و اجزاء نقش مادری را به‌طور جامع و کامل مورد بحث و کنکاش قرار دهد. با این حال در این قسمت، با کمک از ادبیات نظری موجود به تحلیل قواعد و هنجارهای اجتماعی در رابطه با نقش‌ها و انتظارات مادری پرداخته شده است. به اعتقاد دورکیم وقایع اجتماعی شیوه عمل، اندیشه و احساساتی هستند که خارج از فرد بوده و بیرون از زندگی و ادراک، واقعیتی مخصوص به خود دارند. از جمله ویژگی‌های وقایع اجتماعی این است که دارای نیروی جبری بوده که مردم را به تبعیت از خود مقید می‌کند. به عبارتی، توان آن را دارند که کنش‌های انسان را محدود و در چارچوبی که مدنظرشان هست، بگنجانند (گیدنز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). بر اساس نظریه دورکیم<sup>۲</sup>، وقایع اجتماعی مانند دستورالعملی می‌مانند که افراد را الزام می‌کنند از قواعدی که آنها تعیین می‌کنند، پیروی کرده و قدرت انتخاب و اختیار انسان را محدود کرده و به دست خود می‌گیرند. حال ممکن است اگر انسان نسبت به این قواعد انتقاداتی داشته باشد با مانع روبه‌رو شده و در سطح گسترده‌تر با مجازات

1. Giddens

2. Durkheim



و تنبیه‌هایی چون طرد اجتماعی مواجه شوند. پس از آنجا که قدرت رسوخ قواعد اجتماعی بر مردم جامعه بیشتر است اگر فردی احساس نارضایتی و رنجیدگی داشته باشد به اجبار برای مورد مقبولیت قرار گرفتن جامعه تمام سعی خود را در جهت پابندی به این قواعد به کار گیرد. نقش‌ها و انتظارات از مادر نیز در چنین وضعیتی قابل تحلیل است.

باید توجه داشت در کنار قواعد اجتماعی جامعه، فرهنگ نیز بر شخصیت و کنش افراد اثرگذار خواهد بود. در این مسیر با استفاده از نظریه‌های مکتب فرهنگ و شخصیت در انسان‌شناسی و به‌طور خاص مارگارت مید<sup>۱</sup> سعی می‌شود مسئله جنسیت و انتظارات و نقش‌های جنسیتی از دریچه نظریه‌های انسان‌شناسی مطرح شود. مید در اندیشه‌های خود بیشتر بر قالب‌پذیری شخصیت تأکید می‌کند و معتقد است پدیده انتقال فرهنگی در اجتماعی شدن افراد و چگونگی شخصیت آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند. از نظر وی باید بررسی الگوهای آموزشی مهم‌ترین هدف انسان‌شناسان باشد تا از طریق آن بتوانند نحوه نفوذ فرهنگ بر فرد و رابطه بعد غالب در هر شخصیتی را با فرهنگ درک کرد. مید در بحث اثرگذاری فرهنگ بر فرد مبحث هویت جنسی را نیز مطرح می‌سازد. او بر این باور است که ویژگی‌هایی که در فرهنگ به افراد برچسب زنانگی و مردانگی می‌دهند لزوماً از موقعیت زیستی مؤنث یا مذکر بودن ریشه نمی‌گیرد. بلکه حاصل الگوهای فرهنگی هستند که در شکل دادن به شخصیت زن یا مرد مؤثرند. به عبارتی، از نظر مید زن یا مرد بودن دو نوع شخصیت حاصل از تربیت است و چیزی نیست که ماورای اراده ما قرار گیرد و تربیت خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی آنچه را تحت عنوان «زنانگی» و «مردانگی» تبیین کرده در قالب الگوهای فکری، عملی و رفتاری به فرد منتقل می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۰۶). بنابراین، طبق دیدگاه مید، فرهنگ در قالب الگوها و باورهای فرهنگی سعی می‌کند طرز فکر و الگوهای عملی و رفتاری خود را متناسب با در نظر گرفتن جنسیت به افراد تحت سیطره فرهنگی خود غالب کند و افراد نیز از آنجا که به فرهنگ خود تعلق خاطر دارند تلاش می‌کنند عملکرد خود را در چارچوب باورهای فرهنگی مردم جامعه خود به کار گیرند هرچند در این مسیر ممکن است دچار مشقت و سختی گردند.

<sup>۱</sup>. Mead

متناسب با موضوع پژوهش‌مان بهره‌گیری از نظریه‌های فمینیستی نیز مورد توجه است. به این ترتیب نسل نخست انسان‌شناسان فمینیست شامل کسانی چون الزی کلوز پارسونز، آلیس فلچر و فیلیس ام. کیبری بودند که خواهان برابری حقوق زن و مرد در عرصه‌های گوناگون بودند. بالاخص آنها در زمینه انجام پژوهش‌های میدانی خواهان برابری زنان و مردان بوده و معتقدند هیچ محیط تحقیقی برای زنان نامناسب نیست و جامعه باید رویکرد خود را نسبت به ضعیف بودن زنان کنار بگذارد. نسل دوم انسان‌شناسان فمینیست، چهره‌های معروفی چون سیمون دوبوار، مارگارت مید و روث بندیکت و... هستند که میان جنس و جنسیت تفکیک قائل شده و زنانگی را نه یک موقعیت بیولوژیک، بلکه یک موقعیت اجتماعی - فرهنگی می‌دانستند که به واسطه جامعه به صورت جنبه‌ای قراردادی به وجود آمده و ضرورتی طبیعی ندارد. در نهایت، موج سوم در انسان‌شناسی فمینیستی از دهه ۸۰ قرن بیستم آغاز شد و تا امروزه ادامه یافته است و مطالعاتی عمیق را بر حیات اجتماعی - فرهنگی زنان و مردان انجام داده که نشان‌دهنده آن است عنصر بیولوژیک حضوری دائم و موثر در فرهنگ دارد (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۳۲-۲۳۱).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد مردم‌نگاری انتقادی صورت گرفته است. با این توضیح که مردم‌نگاری انتقادی با این مسئولیت اخلاقی آغاز می‌شود که فرآیندهای بی‌عدالتی در محدوده خاص «زندگی افراد» را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، منظور از مردم‌نگاری انتقادی، مردم‌نگاری متعارفی که به دنبال درک و تفسیر تجارب عمیق و توصیف‌های تجربه‌گرایانه و تقلیل‌گرایانه اتمیستی از تجارب و حتی توصیف‌های ضخیم کسانی مثل کلیفورد گیرتز نیست. بلکه یک «تجربه فرهنگی»، درون فضای زندگی روزمره را شامل می‌شود که «شرایط ساختاری» و یا «قدرتی اجتماعی» ساحت تولید و بازتولید آن را شکل می‌دهد. هدف مردم‌نگاری انتقادی نیز بررسی یک تجربه فرهنگی در درون فضا و محیط زندگی روزمره است که خود مبتنی و مشروط بر یک شرایط اجتماعی / ساختاری می‌باشد (کارسپیکن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۱۵۵). در این راستا، برای روش‌شناسی این پژوهش، از رویکرد پنج

<sup>۱</sup>. Carspecken





مرحله‌ای کارسپیکن بهره گرفته شد. توماس و کارسپیکن از جمله صاحب‌نظران متأخری بودند که در توسعه مردم‌نگاری انتقادی سهم به‌سزایی داشتند. توماس، بنیان‌های نظری مردم‌نگاری انتقادی و کارسپیکن نظریه روش‌شناختی و فنون تجربی را جهت تحلیل داده‌ها و یافته‌ها در مردم‌نگاری انتقادی فراهم نمود (کوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵:۱۳۲). در واقع هدف کارسپیکن در مردم‌نگاری انتقادی، ایجاد شالوده و مبنای علمی می‌باشد (فولی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۴۸۶). ایجاد این شالوده علمی در مردم‌نگاری انتقادی در عمل مانع تقلیل و ساده‌سازی مردم‌نگاری انتقادی و به نوعی انتقاد فرهنگی و اجتماعی می‌شود و محقق سعی دارد تا با به‌کارگیری نظریه‌ها و رویکردهای انتقادی و سپس تحلیل تماتیک داده‌های جمع‌آوری شده نسبت به موضوع مورد مطالعه به تبیین انتقادی دست یابد. از این‌رو مردم‌نگاری انتقادی به‌ویژه مردم‌نگاری انتقادی کارسپیکن در ایران، روش نسبتاً نوینی است که به‌صورت پراکنده در برخی پژوهش‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است (گرگی و گودرزی، ۱۳۹۸: ۱۴۱).

رویکرد کارسپیکن در انجام مردم‌نگاری انتقادی دارای پنج مرحله به‌شرح جدول ۱ است که به‌ترتیب در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول ۱. مراحل پنج‌گانه پژوهش کیفی انتقادی کارسپیکن

مرحله	توصیف	جمع‌آوری داده‌ها	تحلیل
۱	ساخت استنادات اولیه (چه خبر است؟)	کار میدانی، مشاهده غیرمشارکتی، منفرد، بدون جلب توجه، بازانديشانه	واسازی فرهنگی (اتیک)
۲	تفسیر محقق (رویکرد اتیک)	تجزیه و تحلیل برساختی پیشینی	واسازی فرهنگی (اتیک)
۳	پرورش داده‌های گفتگومحور مرحله همکاری/مشارکتی	کارمیدانی، مشاهده مشارکتی، تعاملی، مصاحبه و بازانديشی	واسازی فرهنگی (امیک)
۴	توصیف روابط سیستم‌ها در زمینه کلان‌تر	انجام تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، بین مکان‌ها/ سایت‌ها/ فرهنگ‌ها (کشف)	تجزیه و تحلیل سیستم (اتیک)

<sup>۱</sup>. Cook

<sup>۲</sup>. Foley

تجزیه و تحلیل سیستم (اتیک)	پیوند یافته‌ها با نظریه‌های سطح کلان (تبیین)	تبیین نظام رابطه‌ای	۵
-------------------------------	---	---------------------	---

منبع: هاردکستل و همکاران (۲۰۰۶: ۱۵۳)

رویکرد کارسپکین شامل پنج مرحله است. مرحله اول شامل مشاهده غیرمشارکتی برای ورود به میدان تحقیق است. در این مرحله محقق به صورت ناشناس وارد میدان تحقیق شده و در فرآیندها مشارکت می‌کند و سعی دارد از تمامی فرآیندها و امور آگاه شود. یادداشت روزانه و لحظه‌ای بردارد و تمامی امور را ثبت و ضبط کند. رویکرد این مرحله اتیک است و محقق سعی می‌کند برداشت‌های خود از مشاهدات را منظم کند. در تیرماه ۱۳۹۹ مشاهده مشارکتی با ورود به میدان تحقیق در منزل مسکونی دوستان و اقوام یکی از اعضای تیم تحقیق حاضر که فرزند زیر دو سال داشتند صورت گرفت. محقق به عنوان مشاهده‌گر و ناظر بیرونی و با تماس و مشارکت با افراد مورد مطالعه به منظور دستیابی به شناختی عام و کلی از موضوع مورد مطالعه به جمع‌آوری داده‌های مشاهده‌ای پرداخت. حضور در این مرحله غیرملموس بود. زیرا امکان داشت حضور ملموس باعث ایجاد واکنش مادران شود. در این زمینه به مادران گفته شد که کارهای روزانه خود را انجام دهند و محقق را صرفاً به‌عنوان یک عضو خانه در نظر بگیرند. هرچند این امر مسائلی را در حین مشاهده به همراه داشت و فضا را تا حدی مصنوعی می‌ساخت. اما به هر صورت در طی این مشاهده یکی از محققان سعی کرد تمامی رفتار، حرکات، حالات و صحبت‌های افراد حاضر را در نظر بگیرد و آن‌ها را ثبت و ضبط کند تا با دقت بر روی آن‌ها بفهمد که کدام یک از ابعاد باید مورد بررسی و توجه قرار گیرند. انجام این مشاهدات تا آنجا ادامه پیدا کرد که دیگر امکان جمع‌آوری اطلاعات جدید در میدان تحقیق از طریق مشاهده وجود نداشت. از این داده‌های مشاهده‌ای برای شناسایی دقیق‌تر زمینه و محیط مورد مطالعه استفاده شد. این مرحله تا اوایل ۱۴۰۱ به طول انجامید.

مرحله دوم شامل تحلیل برساختی پیشینی از مشاهدات خود است. در این مرحله، محققان سعی می‌کنند مشاهدات منظم خود را ساماندهی کنند و تحلیل‌های اولیه از میدان ارائه دهند. روابط و مناسبات قدرت را کشف نموده و شبکه تصمیم‌سازی‌ها، شبکه تعاملات و روابط پشت پرده و ... در این مرحله مورد تحلیل اولیه قرار می‌گیرد. این مرحله نیز رویکرد اتیک دارد و در آن محقق



مقوله‌های اولیه را طراحی و آماده رویکرد امیک در مرحله بعدی می‌کند که شامل گفتگوهای آشکار است. بنابراین محققان بر مبنای اطلاعاتی که از طریق مشاهده تجارب دوستان و خویشانی که مادر شده بودند یک تحلیل اولیه از مشاهدات را ترسیم کرده بودند. مرحله سوم رویکردی امیک دارد. در این مرحله دوباره ورود به میدان اتفاق می‌افتد. اما این بار محقق به مشارکت‌کنندگان اطلاع می‌دهد که پژوهشی در این راستا در حال انجام است. در این مرحله، دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات مشارکت‌کنندگان در تحقیق از طریق مصاحبه‌های فردی جمع‌آوری می‌شود. زیرا هدف، انجام پژوهش و کشف و شناسایی میدان‌های معنا و تولید داده‌ها با مشارکت افراد مورد مطالعه است (کارسپیکن، ۱۹۹۶: ۱۵۵). مصاحبه با ۱۵ نفر از مادرانی که دارای فرزند زیر دو سال بودند به‌طور عمیق تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

مصاحبه با افراد مورد مطالعه، فرآیندی هرمنوتیکی و تفسیری است و آن را نمی‌توان فرایند ساده جمع‌آوری اطلاعات و مستقل از زمینه دانست. از طریق داده‌های حاصل از مصاحبه در این مرحله، مضامین و داده‌هایی به‌دست آمد؛ که البته به گفته کارسپیکن اطلاعات به‌دست آمده در این مرحله ممکن است، شناختی را که محقق طی مراحل پیشین به‌دست آورده، حفظ یا مورد تردید قرار دهد. داده‌های حاصله از مصاحبه با رکوردهای اولیه مقایسه می‌شود. از آنجا که صدای افراد مورد مطالعه محور تحقیق است، با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان صدای آنها ضبط و ثبت و سپس به‌صورت کامل، دقیق و با جزئیات پیاده‌سازی می‌گردد. هدف از این مراحل، بازسازی مضامین و حرکت بین ساختارهای فرهنگی از طریق مدل‌های تحلیل انتقادی است.

دو مرحله مرحله چهارم و پنجم که در واقع با هم انجام می‌شود رویکرد اتیک به مسئله دارد و به نوعی بین رویکرد امیک و اتیک در رفت و برگشت است. در اینجا سعی می‌شود با نگاه جامعه‌شناختی، داده‌های مورد بررسی، تجزیه و تحلیل شوند و حاصل امر در مرحله تفسیر و امیک صرف نماند. این مرحله، با مفهوم بازتولید اجتماعی مرتبط است و نحوه‌ای که سطوح خرد و کلان یکدیگر را بازتولید می‌کنند نشان می‌دهد. هدف از این مرحله شناسایی روابط و هم-شکلی‌های فرهنگی بین زمینه مورد مطالعه با قلمروهای پیرامونی و سطوح کلان‌تر واقعیت است. تحلیل سیستم‌ها، بخش عمده‌ای از مردم‌نگاری انتقادی کارسپیکن است که سهم قابل توجهی در

افزایش اعتبار پژوهش دارد. در این مرحله داده‌های به‌دست آمده از مراحل سه‌گانه قبلی با عوامل نهادی، سیاسی و اجتماعی کلان مقایسه می‌گردد (استوارت و آشر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۹۹۷).

میدان مورد مطالعه این پژوهش شهرستان زرند است. مشارکت‌کنندگان، ۱۵ نفر از مادران که دارای فرزند زیر دو سال هستند در بازه‌های سنی متفاوت و با دارا بودن ویژگی‌ها و معیار شمول مختلف از جمله وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال، تحصیلات، سلامت جسمی فرزند و مواردی از این قبیل به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. به‌منظور دستیابی به اطلاعات پربازده و مقولات غنی‌تر و عمیق‌تر، پراکندگی نمونه‌ها به نقاط و محله‌های مختلف با توجه به بافت فرهنگی و وضعیت اقتصادی بسط پیدا کرد. سپس با توجه به حضور فعالانه و پررنگ یکی از محققان در میدان تحقیق و مشاهده غیرمشارکتی او و همچنین تلاشی که در جهت آشکارسازی جزئیات و لایه‌های پنهان موضوع مورد مطالعه خود داشته، مسیر و جهت مصاحبه‌ها تعیین، اسازی و مورد بررسی و بازنگری عمیق قرار گرفت. به مرور زمان با تحلیل و تفسیر مداوم داده‌هایی که محقق به‌دست آورد مسیر تحقیق مشخص شد. نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها، به‌طور عمیق و با دقت تا جایی که دیگر اطلاعات جدیدی از جانب مشارکت‌کنندگان جدید حاصل نگردید - یعنی رسیدن به اشباع نظری - ادامه یافت.

در این تحقیق ملاحظات اخلاقی نظیر پیش‌گیری از آسیب قانونی، رضایت آگاهانه، رعایت حریم شخصی، حفظ گم‌نامی و رازداری مورد ملاحظه قرار گرفت. به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد گفته‌های آن‌ها مسأله‌ای برای آنان ایجاد نکند. بدین‌منظور تنها با کسانی مصاحبه شد که رضایت کامل داشتند و اطلاعاتی نظیر موضوع پژوهش، هدف و شیوه انجام، تضمین گم‌نامی و رازداری و نحوه گزارش تحقیق در اختیار آن‌ها قرار داده شد. برای حفظ معیار گم‌نامی از اسامی مستعار استفاده شد. برای حفظ معیار رازداری نیز از انتشار اطلاعات خصوصی مشارکت‌کنندگان اجتناب شد. پیش از مصاحبه، از تمام مصاحبه‌هاشوندگان رضایت‌نامه با امضای هر دو طرف اخذ شد که یک نسخه از آن نزد محقق و یک نسخه در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت.

<sup>۱</sup>. Stewart & Usher



قابلیت اعتماد<sup>۱</sup> یافته‌های پژوهش طبق اصول کرسول و میلر<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و به روش تماس طولانی با محیط پژوهش و مشاهده مستمر در میدان تحقیق، تبادل نظر همتایان<sup>۳</sup>، کفایت مراجع<sup>۴</sup>، توصیف غنی<sup>۵</sup> و تأیید مشارکت‌کنندگان<sup>۶</sup> مورد تأیید واقع شد. پایایی<sup>۷</sup> تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه مطلوب، ثبت کامل رخدادها و پیاده‌سازی آنان انجام و تأیید شد و پس از آن مرحله تحلیل داده‌ها آغاز شد. در ادامه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۲ ذکر گردیده است.

جدول ۲. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد پاسخگو	نام (مستعار)	سن	وضعیت شغلی	تعداد فرزند	تحصیلات
۱	مریم	۳۲	خانه‌دار	دارای دو فرزند	فوق‌دیپلم
۲	زهرا	۲۶	خانه‌دار	دارای یک فرزند	لیسانس
۳	وحیده	۲۴	خانه‌دار	دارای یک فرزند	لیسانس
۴	مهدیه	۳۸	خانه‌دار	دارای دو فرزند	سیکل
۵	رقيه	۲۹	خانه‌دار	دارای دو فرزند	لیسانس حوزوی
۶	فاطمه	۲۴	خانه‌دار	دارای یک فرزند	دیپلم
۷	مهلا	۲۵	خانه‌دار	دارای یک فرزند	لیسانس
۸	الهام	۳۰	خانه‌دار	دارای دو فرزند	فوق‌لیسانس
۹	سحر	۲۷	معلم	دارای یک فرزند	لیسانس
۱۰	مهناز	۳۲	شاغل بخش خصوصی	دارای یک فرزند	فوق‌لیسانس
۱۱	حدیث	۲۵	خانه‌دار	دارای یک فرزند	فوق‌دیپلم
۱۲	زینب	۳۵	خانه‌دار	دارای دو فرزند	دیپلم

1. Credibility or Trustworthiness

2. Creswell & Miller

3. Peer Debriefing

4. Referential Adequacy

5. External Audit

6. Member Checking

7. Dependability

۱۳	سمیه	۲۹	خانه‌دار	دارای یک فرزند	دیپلم
۱۴	سارا	۲۵	خانه‌دار	دارای یک فرزند	دیپلم
۱۵	فرشته	۲۷	خانه‌دار	دارای یک فرزند	لیسانس

منبع: یافته‌های پژوهش

### یافته‌های پژوهش

آنچه از مصاحبه‌ها به دست آمد، به صورت یک جدول مفهومی است که گزاره‌های معنادار آن کدگذاری شده است. در این جدول مقولات فرعی با مقولات اصلی بیان شده و برای کاهش حجم مطالب از ذکر مفاهیم و گزاره‌ها صرف نظر شده است. یافته‌های پژوهش شامل ۳۳ مقوله فرعی و ۲۰ مقوله اصلی است که در جدول ۳ قابل مشاهده است. در ادامه به صورت کامل بر اساس مقولات اصلی توضیح داده شده است.

جدول ۳. مقولات اصلی و فرعی مستخرج از تحقیق

ردیف	مضامین فرعی	مضامین اصلی
۱	تحمل فشار روانی پس از زایمان	فرسایش جسمی/روانی مادر
۲	فرسایش روانی به واسطه مشکلات جسمانی	
۳	دغدغه‌مندی‌های رشد کودک	دغدغه‌مندی‌های رشد کودک
۴	تعلد نیاز با افزایش سن فرزند	تعلد نیاز با افزایش سن فرزند
۵	الگوپذیری فرزند و لزوم تعامل رفتاری سازنده والدین	ضرورت توازن رفتاری و رفاهی والدین با فرزندان
۶	اهمیت تعادل عاطفی و رفاهی بین فرزندان	
۷	حساسیت‌های مادر به واسطه کنترل‌ناپذیری فرزند	حساسیت‌های مادر به واسطه کنترل‌ناپذیری فرزند
۸	آشفتگی در تدبیر منزل	آشفتگی در تدبیر منزل
۹	مسئولیت کامل مادر در تربیت فرزند و خستگی‌پذیری او	تکلیف‌محوری فرزندپروری بر مادر
۱۰	نگرش منفی به مراقبت از فرزند توسط شخصی غیر از مادر	
۱۱	جلوه‌گری نامعقول از همکاری مرد در خانه‌داری	قدرت مرزهای جنسیتی در عمل
۱۲	تقسیم کار جنسیتی	



محدودیت‌های فراغتی/شغلی	محدودیت در فراغت و زیباسازی ظاهری	۱۳
	قربانی‌سازی علاقه/حرفه	۱۴
	کلیشه‌های محدودکننده زنان به خانه‌داری	۱۵
مداخلات دیگران قاضی	حساسیت‌های تعاملی	۱۶
	دغدغه‌ها و آزرده‌گی از مداخلات دیگران در شیوه فرزندپروری	۱۷
	قضاوت‌های ناروا از مادری	۱۸
	شکندگی عاطفی مادر از تعاملات اطرافیان	۱۹
	آزرده‌گی از قضاوت‌های منفی در رابطه با حاملگی در دوران عقد	۲۰
	آزرده‌گی از برچسب جنسیت‌زایی زن	۲۱
	لزوم نامگذاری شخصی فرزند	۲۲
ترجیح جنسیتی	ترجیح جنسیتی	۲۳
صرفه‌جویی مالی مادر	صرفه‌جویی مالی مادر	۲۴
موقعیت اجتماعی متزلزل مادر	موقعیت اجتماعی متزلزل مادر	۲۵
فراهم‌سازی بسترهای حمایتی عاطفی	اثر سازنده حمایت عاطفی	۲۶
	ضرورت ارتقای عزت‌نفس و مهم پنداشتن علایق مادر	۲۷
ضرورت تساوی و عدالت‌محوری حقوق جنسیتی	ضرورت تساوی و عدالت‌محوری حقوق جنسیتی	۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

### فرسایش جسمی / روانی مادر

مادر در طول دوران بارداری و پس از زایمان به سبب قرارگیری در موقعیت و نقشی جدید و همچنین مشکلات و ضعف جسمانی که پیدا می‌کند، دچار فشار روانی شده و روحیه‌اش متزلزل می‌گردد. این فشار روانی از سوی عوامل متعددی بر مادر وارد می‌شود. وی بعد از تولد فرزندش در وضعیت جدیدی قرار می‌گیرد که تجربه چندانی در رابطه با آن ندارد. سمیه در این باره بیان می‌کند:

«دلیلش فک کنم اینه زمانی که یه خانم زایمان می‌کنه و فرزندش به دنیا می‌آد توی شرایط جدید قرار می‌گیره که تموم نمی‌شه و روز به روز هم یه مسائل جدیدی برایش به وجود

می‌آد، یه روز بچه دل‌درد داره، یه روز زردی داره، یه روز درست غذا نمی‌خوره، یه روز باید واکسن بزنه، حتی موقع راه رفتن و سایر مسائلش هم باید استرس داشته باشی که به موقع اتفاق بیفته یا یه مادر خوب و با تجربه باشی تا بتونی نیازهاش رو برطرف کنی و اینها مادر رو دچار فشار می‌کنه و احساس افسردگی و اضطراب بهش دست می‌ده» بنابراین اکثر مادران پس از زایمان مخصوصاً اگر زایمان اولشان باشد، اضطراب و دلهره بیشتری را تجربه می‌کنند. از نظر آنها در کنار قرارگیری مادر در یک وضعیت جدید، آگاهی از نیازهای نوزاد و برطرف‌سازی آنها مسئله مهم‌تری است که مادر با آن روبه‌رو می‌شود و مدام استرس این را دارد که چه واکنشی را از خود نشان دهد که با برآورده کردن نیاز نوزاد تناسب داشته باشد.

#### دغدغه‌مندی‌های رشد کودک

پس از تولد فرزند دغدغه‌مندی مادر نسبت به رشد و تربیت او بیشتر خواهد شد. زیرا دیگر فرزند از وجود جسمانی مادر خارج و در برابر دیدگان او قرار دارد و حساسیت زیادی را نسبت به رشد جسمانی، تربیت، عقاید، شخصیت و اخلاقیات فرزندش پیدا می‌کند. اصلی‌ترین نگرانی مادر در رابطه با تربیت صحیح و نحوه برخورد مناسب فرزند در تعامل با دنیای پیرامونش است. مریم در این باره می‌گوید:

«خب تا وقتی بچه نوزاده از نظر نیازهای اولیه به مادر وابسته هست. اما هر چی می‌گذره باید رو تربیتش حساس باشی تا درست تربیت بشه، از نظر امنیتی باید مراقب باشی کجاها رفت و آمد می‌کنه، از نظر عاطفی باید جوری باهاش رفتار کنی که بهش برنخوره و بفهمه که تنها کسی که خوبیش رو می‌خواد مادرشه همه اینا باعث مشغله ذهنی مادر می‌شه دیگه»

مطابق این نظر با رشد مرحله به مرحله کودک، مسئولیت مادر در امر تربیت و مراقبت از فرزند افزایش یافته و مهم‌تر این‌که نوع رفتاری که او در مسئله تربیت به‌کار می‌گیرد در واکنش رفتاری فرزندش مؤثر خواهد بود.





### تعدد نیاز با افزایش سن فرزند

با افزایش سن کودک و آگاهی او نسبت به امکاناتی که می‌تواند در بهزیستی و راحتی زندگی‌اش کمک‌کننده باشد، توقع او از خانواده برای تأمین نیازهای متعدد افزایش می‌یابد. به طوری که فاطمه می‌گوید:

«هر کدوم از بچه‌ها نظرات و نیازهای مختلفی دارند که مادر باید با صبوری نیازهای فرزندش رو رفع کنه».

به این ترتیب تعدد نیازهای فرزندان صبوری و تحمل زیاد مادر را می‌طلبد. زیرا فرزندان در هم‌کنشی بیشتری با مادر قرار دارند، و این امر انتظار آنها از مادر برای توجه به نیازهای گوناگون‌شان و پاسخگویی مناسب به آن را بالا می‌برد.

### ضرورت توازن رفتاری و رفاهی مادر با فرزندان

تساوی عاطفی و رفاهی والدین در تربیت هر یک از فرزندان بسیار مهم است. در این زمینه سمیه معتقد است:

«این‌که بچه‌ها با شرایط و امکانات یکسانی بزرگ بشن و نخواد حسادت بین‌شون به وجود بیاد، مهم‌ترین دغدغه‌یه مادری، الان شرایط اقتصادی اونقدر تغییر کرده که من امکاناتی رو که واسه بچه اولم به وجود آوردم، شاید نتونم برای دومی به وجود بیارم و می‌ترسم اگه بچه دومم به دنیا بیاد بگه واسه داداش اسباب‌بازی یا وسایل بیشتری خریدی و درگیری بین‌شون ایجاد بشه و این خودش باعث می‌شه بچه از جمع خانوادگیش دل‌سرد بشه و باهاشون راحت نباشه»

بنابراین عملکرد رفتاری مادر و به‌طور کلی والدین و امکاناتی که از سوی آنها برای فرزندان‌شان تأمین می‌شود توسط فرزندان مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بدین‌منظور اگر هر یک از فرزندان احساس کنند والدین به خواهر یا برادرشان توجه و محبت بیشتری دارند، یا به مقایسه فرزندان‌شان با یکدیگر می‌پردازند، زمینه ایجاد حسادت و خلأ عاطفی در فرزند را به‌وجود آورده و ممکن است علاقه او به والدین تحت‌الشعاع قرار گیرد.

### حساسیت مادر به واسطه کنترل ناپذیری فرزند

نگرانی‌ها و حساسیت‌های مادر در مورد آینده فرزندان و تربیت و جامعه‌پذیری صحیح آنان، از خلال مصاحبه‌ها هویدا بود. برخی از مشارکت‌کنندگان در خصوص توانایی نظارت و کنترل بر رفتارهای فرزندان، همزمانی که کودک به تدریج بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود، ابراز نگرانی می‌کردند. بخشی از این نگرانی‌ها، احتمالاً بر اساس تجربه است که مادران بین اطرافیان یا در سطح جامعه شاهد آن بوده‌اند و نتایج تحقیقات نیز بر آنان صحنه نهاده‌اند. می‌توان گفت با رسیدن فرزند به دوره نوجوانی، نقش کنترلی مادر بر او کاهش قابل توجهی یافته و فرزند نوجوان، نظرات بزرگسالان را همانند دوران کودکی نمی‌پذیرد. دوران نوجوانی فرزند از فعال‌ترین و هیجان‌آورترین اتفاقات چرخه زندگی خانوادگی محسوب می‌شود و ماهیت روابط خانوادگی را دچار تغییراتی می‌کند. نوجوان زمان بیشتری را با دوستان خود سپری می‌کند. در مقابل خواسته‌های والدینش مقاومت نشان داده و هرگونه مداخله آنها را تهدیدی برای استقلال و آزادی‌اش می‌داند. همچنین به دلیل شرایط بلوغی که فرزند نوجوان در این دوره تجربه می‌کند از غرور و سرکشی بیشتری برخوردار بوده و واکنش اخلاقی تندتری را نسبت به والدینش نشان می‌دهد (قمری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). این امر نگرانی والدین و به‌خصوص مادر را نسبت به آینده فرزند افزایش می‌دهد. چنان‌چه سارا می‌گوید:

«وقتی بچه بزرگ می‌شه اختلاف‌هایی که با پدر و مادر داره بیشتر مشخص می‌شه، پدرها زیاد حساس نیستن و اگه دعوایی هم با بچشون بکنن زیاد براشون مهم نیست. ولی مادر دلش نمی‌آد با بچش دعوا کنه و اگه دعوایی هم تو خونه پیش بیاد بیشتر می‌ترسه و نگرانه چون می‌گه الان بچه لجبازی کنه و یه بلایی سر خودش بیاره»

بدین صورت با افزایش سن فرزند، کنترل‌پذیری او از سوی خانواده مشکل شده و می‌توان اصطلاح شکاف نسل را برای روابط آنها به کار برد. شکاف نسل؛ اختلاف عمیق میان ارزش‌ها و نگرش‌های دو نسل است و بسیاری از صاحب‌نظران بخش عمده‌ای از اختلافات میان والدین و فرزندان را ناشی از این پدیده می‌دانند (قمری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). دلیل ایجاد شکاف نسل شاید آن باشد فرزند ارزش‌ها و اعتقادات والدین را قدیمی و متحجر می‌داند و تصور می‌کند آنها می‌خواهند نظرات‌شان



را به او تحمیل نمایند. این درک ناصحیح سبب می‌شود در برابر انتظارات والدین واکنشی لجبازانه به خود بگیرد و سعی کند به آنها بفهماند کنترل‌پذیری وی تنها در دوره‌ی کودکی بوده و اکنون خود اختیار عمل و رفتارش را در دست دارد.

### آشفته‌گی در تدبیر امور منزل

با تولد فرزند چگونگی شرایط زندگی مادر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. از جمله می‌توان به محدودیت مادر در رسیدگی به کارهای منزل نسبت به قبل از تولد فرزند اشاره کرد. وحیده در این باره می‌گوید:

«همه نظم زندگی به هم می‌خوره، هر موقع بچه خوابش برد آگه کارای عقب افتاده نداشته باشی، می‌تونی بخوابی. بیرون رفتن مثل قبل نیست. باید ببینی اونجا مناسب بچه هست یا نه، وقتی بیرون می‌ری هم باید مدام حواست به بچه باشه، حتی یه دوش ساده گرفتن، رسیدگی به خودت و خونه همه تحت‌الشعاع قرار می‌گیره»

تعداد زیادی از مادران معتقدند رویه نظم در رسیدگی و انجام امور پس از فرزندار شدن تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. زیرا فرزند یک موجود زنده و دارای جنب‌وجوش بوده و هرچه بزرگ‌تر می‌شود فعالیت و حرکت او افزایش یافته و مادر را مجاب به مراقبت بیشتر از او می‌کند. پس فرزند چون مداخله‌گری محسوب می‌شود که برنامه‌ریزی مادر و انضباط او در انجام کارهای منزل را به هم ریخته و موجب افزایش ظایف او می‌گردد.

### تکلیف‌محوری فرزندپروری بر مادر

آنچه شرایط را در تکلیف‌پذیری مادران خانه‌دار و همچنین مادران شاغل دشوارتر می‌کند، توقعاتی است که راجع به مسئولیت فردی مادر در تعلیم و پرورش فرزند از سوی افراد و اجتماعی که در آن زندگی که در آن زندگی می‌کند، اعمال می‌شود. برای نمونه حدیث بیان می‌کند:

«مهم‌ترین چیزی که خانم‌ها باهاش روبه‌رو هستن و اکثراً هم باهاش مشکل دارن اینه صفر تا صد تربیت بچه رو می‌ندازن گردن مادر و این کلاً تو جامعه جا افتاده و چیزی هم که جا افتاده باشه تغییرش مشکله. این حجم مسئولیت، خستگی یه زن رو بیشتر می‌کنه»

این حجم از انتظارات که بخش اعظمی از رسالت فرزندپروری را بر دوش مادر می‌اندازد، خستگی و فرسودگی بسیاری را برای او به وجود می‌آورد.

### قدرت مرزهای جنسیتی در عمل

زمانی که از دیدگاه عموم جامعه رسالت فرزندپروری تنها به عهده مادر باشد این باعث ایجاد شکاف در همکاری و مشارکت میان زوجین در خانواده می‌شود. در واقع در یک اصطلاح کامل‌تر نوعی تقسیم کار جنسیتی را بین زن و مرد ایجاد می‌کند که وظیفه انجام امور داخل خانه را به زن و امور خارج از خانه را به مرد محول می‌کند. اگر به تاریخچه نقش‌های جنسیتی نگاهی بیاندازیم، این نقش‌ها به مرور دچار تغییراتی شده‌اند. به‌طور کلی تقسیم کار جنسیتی در جوامع سنتی که کارهای خانه مثل رسیدگی به فرزندان، پخت‌وپز، شست‌وشو، نظافت منزل و... به عهده زنان و فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی بیرون از خانه و همچنین مدیریت امور مربوط به خانواده از آن مردان بود (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵). وجود این باور مرکزگرای جنسیتی مخالفت فمینیست‌ها را که داعیه‌دار حمایت از زنان هستند را برمی‌انگیزد و فمینیست‌های رادیکال مخالفت سرسخت‌تری را در این باره از خود نشان می‌دهند. به اعتقاد این گروه از فمینیست‌ها سرآغاز ایجاد همه نابرابری‌های جنسیتی پدرسالاری است که امتیازات بیشتری را برای مردان چه در خانه و چه در بیرون خانه در نظر گرفته است (براتی و مرادخانی، ۱۳۹۳: ۱۴۴ به نقل از بستان، ۱۳۸۸). زهرا در این باره می‌گوید:

«به نظر من این فرهنگ غلط که همه کارهای خونه و کارهای بچه رو مادر باید انجام بده

و پدر فقط کارای بیرون خونه خیلی اذیت کنندس»

این نقطه‌نظر مطابق دیدگاه اُکلی در رابطه با تقسیم کار جنسیتی است. از نظر اُکلی تقسیم کار جنسیتی ساخته و پرداخته اجتماع بوده و ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارد (آبوت و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر این، او پدرسالاری را عامل تقسیم کار جنسیتی دانسته که فعالیت نهادهای فرهنگی جامعه را در پیدایش و تقویت آن امری مؤثر می‌داند (براتی و مرادخانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵ به نقل از بستان، ۱۳۸۸).



### محدودیت‌های فراغتی/شغلی

محدودیت زن به امر خانه‌داری و فرزندپروری زمینه پیشرفت او در علاقه‌مندی‌هایی که دارد را با مانع مواجه می‌سازد. اهمیت یافتن علایق فردی، یکی از زمینه‌های مهم تغییرات فرهنگی و ارزشی در جوامع غربی دانسته شده که برخی از نظریه‌ها تحت عناوینی مانند فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و فرامادی‌گرایی به آن اشاره کرده‌اند (لستیگ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰؛ ون‌دکا<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷ و اینگلهارت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). سمیه در این باره می‌گوید:

«از این‌که مثل قبل نمی‌تونستم واسه خودم وقت بزارم یه خورده برام مشکل بود. قبل از این‌که مادر بشم راحت می‌رفتم بیرون، همه‌جا می‌گشتم یا وقتی که می‌خواستم لباس یا چیز دیگه‌ای برای خودم بخرم با صبر و حوصله همه‌جا رو می‌گشتم و انتخاب می‌کردم ولی الان واسه یه خرید ضروری باید سریع بجنبم»

از آنجا که فرزندپروری بیشترین وقت مادر را در طول روز به خود اختصاص می‌دهد، مراودات فراغتی مادر مثل خرید و پاساژگردی، دورهمی با دوستان و فامیل و اهمیت او به ظاهر خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلیل اصلی این مسئله ایجاد محدودیت در آزادی مادر به واسطه مسئولیت فرزندپروری اوست. زیرا دیگر نمی‌تواند بدون دغدغه در مهمانی‌هایی که راغب به حضور در آنها است، یا برای تفریح و خرید زمان طولانی را اختصاص دهد و بالاجبار باید خودش را با شرایط فرزند مطابقت دهد. این یافته، متضمن دلالت‌هایی بر اهمیت نقش رشد فردیت و فردگرایی در تغییر رفتارهای فرزندآوری مادران و کاهش تعداد فرزندان آنان در سالیان اخیر می‌تواند باشد.

### مداخلات دیگران قاضی

علاوه بر مسئولیت و محدودیت‌هایی که به واسطه فرزندپروری بر مادر عرضه می‌شود، دخالت‌های اطرافیان در شیوه فرزندپروری نیز در بسیاری از مواقع برای مادر چالش‌آفرین است. برای مثال مهناز می‌گوید:

<sup>۱</sup>. Lesthaeghe

<sup>۲</sup>. Van de kaa

<sup>۳</sup>. Inglehaet

«حساسیتی که پیدا کرده بودم در رابطه با حرف‌ها و قضاوت‌های دیگران بود که هر جایی دخالت می‌کردن و نظر می‌دادن. تو بارداری اول مادر خیلی چیزها رو راجع بچه نمی‌دونه و تجربه‌ای نداره و این طبیعیه و به مرور آگاهی و اطلاعاتش بیشتر می‌شه. منم اول تو عوض کردن پوشک بچه یا شیر دادن بهش یا از کجا بفهمم دلیل گریه‌اش چیه مشکل داشتم و همه می‌گفتن اگه زودتر بچه آورده بودی هم تجربه بیشتری داشتی هم حوصلت بیشتر بود. در صورتی که ربطی نداره! یه مادر هر چی در توانش باشه برای این‌که بچش اذیت نشه انجام می‌ده و فقط بقیه با حرف‌ها و دخالت‌هاشون ناراحتش می‌کنن»

مادر با تولد فرزند، مخصوصاً اگر بارداری و زایمان نخست او باشد با تحولات جدیدی در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش تجربه می‌کند. بنابراین متناسب با شرایط جدیدی که مادر با آن مواجه شده است به‌جای دخالت اطرافیان در امر فرزندپروری بیشتر به کمک و حمایت نیازمند می‌باشد. از این‌رو، هرگونه مداخله دیگران که با سرزنش همراه باشد، افزون بر آشفتگی و ناراحتی مادر ممکن است اعتماد به نفس او را کاهش داده و احساس کند توانایی مطلوب را برای پاسخگویی به نیازهای فرزند و پرورش صحیح او ندارد.

### ترجیح جنسیتی

به همراه برجسب جنسیت‌زایی که به زن نسبت می‌دهند، ترجیح جنسیتی فرزندان توسط والدین یا اطرافیان آنها نیز مطرح می‌شود. در واقع ترجیحات جنسیتی تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه شکل می‌گیرد و طبق یافته‌هایی که از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به دست آمد، تمایل اجتماعی و فرهنگی در جامعه به داشتن فرزند پسر بیشتر است. مریم در این باره بیان می‌کند:

«من تفاوت را دیده‌ام. چون دو زایمان با دو جنسیت متفاوت داشتم. واقعاً همه از فرزند پسر خوشحال می‌شن و مادر هم چون تونسته این انتظار رو برآورده کند، خوشحاله و فرزند دومم که دختر بود کاملاً نگاه و برخورد دیگران متفاوت بود. زیاد توجهی به دخترم



نداشتند و وقتی من قربون صدقه‌ش می‌رفتم تعجب می‌کردند و انتظارش رو نداشتند. حتی اطرافیانم هم می‌گفتن انگار دخترت بعد ۱۲ پسر اومده که انقدر بوسش می‌کنی» مطابق با باورهایی که میان اکثریت افراد جامعه وجود دارد، هنوز گرایش خانواده‌ها به داشتن فرزند پسر بیشتر است (فروتن و همکاران، ۱۳۹۳). حفظ نام‌خانوادگی، نان‌آور بودن و در اصطلاح عصای دست پدر و مادر در دوران پیری از مهم‌ترین دلایل ترجیح جنسیتی فرزند پسر است. عواملی که به این ترجیحات جنسیتی و برتری فرزند پسر دامن می‌زنند عبارتند از:

۱. پیروی از سنت‌های فرهنگی در زمینه ترجیح جنسیتی: عوامل فرهنگی و تاریخی در جامعه، پیروی از سنت‌های گذشته را ضروری می‌دانند. از نظر سنتی، فرزند پسر باعث بقای نسل یک خاندان می‌شود. زیرا نام‌خانوادگی از جانب پسر به نسل‌های بعد منتقل خواهد شد.
۲. وجود موانع اجتماعی: از دیدگاه افراد جامعه وجود امنیت بیشتر برای فرزند پسر، محدودیت دختر برای ورود به برخی اماکن عمومی و آزادی پسر در نوع پوشش و رفتار سبب می‌شود خانواده‌ها رغبت بیشتری را نسبت به داشتن پسر داشته باشند.
۳. نگاه اقتصادی: از منظر اقتصادی فرزند پسر در تولید و ماندگاری ثروت در خانواده نقش بهتری را ایفا می‌کند. در واقع طبق دیدگاه اقتصادی پسران منبع درآمد و دختران مصرف‌کننده درآمد هستند و همین امر گرایش خانواده را به داشتن فرزند پسر افزایش می‌دهد (کلباسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴).

### صرفه‌جویی مالی مادر

از دیگر توقعاتی که از سوی مردم جامعه بر مادر حادث می‌شود این است که مادر سعی کند چشم‌داشت مالی خود را کاهش داده و هزینه کمتری را نسبت به سایر اعضا بر اقتصاد خانواده تحمیل کند. زینب در این رابطه می‌گوید:

«تو جامعه ما معمولاً آگه یه خانم بخواد یه لباس ساده یا یه وسیله برای خودش بخره می‌گن زیاد ول‌خرجی نکنی. کلاً تو جامعه ما جا افتاده هر چیز که یه زن یا خانم مخصوصاً آگه خونه‌دار باشه واسه خودش خرج کنه ول‌خرجیه و باید کم‌توقع‌تر باشه، منم بعضی

وقتا که می‌خواهم به لباس یا وسیله برای خودم بخرم، همه می‌گویند نباید می‌خریدی پس انداز کن که بخوایم بیجت رو ببرین دکتر دچار مشکل نشین» چنین انتظاری، در رابطه با صرفه‌جویی مالی مادر و عدم ول‌خرجی او حتی در موارد ضروری وجود دارد. علاوه بر این مادر احساس می‌کند تنها اگر هزینه‌ای از جانب او بر اقتصاد خانواده وارد شود موجب زیان شده و بر برنامه‌ریزی پس‌اندازی خانواده تأثیر منفی می‌گذارد.

### موقعیت اجتماعی متزلزل مادر

به‌طور کلی حجم توقعات و انتظاراتی که از جانب افراد جامعه و همچنین قواعد اجتماعی و فرهنگی وجود دارد در ایجاد یک موقعیت اجتماعی لرزان برای مادر اثرگذار خواهد بود. سارا در این باره معتقد است:

«مهم‌ترین چیزی که در رابطه با فرودستی زنان وجود دارد این است که توقع از مادر، تو جامعه و فرهنگ ما زیاده و توجه و اهمیت به مادر و زحمتهایی که می‌کشد خیلی کم است. به مادر تو فرهنگ ما باید به امور مربوط به خانواده رسیدگی کنه، به بچه‌ها برسه و تربیت‌شون کنه، اگه دچار مشکل و بیماری شدن این مادره که باید بهشون برسه. در صورتی که اگه به مادر دچار مشکل و بیماری بشه یا باید ضعف، بیماری و خستگی رو بروز نده، یا بازم از توقع دارن که بیاد و بهش برسه و مواظبش باشه. اگه هم مادر نداشته مثل من خودش باید از پس کاراش بر بیاد و کسی بهش توجه نمی‌کنه. به‌خاطر همین من همیشه می‌گم آدمی که مادر نداره انگار هیچ کسی رو نداره»

منظور از موقعیت اجتماعی اعطای مقامی که در سلسله مراتب کیفی کل جامعه‌ای فرد به استناد مجموع ارزیابی‌ها از هر یک از پایگاه‌هایی که احراز کرده و پاداش‌هایی که عایدش گردیده، می‌باشد (کوزر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). آنچه برای نقش مادری مطابق تعریف ارائه شده وجود دارد این است که علی‌رغم این‌که مادر در انجام مسئولیت خود بیشترین تلاش را دارد، اما در ارزیابی‌هایی که در اجتماع و فرهنگ نسبت به او ارائه می‌شود، نه‌تنها پاداش زیادی به او تعلق نمی‌گیرد، بلکه همواره

<sup>۱</sup>. Coser





انتظارات و توقعات نسبت به نقشی که دارد اعمال می‌شود که این خود موجب موقعیت اجتماعی متزلزل مادر در جامعه می‌گردد.

### فراهم‌سازی بسترهای حمایتی عاطفی

کلیه مواردی که تا بدین جا توضیح داده شد بیشتر در رابطه با چالش‌هایی بود که از سوی جامعه و فرهنگ به مادران عارض شده و زمینه را برای دغدغه‌مندی و فشار روانی- جسمانی آنها فراهم آورده است. در واقع وجود برخی قواعد اجتماعی و باورها و رسوم فرهنگی در ایجاد محدودیت برای مادران و تزلزل موقعیت اجتماعی آنها نقش داشته است. در کنار چالش‌های مطرح شده توسط مادران، مؤلفه‌هایی نیز بیان گردید که توجه به آنها می‌توانست در کاهش حساسیت مادر و تقلیل فرسایش جسمانی/روانی او تأثیر بسیاری داشته باشد. طبق صحبت‌هایی که مادران در طول مصاحبه داشتند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین انتظار آنها در تعاملات اجتماعی و فرهنگی خود، حمایت و درک عاطفی دیگران نسبت به قرارگیری او در یک موقعیت جدید به نام مادری است. مریم در این باره می‌گوید:

«بیشتر به این احتیاج دارن که بقیه درک‌شون کنند و بهشون اهمیت بدن. چون خودشون

رو ضعیف می‌بینن و همراهی دیگران باهاشون مؤثره»

حمایت عاطفی به معنای احساس ذهنی تعلق داشتن، پذیرفته شدن، ارزشمند واقع شدن و مورد عشق و محبت قرار گرفتن به کار می‌رود. در واقع حمایت عاطفی این امکان را فراهم می‌کند که شخص احساس ارزشمندی کند (موسوی و قلی‌نسب، ۱۳۹۸: ۵۵؛ تیلور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۸۹ و سارافینو و اسمیت<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). چنین احساسی از ارزشمندی، در رابطه با مادر نیز صدق پیدا می‌کند زیرا او به‌واسطه فرزندار شدن، تغییراتی در زندگی فردی و اجتماعی‌اش احساس می‌کند و خود را نسبت به این تغییرات ضعیف و بی‌تجربه می‌بیند. بنابراین حمایت عاطفی اطرافیان و جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند در افزایش اعتماد مادر به ارزشمند بودن، نقش فراوانی می‌تواند داشته باشد.

<sup>۱</sup>. Teylor

<sup>۲</sup>. Sarafino & Smith

### ضرورت تساوی و عدالت محوری حقوق جنسیتی

علاوه بر نیازمندی زن به حمایت اجتماعی و فرهنگی، او در اختصاص عدالت محوری در زمینه حقوق و قوانین جنسیتی نیز گرایش زیادی از خود نشان می‌دهد. زینب در این باره معتقد است: «تو جامعه ما زنان همیشه به عنوان قشر اصلی شمرده نمی‌شن و در گوشه قرار می‌گیرن و باید تابع و تمکین مرد باشن. در حالی که هیچ قانونی وجود نداره که مردها هم باید از همسر خودشون تبعیت داشته باشن و همه چی باید متقابل باشه»

به این ترتیب از آنجا که جامعه ما نمونه‌ای از یک جامعه مردسالار را به نمایش می‌گذارد و حضور و فعالیت مردان در بخش‌های مختلف اجتماع بیشتر است، قواعد و قوانین اجتماعی به این قشر نگاه حمایت‌کننده‌تری داشته‌اند. در واقع آن‌ها معتقدند که قشر زنان دارای یک هویت حاشیه‌ای در جامعه بوده و خواهان اصلاح حقوق و قوانین جنسیتی و اتخاذ مساوات و برابری حقوق جنسیتی هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر سعی داشت پویایی‌های قواعد اجتماعی و باورهای فرهنگی در قالب ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و نقش آن را در زندگی مادران مورد مطالعه قرار دهد. در واقع به دنبال آن بود که نمودی که این ساختارها بر دغدغه‌مندی مادران دارند را نمایان سازد. به این ترتیب میدان این پژوهش فضای زندگی خانوادگی بود که مادر به عنوان عضوی فعال در آن به نقش‌آفرینی می‌پردازد. روش ما در پژوهش مربوطه، روش انتقادی کارسپیکن بود که محققان با وسواس و مشارکت فعال سعی نمودند وضعیت موجود را تشریح کنند. در مرحله بعد، سؤالات مربوط به مصاحبه‌های پژوهش بر اساس پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته و نظریه‌های مرتبط و برداشت‌های حاصل از مشاهده غیرمشارکتی، طرح شد. در این مسیر، مصاحبه عمیق با مادران دارای فرزند زیر دو سال صورت پذیرفت. پس از انجام مصاحبه‌ها، اطلاعات حاصله در قالب مقولاتی تحت عنوان یافته‌های پژوهش جمع‌آوری گردید. پس از تحلیل داده‌ها، محققین به ۲۸ مقوله فرعی و ۱۵ مقوله اصلی رسیدند که عبارتند از: فرسایش جسمانی / روانی مادر، دغدغه‌مندی‌های رشد کودک، تعدد نیاز با



افزایش سن فرزند، ضرورت توازن رفتاری و رفاهی والدین با فرزندان، حساسیت مادر به واسطه کنترل ناپذیری فرزند، آشفتگی در تدبیر امور منزل، مسئولیت استرس‌زای مادر شاغل، تکلیف‌محوری فرزندپروری بر مادر، قدرت مرزهای جنسیتی در عمل، محدودیت‌های فراغتی/شغلی، مداخلات دیگران قاضی، ترجیح جنسیتی، صرفه‌جویی مالی مادر و موقعیت اجتماعی متزلزل مادر، فراهم‌سازی بسترهای حمایتی عاطفی و ضرورت تساوی و عدالت‌محوری حقوق جنسیتی.

همان‌طور که قبلاً یادآور شدیم توجه به نقش مادری و بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن، یک مسئله جدید به حساب می‌آید که تحقیقات اندکی در این زمینه صورت گرفته است. با این حال بر اساس تحقیقات انجام شده، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تأثیر زیادی بر نقش مادری داشته‌اند. نتایج به دست آمده از پژوهش با بخشی از پژوهش‌های پیشین هماهنگی و مطابقت دارد؛ چنان‌چه متناسب با تحقیقات اسعدی و همکاران (۱۳۸۴)، بورنستاین (۲۰۱۲) و گلن (۲۰۱۵) نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر شیوه فرزندپروری والدین به چشم می‌آید. علاوه بر این، به سان پژوهش‌های رحمت‌اللهی و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی و همکاران (۱۳۹۷) و موسوی و قلی‌نسب (۱۳۹۸) حمایت اجتماعی و عاطفی از مادران در تقویت احساس خودکارآمدی و افزایش عزت‌نفس مادران نقش دارند. یافته‌های پژوهش درباره تأثیر باورهای اجتماعی و عمومی بر موقعیت اجتماعی زنان با مطالعه احمدی و همکاران (۱۳۹۸) همسوئی دارد. مطابق تحقیق تونی (۲۰۱۱) نیز سلامت روانی مادران در فرزندپروری اهمیت دارد و این‌که فرسایش جسمانی/روانی مادر می‌تواند خطراتی به دنبال داشته باشد. در نهایت برابر مطالعه سونگ و همکاران (۲۰۱۵) وضع قوانین سازنده بر برنامه‌های کاهش استرس برای مادران اثرگذاری مطلوب دارند.

به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان داد مادران مشارکت‌کننده در پژوهش، به واسطه شرایطی چون فرسایش جسمانی/روانی به وجود آمده با پذیرش مادری، دغدغه‌مندی‌های فرزندپروری، وضعیت خدمات رفاهی خانواده، اختلال در نظم کارهای منزل، مسئولیت سنگین مادر شاغل، تکلیف فرزندپروری بر مادر، قدرت مرزهای جنسیتی، محدودیت‌های فراغتی/شغلی، مداخلات قضاوت‌کننده دیگران، وجود افکار ترجیح جنسیتی فرزندان در خانواده‌ها، اعتقاد به صرفه‌جویی مالی مادر و موقعیت اجتماعی متزلزل نقش مادری، با چالش‌ها و مشکلاتی من‌باب نقش مادرانگی

خود مواجه شده که زمینه را برای تزلزل ابعاد روانی شخصیت آنها فراهم آورده است. در واقع طبق نظریه‌های دورکیم و مید، قواعد اجتماعی و باورهای فرهنگی در نوع کنش و رفتار افراد جامعه تأثیر زیادی خواهد داشت. لذا در رابطه با نقش مادران نیز نقش‌آفرینی ساختارها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی بی‌تأثیر نبوده و متناسب با مقولاتی که به‌دست آمد مادران از دغدغه‌مندی‌هایی که به‌واسطه این ساختارها بر نقش آنها عرضه شده است، احساس گله‌مندی داشتند و آنها را عامل رنجیدگی و فشار روانی خود می‌دانستند و خواهان حمایت‌های عاطفی، عدالت‌محوری جنسیتی و تصویب قوانینی در اهمیت دادن به نقش اجتماعی و فرهنگی‌شان بودند.

همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان داد، نقش مادرانگی توأم با چالش‌ها و محدودیت‌هاست و قواعد و مناسبات اجتماعی و فرهنگی در مطالبه وظایف و تعریف انتظارات از این نقش، اثرگذارند. با وجود آن‌که، این قواعد و ساختارها از پیشینه فرهنگی-تاریخی ریشه‌داری برخوردارند، اما تغییرات شتابان اجتماعی در جوامع معاصر مانند جامعه ایران، سطح انتظارات بعضاً متعارض و متناقضی را در ایفای نقش مادری پدید آورده و در نتیجه، فشارهای روانی و اجتماعی بر نقش مادری را مضاعف نموده است. در این شرایط، واکاوی و شناخت این چالش‌ها و دغدغه‌های فردی و اجتماعی مادران برای حفظ و تقویت شأن و منزلت احترام‌انگیز مادر در تحقیقات آینده ضرورت دارد. همچنین، بر پایه نتایج تحقیق ضرورت دارد سیاست‌های اجتماعی به‌منظور تسهیل و بهبود بسترهای حمایتی و عاطفی از مادران طراحی و تدوین شود. علاوه بر این، بسترهای اجتماعی و فرهنگی موجود جامعه، به‌نحو مؤثرتری در جهت ابقاء و ارتقاء منزلت مادر، به‌عنوان یک نقش پرافتخار در فرهنگ ایرانی-اسلامی به خدمت گرفته شوند.

#### قدردانی:

نویسندگان مقاله از همکاری صبورانه تمامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر و همچنین از پیشنهادات اصلاحی داوران پایان‌نامه و داوران ناشناس مقاله حاضر، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایند.



## منابع

- ابوالقود، لیلا. (۱۳۹۳). آیا زنان مسلمان نیاز به رهایی بخشی دارند؟ ترجمه مهسا شیخان. سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، <https://anthropologyandculture.com>.
- احمدی، زهرا، اشرافی، فاطمه، سیدفاطمی، نعیمه و حقانی، حمید. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط حمایت اجتماعی با غم مادری و خودکارآمدی مادران نخست‌زای دارای نوزاد نارس بستری در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان. *پرستاری کودکان*، ۴، ۷۴-۸۰.
- احمدی، یعقوب، فیضی، زبانو و حکیمی‌نیا، بهزاد. (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی موقعیت اجتماعی زنان مبتنی بر مؤلفه‌های اجتماعی - سیاسی (مورد مطالعه: زنان شهر سنندج). *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۶(۶۱)، ۱-۱۷.
- اسعدی، سیدمحمد، شاه‌منصوری، نازیلا، محمدی، محمدرضا، رضاعی، فرزین و جی سمتانا، جودیت. (۱۳۸۴). رابطه متغیرهای فرهنگی - اجتماعی و نحوه تعامل والدین با نوجوانان در ایران. *تازه‌های علوم شناختی*، ۷(۴)، ۲۸-۳۵.
- اکبرزاده، مرضیه، شریف، فرخنده، زارع، نجف و قدرتی، فاطمه. (۱۳۸۸). بررسی شیوع علائم اضطراب و غم پس از زایمان و عوامل مؤثر بر آن در خانم‌های دارای حاملگی پرخطر. *خانواده‌پژوهی*، ۵(۱۷)، ۵۷-۷۱.
- انتظاری، علی و مرضیه افضلی. (۱۳۹۹). مادری: سنخ‌ها، معانی و انگیزه‌ها. *مطالعات جنسیت و خانواده*، ۸(۱)، ۴۱-۷۰.
- براتی، شهناز؛ مرادخانی، مهتری؛ و عنایت، حلیمه. (۱۳۹۳). تقسیم‌کار جنسیتی از دیدگاه اسلام. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۲)، ۱۳۹-۱۵۴.
- تقدسی، محسن، فهیمی‌فر، آمنه، حاجی‌رضایی کاشان، فاطمه و سادات، زهره. (۱۴۰۰). نگرانی‌های دوران بارداری در مادران نخست‌زا: یک مطالعه آنالیز محتوای کیفی. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران*، ۹(۴)، ۴۰۹-۴۲۲.
- خرمی‌راد، اشرف، موسوی لطفی، سیده مریم و شعوری بیدگلی، علیرضا. (۱۳۸۹). شیوع افسردگی پس از زایمان و عوامل همراه با آن در شهرستان قم. *پژوهنده*، ۱۵(۲)، ۶۲-۶۶.

- رحمت‌الهی، نرگس،، خدابخشی کولایی، آناهیتا، منصور، لادن و پوراابراهیم، تقی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه خشونت جسمی و کلامی - عاطفی تجربه‌شده و حمایت اجتماعی ادراک شده با افسردگی پس از زایمان در زنان. *سلامت اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۴۸-۱۳۹.
- سراج‌زاده، سیدحسین و جواهری، فاطمه. (۱۳۸۵). برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲(۲)، ۴۰-۳.
- سراقی، همایون، منیرپور، نادر، احمدی، محمدرضا و حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری بر اساس متون دینی. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۴)، ۳۴-۱۳.
- صادقی، رسول و زهرا شهابی. (۱۳۹۸). تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۱)، ۱۰۴-۹۱.
- عاشوری، نازیری، کردی، معصومه، شاکری، محمدتقی و تارا، فاطمه. (۱۳۹۷). خونریزی بعد از زایمان واژینال: بروز، علل و عوامل خطر. *مجله زنان، مامائی و نازایی ایران*، ۲۱(۱۲)، ۷۶-۶۵.
- علی‌نقیان، شیوا، رفعت‌جاه، مریم و ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۹۹). از مادر که حرف می‌زنیم، از چه کسی حرف می‌زنیم: خودمردم‌نگاری برساخت اجتماعی مادری در شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۸(۳)، ۱۴۴-۱۰۷.
- فروتن، یعقوب، سعیدی مدنی، سیدمحسن، عسکری ندوشن، عباس و اشکاران، ربابه. (۱۳۹۳). الگوها و تعیین‌کننده‌های ترجیح جنسیتی در شهرستان نکا، استان مازندران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۹(۱۷)، ۱۹۷-۱۷۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- قمری، محمد. (۱۳۸۸). خانواده و تأثیر آن بر تحولات دوران نوجوانی. *علوم رفتاری*، ۱(۲)، ۱۴۱-۱۳۳.
- کلباسی، فهیمه، هاشمیان، بهزاد، احمدی سرابی، ایمان و نیک‌بخش، سهیلا. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی نگرش والدین نسبت به ترجیح جنسی ترجیح‌مند بر اساس نظریه GT. *زنان و خانواده*، ۴(۵۰)، ۲۶-۷.



گرگی، عباس و گودرزی، سعید. (۱۳۹۸). درآمدی بر بنیان‌های فلسفی و روش‌شناختی مردم‌نگاری انتقادی؛ با تأکید بر مردم‌نگاری انتقادی کارسپیکن. *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۹(۴)، ۱۳۹-۱۷۲.

محسنی، مریم، تقفی، زهرا و اسماعیل‌زاده، شایسته. (۱۳۸۸). تحول نقش مادران: یک استرس مهم دوران پس از زایمان (پژوهش کیفی). *سلامت جامعه*، ۳(۴)، ۵۲-۴۴.

موسوی، سیده‌فاطمه و قلی‌نسب قوجه‌بیگلو، رقیه. (۱۳۹۸). نقش حمایت عاطفی و خود تعیین‌گری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان متأهل. *مطالعات زن و خانواده*، ۷(۱)، ۷۱-۵۱.

Abbott, P., Tyler, M. & Wallace, C. (2006). *An Introduction to Sociology: Feminist Perspectives*. Routledge.

Abu-Lughod, L. (1393). Do Muslim women need emancipation? Translated by Mehsa Sheikhan. Anthropology and Culture website, <https://anthropologyandculture.com>. (In Persian)

Ahmadi, Y., Feizi, Z. & Hakiminya, B. (2019). Sociological study of the social status of women based on socio-political components (case study: women in Sanandaj). *Journal of Socio-Cultural Changes*, 16(2), 1-17. (In Persian)

Ahmadi, Z., Ashrafi, F., Seyed Fatemi, N. & Haqani H. (2018). Relationship between social support with self-efficacy and blues maternity among nulliparous mothers with premature infants admitted to the neonatal intensive care unit. *Journal of Pediatric Nursing*, 4(4), 74-80. (In Persian)

Akbarzadeh, M., Sharif, F., Zare, N. & Ghodrati, F. (2009). Prevalence of symptoms post-partum anxiety and baby blues and factors effective upon it in women with high risk pregnancies. *Journal of Family Research*, 5(1), 57-71. (In Persian)

Alinaghian, S., Rafat Jah, M. & Vedadhir, A. (2020). What we talk about when we talk about mothering: Social construction of mothering in Tehran. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(3), 107-144. (In Persian)

Ashouri, N., Kordi, M., Shakeri, M. T. & Tara, F. (2019). Vaginal delivery postpartum hemorrhage: Incidence, risk factors, and causes. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 21(12), 65-76. (In Persian)

Assadi, M., Shahmansouri, N., Mohammadi, M. R., Rezaie, F. & Smetana, J. (2006). The correlation between socio-cultural context and adolescent-parent relationship in Iran. *Advances in Cognitive Sciences*, 7(4), 28-35. (In Persian)

- Barati, S., Moradkhani, M. & Enayat, H. (2014). Gender division of labor in Islam. *The Islamic Journal of Women and the Family*, 2(1), 139-154. (In Persian)
- Bornstein, M. H. (2012). Cultural approaches to parenting. *Parenting: Science and Practice*, 12(2-3), 212-221.
- Carspecken, F. P. (2013). *Critical Ethnography in Educational Research: A Theoretical and Practical Guide*. Routledge.
- Cook, K. E. (2005). Using critical ethnography to explore issues in health promotion. *Qualitative Health Research*, 15(1), 129-138.
- Coser, L. A. (2012). *Masters of Sociological Thought*. Rawat Publications.
- Crago, M. B., Annahatak, B. & Ningiuruvik, L. (1993). Changing patterns of language socialization in inuit homes. *Anthropology & Education Quarterly*, 24(3), 205-223.
- Duranti, A. (2003). Language as culture in U.S. anthropology: Three paradigms. *Current Anthropology*, 44(3), 323-347.
- Entezari, A. & Afzali, M. (2020). Motherhood: Types, meanings and motivations. *Gender and Family Studies*, 8(1), 41-70. (In Persian)
- Fakouhi, N. (2002). *History of Thought and Theories of Anthropology*. Tehran, Nashr-e Ney. (In Persian)
- Foley, D. E. (2002). Critical ethnography: The reflexive turn. *International Journal of Qualitative Studies in Education*, 15(4), 469-490.
- Foroutan, Y., Saeidi Madani, M., Askari-Nodoushan, A. & Ashkaran, R. (2014). Gender preferences in Neka, Mazandaran province: Patterns and determinants. *Journal of Population Association of Iran*, 9(17), 171-197. (In Persian)
- Ghamari, M. (2010). The family effects on changes during adolescence. *Journal of Behavioral Sciences*, 1(2), 133-141. (In Persian)
- Giddens, A. (2009). *Sociology* (6th ed.). Cambridge: Polity Press.
- Ginsburg, F. D., Rapp, R. (Ed.). (1995). *Conceiving the New World Order: The Global Politics of Reproduction*. Berkeley: University of California Press.
- Glenn, A. D. (2015). Using online health communication to manage chronic sorrow: Mothers of children with rare diseases speak. *Journal of Pediatric Nursing*, 30(1), 17-24.
- Gorgi, A. & Goodarzi, S. (2018). An introduction to philosophical and methodological foundations of critical ethnography; emphasizing carspecken critical ethnography. *Iranian Journal of Sociology*, 19(4), 139-158. (In Persian)



- Guardado, M. (2018). *Discourse, Ideology and Heritage Language Socialization*. De Gruyter Mouton.
- Hrdy, S. B. (2000). *Mother Nature: Maternal Instincts and How They Shape the Human Species*. New York: Ballantine Books.
- Inglehart, R. (1990). *Culture Shift in Advanced Industrial Society*. Princeton University Press.
- Kalbasiifahani, F., Hashemian, B., Ahmadi Sarayi, I. & Nikbakhsh, S. (2020). A sociological analysis of parental attitude towards preferential gender preference based on G.T. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 14(50), 7-26. (In Persian)
- Khorramirad, A., Lotfi, M. M. & Bidgoli, A. S. (2010). Prevalence of postpartum depression and related factors in Qom. *Pajoohandeh Journal*, 15(2), 62-66. (In Persian)
- Kitzinger, S. (1978). *Women as Mothers*. Glasgow, UK: Fontana.
- Lesthaeghe, R. (2010). The Unfolding Story of the Second Demographic Transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Lesthaeghe, R. (2020). The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update. *Genus*, 76(1), 10.
- Liu, Y., Heron, J., Hickman, M., Zammit, S. & Wolke, D. (2022). Prenatal stress and offspring depression in adulthood: The mediating role of childhood trauma. *Journal of Affective Disorders*, 297, 45-52.
- Mohseni, M., Saghafi, Z. & Esmaeilzadeh, S. (2017). Mothers role transition: An important stress during postpartum period (a qualitative study). *Community Health Journal*, 3(4), 44-52. (In Persian)
- Mousavi, S. F. & Gholinasab Ghoje Beigloo, R. (2019). The role of emotional support and self-determination in prediction of marital conflicts among married women. *Journal of Woman and Family Studies*, 7(1), 51-71. (In Persian)
- Osnes, R. S., Eberhard-Gran, M., Follestad, T., Kallestad, H., Morken, G. & Roaldset, J. O. (2020). Mid-Pregnancy insomnia is associated with concurrent and postpartum maternal anxiety and obsessive-compulsive symptoms: A prospective cohort study. *Journal of Affective Disorders*, 266, 319-326.
- Rahmatollahi, N., Khodabakhshi-Koolaei, A., Mansoor, L. & Pour-Ebrahim, T. (2015). The relationship between experiencing physical and emotional-verbal violence and perceived social support with postpartum depression among women. *Community Health Journal*, 2(2), 139-148. (In Persian)

- Rai, S., Pathak, A. & Sharma, I. (2015). Postpartum psychiatric disorders: Early diagnosis and management. *Indian Journal of Psychiatry*, 57(2), S216.
- Ruddick, S. (1995). *Maternal Thinking: Toward a Politics of Peace*. Beacon Press.
- Sadeghi, R., & Shahabi, Z. (2019). The paradox of work and mothering: The experience of transition to motherhood of employed women. *Journal of Applied Sociology*, 30(1), 91-104. (In Persian)
- Sarafino, E. P. & Smith, T. W. (2014). *Health Psychology: Biopsychosocial Interactions*. John Wiley & Sons.
- Serajzadeh, S. & Javaheri, F. (2006). Gender egalitarian attitude among university students and its related contextual and attitudinal variables. *Iranian Journal of Sociology*, 7(2), 3-40. (In Persian)
- Song, J. E., Kim, T. & Ahn, J. A. (2015). A systematic review of psychosocial interventions for women with postpartum stress. *Journal of Obstetric, Gynecologic & Neonatal Nursing*, 44(2), 183-192.
- Soraghi, H., Monirpoor, N., Ahmadi, M. R. & Hasanabadi, H. R. (2015). The mother from view of Islam and psychology and determining the components of mother's role based on religious texts. *The Islamic Journal of Women and Family*, 3(1), 13-43. (In Persian)
- Stewart, L. & Usher, K. (2007). Carspecken's critical approach as a way to explore nursing leadership issues. *Qualitative Health Research*, 17(7), 994-999.
- Taghadosi, M., Fahimifar, A. & Sadat, Z. (2021). Pregnancy worries in nulliparous women: A qualitative content analysis study. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 9(4), 409-422. (In Persian)
- Taylor, S. E. (2011). Social Support: A Review. In H. S. Friedman (Ed.), *The Oxford Handbook of Health Psychology* (pp. 189–214). Oxford.
- Van De Kaa, D. J. (1987). Europe's second demographic transition. *Population Bulletin*, 42(1), 1-59.
- Walks, M. (2010). *An Anthropology of Mothering*. In A. O'Reilly (Ed.), *Encyclopedia of Motherhood*. Sage Publication Inc.
- Walks, M. & McPherson, N. (Eds.). (2011). *An Anthropology of Mothering*. Demeter Press.





### نویسندگان

faezehjafari1997@gmail.com

فائزه جعفری سیریزی

دانشجوی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان در رشته مردم‌شناسی با عنوان "رنج‌های مادری: یک مردم‌نگاری انتقادی" به انجام رسیده و از تحلیل‌ها و نتایج آن مقالاتی در دست انتشار است.

aaskarin@yazd.ac.ir

عباس عسکری‌ندوشن

دانشیار جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد است. علائق پژوهشی ایشان بر نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با ازدواج و روابط بین‌نسلی و بین‌جنسیتی خانواده بوده است. همچنین بخشی از پژوهش‌های ایشان بر ابعاد مختلف جمعیت‌شناسی ایران متمرکز بوده است.

aliruhani@yazd.ac.ir

علی روحانی

دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد است که پژوهش کیفی در فرهنگ ایرانی از جمله علائق پژوهشی ایشان است و مطالعات گسترده‌ای در این زمینه به انجام رسانده‌اند.

داوران این شماره

اسامی داوران	نام دانشگاه
خدیجه سفیری	استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)
سعیده گروسی	دانشیار دانشگاه کرمان
علی بوداقلی	استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز
اکبر طالب پور	دانشیار دانشگاه الزهرا (س)
افسانه توسلی	دانشیار دانشگاه الزهرا (س)
فاطمه فیاض	استادیار پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س)
مریم صیاد شیرازی	استادیار پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س)
حجیه بی بی رازقی نصرآباد	دانشیار پژوهشگاه تحقیقات جمعیت کشور
مهسا لاریجانی	استادیار دانشگاه الزهرا (س)
الهام شیردل	دکتری جامعه شناسی
سولماز دبیری	استادیار دانشگاه سمنان
محبوبه موسیوند	استادیار دانشگاه الزهرا (س)
مهرنوش فروتن	دکتری جامعه شناسی
عهدیه اسدپور	دکترای جامعه شناسی